

دولتخواه

شهرستانی حمایت کنید

ما علی جواب می دهیم

ما راهکار اقتصادی داریم

آیا مسئولی حاضر است حمایت کند؟

Biological method for wastewater treatment

نخبگان پول نمی خواهند، کار نمی خواهند حمایت می خواهند

اصل ۲۴ قانون اساسی: فسران و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه محل به مبانی عمومی باشد اسلام یا حقوق تفخیر آن را قانون تعیین می کند.

وَقُلْ لِلدِّينِ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱) وَاَنْتُمْ وَاِنَّا عَسْطُرُونَ (۱۲۲)

و به آن ها که ایمان نمی آورند بگو هر چه در قدرت دارید انجام دهید ما هم انجام می دهیم و انتظار بکشید ما هم منتظریم





داده‌خواه

فصلنامه اجتماعی/فرهنگی

سال اول / شماره دوم / اسفند ۹۷

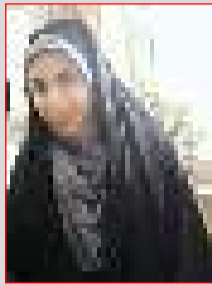
روزنامه

اسماعیل جانجانی فرزند احمد
از نویسندگان شهر فرسفج
دارای مدرک کارشناسی ارشد
مدیر مسئول نشریه داده‌خواه
مدیر مسئول انتشارات دادآفرید
مؤلف کتب فقهی حقوقی و اجتماعی



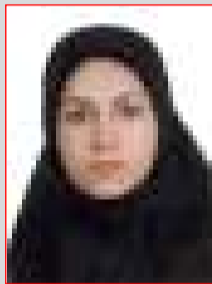
روزنامه

لیلا لطفی پور سیاهکلرودی فارغ
التحصیل حقوق خصوصی از دانشگاه
تهران شمال
مؤلف کتب حقوقی
مشاور حقوقی
مدیر اجرایی مجله داده‌خواه
نماینده حقوق انتشارات دادآفرید
استاد دانشگاه



روزنامه

فریبا رئیسی
مدیر مسئول انتشارات رزا
سر دبیر مجله پرشنگ
مدیر مسئول مجله رویای سپید
مشاور در حوزه اختلالات یادگیری
مدرس ریاضی



با تشکر:

حجه الاسلام والمسلمین علی کاروند /

رئیس تبلیغات اسلامی شهرستان نویسندگان

جناب آقای مرادی /

رئیس محترم کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان نویسندگان

جناب آقای دکتر مسعود عبدالمنافی و سرکار خانم معصومه معینی /

اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

جناب آقای هومن بصیری /

رئیس آموزش و پرورش قفقورود

جناب آقای وحید الوندی /

خبرنگار ارزشمند نویسندگان

حجه الاسلام والمسلمین حاج محمد محدثی /

امام جماعت سلفچگان

عنوان:

داده‌خواه

کلید عنوان:

Dadkhah (Tehran)

شماره شاپا:

۲۶۴۵-۵۷۹۸

ناشر: تهران:

اسماعیل جانجانی

کد پیکری:

۵۵۳۵۱۵۲

تاریخ تخصیص شماره

تاریخ درخواست: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

درخواست کننده: اسماعیل جانجانی

صاحب امتیاز: اسماعیل جانجانی

مدیر مسئول: اسماعیل جانجانی

سر دبیران: اکرم زندبار / دکتر روح الله رحمتی

مشاور: آسیه جانجانی

نماینده حقوقی: لیلا لطفی پور سیاهکلرودی

طراح و صفحه آرا: پرستو شاهانی

مدیر اجرایی: لیلا لطفی پور سیاهکلرودی

مدیر داخلی و سرپرست تحریریه: فریبا رئیسی

ناظر فنی چاپ: اکرم زندبار

داوران: دکتر روح الله رحمتی / دکتر مسعود عبدالمنافی / دکتر علی اکبر خاکزاد /

دکتر حسن رضا خلجی / دکتر اسماعیل شادروان / دکتر علی زمانی تبار

هیئت تحریریه: اسماعیل جانجانی / معصومه معینی / لیلا لطفی پور سیاهکلرودی /

دکتر علی اکبر خاکزاد / دکتر حسن رضا خلجی / دکتر مسعود عبدالمنافی / دکتر روح الله رحمتی /

زهرا ترکاشوند

ایمیل: dadkhahmag@gmail.com

سایت: www.dadkhahmag.ir

آدرس دفتر مرکزی: تهران - نواب صفوی - محبوب مجاز - کوچه طاهری - پلاک ۱ - طبقه ۲

آدرس: نویسندگان - فرسفج - ساختمان دارالقرآن

شماره تماس: ۰۹۱۸-۶۳۱۵۹۳۰ / ۰۹۱۹-۸۹۰۹۸۴۰

خداوند عادل را سپاسگزارم که توفیق انتشار فصلنامه فرهنگی اجتماعی دادخواه را به ما عنایت فرمود. انتشار نشریه ای که بتواند علاوه بر بسط مقالات پژوهشی، بستری برای جمع آوری آرا و نظرات همکاران را در حوزه های مختلف فراهم آورد.

آرزویی دور از دسترس می نمود که با همت والا و عزم راسخ همکاران و عبور از راه پر پیچ و خم دریافت مجوز، مذاکره بی وقفه برای جلب همکاری نویسندگان محترم، ترغیب داوران فرهیخته، راه اندازی وب سایت استاندارد مورد قبول اساتید، جلب نظر مخاطبین گرامی و نیز انجام امور اجرایی آن، همه و همه را میسر ساخت.

انتشار اولین شماره نشریه و استقبال کم نظیر و دور از انتظار مخاطبان و پژوهشگران رشته های مختلف بویژه رشته حقوق، دست اندرکاران نشریه را قوت قلبی وصف ناپذیر بخشید که راه را به درستی انتخاب کرده اند و آن ها را موظف نمود که عزم خود را برای انتشار نشریه ای در خور خوانندگان ارزشمند خود جزم کنند.

از آن جا که اولین نشریه در بوته ی بررسی و آزمایش کمیته های مختلف ارزیابی کمیسیون محترم نشریات قرار داشت و انتظار برای قبولی از آزمون های ریز بینانه آن بزرگواران بس دشوار می نمود تمام همت همکاران بر جذب و جلب نویسندگان و در نهایت انتخاب مقالات وزین برای شماره دوم معطوف شد. سرانجام به لطف پروردگار مهربان از این آزمون نیز سربلند بیرون آمدیم و اکنون برای ارتقاء نشریه آماده ایم مسیری نو را شروع کرده ایم و هدفمان این است که از ظرفیت های گم شده و استعداد های نادیده گرفته شده استفاده کنیم و از همه اشخاص و ادارات خواهشمندیم که موضع گیری نکرده و این کار را بدعت ندانند زیرا فرهنگ ایرانی اسلامی ما قدمتی چند هزار ساله در خصوص فرهنگ و دانش دارد.

این نشریه بدون نقد منصفانه و دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما مخاطبان ارجمند، نمی تواند راه کمال را به سلامت بپیماید، پس منتظر ارتباط متقابل شما می مانیم و به این ارتباط افتخار می کنیم.

در کلام آخر بر خود فرض می دانم از لطف هیات محترم تحریریه، زحمات داوران ارزشمند که از قضات عالی رتبه و بهترین اساتید دانشگاه می باشند، تلاش بی وقفه مدیر اجرایی محترم که بدون همت صبورانه ایشان شاید این همه توفیقات میسر نبود و از پیگیری های مجدانه مدیر محترم داخلی در ساماندهی گردش کار نشریه و سایت، مخلصانه قدردانی کنم و امیدوارم همچنین در این راه ثابت قدم باشند.



و هذا من فضل ربی

مدیر مسئول اسماعیل جانجانی

فهرست

- قانون اساسی ۴
- سرقتی ۵
- نکات مهم در مراجعه به دادگاه ۱۰
- شهادت در کلام ۱۳
- نگرشی فقهی بر بازتاب شروط غیر قابل اجرا در اراده مدنی اشخاص ۱۴
- امنیت فناوری اطلاعات ۲۸
- تاریخچه وحدت و کثرت وجود ۳۱
- تاریخچه «وجود ذهنی» ۳۳
- قدیم ها از دواج شیرین تر بود! ۳۴
- مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستان ۳۵
- نقش رسانه ها در تربیت دینی کودکان ۳۸
- مقایسه کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال یادگیری با کودکان عادی شهرستان شهرکرد ۴۳
- تاثیر اجتماعی انفاق در قرآن ۴۶
- اخلاق اجتماعی از منظر تفسیر المیزان ۵۲
- Biological method for wastewater treatment ۵۹
- مطالب کلیدی ۶۱

قانون اساسی

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگندی مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و سوم

برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود: تامین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. تامین شرایط و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشند. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری، منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و با دیگر معاملات باطل و حرام، منع اسراف و تبذیر در همه شیون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل و ششم

هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل صد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

نویسنده: لیلا لطفی پور سیاهکلودی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و موخره تصویب شد و در همان سال به همه پرسى گذاشته شد و نتیجه آن با رای مثبت اعلام شد. در سال ۱۳۶۸ پس از حکم آیت اله خمینی به آیت اله خامنه ای رئیس جمهور وقت اصلاحاتی در این قانون صورت پذیرفت. این اصلاحات سه ماه پس از درگذشت آیت اله خمینی در همه پرسى به تصویب رسید

در ذیل به بخشی از حقوق فردی در قانون اساسی می پردازیم

حقوق فردی قانون اساسی

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل بیست و سوم: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها،

استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل بیست و هشتم

هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان

اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم

برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

صل سی ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم آورد.

اصل سی و سوم

هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.



اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاه ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.



گفته های ناگفته

مولف: اسماعیل جانجانی

جلد اول

آبرو

۱. آبرو ارزشمندترین چیزی است که انسان دارد زیرا همانند یخی می ماند که درخواست کردن آن را قطره قطره آب می کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می ریزی؟!
 ۲. آبرومند کسی است که همیشه سعی دارد آبروی مردم را حفظ کند گرچه برایش سخت باشد.
 ۳. اگر آبروی دشمنت را نیز حفظ کردی بدان که آرزوی دشمنت آشتی با تو خواهد بود.
 ۴. گاهی افشای اسرار دیگران نزد تو یک آزمون الهی است که آیا می توانی نفس سرکش خود را سرکوب و ایمانت را با نگفتن حفظ کنی.
 ۵. هر کس ذره ای به دیگری بدی کند و خواستار شکست یک انسان پاک باشد چه از جنبه آبرویی یا مالی مطمئناً خداوند متعال وسایل رسوایی و شکست این انسان ها را به طریقی مهیا می کند تا اینان عبرتشنوند، و همه بفهمند که اگر کسی بخواهد به زور مال دیگری را بخورد باید تاوان بدهد اگر کسی بخواهد چشم طمع به ناموس دیگری داشته باشد آبرویش را خدا و خلق خواهد برد.

آداب زندگی

۶. نان مرد نزد دیگری یک قرض است به زبان دیگر اگر نانی از کسی بخوری باید آن را پس دهی.

گفته های ناگفته

۷. کسی که غیر از خدا به کسی دیگر امیدی داشته باشد ابله و نادان است و باید همیشه بگوییم (الهی قد انتنع رجایی عن الخلق و انت رجایی)
۸. اگر انسانی در قدرت به مانند شیر باشد که چنگال و دندانش وحشت آور است ولی از آن استفاده نکند، مثال شغالی است که فقط در شبها فریاد می زند.
۹. آیا تا کنون دقت کرده اید که وقتی بچه ای به دنیا می آید او گریه می کند و همه خوشحال هستند و وقتی کسی می میرد همه گریان هستند و او بسته به عملش.
۱۰. انسان عزت مند اگر از گرسنگی هم بمیرد چیزی از دیگری طلب نمی کند.
۱۱. از گمانهایی که یقین در آن نباشد امتناع کنید زیرا بعضی اوقات گناه است.
۱۲. مردی که عصبانی شود احق است و مردی که نخواهد عصبانی شود عاقل است.
۱۳. همه انسان ها چیزی را می خواهند که در قلب آن حمل می شود.
۱۴. هر کس خود را حقیر شمارد در شمار حکیمان قرار خواهد گرفت.
۱۵. برای اینکه دانش ملکه ذهن قرار بگیرد تعلیم کافی نیست عمل هم لازم است.
۱۶. انسانهایی هستند که می دانند اشتباه می کنند می دانند کلامشان حق نیست ولی بخاطر تعصب بیجا یکسره حرف خود را تکرار می کنند.
۱۷. بهتر است که انسان چیزی را نداند تا اینکه بسیاری از کارها را نیمه تمام بگذارد.
۱۸. دانش بی اندیشه دام است و اندیشه بی دانش بلای جان.
۱۹. دانش اگر ناقص باشد خطرناک است، یا باید تشنه آبی ننوشد تا اینکه جرعه ای کم بنوشد و عطش تازه تر شود.
۲۰. برای انسان ها هیچ وقت زمان سپری نخواهد شد اگر به دنبال جستجوی دانش باشند.

سرقفلی

نویسنده: لیلا لطفی پور سیاهکرودی

در اکثر شغل هایی که در اماکن تجاری فعالیت دارند، محل کار برای اشخاص اهمیت زیادی دارد. بدین صورت که وقتی فردی مغازه ای افتتاح می کند بعد از یک مدت آن محل دارای اعتباری می شود، آن مکان مشتری هایی پیدا می کند، حق سرقفلی ناظر به این حالت است، یعنی حقی که برای صاحب مغازه در خصوص مشتری ها و محل پیدا می شود، چرا که در صورت تغییر محل کار، مستأجر مشتری های خود را از دست می دهد و

بار دیگر باید از صفر شروع کند. با تعریف فوق سرقفلی مفهومی متمایز از حق کسب و پیشه و تجارت دارد و آنچه در قانون روابط موجر و مستأجر آورده شده است سرقفلی نیست بلکه حق کسب و پیشه و تجارت است. با توجه به

تعریف سرقفلی

سرقفلی حقی است معنوی که تاجر بابت تقدّم در اجاره محل و ادامه تجارت در محل کار خود دارد و جزء اموال غیرمنقول است. ارزش برند شرکت، مشتریان وفادار زیاد، روابط خوب با مشتریان، روابط خوب با کارکنان و هر نوع اختراع، حق کپی رایت یا فناوری اختصاصی، نشان دهنده سرقفلی است و به عنوان دارایی نامشهود در نظر گرفته می شود زیرا یک دارایی فیزیکی مثل ساختمان یا تجهیزات نیست. حساب سرقفلی در ترازنامه، در بخش دارایی های شرکت، منعکس می شود



سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت چیست؟

در عرف جامعه ما و بحث های محاوره ای، این دو به یک معنی به کار برده می شوند و گاهی از هم تفکیک می گردند و با معانی مختلف مطرح می شوند؛ اما به طور کلی سرقفلی مبلغی است که مالک (خواه مالک عین باشد یا منفعت) در ابتدای عقد اجاره و جدای از مال الاجاره از مستأجر می گیرد تا محل را به وی اجاره بدهد؛ اما حق کسب و پیشه حقی است که به صورت تدریجی و با مرور زمان برای مستأجر محل به وجود می آید. در نتیجه بعد از اینکه مستأجر کار و فعالیت کرد و مشتری و اعتبار به دست آورد، حقی برای او به وجود می آید که به آن حق کسب و پیشه و تجارت می گویند. لذا این دو در ماهیت کاملاً با هم متفاوت هستند. در قوانین سال های ۱۳۲۲ تا ۱۳۷۶ هرگاه از کلمه سرقفلی یاد شده، منظور حق کسب و پیشه و تجارت بوده است. با این وجود مشروعیت در حق کسب و پیشه و تجارت همواره از لحاظ شرعی محل بحث و مناقشه و تردید بوده است؛ اما حق سرقفلی همواره مجاز بوده است. علت اینکه حق کسب و پیشه و تجارت در قوانین ما بیشتر مورد توجه قرار گرفته بدین جهت بوده که مستأجر پس از صرف هزینه هایی موفق به کسب مشتری شده است و وقتی او را از محل بیرون می کنند عملاً مشتری های خود را که حاصل صرف زحمت و هزینه بوده از دست می دهد و در محل جدید

بایستی بار دیگر مدتی وقت صرف کند تا مشتری جدید پیدا کند. دو حق کسب و پیشه و تجارت و سرقفلی که از موضوعات مبطلابه و پر مناقشه و پرمجاده از لحاظ تنوع قوانین حاکم و اختلاف نظر بین شارعین قوانین و همین طور فقها و در منابع فقهی در بحث تأمین و بحث قضا متأثر از آن هستیم. به لحاظ متغیرهای فوق، بحث مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت از مباحث بسیار مهم و اگر بیش و کم به نظرات و آراء ادارات حقوقی التفاتی کرده باشید می بیند که حجم وسیعی از نظرات اداره حقوقی در جهت حل اختلاف قضاات و وکلا مربوط به همین بحث حق سرقفلی است. در این نوشته سعی خواهیم کرد که به صورت مفصل و منسجم بحث را مطرح و نتیجه گیری خوبی داشته باشیم. ابتدا بحث تعاریف و توصیف حقوقی و تدوین ماهیت حقوقی سرقفلی و حق کسب و پیشه را مطرح می کنیم؛ و همین طور وجوه افتراق بین این دو و وجوه تمایز بین این

دو و وجوه مشترکی که این دو باهم دارند. در بحث دیگر سیر قانون گذاری و تحول تقنینی مرتبط با بحث بیان می گردد. در ادامه سؤالات و ابهاماتی مهمی که در این زمینه مطرح هست را عرض می کنیم. در ارتباط با تعریف و توصیف ماهیت حقوقی حق کسب و پیشه و سرقفلی، گفته شده «سرقفلی پولی است، وجهی است یا مالی است که توسط مستأجر اول از مستأجر دوم دریافت می شود و یا توسط مستأجر به مالک در زمان انعقاد عقد اجاره و آغاز رابطه استیجاری پرداخت می شود. این وجه یا پولی که ابتداً مستأجر اول به مالک پرداخت می کند یا مستأجر دوم که با اجازه مالک توانسته بیاید و ملک را از مستأجر اول دریافت بکند با رعایت مقررات حاکم توسط او به مستأجر اول پرداخت می شود، این وجه عنوانش سرقفلی است.» بیشتر در عرف متداول می گویم مال یا وجه، بحث حق که التفات می کنیم بیشتر ناظر بر حق کسب و پیشه و تجارت است.

این وجه بنا بر نظری که بعضی از اساتید از جمله دکتر جعفری لنگرودی جزء دارایی نامرئی است و مالیات بر آن تعلق نمی گیرد. اگر از محل انباشت ایجاد مشتری تولید شده باشد و فراوانی مشتری و رونق اقتصادی ایجاد شده باشد مالیات بر آن تعلق نمی گیرد و در هر حال یک مال غیرمنقول تغییری است. اما حق کسب و پیشه و تجارت «حقی است برای مستأجر اعم از پیشه ور و بازرگان و متعلق کسانی که از محل اجاره مکانی امرار معاش می کنند حتی اگر بازرگان هم نباشند».

آنچه از روح قانون سال ۱۳۳۹ تراوش می شود شهرت تجاری و وجود مشتریان عناصر سازنده در این مقوله نیست. مرحوم دکتر کاتوزیان تعریفی که از حق کسب و پیشه ارائه می کنند، می گویند حقی است بر مشتریان دائم و سرمایه تجارت خانه در معنای محدود ایشان اعتقاد دارند که اگر مستأجر متصرف در زمان تخلیه بخواهد از حق رجحانش، حق اولویتش استفاده کند به این حق کسب و پیشه می گویند. در تعریف هر کدام از این بزرگواران که از اساتید شاخص علم حقوق هستند نقدهایی وارد است. از جمله اینکه حق کسب و پیشه محدود به منظور امرار معاش نیست، چه بسا کسی سرقفلی محلی را خریداری کند ولی محل را ببندد و استفاده نکند، بنابراین لزوماً برای امرار معاش نیست



مرحوم دکتر کاتوزیان

باب ورود اماکن غیر تجاری به بحث کسب و پیشه را محدود می کنند



ولایت است، اصل بر عدم سلطه است، کسی حق ندارد بر مال دیگری چیره شود، اینکه مستأجر ولو به بهانه حضور طولانی مدت در عین مستأجر، صاحب حقی بشود، بر محل و مانع حقوق مالک بشود، مالک نتواند محل را تخلیه کند، مالک نتواند اجاره بهای اضافه از او بگیرد، این خلاف اصل تسلط است، خلاف اصل سلطه بر مال دیگری است، از این باب با توجه به مبانی فقهی، فقها روی خوشی نسبت به قانون سال ۱۳۵۶ نشان نمی داند، اما با این وصف آیا می توانیم بگوییم قانون سال ۱۳۵۶ ناعادلانه است؟ قانون سال ۱۳۵۶ یکی از قوانینی است که بسیار به عدالت نزدیک است، قانون گذار در وضع این قانون سعی کرده به تعبیر دکتر کاتوزیان، مواردی که دست و پا گیر شده و معذوریت هایی ایجاد کرده بودند را بشکند، همان طوری که در تعهد به نفع شخص ثالث، مقررات، مقررات مسئولیت مدنی و مقررات مربوط به حمل

با تعریفی که مرحوم دکتر کاتوزیان ارائه داده اند باب ورود اماکن غیر تجاری را به بحث کسب و پیشه را محدود می کنند، اگر بخواهیم تعریف روشنی از این دو مقوله ارائه بدهیم بایستی همان که قانون گذار به آن نزدیک شده را ملاک عمل قرار دهیم و بنابراین می توانیم بگوییم سرقفلی وجه، امتیاز یا مالی است که مستأجر به مالک پرداخت می کند و در ازای آن حقی را بر منافع محل برای خودش تدارک می بیند. کسب و پیشه یک حق تدریجی الوصول است که به مرور زمان به واسطه حضور مستأجر در محل، ایجاد مشتری، رونق اقتصادی برای او تولید می شود. هرگاه سیر قانون گذاری را مطالعه و بررسی کنیم بهتر می توانیم به این مفاهیم نزدیک بشویم، اولین قانونی که در این باب وارد شده، قانون مالک موجر و مستأجر سال ۱۳۳۹ است. متن یکی از مقرراتی که در باب قانون سرقفلی حول و حوش قانون سال ۱۳۳۹ وضع شده را بیان می کنیم. ماده ۲ قانون تملیک زمین ها برای اجرای برنامه های شهرسازی مصوب سال ۱۳۳۹، هرگاه ملک یا مستغلاتی که در نقشه شهرداری واقع و برابر این قانون نسبت

به آن عمل می شود محل کسب باشد هیئت کارشناسان بدوی یا تجدیدنظر مکلف هستند در ارزیابی قیمت ملک به ارزش سرقفلی مستأجر را به طور تقریبی تعیین نمایند و در این صورت شهرداری به ترتیبی که برای پرداخت در این لایحه قانون تعیین شده بهای ملک را به مالک و ارزش سرقفلی را به مستأجر پرداخت خواهد کرد. در مقررات پراکنده ای که حول و حوش قانون سال ۱۳۳۹ وضع شده است بیشتر قانون گذار وقت دنبال این بود که اگر شهرداری، مؤسسات عمومی و یا دولت، درصدد تخلیه مکان تجاری هستند به قیمت واقعی و عادله، حق سرقفلی مستأجر را در نظر داشته باشند تا این زمان سرقفلی وارد مقررات تقنینی حاکم بر رابطه موجر و مستأجر نشده بود.

بعد از سال ۱۳۳۹، قانون سال ۱۳۵۶ تصویب و ابلاغ می گردد، مهم ترین قانون حاکم بر رابطه موجر و مستأجر در املاک تجاری قانون سال ۱۳۵۶ است نکات بسیار جالبی هم دارد. این قانون همان گونه که در ادامه گفته خواهد شد مورد توجه و التفات فقها قرار نگرفته است، می دانید که در شرع نظر فقهای ما بر این است که اصل بر عدم

۲۱. سخن چینیان که چشمان نجس و قلب ناپاک دارند از صمیمیت دیگران رنج می برند.
۲۲. انتقام ناشی از ضعف روحی کسانی است که قادر نیستند ناملایمات را تحمل کنند.
۲۳. تمام گل هایی که در آینده خواهد رویید در دل تخم های امروز نهفته است.
۲۴. انسان های قدرشناس اگر کوچکترین خوبی به آنها شود هیچ وقت ناسپاسی نمی کنند، هرگز نمک نمی خورند و نمکدان بشکنند. (یا اینکه می گویند چو میوه درخت خوردی شاخ مشکن)
۲۵. کسی که سرش شیشه ای باشد نباید سنگ بیندازد.
۲۶. انسان عاقل اگر بخواهد درون آتش رود نباید لباس علفی بر تن کند.
۲۷. بزرگ هر خانواده نعمتی است که از جانب پروردگار ارزانی داده شده است.
۲۸. هر کس به خدا توکل کند همه درهای رحمت به سوی او باز خواهد شد.
۲۹. هنگام مرگ ایمان انسان ها کامل می شود.
۳۰. اگر قرار بود دری باز نشود قفلی ساخته نمی شد.
۳۱. سعی کنیم ببینیم تا دیده شویم، سعی کنیم بشنویم تا بگوییم، سعی کنیم زندگی کنیم تا زنده بمانیم.
۳۲. کسی که چیزی برای از دست دادن ندارد و روزگار و ناملایمات همه چیز را از او گرفته است دیگر ترسی برای بقاء و یا مردن ندارد، همانند مثالی که می گوید اسب نفس بریده را طاقت تازیانه نیست.
۳۳. محبت تنها سلاحی است که هیچ گونه زهری طاقت ایستادن در مقابلش را ندارد.
۳۴. هدیه دادن قلب ها را آنچنان رنوف می کند که هرگز عطرش از یادها نخواهد رفت.
۳۵. هر چیزی را که خدا آفریده برای بقایش در درون آن هسته ای قرار داده تا چرخه آفرینش ناقص نماند، پس چطور است که برخی آدم ها در این چرخه اخلال ایجاد می کنند؟

گفته های ناگفته

چه کسی باعث این حق شده است؟ این فرآورده محصول کیست؟

این فرآورده محصول مستأجر است که با استفاده از ذکات خودش، با استفاده از هوش خودش، با استفاده از تخصص خودش، رونقی ایجاد کرده در آن محل و امروز که بخواهد ملک را تخلیه کند، واقعاً نارواست، دارا شدن ناعادلانه است که مالک همه این منافع را ببرد؛ بنابراین این قانون گذار به خوبی از مقررات عرفی اقتباس کرده و به خوبی آنچه را که عرف اقتضا می کرده در مقررات پیاده کرده و متبلور کرده است؛ بنابراین از قانون سال ۱۳۵۶ می شود نتیجه گرفت که یکی از قوانین مترقی بوده است. قانون گذار در قوانین بعدی که در این سیر بیان خواهد شد، سعی کرده این را جر و تعدیل و کنترل کند، به گونه ای نشود که مستأجر فعال مایشاء بشود.

تصویب این قانون کلیه اماکن استیجاری که با سند رسمی بدون هیچ گونه سرقفلی و پیش پرداخت به اجاره واگذار می شوند. در رأس انقضای مدت اجاره مستأجر موظف به تخلیه آن هست. مگر آنکه مدت اجاره با توافق طرفین تمدید شود. در صورت تخلف دوایر اجرای ثبت مکلف به اجرای مفاد قانون هستند.»

یک آشتی برقرار کرد، بایستی این دو حق را در یک حدی جمع کرد، قانون گذار در قانون موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶ این کار را انجام داده است که ذیلاً تشریح می گردد، پس تا اینجا ما دوتا قانون را مرور کردیم، قوانین سال ۱۳۳۹ و ۱۳۵۶، همان گونه که می دانید در قانون سال ۱۳۵۶ هم قانون گذار اصطلاح سرقفلی را به کار نبرده است تا اینجا هرچه هست حق کسب و پیشه و تجارت است. تا اینکه به ماده واحده ای برخورد می کنیم، در سال ۱۳۶۵، در قانون سال ۱۳۶۵، همان چیرگی عرف باعث شده که اصطلاح سرقفلی در قانون منعکس بشود. «متن ماده واحده سال ۱۳۶۵ از تاریخ

مالک هیچ گونه حقی ندارد به جز اینکه یک اجاره بهای ناچیز ماهیانه بگیرد، بین این دو حق، حق مالک و مستأجر بایستی

افسارگسیخته بشود، حقوق اولیه مالک هم دستخوش تجاوز قرار بگیرد، به گونه ای که ما در مصادیق می بینیم، بعضی وقتها



گفته های ناگفته

آداب معاشرت

۳۶. نگرهبانی از حیثیت غیرت می خواهد.

۳۷. خشم شما همانند صاعقه ترسناک باشد کم ولی قدرتمند.

۳۸. نگذارید کسی اخلاق شما برایش عادت شود، هر لحظه موجی از خود ساطر کنید تا فقط شناگر ماهر با شما اُخت شود.

۳۹. همیشه بشیر و نذیر خود باشید.

۴۰. هرگاه از کسی دلخور هستید به زبان نیاورید که این بدترین تنبیه است برای فرد.

۴۱. شیرینی بعضی موضوعات فقط تا حدی است که آن را بیان می کنید، ادامه دادن آن موضوع همانند نصف کردن لیمو شیرین است که تلخ می شود.

۴۲. لیمو شیرین تا زمانی شیرین است که تکه نشود، همانند بعضی از دوستی ها که اگر پای عمل به میان بیاید دشمن می شوند.

۴۳. رویا ها را می توان به دست آورد اگر اسبابش هم جور باشد.

۴۴. وجود افراد نیک سرشت در سرنوشت انسان تاثیر زیادی دارد.

۴۵. چه سخت است از کسی خشم داری ولی قلبت راضی به بروز احساس نیست.

آزادی

۴۶. آزادی حقیقی آن نیست که هرچه میل داریم انجام بدهیم بلکه آن است که آنچه را حق داریم بکنیم.

۴۷. آزادی تلاش خردمندانه آدمی در جستجوی علت حادثه هاست.

۴۸. آزادی عبارت است از اینکه شخص مجبور نباشد بر خلاف مقررات قانون کاری انجام دهد.

۴۹. آزادی برای بسیاری از مردم سرمایه دکان و برای یک تن از هزاران سرمایه جان.

۵۰. آزادی عبارت است از اینکه یک فرد یا جامعه در پیروی و گفتن و نوشتن حق و به کار بستن حق اختیار کامل داشته باشد.

نظرات فقها در مورد حق کسب و پیشه و تجارت

نظر امام خمینی (ره)

ایشان به صورت مطلق می گویند که با انقضای مدت اجاره مستأجر باید محل را تخلیه کند. طولانی شدن مدت رابطه استیجاری حقی برای مستأجر ایجاد نمی کند. موجر حق دارد یا اجاره بها را اضافه کند و یا تخلیه مستأجر را بخواند. اگر مستأجر تصرفات خودش را ادامه بدهد، تصرفاتش در حکم غصب است و در طول این مدت بعد از انقضای رابطه استیجاری، حتی اگر به لحاظ آفات سماوی عین مستأجره خراب بشود، خسارتی به آن وارد بشود، ضمان بر عهده مستأجر غاصب مستولی می شود. مستأجر باید از عهده ضمان و خسارت برآید. مگر آنکه دو طرف باهم توافق کنند، حق تخلیه مستأجر ساقط بشود، اجازه داشته باشد مستأجر

بررسی اجاره سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق موضوع ایران و فقه

آیت ... منتظری

آیت الله منتظری نیز همان نظر امام خمینی را با یک تغییر جزئی منعکس کرده اند و آن اینکه، مستأجر در عین مستأجره به شرطی می توان دارای حق سرقفلی باشد که تظاهر خارجی و نمود خارجی هم پیدا کرده باشد. مثلاً

آیت ... خویی

ایشان نظر منعطف تری دارند، از این جهت که ایشان دو بخش قانون سال ۱۳۳۹ و عرف را محترم شمرده اند. ایشان در دیدگاه فقهی خودشان با تصریح به اینکه بعد از انقضای مدت اجاره، مستأجر حق ندارد منافع عین مستأجره را به غیر منتقل کند، در عین حال تأکید می کنند

آیت ... شیخ حسین حلی

ایشان اماره ای که برخی رابطه طولانی مدت موجر و مستأجر را موجب حق سرقفلی برای مستأجر می دانند را قبول ندارند. ایشان می گویند عقلانی نیست که مالک در ابتدای قرارداد رابطه استیجاری به دیگری بگوید که این حق را دارید که طولانی مدت در محل حضورداشته باشید و من حق ندارم که تخلیه

در این قانون دو عنصر آورده شده

سند رسمی و پرداخت وجهی با نام سرقفلی

در این قانون دو عنصر آورده شده: ایجاد کرد و آن هم به این دلیل بود که قانون گذار مترصد فرصتی بود تا بین حقوق مالک و مستأجر آشتی ایجاد کند. این طور نباشد که تا ابدالدهر به هر شکل که مستأجر اراده کرده، مکان تجاری دیگری را در اختیار داشته باشد. قانون گذار در این قانون گفته که اگر وجهی پرداخت شود به عنوان سرقفلی موجر در صورتی می تواند ملک را تخلیه نماید که سرقفلی را به نرخ روز پرداخت نماید. خواه رابطه استیجاری مبتنی بر سند رسمی باشد و خواه سند عادی، مستأجر می تواند پس از گرفتن سرقفلی ملک را تخلیه کند. شرط تخلیه پرداخت سرقفلی استاین تسخیر سحر آمیز، هر یک از ابزارها و متدها سهمی دارند متناسب با ماهیت خویش. سهم گرافیک بسیار عظیم است، اگر فقط به نقش آن در تبلیغات تجاری جدای از تغییرات متاثر از چاپ، گرافیک در تمام دوران حیات خود توانسته اصالت هنری خویش را حفظ کند جدای از تغییراتی که شرایط ایجاد نموده، هرگز از رسالت خود فاصله نگرفته است و «با اطمینان می توان گفت که گرافیک، هر قدر هم که تغییر یابد، هرگز بر صفات ذاتی اساسی که مورد اشاره قرار گرفت، پشت نخواهد کرد؛ تعهد و التزام نسبت به:

مردم و شعور فطری آنان
- ابلاغ پیام تبلیغی خاص»

بنابراین ما تا سال ۱۳۶۵ ما اصطلاحی بنام سرقفلی نداریم از سال ۱۳۶۵ حق سرقفلی صورت قانونی پیدا کرده در رابطه موجر و مستأجر به شرط آنکه رابطه مبتنی بر سند رسمی باشد از سال ۱۳۷۵ صورت قانونی یافته به صورت مطلق، نه نسبی و نه مشروط، حتی اگر رابطه استیجاری مبتنی بر سند رسمی هم نباشد.

انتقال حق کسب و پیشه و تجارت

تفسیر ۲ ماده ۹۹ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۳۹ در خصوص انتقال حق کسب و پیشه و تجارت به مستأجر همان حکم است که در مورد انتقال به غیر مستأجر نیز معتبر خواهد بود.

سؤال: تمایز و تفاوتی سر قفلی و حق کسب و پیشه و تجارت چیست؟

جواب

اول اینکه حق کسب و پیشه و تجارت یک حق تدریجی الوصول است در طی زمان برای متصرف محل ایجاد می‌شود؛ اما سر قفلی معطوف به مکان و زمان به آن شدت و غلظتی که در مورد حق کسب و پیشه است نیست، سر قفلی وجهی است مالی است که ابتدا به ساکن قطعی الوصول ایجاد می‌شود، پرداخت می‌شود

تفاوت دوم

در ارزیابی این دو است، قاضی به کمک کارشناس در ارزیابی سر قفلی به شکلی که در ارزیابی حق کسب و پیشه مبسوط الید است، دارای اختیار وسیع و دارای منابع متنوع نیست، کارشناس وجه و ارزش روز وجه پرداختی را در نظر می‌گیرد، حالا اینکه در ارزش روز این وجه بایستی مثلاً بر مبنای خسارت تأخیر تأدیه ماده ۵۲۲ عمل کند یا نه بر اساس تغییرها و معیارهای دیگری بگوید آن پول در آن زمان پرداخت شده آن مقدار بوده و الان این مقدار است، این جای بحث دارد و محل مناقشه است. بعضی اعتقاد دارند وقتی می‌گویند ارزش روز یعنی نرخ تورم را در نظر بگیرید، چه بسا امتیازی، وجهی، مالی که در ۲۰ سال پیش پرداخت شده، اگر بخواهیم آن مکان را در نظر بگیریم و امروز بگوییم، سر قفلی آن امروز چقدر است، به مراتب از ارزش ملکیت آن مکان بالاتر باشد؛ اما اگر بخواهیم این را به موضوع تأخیر و تأدیه متصل کنیم شاید عادلانه نباشد، در بحث پرداخت خسارت، مسئولیت مدنی و بحث جبران زیان، می‌دانید که در تخلیه وقتی شما وجهی پرداخت می‌کنید، این وجه جایگزین خسارت و زبانی می‌شود که مستأجر در اثر از دست دادن موقعیت شغلی می‌خواهد از این محل خسارت وارده را تأمین بکند، شاید در پاره‌ای موارد عدالت در بونه خسارت تأخیر تأدیه باشد اما همیشه این‌طور نیست، خسارت تأخیر تأدیه یک نص و یک تأسیس خاصه، ما از عنوان خسارت تأخیر تأدیه فقط باید در موضع قانونی استفاده کنیم،

موضع قانونی چیست؟

اگر شما طلبی از کسی دارید، وجه رایج به کسی پرداخت کرده باشید و بخواهید از ایشان دریافت کنید و به زمان طول کشیده باشد و طرف پرداخت نکرده باشد، شما امروز درصد مطالبه برمی‌آید، از تاریخ مطالبه می‌توانید اصل وجه پرداختی و خسارت تأخیر را دریافت کنید. ماده ۵۲۲ شرایط، ارکان، عناصر، محل بعثت و ظهورش محدود به آن موضع ای است که قانون‌گذار در نظر گرفته، ما نمی‌توانیم از این اصل در بحث رابطه موجر و مستأجر استفاده کنیم، بنابراین محدود کردن کارشناس به اینکه در ارزیابی سر قفلی به نرخ روز، شما از معیار و پارامتر خسارت تأخیر تأدیه استفاده کند این نظر محمل قانونی ندارد و توجیه حقوقی هم ندارد، این دو تمایز، یعنی حق کسب و پیشه تدریجی الوصول است و قطعی الوصول نیست، معیارهای ارزیابی آن با سر قفلی متفاوت است و تفاوت آشکار دارد،

تفاوت دیگری که گفتند حق سر قفلی قابل اسقاط هست، اما حق کسب و پیشه قابل اسقاط نیست، از باب اینکه اسقاط مالم یجد هست، البته بر این نظر انتقاد هم وارد شده، این انتقاد هم این است که آقای کشاورز در کتاب حق کسب و پیشه و سر قفلی آورده‌اند که اسقاط مالم یجد چرا منطقی نباشد، چطور اسقاط ضمان مالم یجد متصور است، مثلاً من تعهد می‌کنم که فرزندم که در فلان دانشگاه تحصیل می‌کند اگر در زمان تحصیل خسارتی به محل تحصیل وارد کند من تعهد می‌کنم که این زیان را پرداخت کنم، یا آنکه به موجب قراردادی از این تعهد تبری می‌جویم، پس همان‌طوری که اسقاط ضمان مالم یجد متصور است، اسقاط مالم یجد از حیث حق کسب و پیشه هم متصور است. غیر عقلایی و غیر منطقی نیست. بر این تفاوت این نظر اختلافی وارد شده است. دیگر تفاوت اینکه حق سر قفلی قابل ضمان است، حق کسب و پیشه چنین ویژگی ندارد، حق سر قفلی قابلیت توثیق دارد، حق سر قفلی به‌عنوان یک مال، به‌عنوان مال غیر منقول، قابل ارزیابی و قیمت‌گذاری و ترهین است، اما حق کسب و پیشه چنین ویژگی ندارد. این‌ها تمایزات بین این دو بودند

سر قفلی

و حق کسب و پیشه و تجارت

اندک توضیحی در مورد قانون موجر و مستأجر سال ۱۳۷۶، می‌توان گفت که این قانون مهم‌ترین قانون حاکم بر روابط موجر و مستأجر در ارتباط با اماکن تجاری است. در این قانون چند ویژگی خاص وجود دارد.

اول اینکه حق کسب و پیشه را به رسمیت شناخته است
عدم امکان تخلیه مستأجر را اصولاً به رسمیت شناخته است.

قانون بسیار خاصی است که معطوف و مرتبط با قواعد آمره و نظم عمومی است.

وفق ماده ۳۰ همین قانون با توافق با تراضی قابل تخطی نیست.

دعای منبعت از این قانون، دعای تخلیه اگر از ناحیه موجر باشد، امکان تخلیه میسر نیست مگر بنا به شرایط و وضعیتی که خود قانون اعلام کرده، تخلیه بنا به نیاز شخصی، تخلیه به لحاظ تحدی و تخریب، تخلیه به لحاظ عدم پرداخت اجاره بهاء، تخلیه به لحاظ نوسازی و تجدید بنا، جنبه‌های تخلیه یا متضمن اسقاط کلی حق کسب و پیشه مستأجره، یا اسقاط نسبی آن، یا هیچ تأثیری در حق کسب و پیشه مستأجر ندارد، یعنی در سه بخش ما

- **تخلیه بر اساس قانون سال ۱۳۷۶ داریم، تخلیه ای که مستلزم حق کسب و پیشه مستأجر است با نظر قاضی و با برآورد کارشناس رسمی دادگستری.**
- **تخلیه ای که به واسطه تخلف مستأجر مستلزم سقوط کامل حق کسب و پیشه اوست.**
- **تخلیه ای که موجب اسقاط حق کسب و پیشه مستأجر به صورت نسبی است.**
- **اگر مستأجر مورد اجاره را به غیر منتقل کند، مالک**



می‌تواند تقاضای تخلیه نماید با پرداخت نصف حق کسب و پیشه اوست.

- **اگر مستأجر تعدی و تفریط بکند، تغییر شغل بدهد، مالک می‌تواند تقاضای تخلیه او را بکند بدون آنکه هیچ وجهی به او پرداخت بکند.**
- **اگر مالک به واسطه نیاز شخصی یا به واسطه تجدید بنا در پی تخلیه باشد می‌تواند تقاضای تخلیه بکند، ادعای خودش را اثبات بکند با پرداخت کامل حق کسب و پیشه.**

کلیات قانون سال ۱۳۷۶ بر اساس مواد ۱۵، ۱۴ و ۱۹ این قانون امکان تخلیه عین مستأجره که مستأجر دارای حق کسب و پیشه است در سه حالت متصور است

تخلفات مستأجر به گونه‌ای که حق کسب و پیشه او را به طور کامل ساقط سازد، مصادیق، تخلف از نوع تعدی و تفریط، تخلف از نوع تغییر شغل، در بحث تغییر شغل عموماً قضات در رویه قضایی بررسی می‌کنند اگر شغلی که تغییر یافته داخل همان صنف باشد، مثلاً فروشگاه سامسونگ لوازم صوتی تصویری داشته و به فروش لوازم خانگی تغییر یافته است، آموزشگاه مهارتی داشته و تغییر شغل داده به حوزه آموزش ولی در رشته دیگری صورت گرفته، موارد این چنین را مصادیق تخلف از تغییر شغل نمی‌دانند. رویه قضایی عموماً این‌گونه است.

این دو حالت یعنی تخلف مستأجر از نوع تغییر شغل و تعدی و تفریط مصادیق جنبه‌ای از تخلف است که حق کسب و پیشه به طور کامل ساقط می‌شود.

توضیحی در مورد تعدی و تفریط، این موضوع بسیار محل مناقشه است، اینکه چه کارهایی مصادیق تعدی و تفریط است، در این زمینه کارشناس پس از مراجعه به محل در مورد روابط موجر و مستأجر به قاضی گزارش خواهد کرد که چه تغییراتی در ملک صورت گرفته مثلاً مستأجر اقدام به ساخت بالکن کرده است، یا اینکه مستأجر کف عین مستأجره را کف پوش کرده است، در این بخش کارشناس حق اظهار نظر حقوقی در خصوص تعدی و تفریط را ندارد فقط مشاهدات خود را به قاضی پرونده گزارش می‌کند.

دعای دیگری که در باب تخلیه مطرح می‌شود و تأثیری بر حق کسب و پیشه ندارد، تخلیه به لحاظ نیاز شخصی موجر یا تجدید بنا است. در این دو مورد حق کسب و پیشه به طور کامل پرداخت می‌گردد. همچنین در موردی که مستأجر تقاضای تجهیز انتقال منافع می‌کند بر اساس ماده ۱۹، اینجا هم حق کسب و پیشه به طور کامل پرداخت می‌گردد. مواردی که حق کسب و پیشه به طور نسبی ساقط می‌گردد، همان مورد انتقال به غیر است، اگر بدون اجازه مالک، بدون حکم تجهیز انتقال منافع، مستأجر انتقال به غیر بدهد، نصف حق کسب و پیشه ساقط می‌گردد

گفته های ناگفته

۶۷. کسانی که مخالف آزادی دیگران هستند خود لیاقت آزادی را ندارد.

۶۸. کسی شایسته آزادی است که هر روز بتواند به هوس های خود حکومت کند.

۶۹. معنی حقیقی آزادی، مسئولیت است و به همین جهت است که اغلب از آن می ترسند.

۷۰. مقدس ترین چیزها برای انسان سلامت روح، هوش عشق و آزادی مطلق است.

۷۱. ملتی که آزادی اش غصب شد، هر قدر هم در ثروت و رفاه غوطه ور باشد از نظر بشریت به اندازه پادو مغازه ای ارزش ندارد.

۷۲. وقتی نهال آزادی در جایی ریشه بگیرد به سرعت رشد و نمو می کند.

۷۳. وقتی آدم زندانی است بدترین خاطرات برایش شیرین است، چون آن اتفاقات بیرون از زندان برایش اتفاق افتاده است.

۷۴. هر کس باید در خانه اتاقی به اندازه قبر به خود اختصاص دهد و هر روز چند دقیقه ای را در آن بگذراند، فقط در آن دقایق است که احساس آزادی مطلق خواهد نمود.

۷۵. هر کس باید سعی کند در حیات خود خشکی محکم بر اساس کاخ آزادی بنا کند.

۷۶. هر کس قادر به تملک و اداره ی نفس خود باشد آزادی حقیقی را به دست آورده است.

۷۷. همه باید بدانند و تعیین کنند و تسلیم شوند که بنی آدم از بنی آدم آفریده شده و آدم از خاک به وجود آمده است و همه با هم یکسان هستند و برابرند، سیاه و سفید، توانگر و تهی دست و شاه و گدا کوچکترین تفاوتی در برابر آزادی و مساوات نخواهند داشت.

۷۸. همه آزادی های ما حکم یک بسته را دارد و اگر بناست یکی از آنها محفوظ بماند همه آنها باید محفوظ بماند.

۷۹. اگر تلاش کردی و به آنچه که می خواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران نباش زیرا تو همه توانت را بکار برده ای.

۸۰. انسان های بزرگ اگر بر دشمنانشان پیروز شوند، مسلماً به شکرانه پیروزی آن ها را می بخشند.

وجوه اشتراک حق سرقفلی و حق کسب و پیشه چیست؟



جواب خلاصه وجوه اشتراک حق سرقفلی و حق کسب و پیشه را ذیل بیان می کنیم

موجر در هردو مورد یکی است التزام به مراعات هردو حق در فرض تخلف یا فرض عدم تخلف و درخواست تخلیه از سوی موجر رعایت هر دو حق به شکل یکسان لازم است مراعات شود. اطلاع و اذن موجر از تغییر و تحولاتی که در هر دو این حق صورت می پذیرد. در هر دو مورد از حیث انتقال موجر حق خودش را از این حیث ساقط کرده باشد

سؤال: آیا متصور هست که هر دو حق سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت برای متصرف یا مستأجر وجود داشته باشد؟ و در صورت درخواست تخلیه موجر از دو محل لازم باشد که دو حق را پرداخت نماید؟

در رویه این گونه است کسی که دارای سرقفلی است، حق کسب و پیشه برای او منتفی است؛ یعنی اگر رابطه استیجاری منطبق بر قانون سال ۱۳۷۶ باشد



سؤال: اگر مستأجری در زمان حاکمیت سال ۱۳۵۶ (که فقط حق کسب و پیشه در آن ملحوظ بوده) قرارداد اجاره ای را منعقد کرده است و از طریق قانونی در زمان حاکمیت قانون سال ۱۳۷۶ حقوق خودش را به مستأجر جدید واگذار کرده، مستأجر جدید دارای چه حقی است؟

سؤال: آیا کارشناس رسمی راه و ساختمان به تنهایی می تواند حق کسب و پیشه را تعیین نماید؟

جواب

با توجه به اینکه در تعیین ارزش حق کسب و پیشه یکی از معیارها تأمل در حسابها و دخل و خرج محل است، در این صورت کارشناس ساختمان بایستی از دادگاه بخواهد که با توجه به اینک در ارزیابی حق کسب و پیشه، دخل و خرج، سود و زیان، حساب و کتاب این مغازه و میزان درآمدی که مستأجر در این محل دارد، تأثیر گذار است در تعیین ارزش حق کسب و پیشه و چون این بحث مستلزم جلب نظر کارشناس رسمی حسابرسی است، تقاضا دارم به ضمیمه این جانب کارشناس حسابرس انتخاب نمایید

سؤال: در تعیین ارزش حق کسب و پیشه و تجارت چه تغییرهایی بایستی مورد بررسی قرار گیرد؟

جواب

به منظور مستدل و مستند بودن گزارش کارشناسی لازم است که در تعیین ارزش حق سرقفلی موارد زیر در نظر قرار گیرند:

میزان درآمدی که مستأجر در این محل داشته است.

مدت زمانی که مستأجر در محل بوده است.

تعداد مشتریانی که در محل کسب ایجاد شده اند.

سؤال: آیا بین حق کسب و پیشه، برند و حق اختراع تفاوتی هست؟

جواب

حق کسب و پیشه و تجارت ناظر بر حضور متصرف در یک محل تجاری است، چون رونق تجاری ایجاد کرده دارای چنین حقی است، همان طوری که حق ریشه برای کشاورزها بر اساس مقررات حاکم بر اسناد در رابطه بین زارعین متصور است.

این حق، حق حضور مستقیم در محل تجاری است، برند حق دیگری است که از حیث شکل گیری، پیدایش و منبع و مستند قانونی کاملاً متفاوت با حق کسب و پیشه است.

ازجمله آثار حقوقی متفاوتی هم بر این دو مترتب است، ما مقرر ای در زمینه اثبات حق برند نداریم، در حق کسب و پیشه اگر تخلفی مرتکب بشود مستأجر مطابق قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ متصور هست که این حق از او ساقط شود.

جواب

اگر مستأجر جدید که در زمان حاکمیت قانون سال ۱۳۷۶ محل اجاره را از مستأجر قبلی دریافت کرده، در رابطه استیجاری مستأجر با مالک بحث سرقفلی مطرح باشد یعنی وجهی پرداخت شده باشد، این وجه متعلق به مستأجر جدید است، این حق (حق سرقفلی) به مستأجر دوم منتقل می شود؛ اما اگر او صرفاً حق کسب و پیشه و تجارت داشته باشد ولی توافقی خلاف آن چه حقتش بوده با مستأجر دوم داشته باشد تکلیف و التزام برای موجر ایجاد نمی کند، اگر انتقال دهند در رابطه با منتقل الیه چیزی بر او تحمیل کند، حقوق منتقل الیه آن است که در قرارداد اجاره منعکس شده است. اصلی داریم بنام اصل نسبی بودن قراردادهای رابطه حقوقی طرفین آثار مترتبه بر رابطه بین طرفین فقط در رابطه بین آن ها قابل تحلیل و بررسی است، به اشخاص ثالث تسری پیدا نمی کند. موجر در اینجا شخص ثالث است



استاد دانشگاه، معاون قضایی رییس دادگستری کنگاور، رییس دادگاه کیفری دو و مستشار دادگاه کیفری یک مستقر در کنگاور

گفته های ناگفته

نویسنده: دکتر علی اکبر خاکزاد

نکات مهم در مراجعه به دادگاه

وقتی سر و کارتتان به دادگاه می افتد چه اینکه از کسی شکایتی دارید یا اینکه کسی از شما شکایت کرده است به نکات زیر دقت کنید والا ضررهای غیر قابل جبرانی ممکن است برای شما پیش بیاید



مشاهده شده است که افراد به خاطر رعایت آبرو و حیثیت خود تا مدت‌ها مسائل را پنهان نگه میدارند و با کسی مشورت نمی‌کنند این اولین اشتباه و بعضاً خطرناکترین کار است

۹) از روز قبل ضامن یا سند آماده کنید ممکن است شما به عنوان متهم احضار شده باشید در این صورت مطمئن باشید که اگر قاضی دلایل و مدارک کافی نداشت، شما را به عنوان متهم احضار نمی‌کرد، پس بهتر است، از روز قبل فکر ضامن و سند باشید، چون عقب انداختن این کار ممکن است به بازداشت احتمالی شما منجر شود. لطفاً از بازداشت زندانی شدن احتمالی خود جلوگیری کنید.

۱۰) حضور خود را به مدیر دفتر اعلام کنید وقتی سر وقت به دادگاه یا دادسرا آمدید نشستن در راهرو کافی نیست برکه احضار یا دعوت خود را به مدیر دفتر تحویل دهید و پشت در دفتر منتظر باشید تا وقت شما فرا برسد و شما را صدا کنند. کارکنان دادگاه علم غیب ندارند که از حضور شما در راهرو باخبر شوند.

۱۱) به تاریخ‌ها و مهلت‌ها توجه کنید تاریخ ابلاغ قرار و حکم و مهلت اعتراض شما از تاریخ ابلاغ شروع میشود. قانون برای شما چه به عنوان شاکی یا متهم، این حق را قائل شده است، که اگر به رای یا قرار دادگاه یا دادسرا اعتراض دارید، در مهلت قانونی اعتراض کنید و به اعتراض شما رسیدگی خواهد شد. بی توجهی به تاریخ ابلاغ‌ها و مهلت‌های اعتراض ممکن است، موجب از بین رفتن این حق شود و در این حال خود شما مقصرید و دادگاه مسئولیتی ندارد.

۱۲) پنهان کاری نکنید حکم یا قرار شما هر چیزی که باشد، شاید راهی برای حل آن و یا کمتر کردن مجازات، وجود داشته باشد که شما اطلاع ندارید، پس پنهان کردن حکمی که علیه شما صادر شده است کار درستی نیست در همان روز اول رای یا قرار را به وکیل تان نشان دهید و از او راه چاره بخواهید



۱) ابتدا با یک وکیل یا مشاور حقوقی مشورت کنید. مشاهده شده است که افراد به خاطر رعایت آبرو و حیثیت خود تا مدت‌ها این مساله را پنهان نگه میدارند و با کسی مشورت نمی‌کنند ولی این اولین اشتباه و بعضاً خطرناکترین کار است چون شما در دادگاه نه از قانون سردر می‌آورید و نه با روند کار آشنایی دارید و مطمئناً بدون مشورت با وکیل و مشاور حقوقی ضرر خواهید کرد.

۲) با هر وکیلی یا مشاوره هم مشورت نکنید درست است که مشاوره مهم است اما مشاور با وکیل با سواد و کار کشته مهم تر است و چه بسا بی دقتی در انتخاب وکیل مشاور میتواند موجب ضرر شود چرا که همه وکلا از یک سطح معلومات و سواد برخوردار نیستند و باید برای انتخاب مشاور و وکیل خوب دقت زیادی کنید و گول شهرت و تبلیغات پوشالی را نخورید.

۳) در بیان مشکل و مسله پیش آمده برای وکیل یا مشاور حقوقی تان هیچ ابایی نداشته باشید اگر اطلاعاتی که برای مشاوره در اختیار وکیل قرار میدهید ناقص باشد ممکن است مشاوره ای که دریافت می کنید نیز ناقص باشد چون یک مشاور و وکیل بنا به اطلاعاتی که شما در اختیار اش می گذارید مشاوره میدهد. اگر فلان مبلغ را بدهی یا فلان کار را انجام بدهی سفارست میکنم تا قاضی تو را تبرئه کند. مطمئن باشید که یک قاضی دادگستری قبل از هر چیزی از تقوا و پاکدامنی برخوردار است و مطمئناً میدانند که پرونده شما مورد بازرسی و بازرینی خداوند و مراجع نظارتی قرار میگیرد و حرفهای این افراد کارچاق کن را باور نکنید.

۴) مواظب نرخ‌ها و مطالبات وکلا و مشاوران باشید درست است که هرکاری دارای دستمزد است اما میزان هر دستمزدی دارای قانون یا عرف است و لذا تن به خواسته برخی از وکلا و مشاوران که مبالغ غیر متعارف و غیر قانونی را از شما مطالبه میکنند ندهید و بخواهید تا مبلغ حق الوکاله را درست و کامل در وکالت نامه درج کند تا بعداً بتوانید پیگیری لازم را داشته باشید.

۵) در برخورد با قاضی دادسرا و دادگاه صداقت داشته باشید قاضی دادگاه ممکن است شما را محکوم کند اما شما خصومت شخصی ندارد او بر مبنای مدارک پرونده و اظهارات شما قضاوت میکند و هر آنچه صادقانه با دادگاه برخورد کنید مطمئن باشید حتی اگر محکوم هم شوید دادگاه برای شما مراتب تخفیف را اعمال خواهد کرد و هیچگاه از صداقت داشتن ضرر نخواهید کرد.

۶) مواظب این افراد سود جو باشید در راهروهای دادگاه افراد سودجوی زیادی ممکن است در کمین شما باشند مثلاً ممکن است کسی با مراجعه به شما و گفتن این دروغ که من با قاضی آشنا هستم و کند، دیر رسیدن شما موجب از بین رفتن حق شما میشود و ساعت‌های بعدی هم وقت دیگران است. زود رفتن هم موجب ازدحام در دادگاه و دادسرا و مزاحمت برای کارمندان و قضات است و موجب اختلال در خدمت رسانی به خود شماست.

۷) سر وقت حاضر شوید دادگاه و دادسرا برای همه افرادی که به عنوان متهم یا شاکی دعوت یا احضار میکند وقت تعیین میکند. ساعت و تاریخی که به شما ابلاغ شده است مختص شماست و قرار است قاضی محترم در این ساعت به کار شما رسیدگی

۸۱. هرکس در زندگی باید طوری رفتار کند که اگر بمیرد مردم بر او اشک بریزند و اگر زنده بماند با اشتیاق او را دیدار کنند.

آیا می دانید

۸۲. آیا می دانید، کسی که سکوت شما را درک نمی کند نمی تواند گفته های شما را هم درک کند.
۸۳. آیا می دانید، شخص ضعیف تند جست می کند و حرکات سریعی دارد و قدرتمند آهسته حرکت می کند و آهسته می گوید.
۸۴. آیا می دانید، هر کس می تواند صحبت کند، اما افراد کمی قادرند صادقانه، منظم و عاقلانه و قدرتمند صحبت کنند.
۸۵. آیا می دانید، دانش همانند قدرت لذت بخش است.

۸۶. آیا می دانید، زندگی زیباست ولی افسوس که خاطره ای بیش نیست.

۸۷. آیا می دانید، زندگی دو نیمه دارد، نیمه اول آرزو و نیمه دوم حسرت.

۸۸. آیا می دانید، انسان در کشف اسرار طبیعت باهوش ترین و در روش زندگی بی هوش ترین است.

۸۹. آیا می دانید، اشک در زن تسکین دهنده آلام است ولی در مرد مردانگی را تباه می سازد.

۹۰. آیا می دانید، اسب بی لگام و زن بی ادب انسان را به نابودی می کشاند.

۹۱. آیا می دانید، چهره یک زن نماینده شوهر اوست و پیراهن یک مرد معرف زن اوست.

۹۲. آیا می دانید، زن کلید خانه است باید مواظب باشیم آن را گم نکنیم.

۹۳. آیا می دانید، مسخرگی تفریح ابلهان و ساخته فکر مردم نادان است.

۹۴. آیا می دانید، جدال با مردم تنگ اندیش نشانه نادانی است.

۹۵. آیا می دانید، برادری یعنی وفاداری در گشایش و سختی.

۹۶. آیا می دانید، ادب زیباترین نیکی هاست.

گفته های ناگفته

۹۷. آیا می دانید، مرد بزرگ وقار دارد، اما متکبر نیست، مرد کوچک تکبر دارد اما وقار ندارد.

۹۸. آیا می دانید، در سینه ما نشانی از خدا وجود دارد که وجدان نام دارد.

۹۹. آیا می دانید، وجدان آیینه ای است که نه تملق می کند و نه تحقیر می کند.

۱۰۰. آیا می دانید، مردمان احق از گذشته، عقلا از حال و دیوانگان از آینده سخن می گویند.

۱۰۱. آیا می دانید، آتشی قوی تر از هوس، و کوسه ای مانند نفرت و دامی مانند جهالت و عذابی مانند آز وجود ندارد.

۱۰۲. آیا می دانید، عشقی که توأم با حسادت نباشد دروغ است.
۱۰۳. آیا می دانید هیچ ستمگری شبیه ستم دیده نیست مگر حسودان.

۱۰۴. آیا می دانید، هنگام صحبت کردن با مردان دو نقطه از مغزشان فعال و زنان هفت نقطه از مغزشان فعال است.

۱۰۵. آیا می دانید قانون اساسی عصر شهرت چیست؟ مهم نیست شما چه هستید فقط مهم این است مردم چه فکری در مورد شما می کنند.

۱۰۶. آیا می دانید مردان چند دسته اند؟ ۱. دوستداران عقل ۲. دوست داران افتخار ۳. دوست داران ثروت

۱۰۷. آیا می دانید پیروزی در چیست؟ تایید طرف مقابل در هر اموری.

۱۰۸. آیا می دانید مهمترین علامت در رابطه چیست؟ رابطه چشمی.

۱۰۹. آیا می دانید اعتماد به نفس در گفتگو سودمند تر از هوش و زکاوت است.

۱۱۰. آیا می دانید هنگام صحبت کردن سرتان باید راست و هنگام گوش کردن سرتان کج باشد.

۱۱۱. آیا می دانید طرز نشستن میزان علاقه را مشخص می کند.

۱۱۲. آیا می دانید بهترین فاصله برای روابط دوستانه دو قدم کوتاه است.

ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری

((تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع))

تشکیل به اشتباه گشت ارشاد و دخالت پلیسی اتفاق افتاده است و به نوعی زمینه های لج بازی اجتماعی و تحریک به سرکشی را فراهم نموده است لذا بهتر است برای درمان موضوع اولاً به اسلام ناب محمدی برگردیم که روش و سیره پیامبر ص و امیر المومنین ع بر تغافل و نادیده گرفتن بوده است، ثانياً پایبند به قانون باشیم و در حریم خصوصی افراد وارد نشویم و از گشت و ارشاد خیابانی آنهم در ملا عام و جلوی چشم همگان و همراه با تحقیر و شکستن غرور زنها و دخترها و پسرها و مردها دست برداریم، چرا که برای یک اجتماع هیچ چیز خطرناک تر و لجبار تر از غرور شکسته افراد آن اجتماع نیست.

از همه مهمتر سیره و روش پیامبر ص و امیر المومنین علی ع نیز بر همین منوال ماده ۱۰۲ قانون مذکور تاکید دارد و روایات متعددی داریم که حتی نسبت به خبر وقوع جرم منافی عفت، آن معصومین تحقیق هم نکردند تا دلیل بدست بیاورند و اصل را بر صحت رابطه گذاشتند تا قبح اجتماعی گناه و جرم و در توبه شکسته نشود. از نظر روانشناسی تربیتی هم نادیده گرفتن گناه و جرم در مواردی این چنینی خود بهترین راه آموزش و تربیت است و روانشناسان در سبک تربیت اجازه دخالت مستقیم در همه موارد را نمی دهند، چون دخالت مستقیم تربیتی، گاهی موجب تحریک به سرکشی بیشتر می شود، که این امر متأسفانه در جامعه ما با

آنها که حد فاصل رابطه حلال و حرام و جرم بودن عمل است، مشخص نیست، برخلاف سایر جرایم مثل قتل و ایراد ضرب و جرح عمدی و... که تشخیص آن برای عموم مشخص است و وقوع آن جرم بر کسی پوشیده نخواهد بود.

صرف باهم بودن زن و مردی دلیل نمیشود که آنها را نامحرم دانست و رابطه آنها را حرام تلقی کرد، چرا که اصل بر صحت اعمال است و نیز اصل بر برائت افراد از گناه و جرم است و اثبات خلاف آن نیازمند دلیل است که قانون هم اجازه تحقیق و سوال در مورد این جرم را نداده است.

در ثانی حفظ و احترام به حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد اجازه ورود بدون ادله کافی را به رابطه اشخاص به عنوان بررسی اتهام مجرمانه نمی دهد درست است که در ظاهر امر آنچه به چشم می آید این است که زن و مردی در پارک یا خیابان یا تفریحگاهی با یکدیگر قدم می زنند یا داخل ماشین نشسته اند و حرف میزنند اما از راه دور و با چشم علقه زوجیت و محرمیت

جرایم منافی عفت جرایمی هستند که در صورت وقوع عفت عمومی را خدشه دار میکنند و پاکدامنی مردم و یک ملت را زیر سوال میبرند. در خصوص مصادیق جرایم منافی عفت میتوان به زنا، لواط، رابطه نامشروع بین زن و مرد، تقبیل، مساحقه و تفخیز و بی حجابی و... اشاره کرد.

دلیل و فلسفه اینکه قانون گذار این قانون را تصویب نموده است جلوگیری از اشاعه فحشا در بین جامعه است چرا که وقتی در یک گوشه از جامعه جرمی اتفاق افتاده است اگر تحقیق و تفحص در مورد آن صورت گیرد هم قبح اجتماعی آن بیشتر شکسته می شود و دیگران هم راه ارتکاب آن را می آموزند و هم به نوعی موجب اشاعه فحشا میگردد و اگر مجازات قانونی آن جرم توان کنترل اجتماعی و ارباب لازم و پیشگیری از وقوع و تکرار جرم را نداشته باشد، این تحقیق و تفحص خود بدترین کار در برابر آن جرم است که می تواند رخ دهد.

در ثانی حفظ و احترام به حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد اجازه ورود بدون ادله کافی را به رابطه اشخاص به عنوان بررسی اتهام مجرمانه نمی دهد درست است که در ظاهر امر آنچه به چشم می آید این است که زن و مردی در پارک یا خیابان یا تفریحگاهی با یکدیگر قدم می زنند یا داخل ماشین نشسته اند و حرف میزنند اما از راه دور و با چشم علقه زوجیت و محرمیت

رعایت اخلاق، قوانین و مقررات موجب ارتقای سلامت و امنیت اجتماعی است

مجازات انتشار اسکرین شات و سواستفاده از آن



افراد و تعرض به آبروی آنها میشوند تنبیه خوبی باشد. البته غالباً مرتکبین این گونه جرایم سایبری جوانان و دانشجویان هستند که باید این نکته را نیز بدانند که حتی اگر به اتهام ارتکاب جرایم سبک و کم

بارها پیش آمده است که افراد در داخل فضای چت خصوصی یا حتی در فضای گفتگوی مجرمانه و یا پیامک با یکدیگر گفتگو نموده اند.

در برخی مواقع یکی از این دو نفر از وضعیت موجود سوء استفاده نموده و از این چت و پیامک و گفتگو اسکرین شات تهیه نموده یا حتی فیلم و کلیپ آن را ضبط و در دسترس دیگران قرار داده است حال انگیزه افراد از این کار ممکن است اخاذی و تهدید و یا هر چیز دیگری باشد که به هر ترتیب قانونگذار این کار را جرم محسوب نموده و برای مرتکبین آن مجازات زندان و شلاق در نظر گرفته است.

فلسفه و دلیل این کار حفظ حریم شخصی افراد و شهروندان و ارشاد و راهنمایی شهروندان به نگه داشتن حرمت و آبروی یکدیگر است.

به هر حال این مجازات زندان و شلاق میتواند برای کسانی که موجب خدشه دار شدن حریم خصوصی

گفته های ناگفته

۱۱۳. آیا می دانید حرکات بدن ۵۵٪، تن صد ۳۸٪ و خود کلمات فقط ۷٪ در ارتباط موثر هستند.

آینده نگر

۱۱۴. اگر چه دریا آرام باشد ممکن است تمساحی در زیر آب پنهان شده باشد.
۱۱۵. اگر می خواهی بدانی که چه بوده ای بنگر که چپستی، اگر می خواهی بدانی که چه خواهی شد بدان که چه می کنی.
۱۱۶. آینده ای را می خواهیم که تمام اختیار خودم در دستم باشد، نه اینکه منتظر بمانم تا اختیاری برای آینده به من بدهند یا نه!

۱۱۷. گاهی اوقات آینده برای برخی تکراری است یعنی به زبان ساده تر چیزی را آرزوی خود قرار می دهند که بارها آن را امتحان کرده اند و نمی دانند که این آینده خیالی همان گذشته ای است که عمر خود را صرف آن کرده اند.
۱۱۸. بعضی ها فکر می کنند در یک موقع خاص به چیزی نیاز ندارند اما همین که آن موقعیت به سادگی گذشت و ثمرش را از دست داد و دیگران از آن استفاده کردند و دیگر چیزی برای آنها به جا نماند تازه به فکر می افتند که ای وای آن موقعیت سر وقت را از دست دادیم؛ همان ها باید چندین وقت انتظار بکشند تا موقعیت جدیدی نصیب آنها شود.
۱۱۹. بزرگترین اقلیم نامکشوف آن است که زیر کلاه شما جای دارد.
۱۲۰. طغیان می رود ولی اثرش می ماند.

۱۲۱. نیمه اول زندگی صرف انتظار کشیدن برای نیمه دوم می شود، نیمه دوم صرف حسرت خوردن برای نیمه اول.

۱۲۲. گاهی وقتی افراد سالخورده را می بینیم و کارها و صحبت هایی را از آنها می شنویم به گمان خودمان که آنها چیزی از دنیای فعلی ما نمی دانند و هر چه را که ما می گوئیم یقین صد در صدی می باشد ولی با اینکه گذر زمان را در چهره و اجزای آنها می بینیم به این فکر نمی کنیم که آنها نیز در زمان خود جوان بودند و ما نیز این جوانی را به جوانان آینده تقدیم خواهیم کرد، آیا مطمئن هستیم که آیندگان هم ما را انسان های دانا و کارآمد می دانند؟

به گزارش ایسنا، برخی از کاربران ادعا میکنند بدون اطلاعشان سیمکارتهایی با کد ملی آنها ثبت شده است. از طرفی اینکه چطور میتوان بدون اطلاع یک کاربر و با استفاده از کد ملی او، سیمکارتی را ثبت کرد، حائز اهمیت است و نشان میدهد که ممکن است تخلفاتی در برخی از دفاتر خدمات ارتباطی رخ داده باشد.

از سیمکارتی که بدون اطلاع شما ثبت شده خبر دارید؟!



در هر حال، با توجه به اینکه در حال حاضر موضوع ارسال پیامکهای تبلیغاتی با شمارههای شخصی داغ شده و از طرفی در صورتی که هر تخلفی با سیمکارتی انجام شود، این مالک سیمکارت است که باید پاسخگو باشد و مسئولیت هرگونه سوءاستفاده از تجهیزات و امتیازات مخابراتی واگذار شده خارج از ضوابط قانونی، با مالک قانونی آنهاست، لازم است کاربران از سیمکارتهایی که به نامشان است، مطلع باشند.
طرح ساماندهی سیمکارتهای برای جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی، با راهاندازی سامانه استعلام تعداد خطوط مشترکین همراه شد. بدین ترتیب کاربران با مراجعه به این سامانه

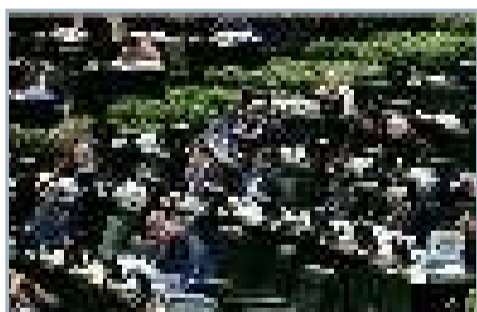
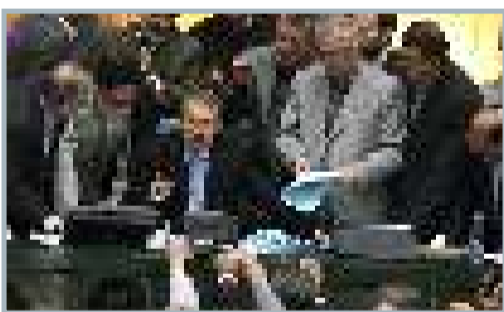


همچنین در صورتی که تعداد سیمکارتهای اعلامشده، بیشتر از انتظار شما باشد، بدین معناست که تمام یا برخی از خطوط خود را بدون رعایت ضوابط و مقررات تغییر نام، به دیگران واگذار کردهاید و یا تعدادی سیمکارت به نام شما در بانک اطلاعاتی اپراتورها ثبت شده است. آگاه شده و برای قطع هر یک از سیمکارتهای اقدام کنید.
بنابراین در صورتی که خطوط سیمکارت خود را بدون رعایت مقررات تغییر نام به دیگران واگذار کردهاید و یا تعدادی سیمکارت بدون اطلاع شما در بانک اطلاعاتی اپراتورها ثبت شده است، برای قطع هر یک از سیمکارتهای اقدام کنید زیرا مسوولیت ناشی از سوءاستفاده از هر خطی که به نام مشترک باشد، با مالک قانونی آن است.

میتوانند از تعداد خطوطی که به نام آنهاست، آگاه شده و نسبت به غیرفعال کردن خطوطی که از آنها استفاده نمیکنند، اقدام کنند.
مغایرت احتمالی بین تعداد خطوط اعلامی با تعداد مورد انتظار شما، ممکن است به دو دلیل باشد؛ در صورتی که تعداد سیمکارتهای اعلامشده، کمتر از انتظار شما باشد، بدین معناست که برخی از سیمکارتهای در اختیارتان به نام شما ثبت نشده است و یا اطلاعات هویتی برای برخی از خطوط در اختیارتان فاقد کد ملی بوده یا کد ملی ثبتشده، صحیح نیست که در آن صورت احتمال قطع این خطوط توسط اپراتورها وجود دارد.

کسی که داد میزند لزوما دلسوز نیست شاید در پس این فریادها چوپان دروغگویی آرامیده است

چرا داد میزنید؟؟؟



نمایندگان عزیز میتوانند بدون جار و جنجال رسانه ای که اغلب جنبه تبلیغاتی و زمینه سازی انتخابات بعدی را در پی دارد با روند قانونگذاری مشکلات مردم را تدبیر کنند.

مجلسی که..... کمی دقت کافی است تا خود شما هم پی ببرید که مجلسی که میتواند با پانزده امضا طرحی (پیشنویس قانون) را به رای بگذارد و آن را تصویب و قانون کند حق دارد از امور بنالد.

تعجب من از این جهت است که مجلسی که بودجه مملکت را تصویب میکند حق ندارد فریاد بزند.
مجلسی که قانون صنایع و معادن را تصویب میکند حق ندارد از گرانی خودرو و کالا بنالد.

جالب است که همیشه

نمایندگان مجلس

را میبینیم که در حال داد زدن هستند و فریادشان به آسمان بلند است که چرا اجناس گران است؟ چرا دلار گران شده است؟ چرا خودرو گران است؟ چرا واردات فلان کالا بی رویه است؟ چرا و هزار چراهای دیگر که بارها در صحن مجلس شاهد فریادهای نمایندگان با این مضامین بوده ایم.

خب چرا فریاد میزنید؟ آیا راه دیگری نیست؟ آیا اصلا تنها راه فریاد است؟

بنده به عنوان یک تحصیل کرده عالی در رشته حقوق و با شناخت کامل از سیستم قانونگذاری جمهوری اسلامی تعجب میکنم از این دست کارها.



مجلسی که با قانون گذاری هزینه های گمرک و مالیات و عوارض واردات خودرو را به بهانه حمایت از خودرو داخلی تا حدی بالا میبرد که قیمت یک خودروی معمولی سر به فلک میکشد حق ندارد از گرانی خودرو بنالد.
مجلسی که با تصویب قوانین متعدد روش رسیدگی به جرایم را آنقدر طولانی و طاقت فرسا میکند که رییس قوه قضاییه مجبور میشود برای رسیدگی فوری و آرام کردن جامعه، اذن رهبری را بگیرد، حق ندارد از کثرت فساد اداری و تعدد جرایم اقتصادی بنالد.

گفته های ناگفته

۱۲۳. بدترین لحظات انسان به یادآوری خاطرات خوش گذشته می باشد.

اخلاق پسندیده

۱۲۴. انسان باید پنج خصلت پسندیده را داشته باشد: ۱- غم روزی نخورد ۲- چون مریض شود از عذاب نالد و گله نکند. ۳- اگر طعامی داشته باشد با دیگری بخورد. ۴- اگر با کسی نزاع کرد در دل کینه نکند و زود آشتی کند. ۵- از اندک گناهی بترسند و با رقت باشند و با کوچکترین خوبی راضی و خشنود شوند.

۱۲۵. بدانیم و آگاه باشیم فرزندان آینده همان راهی را می روند که والدین آنها انتخاب کرده اند.

۱۲۶. هر کس مطابق لیاقت و ارزش اجتماعیش از زندگی برخوردار است.

۱۲۷. دریغا که زبان و دل همیشه با هم نیستند، گاهی دل از بی پروائی و تند روی زبان خونابه میریزد و گاهی دل از مهر و محبت میجوشد، زبان همچو سنگ بسته از جا نمی جنبد.

۱۲۸. تنها سلاحی را که دشمن نمی تواند بر آن غلبه کند و پیروز شود محبت است.

۱۲۹. شادی حقیقی نصیب کسانی است که قلبی مالمال از محبت دارند.

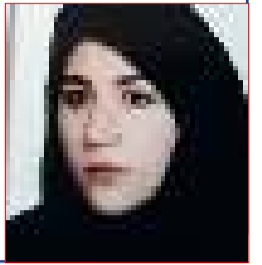
۱۳۰. وسیله جلب محبت دیگران: الف) صمیمانه نسبت به غیر علاقمند باشید ب) تبسمی بر لب داشته باشید. ج) یاد بیاورید که نام هر کس برای او شیرین ترین و مهمترین قاموس هاست.

۱۳۱. گوش دادن به حرف دیگری تا دیگری به شوق بیاید. ه) با مخاطب از آنچه دوست دارد صحبت کنید. صادقانه اهمیت او را برایش جلوه کنید. ۱۳۲. هر انسانی اشتباه دارد، انسانی را نمی توان پیدا کرد که کامل باشد (گل بی عیب خداست).

۱۳۳. روزگاریست که انسانیت مرده است، اگر به کسی اعتماد کنی قافیه را باخته ای، در این روزگار آدمهایی وجود دارند که اگر به آنها نان دهی طمع به جان و مالت هم خواهند کرد. این خائنین باعث می شوند که انسانها نسبت به همدیگر بدبین شوند و آن هم که مستحق کمک است درمانده بماند و باید گفت (اعوذبالله من شر الخائنین)

شهامت در کلام

نویسنده: معصومه معینی



بر بزرگان حسرتی نیست که این همه ذره ای از آنها نمی کاهد اما برچنین کوچک هایی باید افسوس خورد که حقارت خویش را بر بازار جار می زنند،

حقیقت چه بازی شگفتی دارد

برخی از صبح تا شب در این فکرند که چگونه نامشان را بر سر زبان ها بیندازند و چگونه در حافظه افراد جای بگیرند، عکس های قد و نیم قد خود را با التماس به مطبوعات می سپارند تا شاید این تصاویر نیم رخ و سه رخ با چشمانی خمار و اندوهبار بتواند کاری از پیش ببرد،

خودشان با خودشان مصاحبه می کنند و با واسطه قرار دادن این و آن در چند ورق پاره جایی اظهار وجود کنند. از شرکت در هیچ مجمع ادبی و بی ادبی (حتی شب شعر اداره دفع آفات روستای فلان) فروگذار نمی کنند. برای چاپ شعرشان در بولتن داخلی شرکت روغن نباتی، مدح برادرزاده خانم معاون دوم آقای رئیس را می گویند اما نتیجه چیست؟

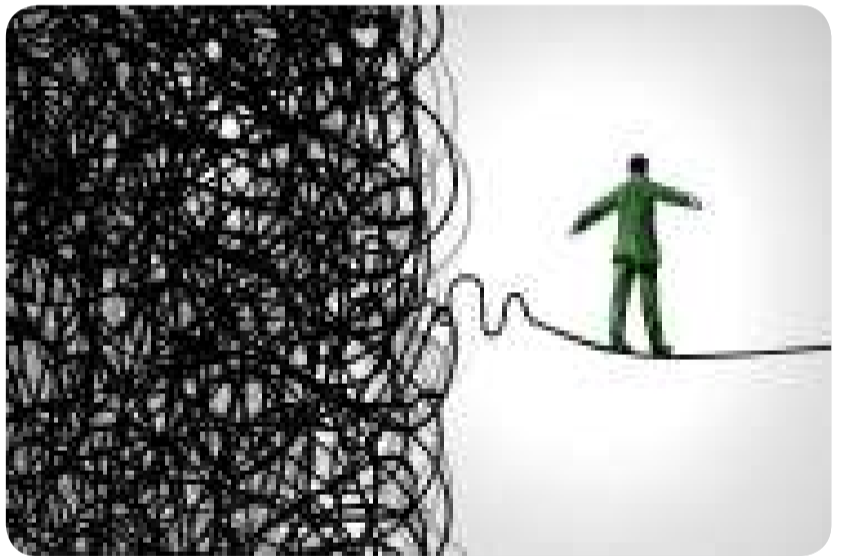
در حافظه هیچ یک از جوانان با خبر از زیر و بالای ادبیات امروز بیتی از آنها نمی بینی اما نام هنرمندان راستین که با کمترین لغات بیشترین معنی را القا می کنند با هنر مراعات نظیر است، ممکن نیست اهل هنر باشند و با آثار آنها زندگی نکرده باشد، حتی در دورافتاده ترین ده کوره ها که من و شما اسمش را هم نشنیده ایم.

چه بازی شگفتی است!

آنها که در جستجوی نام له له می زنند، حتی در هواپیش نیز جایی پیدا نمی کنند، اما آنان که هرگز به نام دل نبسته اند و هنر را وسیله در یوزگی نکرده اند در متن زمان به بزرگی و نیکی یاد می شوند و چه می توان کرد در قبال این کوچک ها و کوچکی ها جز آنکه لب فروبندیم و بگذاریم خداوند حکیم خود سخن گوید.



بزرگترین جرم بزرگان، بزرگی آنهاست، چرا که بزرگان در هر حال انگشت شمارند و کوچک ها بی شمار و این خیلی بی شمار کوچک ها هرگز تاب دیدن بزرگان و بزرگی ها را ندارند. دردناک است ولی واقعیتی است که باید آن را پذیرفت، عظمت ها همواره آماج بغض حقارت ها بوده اند و هستند، چرا که عظمت حتی اگر هیچ کلامی به زبان نیاورد به خودی خود مایه رسوایی حقارت اس.



آنکه زبون است، بی شک نمی تواند شهامت دیگری را تحمل کند. آنکه سراپا نادانی است، هیچ اندیشمند و متفکری را بر نمی تابد. آنکه بویی از درد نبرده است، به دردمندی دیگران می خندد. آنکه حقارتش هر روز رنگ زمان و زمانه ای را می گیرد، چشم دیدن انسان های یکترو و یکرنگ را ندارد. آنکه خواننده هایش بر بی سوادی اش افزوده اند، کینه وسعت معلومات و آگاهی دیگری را بر دل می گیرد. آنکه آلودگی سراپایش را در برگرفته، از زلالی دیگران بیزار است. آنکه در هیچ دلی جایی ندارد، تشنه خون کسانی است که به سادگی در دلهای پاک و بی آلایش خانه می کنند. آنکه در عالم هنر از زمره ورشکستگان به تقصیر است، ذوق هنری دیگری را انکار می کند و آنکه پس از سالها رنج بیهوده از صفر فراتر نرفته است توفیق دیگری را چون خاری درشناک در چشمی حس می کند

ارزش ها

۱۳۴. وقتی کسی تو را می ترساند ناراحت نشو، چون این قانون طبیعت است درختی که میوه شیرین تر دارد بیشتر سنگ می خورد.
۱۳۵. کسی که صداقت داشته باشد و مخالف خشونت باشد همیشه پیروز خواهد بود.
۱۳۶. گاهی باید ارزش ها را مقدس دانست، اگر چه نتوانیم کارهای مثبت انجام دهیم.
۱۳۷. ما یا باید با آه و ناله بمیریم یا اینکه راهی برای خوب زندگی کردن پیدا کنیم.
۱۳۸. طلب بخشش بزرگترین شجاعت است.
۱۳۹. آنقدر از دشمن فاصله بگیر تا خسته شود و بداند که تو نمی خواهی با او جنگ کنی و کینه از بین می رود و دوستی جا می گیرد.
۱۴۰. ارزش هر کس بستگی به آن دارد که با زیر دستان خود چطور برخورد می کند.

استقامت

۱۴۱. آنکه از دست روزگار به خشم می آید هر آنچه آموخته بیهوده است، روزگار معلم است و او شاگرد.
۱۴۲. آنان که صبر از دست داده اند یکسره می گویند: یا بکش یا دانه ده یا از قفس آزاد کن.
۱۴۳. آنان که استقامت دارند روی شکست و سختی را نمی بینند.
۱۴۴. از دو صفت باید دوری کرد؛ بی حوصلگی و تنبلی. زیرا با بی حوصلگی بر هیچ حقی صبر نمی توان کرد و اگر تنبل باشی بر ادای هیچ حقی قادر نخواهی بود.

۱۴۵. از مرد آزاده استقامت و پایداری انتظار می رود نه اطاعت کورکورانه، او همیشه استوار است؛ اما مرد محتاط همیشه جوشان و خروشان است.

۱۴۶. مرد باید طناب زندگیش را با استقامت در دست بگیرد، اگر این طناب را محکم بگیرد بر زمینت می زند و اگر طناب را شل کنی دیگر نمی توانی آن را مهار کنی.

نگرشی فقهی بر بازتاب شروط غیر قابل اجرا در اراده مدنی اشخاص

نویسنده: دکتر حسن رضا خلجی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان

چکیده

از مباحثی که در باره شروط ضمن عقد مطرح شده، آن است که اگر به هر دلیلی شرط ضمن عقد باطل باشد، آیا این بطلان شرط در حکم صحت عقد تأثیر گذار است یا خیر؟ از آنجا که متعاقدين، خصوصا مشروط له، در هنگام عقد، آن شرط را هم قصد نموده است و اگر بخواهیم حکم کنیم که شرط باطل و عقد صحیح است، لازمه اش آن است که چیزی برخلاف اراده متعاقدين محقق گردد، در حالی که اراده و قصد متعاقدين، رکن رکین عقد می باشد. در اینجا عده ای از فقهاء با لحاظ همین دلیل و برخی ادله دیگر حکم به بطلان عقد نموده اند و عده ای هم اصل عقد را صحیح دانسته اما به منظور جبران خسارت مشروط له برای او حق خیار قائل شده اند.

مادر گرد آوری این پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده نموده و ضمن بررسی هردو نظریه و ادله ی ارائه شده برای اثبات هر یک از آنها، با تحلیل متون فقهی و نوشته های حقوقی، به این نتیجه رسیده ایم که در مواردی که دلیل شرعی معتبری برای حکم به بطلان عقد بخاطر فساد شرط در بین نباشد و نیز متعاقدين شرط مزبور را به عنوان رکن و یا قید تخلف ناپذیر عقد لحاظ نموده باشند حکم به بطلان شرط فاسد و صحت اصل عقد قوی به نظر می رسد و این حکم سبب نمی گردد که چیزی بر خلاف مقصود متعاقدين محقق شود، آری بخشی از مقصود مشروط له برآورده نمی شود که آن هم با حق خیار قابل جبران است.

واژگان کلیدی

شرط فاسد، عقد، قیود، قصد متعاقدين

ج- هرگاه منظور از اشتراط در معامله، تنها الزام بر انجام مورد شرط باشد و تعلیق معامله بر آن شرط مقصود نباشد که در این صورت بدون شک، فساد شرط موجب فساد عقد نخواهد بود (نجفی ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۶۲۳).

پس از ذکر این مقدمه می گوئیم: اگر در صورت بطلان شرط، حکم به بطلان عقد گردد، در ارتباط با مقصود متعاقدين مشکلی پیش نمی آید اما اگر حکم به بطلان شرط و صحت عقد گردد این سؤال مطرح می شود که متعاقدين قصد مورد معامله را همراه با شرط مورد نظر نموده بودند، پس چگونه ممکن است که حکم به تحقق چیزی برخلاف مقصودشان (معامله بدون شرط) شود؟

که اینک به بررسی این دونظریه خواهیم پرداخت.



طرح بحث

حلی (ابن سعید)، ۱۴۰۸ ه.ق، (۲۵۱). البته نظریات دیگری هم در این باره ارائه شده که فعلا به منظور خودداری از اطاله ی کلام از بحث پیرامون آنها معذوریم از قبیل نظریات تفصیلی که در این باره ارائه شده است چنانکه گفته شده: اگر فساد شرط از ناحیه ی غیر عقلانی بودن آن باشد، باعث فساد عقد می گردد و در غیر این صورت عقد صحیح است (بجنوردی ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۴، ۱۸۳) و یا اگر شرط به دلیل مخالفت با کتاب و سنت فاسد باشد بطلان عقد می گردد و گرنه باعث فساد عقد نخواهد بود. همچنانکه عده ای نیز توقف نموده و نظریه ای انتخاب نموده اند.

(بحرانی، ۱۴۱۱ ه.ق، ج ۲۳، ۱۸۵) در اینجا شایسته است اشاره کنیم که مواردی از محل بحث خارج می باشند از جمله:

الف- هرگاه از ناحیه ی شریعت مقدس دلیلی بر بطلان عقد بواسطه ی شرط فاسد اقامه گردد، چنانکه در فروش چوب یا هر جنس دیگری اگر شرط شود که از آن بت یا صلیب ساخته شود و یا در فروش انگور شرط گردد که برای ساخت شراب مورد استفاده قرار گیرد، که در اینگونه موارد به علت اهتمام شارع مقدس به مبارزه ی جدی با اینگونه شروط فاسد، اصل معامله را هم باطل اعلام می فرماید. بدیهی است هیچیک از فقهاء در بطلان اینگونه عقود تردیدی به خود راه نمی دهند و لذا از محل بحث ما نیز خارج می باشند.

ب- هرگاه فساد شرط در نتیجه ی جهل نسبت بدان شرط باشد به گونه ای که جهل نسبت به شرط منتهی به مجهولیت یکی از عوضین شود، که در اینجا به دلیل جهل نسبت به عوضین حکم به بطلان معامله می گردد و این حکم به بطلان عقد، صرفا به جهت فساد شرط به تنهایی نخواهد بود چنانکه بزرگانی بدین نکته تصریح فرموده اند. (شیخ انصاری ۱۳۷۵ ه.ق، ۲۸۷).

شکی نیست که هرگاه در ضمن عقدی لازم، شرط صحیحی مورد توافق متعاقدين واقع شود، آن شرط لازم الوفاء خواهد بود همچنانکه اختلافی در این نظریه ملاحظه نمی شود که اگر شرط ضمن عقدی فاسد باشد و فاء به آن لازم نمی باشد. اینک شرط فاسد چیست؟ سؤالی است که پاسخ آن را باید از محتوای کتب فقهی در موارد متعددی که به مباحث فقه مدنی پرداخته اند، جستجو نمود. اما خالی از فایده نیست که بدانیم برای شرط فاسد، چهار مورد را به عنوان قدر متیقن می توان ملاحظه نمود.

۱ شرطی که مخالف کتاب خدا و یا سنت معصوم (ع) باشد. مثل اینکه در ضمن معامله ای شرط شود که یکی از طرفین یا هر دوی آنها شراب بنوشند.

۲ شرطی که با مقتضای عقد تنافی داشته باشد مثل اینکه در ضمن عقد بیع منزل، شرط شود که خریدار حق استفاده از منزلی را که خریداری نموده، نداشته باشد.

۳ شرطی که مفادش مجهول و نامشخص باشد مثل اینکه ضمن عقدی شرط شود که یکی از متعاملین کاری را انجام دهد ولی آن کار مشخص نشود.

۴ شرطی که مشروط علیه قدرت و توان انجام آن را نداشته باشد مثل اینکه در ضمن عقدی شرط شود که یکی از طرفین با پای پیاده در مدت یک روز دور دنیا را بگردد.

همانگونه که اشاره شد، و فاء به شرط فاسد لازم نیست و اگر آن شرط خلاف کتاب یا سنت باشد عمل بدان حرام شرعی نیز خواهد بود اما سؤال قابل طرح این است که در صورت فساد شرط و فاء نمودن به اصل عقد چه حکمی دارد؟ آیا عقد هم همانند خود شرط، فاسد می باشد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال دو نظریه عمده ارائه شده است که یکی آن است که فساد شرط به هر صورتی که اتفاق بیفتد باعث فساد عقد خواهد شد که برخی بزرگان چنین نظریه ای را انتخاب نموده اند. (شهید ثانی ۱۳۸۶ ه.ق، ج ۳، ۵۰۵). نظریه گروه دیگری از فقهاء آن است که فساد شرط باعث فساد عقد نخواهد شد. (شیخ طوسی ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۲، ۱۴۹،

گفته های ناگفته

۱۴۷. اگر بر خودمان مسلط باشیم بی شک فرمانروای سرنوشت خود و دیگران خواهیم بود.

۱۴۸. انسان در دوره جوانی در مسائل صبر و حوصله و قدرت رسیدگی و قضاوت کامل را ندارد، بد و خوب و زشت و زیبا را به صورتی که قضا و قدر به خاطرش نقش بسته بی چون و چرا می پذیرد و یکی را نسنجیده معبود خود قرار می دهد و با دیگری نشناخته دشمن خونین می شود.

۱۴۸. انسان در دوره جوانی در مسائل صبر و حوصله و قدرت رسیدگی و قضاوت کامل را ندارد، بد و خوب و زشت و زیبا را به صورتی که قضا و قدر به خاطرش نقش بسته بی چون و چرا می پذیرد و یکی را نسنجیده معبود خود قرار می دهد و با دیگری نشناخته دشمن خونین می شود.

۱۴۹. انسان باید مثل کوه در ساحل دریا استوار و محکم باشد، به موج آب و مشکلات بگوید: تو هیچی، برو؛ و به مصیبت ها و طوفان ها بگوید: دور شوید من یک آفریننده احسن الخالقینم.

۱۵۰. افتخار را با تواضع و فقر را با صبر باید تحمّل کرد.

۱۵۱. با صبر و شکیبایی عیب هایی را که نمی توانیم از خود یا دیگران تغییر دهیم تحمّل باید کرد.

۱۵۲. برای انسان نعمتی بهتر از این نیست که به مقدرات خود سر تسلیم فرود آورد و مژه عظمت آن را بچشد. ۱۵۳. بردباری مثل جریان برق است برای روشن کردن لامپ، بردباران همیشه روشنند.

۱۵۴. در مورد زیر دستان همیشه باید صبر به خرج داد، زیرا آنان همان زمان گذشته خودمان هستند.

۱۵۵. بهترین دستور زندگی اعتماد به نفس است برای انسان زیرا در این صورت انسان به مقام و منزلت می رسد.

۱۵۶. بهترین چاره غضب به تأخیر انداختن آن است و بهتر است قبل از وقوع حادثه بیمناک باشیم و بعد از وقوع حادثه آسوده دل، نه اینکه پیش از حادثه آسوده دل باشیم و پس از آن بیمناک.

نظریه فساد عقد به سبب فساد شرط

هم چنان که اشاره شد گروهی از فقهاء شرط فاسد را باعث بطلان عقد دانسته و برای این نظریه ی خود ادله ای اقامه نموده اند که بدان ها اشاره می کنیم

عقد نیز باطل می باشد. (طباطبائی ۱۴۰۴، ج ۱، ۵۳۷، ۱-۳- از مطالبی که در حکم به بطلان عقد متضمن شرط فاسد می تواند به عنوان دلیل اقامه گردد این است که در هر معامله ای که متضمن شرط فاسدی باشد ثمن و بهای آن منحل می شود و همین انحلال با تقسیط ثمن ملازم می گردد که در صورت فساد شرط و عدم لزوم وفای به آن، مقدار حصه ای از ثمن که در مقابل مثنی و کالا پرداخت گردیده مجهول بوده و جهالت نسبت به یکی از عوضین، مانع از صحت معامله می شود زیرا در صورت قبول نظریه ی تقسیط ثمن و اینکه در برابر شرط، قسط و بهره ای از ثمن پرداخت می شود، در جایی که شرط باطل است، علم به عوضین مفقود می باشد و لذا اصل معامله محکوم

به بطلان می گردد. ۱-۱- یکی از ارکان معامله، رضایت تعاملی در متعاملین است و در معاملاتی که متضمن شرطی باشند، این رضایت به مجموع معامله و شرط تعلق می گیرد پس هرگاه شرطی بخاطر فسادش و یا هر دلیل دیگری مفقود باشد، این رضایت تعاملی نیز مفقود می گردد، زیرا معامله ی فاقد شرط، مورد تراضی نبوده و لذا اصل معامله باطل است. (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ۵۰۵) ۲-۱- چنانکه می دانیم، عقد بدون قصد تحقق نمی یابد و در عقد مقرون به شرط، قصد متعاقبین به مجموع عقد و شرط تعلق می گیرد و عقد به تنهایی مقصود مشروط له نمی باشد پس در صورت فساد شرط باید حکم به عدم تحقق عقد نمود زیرا قصدی به آن تعلق نگرفته است تا بخواهد وجود پیدا کند، لذا با فساد و بطلان شرط اصل

در این روایت حضرت (ع) به صراحت عقد ازدواجی را که در بردارنده ی شرط فاسدی باشد غیر جایز و غیر معتبر اعلام فرموده و لذا حکم به بطلان چنین عقدی می گردد. لازم به ذکر است که این نظریه از جهاتی می تواند مورد نقد قرار گیرد که انشاءالله پس از طرح نظریه ی مقابل به ارزیابی و اظهار نظر پیرامون آن خواهیم پرداخت.

نظریه ی صحت عقد با وجود شرط فاسد

در مقابل نظریه ی بطلان عقد متضمن شرط فاسد، عده ای از فقهاء قائل به صحت چنین عقدی شده اند و برخی از آنها نیز برای این نظریه ی

خود ادله ای ارائه فرموده اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم

این مرد با زن دیگری ازدواج کرد یا همسرش را ترک نمود و یا کنیزی اختیار نمود آن زن مطلقه باشد. امام (ع) فرمود: شرط خداوند متعال مقدم بر شرط شما می باشد پس (چون این شرط برخلاف شرع مقدس می باشد) اختیار همچنان با مرد است (شرط فاسد است) و اگر مرد دوست داشته باشد به آنچه شرط شده وفاء می کند و اگر بخواهد میتواند آن زن را نگه دارد (به عنوان همسرش و عقد باطل نمی باشد) و با زن دیگری هم (برخلاف شرط فاسدی که شده بود) ازدواج نماید. (شیخ حر عاملی، همان، ج ۱۵، ۴۶). در روایت فوق چنانکه ملاحظه می شود امام معصوم (ع) ضمن حکم به عدم صحت شرط مخالف با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و عدم لزوم وفاء به چنین شرطی در مورد اصل عقد ازدواج فرموده که اگر مرد بخواهد می تواند آن زن را به عنوان همسرش نگه داشته و به آن شرط باطل عمل نکند و یا مطابق آنچه شرط شده عمل نماید و کلام امام (ع) ظهور در صحت عقد ازدواج دارد زیرا اگر اصل عقد باطل می بود، حضرت آن را بیان می فرمودند.

آنجا که دربرگیرنده ی شرط فاسدی باشد به این ادله تصریح فرموده اند. (نجفی ۱۴۰۷، ج ۲۳، ۲۲ و شیخ انصاری ۱۳۷۵، ج ۲۸۸). ۲-۳- اخبار خاص از معصومین علیهم السلام : چنانکه اشاره شد برای حکم به صحت عقد با وجود بطلان شرط، روایات معتبری از قول ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که در کتب روایی معتبر نقل شده اند و علاقمندان می توانند مراجعه فرمایند. (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۶، ۴۰ و شیخ صدوق ۱۴۰۴، ج ۴۲۵۳).

در اینجا به یکی از روایات منقول در این زمینه اشاره می کنیم: روایت صحیح از محمد ابن قیس وارد شده است که از قول امام محمد باقر (ع) حکم به صحت عقد و بطلان شرط موجود در ضمن آن عقد شده که مضمون آن چنین است: محمد ابن قیس هلالی به امام محمد باقر (ع) عرض می کند: مردی با زنی ازدواج نموده و با آن زن شرط نموده است که اگر

۱-۲- عدم دلیل برای حکم به بطلان عقد: می دانیم که معاملات رایج در بین مردم، امور امضائی هستند یعنی در جایی که شارع مقدس با نوعی از آن مانند معامله ی ربوی مخالفت داشته از آنها نهی فرموده است و لذا عدم منع شارع مقدس از بسیاری معاملات که در میان مردم رایج بوده دلیل بر امضاء آنها و حکم به صحتشان می باشد. پس اگر در مورد معامله ای که بین مردم رواج دارد نهی و منع معتبری از جانب شارع به ما نرسد این عدم منع، خود دلیل بر آن است که شارع مقدس آن معامله را امضاء فرموده است.

درباره ی عقد متضمن شرط فاسد نیز دلیل معتبری برای حکم به بطلان اصل عقد به ما نرسیده است و از عدم دلیل بر بطلان عقد با وجود دلیل برای حکم به بطلان شرط، استنباط می شود که اصل عقد نزد شارع معتبر و محکوم به صحت است البته همانگونه که اشاره شد، روایاتی در زمینه ی حکم به بطلان اصل عقد نیز مشاهده می شوند که چنانکه در آینده خواهیم گفت این گروه از روایات ضعیف بوده و قدرت مقابله با روایات معتبری را که بر صحت عقد در اینگونه موارد، دلالت می کنند، ندارند.

۲-۲- اطلاق و عموم ادله:

بعد از آنکه نظریه ی امضایی بودن عقود و معاملات را پذیرفتیم، اینک می گوئیم: یکی از ادله ای که می تواند برای حکم به صحت عقد متضمن شرط فاسد ارائه گردد، عمومیت ادله ای مثل اوفوا بالعقود و اطلاق برخی دیگر از قبیل احل الله البیع می باشد چنانکه برخی بزرگان نیز برای حکم به صحت عقد در



نظریه های صحت عقد

اگر نظریه ی صحت عقد را در صورتی که متضمن شرط باطلی باشد، بپذیریم این سؤال مطرح می شود که مشروط له قصد عقد همراه با آن شرط تعیین شده را نموده است و عقد بدون شرط، مقصود او نمی باشد پس چگونه حکم به تحقق عقدی که مقصود نبوده است می گردد؟ برای حل این معما نظریات مختلفی ارائه شده که به برخی از آنها اشاره می نمایم



گفته های ناگفته

۱۵۷. تواضع دلیل بر ضعف نیست بلکه از بزرگ منشی فرد سرچشمه می گیرد و صفت کسانانی است که به کمال رسیده اند و کمبود و عقده ندارند.

۱۵۸. انسان می تواند از موانع عبور کند هرچند آن موانع بلند باشد، اگر انسان اراده کند می تواند موانع را دور بزند یا با افکار خود پرواز کند و چاره ای جهت رهایی از یک مانع پیدا نماید.

۱۵۹. استقامت را از بلوط، آزادی را از سرو و انعطاف را از بید باید آموخت.

۱۶۰. دیروز رفته، فردا نیامده، فریاد ضعیف است؛ آرام باش تا پیروز شوی.

۱۶۱. زندگی همانند چرخ فلکی است که گاهی عده ای را بالا می برد و عده ای را پایین قرار می دهد، ولی مردم غافلند از اینکه این دنیا چرخش دائمی است و هیچ گاه بالا و پایین ماندنش برای هیچ کس دائمی نخواهد ماند.

اصول زندگی

۱۶۲. حسرت بزرگ انسان ها در آخرین لحظات زندگی: ۱. کاش و جرأت این را داشتم آنطوری که میخواهم زندگی کنم نه آن طوری که دیگران از من انتظار دارند. ۲. کاش تمام وقتم را به کار کردن نمی گذارندم. ۳. کاش جرأت داشتم تمام احساساتم را بازگو کنم. ۱۶۳. ایستاده مردن بهتر است از اینکه زانو زده زیستن است.

۱۶۴. امواج خروشان سطح آب هرگز سکون و آرامش اعماق آنرا بر هم نمی زند (اجتماعی)

۱۶۵. چاپلوس ها تنها، همانند دوست هستند همانطوری که گرگ ها شبیه سگ ها هستند.

۱۶۶. در وجود هر یک از ما یک خائنی بنام خودخواهی وجود دارد که فقط در برابر تملق و چاپلوسی نرم می شود.

۱۶۷. گاهی باید به کسانی که غیر از خدا پناهی ندارند پناه داد.

نظریه ی مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری در رابطه با اشکال فوق که بیانگر این نکته می باشد که چون عقد بدون شرط، مقصود مشروط له نبوده پس باید حکم به عدم انعقاد چنین عقدی شود دو پاسخ ارائه فرموده اند که یکی از آنها پاسخ به صورت نقض می باشد و دیگری به صورت حل مسأله هست که ذیلاً به ترتیب آنها را ذکر می کنیم، ایشان در این باره می فرمایند:

(شیخ انصاری، ۱۳۷۵ ه.ق، ۲۸۸).

« ما این نکته را قبول نداریم که ارتباط شرط با عقد به گونه ای است که انتفاء شرط سبب انتفاء عقد می گردد، چنانکه در شروط فاسدی که در ضمن عقد از دواج صورت می پذیرد هیچ یک از فقهاء با صحت اصل عقد از دواج مخالفت ننموده اند و همینطور اگر در شروط صحیحی که در ضمن عقود می شود مشروط علیه از انجام آنها تخلف کند و یا شرط صفتی که شده موجود نباشد و یا انجام شرط غیر ممکن باشد هیچ یک از این موارد موجب بطلان عقد نمی شوند.»

ایشان در ادامه کلام خود پاسخ مسأله را به صورت ذیل بیان فرموده اند:

« قیودی که در مطلوبهای شرعی و عرفی اعتبار می شوند بر دو قسمند: اول: برخی قیود برای مطلوب رکن محسوب می گردند که در اینگونه موارد حکم عرف این است که در صورت انتفاء قید، شیئی مقید نیز منتفی خواهد بود. مثل اینکه مطلوب شارع مقدس انجام غسل زیارت با آب باشد تا بدین ترتیب برای زائر، نظافت و پاکی حاصل شود و یا در خرید و فروش کالای خریداری شده حیوان صاهل (اسب) باشد که در اینگونه موارد اگر فرضاً در صورت اول آب مفقود باشد، تیمم نمی تواند جای غسل را بگیرد همچنانکه در صورت دوم، حیوان ناهق (الاغ) از جانشینی حیوان صاهل به منظور تصحیح معامله ناتوان است و لذا عرف حکم می کند که با فقدان اینگونه قیود، مطلوب مقید نیز منتفی می باشد.

دوم: برخی از قیود برای مطلوب، رکن محسوب نمی گردند مثل اینکه غسل زیارت با آب فرات مستحب می

باشد و یا مبیع و کالا از صنف مرغوب و عالی اش مورد نظر و توافق قرار گیرد، که عرف در اینگونه موارد حکم به مطلوب بودن فاقد قید نیز می نماید

یعنی غسل کردن با آبی غیر از آب فرات هم مطلوب است همچنانکه کالا اگر از صنفی غیر از صنف عالی و مرغوب باشد نیز مطلوب است. و ظاهراً شروط در عقد از قبیل قید به معنای دوم می باشند یعنی از ارکان عقد محسوب نمی گردند، لذا با فقدان آنها ضرری به اصل صحت عقود وارد نمی شود، هرچند حق خیار برای مشروط له، تحقق می یابد.»

لازم به ذکر است که بزرگانی مثل مرحوم صاحب عروه نیز نظریه ی مرحوم شیخ انصاری را پذیرفته و فرموده اند هر چیزی که در عقد به عنوان شرط، مورد التزام واقع شود مقصود بالاصاله نمی باشد و قید غیر رکنی به حساب می آید و لذا فقدانش به هیچ وجه باعث بطلان معامله نمی گردد.

(طباطبائی یزدی، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۱، ۱۳۸۲).

نظریه ی مرحوم آخوند خراسانی

این بزرگوار درباره قیودی که در معامله به عنوان رکن ملاحظه نمی شوند و نحوه ی تشخیص آنها از مواردی که به منزله ی رکن عقد می باشند چنین می فرمایند:

(آخوند خراسانی، ۱۴۰۶ ه.ق، ۲۵۱). « در عقد متضمن شرط، نوعاً قرینه ی عرفیه حاکم است بر اینکه آنچه در اینگونه عقود انشاء می شود دو چیز است.

اول: اگر تحقق عقدی که دارای آن قید و شرط است ممکن باشد، خواه این امکان عقلی باشد و یا شرعی، چنین عقدی مطلوب می باشد.

دوم: اگر تحقق عقدی که دارای قید و شرط مورد نظر است، ممکن نباشد، عقد فاقد آن قید و شرط مطلوب است و این قرینه ی عرفی دائماً حاکم است به گونه ای که اگر کسی فقط عقد دارای شرط را اراده نماید و عقد فاقد شرط مقصودش نباشد، چاره ای جز نصب دلیل بر ابراز این مطلوب خود ندارد و گرنه مطابق قرینه ی عرفی حکم می شود که عقد فاقد شرط نیز در طول عقد واجد شرط و در درجه ی دوم مطلوب او بوده است.)

در باره ی این فرمایش مرحوم آخوند و میزان مقبولیت آن در آینده بحث خواهیم نمود.

نظریه ی مرحوم نائینی

مرحوم میرزای نائینی در توضیح و تبیین کلام مرحوم شیخ انصاری، بیانی دارند که مضمون آن چنین است: (نائینی، ۱۳۵۸ ه.ق، ج ۲، ۱۴۹ و ۱۴۸).

عناوینی که عقد بر آنها واقع می شود یا قیودی که در عقد به عنوان وصف یا شرط اعتبار می گردند گاه از صورتهای نوعیه برای موضوع معامله می باشند و گاه از عوارض خارجی آن محسوب می شوند و آنچه که معامله بر آن واقع می شود و عوض در مقابلش پرداخت می گردد نوع اول است یعنی همان صورت جوهری که وجود مبیع و مالیت آن وابسته بدان می باشد زیرا خود ماده ی هیولایی مال محسوب نشده و در ازانش مالی پرداخت نمی گردد چنانکه در مقابل عوارض نیز چیزی از قیمت قرار نمی گیرد بلکه فایده ی عوارض آن است که موجب ارزش بیشتر مال و رغبت زیادتر نسبت به معروضش می گردد. پس معامله بین صورت نوعیه یک کالا در مقابل عوض آن واقع می شود لذا اگر

تخلف در صورت نوعیه صورت پذیرد مثل اینکه مورد انشاء معامله گوسفند باشد ولی بعداً روشن شود که نظر طرف مقابل گاو بوده است اصل عقد باطل است و در این حکم هم فرقی نیست بین آنکه صورت نوعیه عنوان مبیع قرار گیرد مثل اینکه گفته شود: این گوسفند را به تو به قیمت فلان تومان فروختم یا اینکه صورت نوعیه به عنوان وصف قرار گیرد مثل اینکه فروشنده بگوید: این چیزی را که گوسفند است به قیمت فلان مبلغ فروختم. و یا آنکه به عنوان شرط، مورد انشاء واقع شود چنانکه فروشنده بگوید: این مال را به تو فروختم به شرط آنکه گوسفند باشد.

و اما عوارض به دلیل آنکه چیزی از عوض در مقابل آنها قرار نمی گیرد پس فقدان عرض موجب بطلان معامله نمی شود و مقصود مرحوم شیخ انصاری از اینکه می فرمایند: شرط مفقود در معامله گاه رکن است و گاه غیر رکن همین مطلبی است که ما بیان نمودیم و ضابطه ی آن بنا بر نظریه ی ما این است که آیا شرط نسبت به متعاضین از قبیل صورت نوعی است

(که در این صورت تخلف شرط و یا فساد شرط موجب بطلان عقد می گردد) و یا از اعراض آن به حساب می آید، که در این صورت عقد صحیح می باشد.)

این نظریه را هم همانند سایر اقوال در مبحث تحلیل نظریات مورد ارزیابی قرار می دهیم.



گفته های ناگفته

۱۶۸. اگر با مالت نمی توانی کمک کنی با مهربانی زبانت قلبی را تیمار کن.

۱۶۹. هرگز فراموش نکن ضربه سخت را از کسی می خوری که هرگز فکرش را هم نمی کردی.

۱۷۰. برخی کلمات همچون سونامی ویران گر هستند.

۱۷۱. آتش را با آب می توان نابود کرد، خاکسترش را هرگز.

۱۷۲. گاهی اوقات تزویر آخرین سلاح برای خلع سلاح مکاران است.

۱۷۳. آتش را با آتش خاموش کردن سهل است.

۱۷۴. مردی که همسرش پشتیبان او باشد هرگز شکست نخواهد خورد.

۱۷۵. فرق بین خسیس و قانع: خسیس آن است که دارد ولی

حتی به اندازه نیاز جسم خود و گذران زندگی اش استفاده نمی کند و همیشه خود را گرسنه و خانواده اش را در زجر می گذارد

و هیچ لذتی از زندگی نمی برد و دائماً فکر از دست دادن مال او را اذیت می کند؛ اما قانع و

آینده نگر آن است که به اندازه نیاز خود و خانواده اش مصرف می کند و هیچ گاه از آرامش و آسایش خود و خانواده اش غافل

نمی شود و همیشه مواظب است که احتیاجاتش به دیگری نیفتد و میزان دخل و خرجش با تراز می

باشد ولی آنکه خرجش از بر جش بیشتر است همیشه نیازمند خواهد بود؛ قناعت پیشه آینده نگر و

سرافراز است و خسیس گدایی است که دائماً خود را رسوا می کند.

۱۷۶. سگه شاید هزار چرخ بخورد ولی تنها دو رو خواهد داشت، انسان هم شاید هزار بار مصیبت بکشد ولی فقط یک سرنوشت خواهد داشت.

۱۷۷. همیشه خوبی کن تا خدا هم به تو خوبی کند.

۱۷۸. حد فاصل لذت و زاری یک اعتماد به نفس است.

۱۷۹. همیشه خداوند موانعی برای گناه نکردن مومنانش ایجاد می کند.



تحلیل نظریات درباره تأثیر شرط فاسد در عقد با لحاظ قصد متعاقدين

۳-۳- و اما اگر گفته شود در صورت فساد شرط ضمن عقد، از آنجا که درمقابل شرط بخشی از ثمن و قیمت پرداخت می شود و بعد از بطلان و سقوط شرط، با تقسیط ثمن، عوض مبیع و کالا مجهول می گردد و لذا حکم به بطلان معامله می شود در پاسخ می توان گفت:

اولاً: مبادله ی بین ثمن و خود کالا واقع شده و چیزی از ثمن و قیمت در برابر شرط پرداخت نمی شود، آری این نکته قابل انکار نیست که شرط موجب زیادی مالیت کالا در بیع خواهد شد اما ثمن بین کالا و شرط تقسیط نمی گردد، چنانکه بزرگانی نیز بدین نکته تصریح فرموده اند. (شیخ انصاری، ۱۳۷۵ه.ق، ۲۸۸).

ثانیاً: اگر تقسیط ثمن را هم بپذیریم باعث مجهولیت عوض نمی گردد، زیرا عرف و اهل خیره مقداری از ثمن را که در برابر شرط واقع می شود و نیز سهمی از آن را که در مقابل اصل کالا پرداخت می گردد، تعیین می نمایند، چنانکه در مبحث تبعض صفقه هم راه حل چنین می باشد و همان راه حل در مبحث شرط فاسد نیز ارائه شده است. (بجنوردی، ۱۴۱۹ه.ق، ج ۴، ۱۹۶). و لذا اگر کسی بگوید: علم به عوضین در هنگام عقد معتبر است و با تقسیط ثمن بین عقد و شرط معلوم می شود که در زمان عقد این علم مفقود بوده است پس معامله باطل می باشد، در پاسخ می گوئیم: در معاملات که ثمن تقسیط می گردد (مثل تبعض صفقه در صورتی که معامله نسبت به بخشی از معامله باطل شود و نسبت به بخش دیگر لازم گردد) مسأله به همین گونه بوده و علم به مقدار ثمن معتبر نمی باشد و بر مبنای همین عدم اعتبار علم نسبت به اقساط، بزرگان در مبحث تبعض صفقه قائل به صحت معامله شده اند و حتی به عدم اعتبار علم به مقدار قسط در هر معامله ای که تقسیط ثمن در آن صورت می پذیرد تصریح فرموده اند.

(امام خمینی ۱۴۰۷ه.ق، ج ۵، ۲۴۴).

۳-۴- و اما روایاتی که به عنوان دلیلی برای حکم به بطلان عقد متضمن شرط فاسد اقامه شده بود درباره آنها باید گفت: اولاً: غالب این روایات از نظر سلسله سند و یا از نظر دلالت بر مطلوب ضعیف می باشند، چنانکه روایتی که ذکر گردید مرسله بوده و نیز ابن فضال در سلسله سندش داخل می باشد

که فقهاء چنین روایاتی را قابل استناد نمی دانند.

ثانیاً: در مقابل اینگونه روایات، احادیث و روایات صحیح و قابل استنادی در اختیار داریم که دلالت بر بطلان شرط فاسد و صحت اصل عقد می نمایند که به برخی از آنها در بحث از نظریه صحت عقد متضمن شرط فاسد اشاره گردید.

بنابر این حکم به بطلان عقد متضمن شرط فاسد از دلیل و پشتوانه مستحکمی برخوردار نمی باشد.

برخلاف معامله ی اکراهی، در هنگام اجراء و انشاءعقد، رضایت تعاملی موجود است و همین رضایت برای حکم به صحت آن کافی به نظر می رسد، گرچه وضعیت این رضایت به گونه ای است که اگر طرف مشروط له از فساد و بطلان شرط آگاه شود ممکن است به آن معامله راضی نشود ولی این عدم رضایت شأنی نمی تواند مانع از انعقاد معامله گردد وگرنه باید در تمامی معاملاتی که در نهایت یکی از طرفین معامله ضرر می بیند و لذا چنین عدم رضایتی در آنها نیز می توان یافت، حکم به بطلان معامله گردد که کسی ملتزم به چنین حکمی نمی شود زیرا التزام به چنین حکمی مساوی با متلاشی شدن پیکره ی نظام تعاملی بشر خواهد بود.

۳-۲- این نظریه که تحقق عقد بدون وجود قصد ممکن نیست کلامی صحیح و منطقی می باشد اما نمی توان از آن نتیجه گرفت که اگر شرط ضمن عقد، فاسد و باطل باشد قصد تعاملی نیز مفقود می باشد زیرا چنانکه نظریه ی بزرگانی مثل شیخ انصاری (ره) را نقل نمودیم چنین نیست که نقش شرط در ضمن عقد از قبیل نقش رکن برای عقد باشد تا فقدان آن سبب بطلان عقد گردد و عرفاً چنین نیست که مشروط له قصد عقد متضمن شرط را به نحوی بنماید که عقد فاقد شرط را نفی کند بلکه قصد او تحقق عقد است به علاوه تحقق شرط، بله اگر در موردی اثبات شود که یکی از طرفین عقد قصد شرط را به منزله ی رکن رکنی برای عقد نموده اند به گونه ای که با فساد شرط نیز قصد عدم تحقق عقد را مدنظر داشته اند در این مورد اگر شرط فاسد باشد حکم به عدم انعقاد عقد می نماییم ولی این از موارد استثنایی و خاص است که باعث ارائه ی حکم کلی نمی گردد.

و این نکته که گفته شود اگر مشروط له از بطلان شرط آگاهی داشت ممکن بود قصد تحقق عقد رانمی نمود، نتیجه اش حکم به فقدان قصد شأنی در عقد متضمن شرط فاسد است که آن هم با وجود قصد فعلی، کارآیی و تأثیری برای حکم به فساد عقد از ابتدا ندارد.

بیان مرحوم بجنوردی

مرحوم آیت اله میرزا حسن بجنوردی نظریه ای همانند نظریه ی مرحوم نائینی را در مورد شرط ضمن عقد و اینکه تخلف از شرط در چه مواردی موجب بطلان عقد می شود بیان فرموده اند و نکته ای را که ایشان بر مطالب مرحوم نائینی افزوده اند عبارت از نکته ای به مضمون ذیل می باشد: (بجنوردی ۱۴۱۹ه.ق، ج ۲، ۱۴۹، ۱۴۸).

(صورت نوعی موصوف و آنچه شرط شده است که تخلف از آن موجب بطلان عقد می گردد، شامل صورت نوعی به لحاظ عرف می گردد هرچند به حسب دقت عقلی، صورت نوعی به حساب نیاید. مثلاً فرش مشروط به اینکه بافت کاشان باشد با فرش بافت مشهد از نظر عرف در مقام معامله تفاوت دارند هرچند به حسب حقیقت نوعی عقلی یکی می باشند و لذا اگر معامله روی فرش واقع شود مشروط بر اینکه بافت کاشان باشد و بعد مشخص شود که فاقد این شرط بوده است معامله باطل است، زیرا آنچه که انتقالش انشاء شده وجود ندارد و آنچه موجود است حقیقت عرفی دیگری است که انشاء انتقال بدان تعلق نگرفته است و همین اختلاف حقیقت به نظر عرف، از انعقاد عقد مانع می گردد زیرا ملاک و معیار در معاملات نظر عرف می باشد و به تعبیر دیگر هر شرطی که دخالت در صورت نوعی شیء مورد معامله داشته باشد، اخلال نسبت به آن باعث از بین رفتن صورت نوعیه شده که بازگشت تخلف چنین شرطی به تخلف عنوان مورد معامله است که مانع از انعقاد عقد می گردد.)

چنانکه گفته شد درباره تأثیر شرط فاسد در عقد دو نظریه ی عمده و محوری ارائه شده است که یکی از آنها قائل به بطلان اصل عقد در اثر شرط فاسد است و نظریه ی دیگر شرط فاسد را موجب بطلان و فساد عقد نمی داند و هر گروهی برای خود ادله ای ارائه نموده که اینک به تحلیل مختصری پیرامون نظریات ارائه شده می پردازیم.

۳-۱- گفته شد یکی از ارکان معامله، رضایت تعاملی است و چنین رضایتی در معاملات متضمن شرط فاسد وجود ندارد. پاسخ این اشکال به صورت مفصل، اقتضاء نگارش مقاله ای مستقل را دارد اما در اینجا بطور خلاصه عرض می شود: در عقد متضمن شرط فاسد،

نظریه ای که تحقق عقد بدون وجود قصد ممکن نیست کلامی صحیح و منطقی می باشد اما نمی توان از آن نتیجه گرفت که اگر شرط ضمن عقد، فاسد و باطل باشد قصد تعاملی نیز مفقود می باشد

گفته های ناگفته

۱۸۰. انسان نباید فراموش کند که همه آفریده های خدا برای اصلاح او بوده تا از این نعمت ها استفاده کند و یادش بیفتد که خداوندی هست که بدون نیازش به انسان خلق می کند و نیازی به هیچگونه عبادتی ندارد، فقط می خواهد به آدم بگوید تو انسان هستی.

۱۸۱. گاهی اوقات، انگیزه یک فرد باعث سعادت‌مندی در دیگری می شود.

۱۸۲. خوشبختی همانند پرده ای است که هر چند وقت یک بار بر پشت بام خانه ای می نشیند و صاحب خانه باید باعث پریدن آن پرده نشود.

۱۸۳. دنیا همچون دفتری است که باید از آن بگذری یا از تو بگذرد.

۱۸۴. حد فاصل ذلت و آزادی، یک عزت نفس است.

۱۸۵. مبدأ و مقصد برای همه انسان ها یکی است فقط سفر بین این دو تفاوتی چند ایجاد کرده است.

۱۸۶. بیچاره آدمی که فکر می کند دنیا از آن اوست، ولی نمی داند دنیا به مثال کوهی می ماند پا برجا، که هر کسی می خواهد آن را فتح کند غافل از آنکه بعد از صعود باید ترکش کند و کوه همچنان پا برجا خواهد ماند.

۱۸۷. اگر نسلی نمی دانند به کجا می روند دلیل آن است که رویای اجداد خود را تعقیب می کنند.

۱۸۸. کسی که می خواهد محبوب قلوب مردم باشد باید قلبشان را شاد کند.

۱۸۹. انسان فروتن همانند درختی است پر ثمر که شاخه هایش رو به پایین مایل است.

۱۹۰. وای بر آن مردمانی که شیادانی در قفای شیادانی دیگر هستند با گرگ می گویند و می خندند و با چوپان گریه می کنند.

۱۹۱. همیشه سنگ های درشت را سنگ های ریز پا برجا نگه می دارند.

تأملی بر فرمایش مرحوم آخوند خراسانی

چنانکه توضیح داده شد مرحوم آخوند خراسانی در مورد عقد متضمن شرط فاسد چنین ابراز فرموده بودند که در اینگونه عقود نوعاً قرینه ی عرفیه حاکم است بر اینکه آنچه انشاء می شود دو چیز است:

اول) اگر عقد واجد قید و شرط ممکن باشد، همان مطلوب است. دوم) اگر عقد واجد شرط و قید ممکن نباشد، عقد فاقد شرط و قید مطلوب می باشد.

به ایشان عرض می کنیم: چگونه ممکن است یک انشاء به دو چیز از نوع خود در طول یکدیگر منحل گردد به گونه ای که اگر یک از آنها ممکن نبود، دیگری مطلوب واقع شود؟

نظری بر نظریه ی مرحوم نائینی

چنانکه قبلاً توضیح داده شد مرحوم میرزای نائینی در توجیه و تبیین نظریه ی صحت اصل عقدی که متضمن شرط فاسد و باطل است، کلامی مفصل ذکر فرموده بود که مضمون آن را نقل نمودیم و از تکرارش خودداری می کنیم، و در رابطه با فرمایشات آن بزرگوار به ذکر دو نکته بسنده می کنیم:

اول: محور کلام مرحوم نائینی شرط صفت می باشد و حال آنکه چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، شرط ضمن عقد می تواند شرط صفت یا شرط فعل و یا شرط نتیجه باشد.

آری با یک انشاء می توان دو یا چند چیز را در عرض یکدیگر طلب نمود مثل اینکه یک کتاب و یک کیف و دو قلم را با یک انشاء معامله کرد، ولی معقول نیست که دو چیز در طول هم، موضوع برای یک انشاء واقع شوند بلکه شیء دوم نیازمند به انشاء جدیدی می باشد چنانکه اگر کسی به دیگری بگوید: برای اینجانب یک تخته فرش درجه یک از صنف راوند کاشان خریداری کن و اگر چنین فرشی نبود درجه یک و نیم خریداری بنما. این خود دو انشاء است. لذا به مرحوم آخوند عرض می کنیم که این تعدد مطلوب به نحو طولی در انشاء واحد ممکن به نظر نمی رسد. حتی اگر به نحوی امکان چنین

دوم: از فرمایشات مرحوم نائینی این نکته قابل استنباط است که در مواردی که تخلف شرط صفت موجب بطلان معامله می شود،

این حکم به بطلان معامله به علت آن است که تخلف شرط به تخلف از عنوان موضوع معامله بازگشت می نماید و معامله از جهت تخلف عنوان معامله محکوم به بطلان می باشد، لذا ارتباطی به جایی که تخلف شرط سبب تخلف عنوان معامله نگردد، نداشته و محل بحث را در بر نمی گیرد.

آن که شرط صحت برای هر عقد وایقاعی محسوب می شود، منافات دارد

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که درباره ی رابطه ی عقد متضمن شرط فاسد بنا بر حکم به صحت عقد و بطلان شرط بیان شد، می توان نتیجه ی بحث را بطور خلاصه به صورت ذیل ارائه نمود.

شرط ضمن عقد نمی تواند به عنوان قید و شرط برای خود عقد و انشاء لحاظ شود زیرا معلق نمودن عقد با تنجیز آن که شرط صحت برای هر عقد وایقاعی محسوب می شود، منافات دارد. پس در مرحله ی انشاء عقد، قصد و رضایت به معاوضه ی بین ثمن با مثنی تعلق گرفته و این معنا مقید به هیچ چیز دیگری نیست و انشاء بیع قبل از شرط، تحقق می یابد و اما شرط، خود انشائی جدید و قراری مستقل می باشد، هرچند در عالم واقع و حقیقت یک نحو ارتباطی بین این دو وجود دارد ولی این مطلب سبب نمی شود که این ارتباط در مقام انشاء و تراضی هم معتبر باشد و این ربط لثمی در اینجا و نیز دواعی و اغراض در سایر معاملات باعث تقید در عالم انشاء نمی گردد.

بنابراین در قول به صحت عقد متضمن شرط فاسد باید گفت که در عالم انشاء در درجه ی اول معاوضه بین ثمن و مثنی با یک انشاء محقق می گردد، و بعد با توجه به مطالبی که درباره ی رابطه ی عقد متضمن شرط فاسد بنا بر حکم به صحت عقد و بطلان شرط بیان شد، می توان نتیجه ی بحث را بطور خلاصه به صورت ذیل ارائه نمود.

شرط ضمن عقد نمی تواند به عنوان قید و شرط برای خود عقد و انشاء لحاظ شود زیرا معلق نمودن عقد با تنجیز آن که شرط صحت برای هر عقد وایقاعی محسوب می شود، منافات دارد. پس در مرحله ی انشاء عقد، قصد و رضایت به معاوضه ی بین ثمن با مثنی تعلق گرفته و این معنا مقید به هیچ چیز دیگری نیست و انشاء بیع قبل از شرط، تحقق می یابد و اما شرط، خود انشائی جدید و قراری مستقل می باشد، هرچند در عالم واقع و حقیقت یک نحو ارتباطی بین این دو وجود دارد ولی این مطلب سبب نمی شود که این ارتباط در مقام انشاء و تراضی هم معتبر باشد و این ربط لثمی در اینجا و نیز دواعی و اغراض در سایر معاملات باعث تقید در عالم انشاء نمی گردد.

بنابراین در قول به صحت عقد متضمن شرط فاسد باید گفت که در عالم انشاء در درجه ی اول معاوضه بین ثمن و مثنی با یک انشاء محقق می گردد، و بعد

قسم از انشاء وجود داشته باشد در این صورت نیز حکم به بطلان معامله می گردد، زیرا چنین انشائی همانند بیع یک کالا به دو قیمت متفاوت بنا بر دو فرض مختلف می باشد چنانکه اگر کسی بگوید: این کتاب را به هزار تومان فروختم اگر حسین آمده باشد و اگر نیامده باشد به قیمت هزار و پانصد تومان فروختم. از نظر اینکه در این معامله ثمن مجهول است حکم به بطلان بیع می گردد چنانکه بدین نکته تصریح شده است: (امام خمینی ۱۴۰۷، ق، ۵، ج ۵، ۲۴۶) همچنانکه ممکن است گفته شود از آنجا که اینگونه انشاء غیر منجز بوده و از یک نحو تعلیق برخوردار است حکم به بطلان آن می گردد.

منابع

- انصاری، مرتضی، المکاسب، نشر اطلاعات، ۱۳۷۵، ق. ۵، تبریز.
- بجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیة، نشر الهادی، ۱۴۱۹، ق. چاپ دوم، قم.
- بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناضره فی احکام العترة الطاهرة، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱، ق. چاپ اول، قم.
- جمعی عاملی، زین الدین (شهیدثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیة، باتصحیح وتعلیق سید محمد کلاتر، دارالعالم الاسلامی، ۱۳۸۶، ق. بیروت.
- شیخ حر عاملی، محمد ابن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱، ق. چاپ چهارم، بیروت.
- حلی، یحیی ابن سعید، الجامع للشرایع، موسسه سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۸، ق. چاپ اول، قم.
- خراسانی، محمد کاظم (آخوند خراسانی)، حاشیه المکاسب، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶، ق. چاپ اول، تهران.
- امام خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۷، ق. قم.
- شیخ صدوق، محمد ابن علی ابن حسن بابویه، من لا یحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴، ق. چاپ دوم، قم.
- طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۴، ق. قم.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم حاشیه المکاسب، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۰، ق. قم.
- شیخ طوسی، محمد ابن حسن، المبسوط، انتشارات مرتضوی، ۱۴۰۷، ق. قم.
- نائینی، محمد حسین، منیه الطالب، انتشارات مرتضویه، ۱۳۵۸، ق. نجف اشرف.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷، ق. چاپ سوم، بیروت.

گفته های ناگفته

۱۹۲. وقتی که آشفتگی جمعیتی به سر حد جنون می رسد، همچون آتش زبانه کشیده ای به پیش می خیزد و همه چیز را می سوزاند، ولی چون شدت آن فرو نشیند، خود را می خورد و نیرویش را از دست می دهد و می داند که باید اطاعت کند و در برابر منطق و قانون با اراده شما تسلیم شود.

۱۹۳. در زندگی فراموش نکنیم که اساس همه روشنائی ها تقوی و ریاضت است.

۱۹۴. چند صفت از چند کس بسیار زشت است: ۱. حرص از علما ۲. کاهلی از جوانان

۳. بی رحمی از حکومت ۴. رعنائی از پیران ۵. بی شرمی از زنان.

۱۹۵. برای کمال انسان صد سال هم کافی نیست، ولی برای بدنایمی یک روز هم کافی است.

۱۹۶. چهار چیز موجب هلاکت روح خواهد بود: حرص، ترس، عار، قرض.

۱۹۷. خلق نیک، بال و پر انسان است.

۱۹۸. نجیب زادگی بدون تقوا همچون انگشتری زیباست که نگین جواهر نداشته باشد.

۱۹۹. زندگی که اساس آن به خاطر پول بنا شود، به خاطر پول هم از بین می رود.

۲۰۰. ازدواج کتابی است که فصل اول آن به نظم است و بقیه فصول به نثر.

۲۰۱. اگر می خواهید خانواده ای شاد و نیک بخت داشته باشید نسبت به زن خود سراپا عنایت و توجه شوید و ادب نگه دارید.

۲۰۲. کسی که می خواهد ازدواج کند باید با آن که دوست دارد ازدواج کند و گرنه دو نفر را بدبخت کرده است.

اعتدال

۲۰۳. عجله کردن صحیح نیست مگر در سه جا: ۱- دختر را شوهر دادن ۲- میت را دفن کردن ۳- طعام را به مهمان رساندن.

۲۰۴. پای را از گلیم خود دراز کردن نوعی دیوانگی است.

نظام اجرایی مدیریت کیفرهای جامعه محور اطفال و نوجوانان در ایران

علی نادری اصل دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی، دانشگاه علوم قضایی و بازپرس شهرستان بهار

نویسندگان:

سید مهدی سیف دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد کنگاور و دادیار شهرستان تویسرکان

چکیده

کیفرهای جامعه محور، کیفرهایی هستند که در بستر جامعه و نه در مؤسسات و نهادهای دولتی کلاسیک به اجرا گذاشته می شود و جامعه در اعمال آن ها به نوعی مداخله می کند و حضور دارد. علیرغم این که با اعمال این کیفرها بزه کار تا حد زیادی از آزادی برخوردار است و می تواند امور خود را به طور معمول انجام دهد؛ درعین حال این کیفرها موجب نمی شوند که آزادی شخص بزه کار تا اندازه ای محدود نشود؛ زیرا رعایت شرایط و انجام تکالیفی را بر او تحمیل می کند. نخستین عرصه ای که کیفرهای جامعه محور در آن به رسمیت شناخته شده اند، قلمرو حقوق کیفری اطفال و نوجوانان بزه کار بوده است؛ زیرا رویکرد اصلاحی درمانی بر حقوق کیفری اطفال حاکم بوده است. خوشبختانه در سال های اخیر با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولی جدید در ورود کیفرهای جامعه محور به نظام کیفردهی اطفال و نوجوانان پدید آمده، که قاضی دادگاه با توجه به نوع جرم ارتكابی، میزان مجازات، سن و سایر ویژگی های طفل یا نوجوان بزه کار اقدام به اعمال کیفرهای جامعه محور می نماید. در این تحقیق سعی شده با بررسی مفاهیم و ارزیابی کیفرهای جامعه محور، تعیین مصادیق آن و تاثیر تئوری های علم مدیریت در اعمال این نوع از کیفرها، نسبت به اطفال و نوجوانان بزه کار، به تبیین جایگاه نظام اجرایی مدیریت کیفرهای جامعه محور اطفال و نوجوانان در ایران پرداخته شود.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، بزه کار، کیفرهای جامعه محور، نظام اجرایی مدیریت

مقدمه

آموزه ویژگی سزا دهی کیفر، درباره برخی از مجرمان به ویژه کودکان به طور چشمگیری رنگ باخته است. در پرتو تحولاتی که تحت تاثیر دگرگونی حقوق کیفری و الزامات و سفارش های اسناد بین المللی مانند پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) در حوزه حقوق کیفری ایجاد شده است، تصمیم گیران سیاست جنایی در صدد برآمدند تا مجازات هایی اعمال کنند که بیشتر کارکرد اصلاحی- تربیتی داشته باشند تا کارکرد سرکوبگر. به همین منظور، کیفرهای جامعه محور به عنوان نسل جدید کیفرها برای پاسخ دهی به برخی از گونه های بزه کاران - که کودکان یکی از آن گونه ها هستند - مورد استتقبال قرار گرفته است. کیفرهای جامعه محور در مفهوم عادی ناظر بر ضمانت اجرایی هستند که در قالب فرایند کیفری در برابر بزه اعمال خواهند شد؛ ضمانت اجرایی که وصف عمده آنها اجتماعی بودنشان است به این مفهوم که از وصف غالب انتقامی و کفاره ای کیفر دور شده و به ویژگی نشأت گرفتن از بطن اجتماع نزدیک می گردند، مجازات هایی که منسوب به اجتماع، جامعه محور و علاقه مند به تأمین منافع اجتماعی اند. کیفرهای های جامعه محور که شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی و ... می باشد، با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اجرا می شود و مجازات

رویکرد نظری کیفرهایی جامعه محور در باره ی اطفال و نوجوانان

تحول پاسخ های عدالت کیفری و ظهور واکنش های جامعه محور اطفال و نوجوانان دگرگونی مقررات مربوط به اطفال و نوجوانان در ایران نه تنها تابع تحولات حقوق عمومی جزا بلکه هر فرآیند دیدگاه سیاسی حکومت ها و ظهور مذاهب و در واقع متأثر از مقررات عرفی، دینی و در عین حال ضوابط اقتباس شده از حقوق سایر کشورها من جمله فرانسه است. مراحل مختلف تحول در حقوق کیفری اطفال رامی توان به ۲ دوره تقسیم نمود:

قبل از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب مشروطه، سیستم کیفری ایران وارد مرحله جدیدی شد که در آن به تدریج ضوابط عرفی جانشین مقررات مذهبی گردید. ابتدا قانون اساسی و سپس سایر قوانین مصوبه به اقتباس از الگوهای اروپایی به ویژه کشور فرانسه، سوئیس و ایتالیا به تصویب رسید. با این وصف، ضوابط اسلامی در زمینه های مختلف حقوقی و کیفری به ویژه در مورد حقوق اطفال، تا ثیرات ملموس به جا گذاشت. از تاریخ شروع قانونگذاری در رابطه با کودکان و نوجوانان بزه کار، مقررات متعددی به تصویب رسیده که به شرح زیر است:

■ قانون جزای عرفی

قانون جزای عرفی اولین گام در عرفی نمودن مقررات جزایی محسو می شود این قانون برای اولین بار در ایران نهاد « دارالتأدیب » را برای اصلاح کودکان پیش بینی نمود. اطفال به چند گروه سنی تقسیم می شدند که به آن گویای تأثیرپذیری قانون از مقررات اسلامی است.

گروه اول: کودکان غیر ممیز هستند که تقریباً اطفال تا سن دوازده سالگی را شامل شده که در صورت ارتکاب جرم متحمل هیچ گونه مجازاتی نمی شدند و فقط با اخذ التزام از والدین به منظور تربیت و پرورش، به آنان تحویل و در صورت عدم توانایی و یا فقدان والدین به دارالتأدیب اعزام می گردیدند.

گروه دوم: کودکان ممیز (دوازده تا پانزده ساله)، دارای مسئولیت جزایی بوده، ولی مجازات خفیف تری در مورد آنان اعمال می گردید.

گروه سوم: مربوط به کودکان بالغ (معولاً بالاتر از پانزده سال) بوده که مسئولیت کیفری آنان همانند افراد بزرگسال بوده است.^۱

۱. نجفی تونان، علی، ناپهنجاری و بزه کاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین المللی، ص ۱۳۰



گفته های ناگفته

۲۰۵. خشم بیش از حد گرفتن وحشت آورد و لطف بی جا اعتبار می برد.

۲۰۶. آیا شنیده ای که می گویند کاسه داغ تر از آش نباش؟ مثالی است برای افراط کردن و هیچ افراطی زنده تر است افراط در حق شناسی نیست.

۲۰۷. مرد بزرگ و دانا از سه چیز پرهیز می کند: ۱- شهوت در جوانی ۲- ستیزه جویی در ابتدای کهولت ۳- جاه طلبی در پیری.

۲۰۸. انسان دانا نه باید مثل طوطی زندگی کند که فقط گفته دیگران را تکرار کند و نه مثل بلبل که همه گفته های خود را بی جهت به هدر دهد.

۲۰۹. مرد دانا نه آنچنان نرمی می کند که بر او دلیر شوند و نه چنان درشتی که سیر شوند.

اعتقادات

۲۱۰. در عجبم از سادگی و بیهوشی مردم درستکار و زیرکی و فراست اشخاص متقلب و خائن.

۲۱۱. تا وقتی که قلب انسان چیزی را نخواهد مسلماً مغز هم به چیزی عقیده پیدا نمی کند.

۲۱۲. باید دانست که دین اصولی دارد اخلاقی که برای جامعه لازم است: الف) الفت و یگانگی میان افراد جامعه ب) جلوگیری از شرّ و آزار افراد نسبت به یکدیگر ج) وادار کردن افراد جامعه به خوبی و مهربانی باهم.

۲۱۳. یک پرنده کوچک که زیر برگ ها نغمه سرایی می کند برای اثبات خداوند متعال و بزرگی اش کافی است.

۲۱۴. پروردگار جهانیان آنقدر مهربان است که همه موجودات را تا لحظه مرگشان همراهی می کند و لطف و مرحمتش را از موجودات و انسان ها نمی گیرد، پس ای انسان ها بدانید که خدایی دارید که شما را می بیند، راه می برد و کمک می کند و روزی شما را می رساند.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

می شدند. از مهم ترین اصلاحات جدید در این قانون باید از افزایش سن مسئولیت جزایی اطفال تا هجده سالگی نام برد؛ مع الوصف اطفال پانزده الی هجده سال به دلیل اینکه عرفاً دارای قدرت تمییز هستند به مجازات خفیف تری به نسبت بزرگسالان محکوم می گردیدند. مجازات مقرر برای این دسته در صورتی که جرم ارتكابی دارای کیفر زندان باشد، حداکثر تا

با تصویب این قانون تفکر اصلاح و باز سازی کودکان مطرح گردید. بارزترین ابداع این مقررات رسمیت بخشیدن به سن دوازده سالگی به عنوان سن تمییز می باشد که تا رسیدن به آن اطفال، فاقد مسئولیت جزایی بوده اند. اطفال بیشتر از دوازده سال و کمتر از پانزده سال در صورت ارتكاب جرم به مجازات شلاق بین ده الی پنجاه ضربه محکوم

بعد از انقلاب اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

بر اساس تبصره ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. حد بلوغ شرعی در قانون مدنی وماده ۱۲۱۰ تعیین وبلوغ شرعی، دختران را ۹ سال وپسران را ۱۵سال تمام قمری تعیین نموده است. همچنین ماده ۴۹ مقرر داشته است؛ اطفال در صورت ارتكاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضا کانون اصلاح و تربیت است. در تبصره ۱ همین ماده اشعار داشته؛ هر گاه برای تربیت اطفال بزه کار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به میزان ومصلحت باشد. لذا ماده ۴۹ بر خلاف قوانین پیش از انقلاب، که برای اطفال اعم از ممیز و غیر ممیز زیر سن بلوغ مجازات در نظر نگرفته بود، برای افراد نابالغ که مرتکب جرم حدی می شوند مجازاتی در نظر گرفته است که این مجازات از نوع مجازات حدی نبوده و جنبه تأدیب دارد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در کتاب اول قانون جدید در بخش چهارم در دو فصل به تفکیک شرایط وموانع مسئولیت کیفری اشاره شده است. در ماده ۱۴۰ آن شرایط مسئولیت کیفری به این ترتیب مقرر شده است: (مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتكاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد). از آنجا که بالغ بودن یکی از شرایط مسئولیت کیفری است قانون جدید به تبیین سن بلوغ پرداخته است در ماده ۱۴۷ سن بلوغ در

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

این قانون، اصلاحی قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بوده و بر اساس بند دوم ماده ۳۳ قانون اصلاحی سال ۱۳۵۲ با تأسی از نظرات علوم مختلف در مورد سن مسئولیت کیفری، سن بلوغ که همان سن مسئولیت کیفری بود؛ در این قانون ۱۸ سالگی تمام دانسته شده است و برای افراد زیر ۱۸ سال از کلمه اطفال استفاده شد.

روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است، با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اجرا می شود و مجازات های یاد شده، با ملاحظه نوع و خصوصیات جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه دیده، آثار ناشی از ارتكاب جرم و سایر اوضاع و احوال و جهات مخففه تعیین می شود.^۴

ویژگی این نسل از مجازات ها این است که در بستر جامعه و نه در نهادهای دولتی (زندان و مؤسسه های مشابه) اعمال می شوند.

برای نمونه، بانک ها محل اجرای حکم جرمی روزانه یعنی دریافت آن خواهند بود یا ممکن است خدمات عمومی در بیمارستانها، بهزیستی و ... اعمال شوند.

به همین سبب، به این مجازات ها، کیفرهای جامعه محور اطلاق می شود به بیان دیگر، بزه کار در جامعه باقی می ماند و در واقع آزادی خود را در عین تحمل کیفر صادر شده حفظ می کند.^۵

۱- حجتی، سید مهدی؛ باری، مجتبی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، نشر دادستان، تهران، ۱۳۹۳

۲- عبائی؛ مریم؛ حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد؛ انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸

ص ۵۳

۳- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ «تقریرات درس حقوق جزای عمومی» (۲)، دوره کارشناسی، ارشد حقوق جزا و جرم شناسی تهیه و تنظیم مهرداد رایجیان اصلی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال تحصیلی ۷۹ - ۱۳۷۸، ص ۱۱

۴- لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان مواد ۱ و تبصره

۵- قاسمی مقدم، حسن؛ «ارزیابی میزان اثر بخشی مجازاتهای اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و ایالت متحده امریکا» پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (ع) تابستان ۱۳۸۵

که مطابق با منافع کودک باشد و قبل از هر چیز باید به خود کودک توجه نمود، یعنی باید دانست برای تطبیق عمل ارتكابی با قانون، تعیین واکنش نسبت به رفتار او، چگونگی رسیدگی به جرم او و منافع و نیازهای کودک از اصول اولیه در تفسیر مقررات است.^۲

لذا قانونگذار در قانون جدید با اختصاص فصلی مختص جرایم اطفال ونوجوانان به بیان دقیق اقدامات متناسب با هر گروه سنی اقدام نموده است. فصل دهم این قانون با عنوان «مجازات واقدمات تأمینی و تربیتی اطفال ونوجوانان» سنی اقدام نآوده است از ماده «از ۸۸ تا ۹۵ با تقسیم بندی سن اطفال، اقدامات مناسب هر گروه سنی در دو رده ۹ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸سال به شرح ذیل در نظر گرفته است.

مفهوم شناسی کیفرهای جامعه محور اطفال و نوجوانان

کیفرهای جامعه محور در مفهوم عادی ناظر بر ضمانت اجرایی هستند که در قالب فرایند کیفری در برابر بزه اعمال خواهند شد، (ضمانت اجرایی که وصف عمده آنها اجتماعی بودنشان است، به این مفهوم که از وصف غالب انتقامی و کفاره ای کیفر دور شده و به ویژگی نشأت گرفتن از بطن

دختران و پسران، به ترتیب نه وپانزده سال تمام قمری است واین در حالی است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ سن بلوغ مشخص نبود و به حد بلوغ شرعی اشاره شده بود. در نتیجه سن بلوغ در قانون جدید همان مبنای قانون قبلی است طبق ماده ۱۴۶ قانون جدید، افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و طبق ماده ۱۴۸ در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود واین در حالی است که در قانون سابق، در مواردی برای نابالغ ممیز تعزیر در نظر گرفته شده بود از جمله زنا ی نابالغ که برای آنها تعزیر در نظر گرفته شده بود. به نظر می رسد قانون گذار در قانون جدید با الهام از آموزه های فقهی به صراحت ماده ۱۴۶ برای نابالغ اقدام تأمینی را به جای تعزیر به کار برده است. چرا که فقها در مورد مصرف مسکرات از سوی نابالغ و یا لواط یا زنا ی نابالغ حکم به تعزیر آنان داده اند که منظور از تعزیر از منظر آنان همان تادیب است.^۱

با عنایت به خصوصیات و ویژگی های خاص روحی جسمی اطفال بزه کار نسبت به بزرگسالان در جهت اصلاح و تربیت آنها بایستی اقدامات موثری در نظر گرفته شود، حتی با وجود این که در تفسیر قوانین جزایی، اصل آن است که تفسیر به صورت مضیق ومحدود به منطق صریح قانون باشد واین امر نتیجه منطقی اصل قانونی بودن جرایم است اما از سوی دیگر اصل آن است که قوانین ارفاق آمیز نسبت به متهم به طور موسع ودر حد منطقی تفسیر شوند. در مورد اطفال بزه کار، اسناد بین المللی تفسیر کودک مدارانه یا تفسیر به نفع کودک را تبیین نموده است ومقرر داشته: «به منظور تعبیر وتفسیر مقررات مربوط به اطفال بزه

کار، باید از موضع گیری کودک مدارانه پیروی نمود.» با توجه به مفاد مندرج در اسناد بین المللی چنین استنباط می گردد که تفسیر قوانین باید به نحوی انجام گیرد



اجتماع نزدیک می گردند، مجازات هایی که منسوب به اجتماع، جامعه محور و علاقه مند به تأمین منافع اجتماعی اند.^۳ کیفرهای جامعه محور که شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی

گفته های ناگفته

۲۱۵. اگر دستم را در دهان اژدها فرو برم برایم خوش تر است از اینکه از نامردی که به مقامی رسیده چیزی بخواهم.

۲۱۶. انسان اگر از گرسنگی بمیرد بهتر است از آنکه از فرومایه گان کمک بگیرد.

۲۱۷. هیچ گاه نباید به امید دیگران باشیم؛ از قدیم گفته اند دستت را بر زانوی خود بگیر و بلند شو.

۲۱۸. هر کس احترام خودش را نگه ندارد در نزد دیگران هم اعتباری نخواهد داشت پس به این مثال می رسیم که سنگ جای خودش سنگین است.

۲۱۹. انسان اگر می دانست

روزی اش از بدو تولد برایش مهتا گردیده است هیچگاه این نان را از دیگری تمنا نمی کرد، در اینجا به آن مثال عامیانه می رسیم که همه می گویند آن که دندان دهد نان دهد. آیا کسی هست که یادش بماند این نان از قبل برای او مهتا شده و دست را به غیر خدا دراز نکند؟ اینجاست که به فراموشی انسان باید گفت آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم، یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم.

۲۲۰. غالباً مردان در انجام بعضی امور کوچکی که می خواهند انجام دهند باید چندین بار به آنها تذکر داد بر عکس زنان؛ به همین جهت است که به مردان می گویند مذکر و به زنان می گویند مونث. (مذکر: تذکر شونده مونث: انجام دهنده)

۲۲۱. هر گاه میان دو قوم جنگ و نزاع صورت بگیرد و یک طرف زیاده خواه باشد و طرف دیگر طالب ظلم، مطمئناً پیروز این جنگ قوم سومی خواهد بود که بر این دو قوم نادان حکومت خواهد کرد و اینجاست که می گویند تفرقه بیانداز و حکومت کن و خداوند متعال نیز بارها فرموده است: ما تقدیر هیچ قومی را عوض نخواهیم کرد مگر اینکه خود این قوم باشند که بخواهند تقدیر خود را عوض کنند.

کیفرهای جامعه محور در مفهوم عادی ناظر بر ضمانت اجرایی هستند که در قالب فرایند کیفری در برابر بزه اعمال خواهند شد



دولت صورت میپذیرد و جنبه رسمی دارد لیکن واکنش مورد نظر بدور از ویژگی های کیفری از جمله خاصیت سرکوبی، اربابی و ترزیلیست و عبارتی نتیجه چنین واکنشی لزوماً سلب زادی، تنبیه بدنی (شلاق) جریمه نقدی نیست و اقداماتی ورای اعمال کیفر است نظیر، نصیحت، الزام به علم آموزی، اجبار به کارورزی و... در این نوشتار، منظور از جامعه مدار بودن یک واکنش، توجه به هر دو مفهوم پیش گفته است و معنای عام جامعه مدار بودن مدنظر است و نه معنای خاص آن که عده ای صرفاً آنرا در معنای دوم بکار برده اند چرا که به نظر میرسد وجود رگه هایی از جامعه در واکنش، به هر نحو، چه در شیوه اعمال واکنش و چه در ماهیت واکنش، باعث کاهش خصیصه های کیفری پاسخ شده و آنرا تعدیل میسازد.

غیررسمی که عمدتاً ارتباط چندانی با حکومت ندارند اعمال میگردد هر چند واجد خصیصه کیفری [در حدی بسیار ضعیف] باشند، بعنوان مثال تنبیه بدنی از ناحیه والدین و یا حتی اولیاء مدرسه اگرچه ممکن است واجد خصیصه کیفری باشد و مسامحتاً و تاحدودی شبیه به مجازات شلاق باشد ولی از آنجا که این تنبیه جنبه غیر رسمی داشته و به دور از سازوکارهای کیفریست، جامعه مدار محسوب گردد. در معنای دوم، منظور اینست که اعمال واکنش اگرچه توسط

اصولاً پاسخ به رفتارهای غیر اجتماعی و حتی ضد اجتماعی اطفال و نوجوانان بایستی متفاوت از پاسخ به سایر افراد باشد و این پاسخ ها صرف نظر از تادیب آنها باید زمینه بازپذیری آنها به جامعه را فراهم آورد و بلا تردید جامعه ای که انتظار می رود، اطفال با اعمال واکنش، به آن اعاده گردند باید در فرایند پاسخ دهی نقش موثری داشته باشد تا این هدف محقق گردد و در واقع زمینه سازی جهت بازپذیری صغار به جامعه درگرو نقش فعال جامعه در فرایند پاسخ دهی به افعال هنجارگریز و قانون گریز آنهاست. مع الوصف به نظر میرسد جامعه مدار بودن یک واکنش در دو معنا قابل تفکیک و بررسی است؛ یکی به معنای واکنشی که از ناحیه جامعه اعمال میگردد و نه از ناحیه دولت و دیگری واکنشی که فاقد خصیصه های کیفری است، واکنش جنبه رسمی نداشته و توسط نهادهای

پاسخ ها با توجه به کارکردشان به شرح زیر تقسیم می شوند:

نصیحت قضایی

این روش که به آن توصیه های قضایی نیز گفته می شود یکی از انواع پاسخ های غیر سالب زادی است که از ره گذر آن، مقام های قضایی در صدد سفارش نصیحت به کودکان و نوجوانان بزه کار و آشنا ساختن آنان با ارزش ها و یا یاد آوری هنجارهای اخلاقی و الزام کلیه شهروندان به رعایت مقررات بر می آیند. در واقع، براساس این شیوه کودکان و نوجوانان بزه کار مشمول توصیه های مقام های قضایی قرار می گیرند تا به این واسطه به سمت همنمندی و احترام گذاردن به قواعد اجتماعی هدایت شوند.^۱

اخطار و یادآوری قضایی

اخطار و یادآوری قضایی، شیوه ای است که به موجب آن قضات به شکل جدی اطفال و نوجوانان بزه کار را به احترام گذاردن به مقررات و ارزش های بنیادی اجتماعی رهنمون می سازند. این روش در پهنه عدالت کیفری ایران پیش تر شناسایی نشده بود. اما نویسندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از رهگذر بند ت ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را در شمار یکی از پاسخ های ناظر به اطفال و نوجوانان بزه کار گنجانده اند البته؛ با توجه به تبصره ۱ ماده ۸۸ قانون مذکور که: «تصمیمات مذکور در بندهای ت و ث فقط در باره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است...» از این شیوه صرفاً می توان برای پاسخ دهی به اطفال و نوجوانان بزه کار دارای سن دوازده تا پانزده سال استفاده نمود. بدین سان، مقامات قضایی اختیار دارند با در نظر گرفتن واقعیت های مربوط به بزه کاری اطفال و نوجوانان از این روش بهره گیرند.

کیفری نیستند» و مطابق ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی» در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال خواهد شد. «نوجوان، بالغی است که زیر ۱۸ سال شمسی سن دارد. بنابراین مطابق ماده ۱۴۷ که سن بلوغ را تعیین کرده است، دخترانی که سن آنها بیش از ۹ سال قمری تا هجده سال شمسی و پسرانی که سن آنها بیش از پانزده سال قمری تا هجده سال شمسی است، نوجوان محسوب می شوند. آ قانون مجازات اسلامی، اطفال و نوجوانان را بر خلاف نظام پلکانی متداول در اکثر کشورها به دو گروه تقسیم کرده است: گروه سنی از نه تا پانزده سال و گروه سنی از پانزده تا هجده سال؛ بنابراین در مورد اطفال زیر ۹ سال هیچ اقدامی صورت نمی گیرد در حالی که در نظام های دیگر این سن را به شش سالگی تنزل داده اند.

پاسخ های جامعه محور درباره اطفال و نوجوانان بزه کار از منظر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

پاسخ های بازپرورانه

پاسخ های غیر سالب آزادی بازپرورانه شامل آن دسته از تدابیر حقوق کیفری اطفال و نوجوانان است که بدون سلب کردن آزادی این بزه کاران، اصلاح و درمان آنان را مورد هدف قرار می دهند. در واقع، این جا سامانه عدالت کیفری با بهره جستن از روش های جامعه مدار به بازسازی نظام شخصیتی اطفال و نوجوانان بزه کار توجه دارد. ۱۰ در عرصه سیاست جنایی ایران، ی بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزه کار همواره مورد توجه بوده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این نوع از پاسخ ها در سامانه ضمانت اجرا های ناظر به اطفال و نوجوانان بزه کار تحت تاثیر یافته های علمی نو، پیش بینی شده اند.

نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور اطفال و نوجوانان در حقوق ایران

جهت گیری کلی حقوق جزا در بخش حقوق بزه کاری اطفال و نوجوانان کاملاً متفاوت از جهت گیری های عمومی حقوق جزاست. نظر به این که اصول حاکم بر حقوق کیفری اطفال و نوجوانان و اهداف آن با حقوق کیفری عمومی متفاوت است لذا ابزارها و مجازات ها نیز باید متحول شده و متفاوت پیش بینی شوند. بنابراین چگونگی رویارویی با بزه کاران اطفال و نوجوان، دست کم از دو جهت واجد اهمیت است: نخست، از نظر اینکه متنوع کردن پاسخ های دولتی و جامعه مدار به بزه کاری اطفال و نوجوانان و فردی کردن این پاسخ ها بر حسب خصوصیات هر طفل و نوجوان، جرم ارتکاب او، نحوه ارتکاب آن، آلت جرم، رابطه او با بزه دیده و ... دوم، به لحاظ پیشگیری از مزمن شدن بزه کاری در دوران کودکی و سنین پایین که به پیشگیری از تکرار جرم در دوران بزرگسالی منجر می شود خوشبختانه در سال های اخیر، قانون گذار هم در باب مقررات شکلی و هم مقررات ماهوی، فرآیند ویژه ای را در باب رسیدگی به بزه کاری اطفال و نوجوانان پیش بینی نموده است و محورهایی مانند ارجحیت اصلاح و بازسازی بر مجازات اطفال و نوجوانان بزه کار، ایجاد انعطاف لازم در تشریفات رسیدگی به جرایم، تخصصی نمودن محاکم قضایی و حضور مشاوران متخصص در زمینه اطفال در محاکم قضایی و امکان تجدید نظر مستمر در برخی تدابیر متخذ و ... به گشم می خورد.^۱

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فصل جدیدی در خصوص اقدامات تأمینی و تربیتی و مجازات های اطفال و نوجوانان از مواد ۸۸ الی ۹۵ از قانون مجازات اسلامی پیش بینی نموده است که در قانون سابق وجود نداشت و در این قانون، علاوه بر اطفال به نوجوانان هم اشاره شده است. هر چند اطفال و نوجوانان تعریفی به عمل نیامده اما طفل، نابالغی است که در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. مطابق این ماده «افراد نابالغ دارای مسولیت

۱. نیازپور، امیرحسین، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ دهی به بزه کاری کودکان و نوجوانان)، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۱۵۰

گرفتن تعهد نوشتاری

گرفتن تعهد نوشتاری از بزه کاران شیوه ای است که در پرتو آن مرتکبان جرم به سامانه عدالت کیفری (در عمل مقام های قضایی) تعهد می دهند که دیگر به سمت بزه کاری نروند. تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این شیوه را برای پاسخ دهی به اطفال و نوجوانان بزه کار اتخاذ کرده اند. بنابراین، به موجب قسمت دوم بند ت ماده ۸۸ این قانون « اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم » به عنوان یکی از پاسخ های جامعه محور به بزه کاری اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال شمس است. ۲ بر این اساس، مقام های قضایی می توانند از این روش به منظور واکنش نشان دادن به اطفال و نوجوانان بزه کار (چه کرد. ۳ سرعت یادگیری زبان خارجی هستیم.



گفته های ناگفته

۲۲۲. ما همیشه شنیده ایم موانعی وجود دارد و همیشه خود می گوئیم درها به روی ما بسته شده است، آیا تا الان کسی گفته است می توان موانع را دور زد؟ آیا تا کنون کسی گفته است که اگر دری بسته شده یا قفل زده اند آن قفل کلیدی دارد؟

۲۲۳. تنها افرادی می توانند به پیشرفت دیگران حسادت کنند که خود عقده ای دارند و تنها این افراد هستند که هیچگاه نمی توانند پیشرفت دیگران را ببینند چون اینان فقط خود را دیده اند و مردم را بر اساس توانایی های محصور خود می بینند، آنها توانایی هایی که خود دارند به دیگران هم ارجاع می دهند و همه را هم طراز خود می دانند اینجاست که باید بگوئیم کافر همه را به کیش خود پندارد.

۲۲۴. همیشه می گویند اگر سگه ای را به بالا پرتاب کنیم هزار چرخ می خورد ولی واقعیتش آن است اگرچه این سگه هزاران چرخ دیگر هم بخورد دو رو بیشتر ندارد و این همان قضا و مقدراتی است که برای انسان در نظر گرفته شده است، پس آیا آن آینده ای که از اول تولد برای انسان رقم خورده ارزش این همه چرخش بیهوده را دارد؟

امید

۲۲۵. امید و آرزو رحمتی است برای مردم، اگر امید نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و باغبانی درختی نمی نشانی.

۲۲۶. آنکه توانا تر است آسانتر می بخشد.

۲۲۷. بالاترین بخشش ها رسانیدن حق است به صاحبش.

۲۲۸. انسان اگر امیدش به رحمت خدا کامل بود هرگز بزرگی خدا را با کوچکی آرزوهایش مقایسه نمی کرد.

۲۲۹. زندگی آنقدر طولانی نیست که تمام تجربه های آن را عملاً به ثبوت برسانیم، برای آسایش بهتر تا می توانیم باید از تجربه های دیگران استفاده کنیم.

سپردن اطفال و نوجوانان بزه کار

انجام خدمات عمومی رایگان

پاسخ های توان گیرانه

بنابراین تصمیم گیرندگان سیاست جنایی ایران سپردن اطفال و نوجوانان به خانواده اصلی یا خانواده های جانشین را به عنوان یک پاسخ، پیش بینی نموده اند تا از این رهگذر واکنش نشان دادن به این بزه کاران، به جداسازی آنان از خانواده به ویژه خانواده پدری- مادری نیانجامد. ۴ نویسندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با توجه به کارکردهای مناسب این روش از رهگذر بند الف ماده ۸۸ تسلیم کودکان و نوجوانان بزه کار را به خانواده پدری-مادری پیش بینی کرده اند. مطابق این بند ماده ۸۸ « تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان» در شمار یکی از انواع پاسخ های حقوق کیفری کودکان و نوجوانان قرار گرفته است.

خانواده تأثیر گذارترین نهاد در فرآیند جامعه پذیری افراد به شمار می رود. اما، این محیط همیشه بستری مناسب برای تربیت اطفال و نوجوانان و یا بازپروری این دسته نیست. به همین جهت، به جای سپردن اطفال و نوجوانان بزه کار به خانواده های پدری مادری، شیوه تسلیم کردن این دسته به اشخاص داوطلب مورد توجه سیاست گذاران جنایی واقع شده است. بر همین اساس نویسندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از رهگذر بند ب ماده ۸۸ مقرر کرده اند که اطفال و نوجوانان بزه کار می توانند به اشخاص داوطلب سپرده شوند تا بر اساس دستورهای دادگاه نسبت به چگونگی نگاه داری و تربیت / پروری اینان اقدام کنند.

پاسخ های جامعه محور دارای جلوه های متعددی هستند که دوره مراقبت، محرومیت از حقوق اجتماعی، جزای نقدی روزانه و خدمات عمومی رایگان از آن جمله اند. ۲ در این خدمات عمومی رایگان شاخص ترین پاسخ های جامعه مدار است که بر اساس آن نوجوانان بزه کار، به کار کردن رایگان برای یک دوره معین محکوم می شوند بدین سان، در پرتو این پاسخ نوجوان بزه کار ساعت های مشخص شده ای را به طور رایگان به انجام کارهای دارای منفعت عمومی مبادرت می ورزند.

پاسخ های ناباز پروانه

پاسخ های غیر سالب آزادی ناباز پروانه شامل آن دسته از واکنش های حقوق کیفری به بزه کاران است که با ماهیت، توان گیرانه و باز دارنده به کار گرفته می شوند. در پهنه حقوق کیفری ایران این نوع اقدام ها برای پاسخ دهی به اطفال و نوجوانان بزه کار هم به رسمیت شناخته شده اند بر این اساس، شماری از پاسخ ها بدون توجه به آینده این دسته از مجرمان و فقط به منظور سرزنش کیفری پیش بینی شده اند در واقع این گونه واکنش ها جنبه ی سرکوبگر داشته و با رویکردی گذشته نگر برای متنبه کردن کودکان و نوجوانان بزه کار به کار گرفته می شوند. این پاسخ ها اگر چه به آینده رفتاری این دسته از بزه کاران توجه دارند اما، جنبه بالینی نداشته و به منظور سلب توان و ترسانیدن آنان اعمال می شوند.

حقوق کیفری برای پاسخ دهی به کودکان و نوجوانان بزه کار هدف های متعددی را دنبال می کند. یکی از مهم ترین آنها توان گیری است. در پرتو این هدف نظام عدالت کیفری در صدد سلب توان بزه کاران بر می آید. در واقع، این سامانه از رهگذر روی های طرد کننده گرفتن توان بزه کاران و ایجاد مانع برای محدود کردن آزادی آنان و در نتیجه سلب هر گونه قابلیت تکرار جرم را مورد هدف قرار می دهند به این ترتیب، نظام عدالت کیفری با سلب توان مجرمان و از بین بردن هر فرصت های تکرار جرم به دفاع اجتماعی و بستر سازی برای پیش گیری از روی آوری دوباره به بزه کاری مبادرت می ورزند.

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه
ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار
پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال
ت- تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

پاسخ های توان گیرانه

بازدارندگی نیز از جمله هدف های حقوق کیفری است که در پرتو آن بزه کار احتمالی و واقعی به منظور پیش گیری از ارتکاب جرم نخستین و تکرار جرم ترسانیده می شوند. این هدف عدالت کیفری از طریق روش های مختلف دسترس پذیر است که جزای نقدی یکی از آنها به شمار می رود. در قلمرو حقوق کیفری کودکان و نوجوانان نیز این شیوه برای پاسخ دهی به کودکان و نوجوانان بزه کار شناسایی گردیده است. تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این واکنش را نسبت به دسته ای از کودکان و نوجوانان بزه کار شناسایی نموده اند. به موجب ماده ۸۹ این قانون مقام های قضایی می توانند برای پاسخ دهی به آن دسته از نوجوانان که میان پانزده تا هجده سال قرار دارند، از جزای نقدی استفاده کنند. البته؛ مطلق این ماده میزان جزای نقدی درجه بندی شده است و با توجه به شدت جرم ارتکاب یافته نوسان می یابد.

ارزیابی کیفی‌های جامعه محور اطفال و نوجوانان

فواید کیفی‌های جامعه محور

کیفی‌های جامعه محور (جامعه مدار) در رابطه با اطفال و نوجوانان با عنایت به اینکه تأسیسی نو در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده، لذا نسبت به کیفی‌های سنتی در راستای بازگشت بزه کار به جامعه و بازپروری وی ارجحیت بالایی داشته و دارای فواید مطلوبی است که در ذیل به شماری از آنها اشاره می‌شود

بازپذیری اجتماعی و تقویت حس مسئولیت در بزه کار

کیفی‌های جامعه محور نیز به واسطه داشتن سببه اجتماعی و ادعای آن که در جهت جلوگیری از اثرات سوء زندان ایجاد شده اند، این خصیصه را در صدر ویژگی‌های خود لحاظ نموده اند. هم چنین، در خلال اجرای کیفی‌های جامعه محور بزه کار از عمق و صدمه ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه دیده آگاه می‌شود و با احیای احساسات نیک انسانی، مسئولیت اعمال خود را خواهد پذیرفت و در کیفی‌هایی چون خدمات اجتماع محور و تعلیق مراقبتی از مهارت‌ها یا آموزش‌های لازم بهره مند می‌گردد و زمینه بازگشت وی به جامعه فراهم می‌شود.^۱

مبارزه با افزایش تکرار جرم

کیفی‌های جامعه مدار با هدف کاهش تکرار جرم، پا به عرصه ضمانت اجرا‌های کیفی‌گذارده اما نه با روش انفعالی بلکه با تاثیر گذاری بر بزه کار جهت بازسازی اجتماعی او به عنوان نمونه در خدمات جامعه محور مطالبه این خدمات از بزه کار نشان از آن دارد که جامعه وی را طرد ننموده است و هم چنان وی را عنصر مطلوبی می‌داند، لذا آمیزه ای از مجازات و بازسازی بدون آنکه انگ و برچسبی بر وی زده شود او را از تکرار بزه منصرف خواهد کرد.

جبران خسارت بزه دیده

کیفی‌های جامعه محور نیز که در راستای مشارکت مؤثر جامعه و بازپذیری مناسب تر بزه کار، درصدد آن اند که با توجه به شرایط بزه کار و وضعیت مالی او در جهت جبران خسارت بزه دیده قدم بردارند جبران خسارتی که هم به صورت مادی و هم به صورت معنوی قابل تحقق است به ویژه در برخی مجازات‌های جایگزین مانند خدمات اجتماع محور شرط اعمال، جلب رضایت و جبران خسارت بزه دیده است.

چالش‌های کیفی‌های جامعه محور اطفال و نوجوانان

کیفی‌های جامعه محور علاوه بر فواید ذکر شده در قسمت بالا، دارای چالش‌های متعددی هستند که اهم چالش‌ها مطرح شده از دید دکتربین حقوق و پژوهش‌های صورت گرفته به شرح زیر است

نهادینه نبودن مؤلفه‌های عدالت ترمیمی

بی‌شک، مقدمه لازم در عرصه اجرای هر چه موفق تر مجازات‌های اجتماعی، نهادینه ساختن مؤلفه‌های بنیادین عدالت ترمیمی، از جمله سیاست‌های سازش و میانجیگری در جامعه است، چرا که تجربه عملی سایر کشورها از جمله فرانسه، نیوزلند و استرالیا ثابت کرده است که اگر برنامه‌های ترمیمی مثل سازش، میانجیگری و ... در مراحل اولیه دادرسی تا مراحل بالاتر آن ادامه پیدا کند، قطعاً اجرای آنها می‌تواند در جامعه پذیری حقوقی بزه کاران در راستای پذیری مجازات‌های اجتماعی (چنان چه بعداً مورد حکم قرار بگیرد) مستقیماً ثمره بخش باشد. اما در حقوق ایران هنوز برنامه‌های ترمیمی با استقبال قانون گذار و جامعه مواجه نشده است و در اتخاذ واکنش علیه بزه کار نیز کمترین توجهی به تمایلات و وضعیت بزه دیده نمی‌شود این مسئله نیز به مشکلات و چالش‌های موجود فرا روی کیفی‌های جامعه محور دامن زده است.^۲

بی‌اختیاری قاضی اجرای احکام در تخفیف و تشدید مجازات‌ها

مشکل دیگر، مربوط به فرآیند اجرای احکام در ایران است تجربه سایر کشورها در اجرای مجازات‌های جامعه محور نشان داده است که قاضی اجرای احکام، از یک سو باید

آموزش دیده و دارای تخصص لازم باشد و از سوی دیگر، باید بتواند رأساً در مجازات‌های تعیین شده در جهت تخفیف یا تشدید دخل و تصرف کند؛ این در حالی است که در ایران به طور کلی مجریان اجرای احکام نسبت به سایر پرسنل قضایی از تخصص متمایزی برخوردار نبوده و نیز در اجرای احکام قاضی مربوط، هیچ اختیاری برای دخل و تصرف ندارد در تمامی نصوص قانونی موجود، از گذشته‌های دور تا کنون، بی‌اختیاری قاضی اجرای احکام به روشنی قابل مشاهده است و در ق.م.ا، به تبع این سنت دیرینه برای قاضی اجرای احکام، اختیار دخل و تصرف در احکام در مرحله اجرا پیش بینی نشده است، چرا که در لوایح مذکور قاضی اجرای احکام فقط حق پیشنهاد تشدید یا تخفیف مجازات را به قاضی صادر کننده حکم دارد. نادیده گرفتن این امر از جمله چالش‌های فرا روی مجازات‌های یاد شده در نظام حقوقی ایران است.

عدم برقراری تعامل سازنده فی مابین دستگاه قضایی و سایر نهادهای مدنی

چالش دیگر فرا روی مجازات‌های فوق در ایران این است که اجرای موفق مجازات‌های اجتماعی، همان طور که تجربه سایر کشورها از جمله فرانسه نشان داده است، مشروط به این است که در راستای اجرای آن‌ها حدی از توانایی و قابلیت به نهاد‌های مدنی واگذار شود؛ به این علت که لوایح مذکور به هیچ عنوان توانایی و صلاحیت مذکور را به نهاد‌های نام برده اعطا نکرده اند، بلکه صرفاً آن‌ها را به نوعی، نیروی ارشادی دانسته اند، آن هم به گونه ای که بی‌شک در سایه و تحت الشعاع قدرت یک طرفه سیستم قضایی قرار خواهد داشت، به نحوی که امکان کنار گذاشتن آن‌ها نیز برای مقامات قضایی وجود دارد. این ایراد ماهوی به این مجازات‌ها وارد است که حتی اگر روزی چهره قانونی به خود بگیرند، به علت منفعل کردن مشارکت جامعه مدنی در راستای اجرای مجازات‌های اجتماعی، نخواهد توانست اهداف متعالی ناظر به مجازات‌های فوق را تأمین کنند و در نتیجه از این لحاظ نیز سیستم قضایی ایران در اجرا و بستر سازی مناسب برای مجازات‌های اجتماعی با یک چالش عملی جدی مواجه خواهد بود.

گفته‌های ناگفته

۲۳۰. هرگز در زندگی نه تملق گفته ام نه متملق را به عنوان دوست انتخاب کرده ام.
۲۳۱. بیشتر سختی‌های زندگی در این است که می‌کوشیم از حقیقت بگریزیم.
۲۳۲. تمام دردهای جسمانی از خواهش‌های بیجای نفسانی به وجود می‌آید.
۲۳۳. وای که چه دشوار است انسان در تنهایی پیر شود و در بی کسی بمیرد.
۲۳۴. آرزو ریشه حیات ماست، اگر چه این ریشه حیات ما را به تدریج می‌سوزاند ولی همین ریشه مایه زندگی است.
۲۳۵. آرزو کردن چقدر شعف انگیز است، اما وقتی به آرزو رسیدیم شعف از درون ما رخت بر می‌بندد.
۲۳۶. آماده شدن برای دستگیری از پیران، وفاداری به دوستان و مهر ورزیدن به مردم آرزوی من است.
۲۳۷. آن توقع و آرزو عاقلانه است که از دست خودمان برآید.
۲۳۸. آینده متعلق به کسانی است که در آرزوی آن هستند و بدان ایمان دارند.
۲۳۹. آینده‌ها به نظر بزرگ جلوه می‌کنند اما وقتی که گذشتند می‌فهمیم که ناچیز بوده اند.
۲۴۰. آنکه امید را از دست می‌دهد، خیلی چیزها را از دست می‌دهد.
۲۴۱. از دست دادن امیدی پوچ و آرزویی محال خود موفقیت پیشرفت بزرگی است.
۲۴۲. اطراف و جوانب هر مشکلی را به دقت ملاحظه کنید و از خود بپرسید به طور متوسط چند درصد از آن چیزی که شما را نگران کرده است ممکن است اتفاق افتد؟
۲۴۳. افسوس که پیش بینی‌های بشر در کار آینده قطعی الوقوع نیست وقتی درباره یکی از آنها هم نمی‌توان به طور صحیح حکم کرد و بسا که یک عمر آرزو در یک لحظه نابود گردیده است.
۲۴۴. افکار خوب معمار و آفریننده هستند و آرزو قلابی است که هر چیز را به جانب ما می‌تواند بکشد.

۱ یکرنگی، محمد؛ ایرانش، مهدی، (کیفی‌های اجتماع محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش نیازهای اعمال کیفی‌های اجتماع محور در ایران)، مجله حقوقی دادگستری، تهران، شماره ۶۴، پاییز ۸۷، صفحه ۹۳

گفته های ناگفته

۲۴۵. اگر آرزو مندید که به سعادت برسید پیش از آنکه خودتان عبرت دیگران شوید از دیگران پند و عبرت بگیرید.

۲۴۶. اگر روزگاری شأن و مقامت پایین آمد نا امید نشو، زیرا آفتاب هر روز هنگام غروب پایین می رود تا بامداد روز دیگر بالا بیاید.

۲۴۷. اگر از انسان امید و خواب گرفته شود بدبخت ترین موجود روی زمین می شود.

۲۴۸. اگر کسی در راه رسیدن آرزو قدم بردارد دائماً از لذت وصال برخوردار است.

۲۴۹. اگر مایوس باشید فقط هدف را باخته اید، اما آدم مردد هم هدف و هم زمان را می بازد.

۲۵۰. امید سرابی است که اگر ناپدید شود همه از تشنگی خواهیم سوخت.

۲۵۱. امید و آرزو آخرین چیز است که دست از گریبان بشر بر می دارد.

۲۵۲. امید عافیت و نیکویی آخرین و بهترین کامرانی های آدمی است.

۲۵۳. امید، غذای روزانه بیچارگان است.

۲۵۴. امید دواپی است که شفا نمی دهد اما درد را قابل تحمل می کند.

۲۵۵. امید، مادر ایمان است.

۲۵۶. امید، نان روزانه آدمی است.

۲۵۷. امید در زندگانی بشر آنقدر اهمیت دارد که بال برای پرندگان.

۲۵۸. امروز مردم با امید های موهوم و استفاده ی آن به هم نزدیک و به واسطه توقعات بیجا و گمان های باطل از هم دور می شوند.

۲۵۹. ایده آل انسان، انسانیت است.

۲۶۰. باید اعتراف کنیم که منبع بدبختی ما دنیایی است که در سینه داریم نه دنیایی که ما را احاطه کرده است، غالباً آرزو می کنیم که از فلاکت در امان باشیم و در عین حال با پای خود به ورطه بدبختی می رویم.

فقدان آگاهی صحیح مردم از اهداف و کارکرد چرایی ایجاد این کیفرها

به علت ضعف آگاهی و اطلاع رسانی، از یک سو و تمایل مردم به سمت کیفر در جامعه ایران از سوی دیگر، این اقدامات اجتماعی نمی تواند در باور شهروندان ایرانی به عنوان کیفر تلقی گردد و هنگامی که شهروندان باور نکنند که دستگاه قضایی مجرمان را مجازات می نماید و به آن به دیده تردید بنگرند (هر چند قضات با تحمیل کیفرهای جامعه محور به وظیفه حقوقی خود عمل کرده باشند) به آرامی از گرایش به دستگاه قضایی جدا شده و به سمت دادگستری خصوصی خواهند رفت و با توجه به اینکه این نوع از کیفرها در بستر جامعه اجرا می گردند لذا در راستای اعمال مطلوب آنها در جامعه نیاز به مشارکت مردم و نهادهای مدنی است. لکن هنگامی که مردم به حقیقت، این کیفرها را باور ندارند چگونه می توان از مشارکت آنها استفاده نمود؟ لذا اطلاع رسانی کامل و بستر سازی فرهنگی و اجتماعی و توجیه مناسب مردم در این زمینه ضروری است.^۱

(ج) ابعاد مدیریتی قوانین کیفری در بحث نظام اجرایی کیفرها، جامعه محور اطفال و نوجوانان از آن جا که نظام اجرایی کیفرها، جامعه محور، جهت تحقق اهداف خود نیاز به مدیریت مطلوب از سوی نهاد قضایی (قاضی دادگاه) دارد لذا در این قسمت به بررسی پیش نیازهای اعمال مدیریت مؤثر در این نظام اجرایی اطفال و نوجوانان، نیازمند یک سری اقدامات و زمینه هایی است که در صورت محقق نشدن، این نظام اجرایی ناکام می ماند در این قسمت به بررسی پیش نیاز هایی که برای اعمال مدیریت مؤثر بر این نظام اجرایی ضرورت دارد می پردازیم.

پیش نیازهای اعمال مدیریت مؤثر در این نظام اجرایی



اعمال مدیریت مطلوب در نظام اجرایی کیفر های جامعه محور اطفال و نوجوانان، نیازمند یک سری اقدامات و زمینه هایی است که در صورت محقق نشدن، این نظام اجرایی ناکام می ماند در این قسمت به بررسی پیش نیاز هایی که برای اعمال مدیریت مؤثر بر این نظام اجرایی ضرورت دارد می پردازیم.

نقش مقام قضایی و تقویت آن برای اعمال مدیریت مؤثر در نظام اجرایی

قاضی دادگاه اطفال، نقش یک مدیر را در یک سازمان ایفا می کند که عوامل انسانی تحت مسؤلیت او در جهت رسیدن به هدف سازمانی، بزه کارانی هستند که مقام قضایی می بایست با در نظر گرفتن تمامی ملزومات، شرایط بازپروری و بازگشت آنها را به جامعه فراهم نماید بنابراین، در راستای نیل به این مهم شناخت ابعاد شخصیتی بزه کار مانند وضعیت جسمی، روحی، تیپ شخصیتی و نوع زندگی خانوادگی آنها حسب تفسیر نوع رفتار آن ها از نگرش مبتنی بر انحراف به سمت و سوی احترام به جامعه و رعایت حقوق فردی و اجتماعی ضرورت می یابد و از آن جایی که نظام اجرایی کیفر های جامعه محور اطفال و نوجوانان بزه کار بحث اصلی این پژوهش است لذا رویکرد و هدف، بررسی ابعاد مدیریتی این نظام است. لازمه مدیریت مطلوب نظام اجرایی کیفرها، جامعه محور این است که ابتدا رفتار اطفال و نوجوانان بزه کار مدیریت شود انسان در تمام طول زندگی، رفتار خود و دیگران را تفسیر می کند و مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و در مورد چرایی رفتار ها فکر می کند

عنايت به این که اهراد در اهداف و نگرش های خود با هم متفاوت هستند به همین جهت رفتارهای گوناگون از آن ها مشاهده می گردد. بنابراین، نظریات متعددی ارایه می شود که می تواند به تکامل رفتار فرد کمک نماید از این رو رفتار هر شخص را باید در زندگی فردی و اجتماعی او شناسایی کرد بنابراین جهت تغییر نوع رفتار بزه کاران از نگرش مبتنی بر انحراف به سمت و سوی احترام به جامعه و هنجارهای آن باید رفتار آنها شناسایی و سپس هدایت و کنترل و یا تغییر داده شود این موضوع نیازمند آموزش و تمرین و استفاده از تخصص افراد صاحب نظر از جمله روان شناسان، جامعه شناسان و مددکاران اجتماعی است. لازم به ذکر است که برای مدیریت مطلوب نظام اجرایی اطفال و نوجوانان بزه کار می بایست رفتار این قشر از بزه کاران را درک کرد که با استفاده از روان شناسی، محقق خواهد شد و نقش آنها به چهار دسته، نگرش، شخصیت، ادراک و یادگیری تقسیم می شود.

نگرش اطفال و نوجوانان بزه کار همان احساس آنها نسبت به عمل عجولانه انجام شده و تصمیم آنها برای اصلاح یا عدم اصلاح خود است شخصیت آنها بیان کننده عملکرد رفتاری آنها و مجموعه ای از ویژگی های روانی ایشان است و با آشنایی با تیپ شخصیتی می توان نوع رفتار او را در موقعیت های گوناگون پیش بینی کرد.

با عنایت به این که افراد با دیدگاه های متفاوتی به یک موضوع نگاه می کنند و درک متفاوتی از یک موضوع دارند؛ لذا در مورد بزه کاران باید بررسی گردد که بزه کار چه درکی از موضوع بزه کاری و فعل بزه کارانه خود دارد و این موضوع طی چه فرآیند یادگیری بر او اثر گذاشته است لذا مقام قضایی باید با بررسی رفتار طفل یا نوجوان بزه کار و انگیزه وی برای انجام عمل مجرمانه و درکی که او از این عمل خود داشته اقدام به استفاده تصمیم قضایی متناسب با رفتار او نماید و خوشبختانه یکی از نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ / ۱۲ / ۴ الزامی بودن تشکیل پرونده ش شخصیت برای اطفال و نوجوانان بزه کار مطابق ماده ۲۸۶ از قانون یادشده است در پرونده شخصیت، شرایطی که طفل یا نوجوان در آن قرار گرفته و زندگی کرده است به وسیله ی روانشناس و مددکار زیر نظر متولیان قضایی مورد بررسی قرار می گیرد.

گفته های ناگفته

۲۶۱. باید هوش و ذکاوت خود را به کار ببریم، چیزی که دیروز غیر ممکن بود امروز دشوار است، فردا با خوشی و رضایت قبول خواهد شد.

۲۶۲. به امید فکر و کوشش خود باشیم نه به انتظار بخت و اتفاق.

۲۶۳. بدبختی عبارت است از اینکه ندانیم چه آرزویی داریم و برای رسیدن به آن هزار جور مشقت را تحمل کنیم.

۲۶۴. برای هر کس خوشبختی یک معنی بیشتر ندارد، رسیدن به آرزوی موهوم.

۲۶۵. برای تحقق آرزوی تو، خواه امیر باشی خواه گدا، در برابر طبیعت فرقی نمی کند و برای همه یک بها معین شده است و آن فداکاری و از خود گذشتگی است.

۲۶۶. برای رسیدن به آرزویی باید ده ها آرزوی دیگر را سربردی.

۲۶۷. بزرگترین امید آن است که امید را به قصد کشت کتک بزنیم.

(کوشش و تلاش)

۲۶۸. بسا اتفاق می افتد که در جستجوی یک سعادت خیالی بر می آییم و خود را گرفتار هزاران معصیت واقعی می نماییم.

۲۶۹. بشر وقتی در خانه اش نشسته است خواهان حادثه ای در زندگی و هنگامی که دچار حادثه ای می شود طالب زندگی آرام در خانه است.

۲۷۰. بیم و امید از هم جدا شدنی نیستند، امید بدون بیم و بیم بدون امید وجود ندارد.

۲۷۱. چه باید کرد، ای انسانها؟ باید رنج ببریم، لب فرو بندیم، ستایش کنیم، امیدوار باشیم و بمیریم.

۲۷۲. چنان زندگی کن که وقت مردن آرزو خواهی کرد و با هر کس چنان رفتار کن که از او توقع داری.

۲۷۳. چون زندگی ما دریاست، امید به لنگرگاهی تشبیه شده است که در مواقع طوفانی بدان پناه می بریم تا بتوانیم بر روی پای خود بایستیم.

۲۷۴. خداوند وقتی می خواهد ناشکری را مجازات کند او را به همه ی آرزوهایش می رساند.

شیوه های مدیریتی متناسب با قوانین، جهت مدیریت نظام اجرایی کیفر های جامعه محور

العمل هایی است که حدود وظایف، میزان مسیولیت ها و نحوه انجام دادن فعالیت های گوناگون را مشخص می کند.

شیوه: عبارت است از تشریح جزئیات و مراحل انجام دادن یک کار. در این قسمت نهاد های جدید که مورد اشاره قرار گرفتند حسب اجرای مطلوب کیفر های جامعه محور با ابزارهای علم مدیریت تجزیه و تحلیل سیستمی می شوند. برای رسیدن به این هدف لازم است که مطالعه در مورد سیستم های استفاده شده جهت اجرای مطلوب کیفرهای جامعه محور را مطالعه و بررسی نمود؛ سپس در جهت بهبود بخشیدن به آنها اقدام کرد با تجزیه و تحلیل سیستم از وجود مشکل آگاه شده، بررسی لازم انجام می پذیرد و در نهایت راه حل مناسب ارائه می شود.

کاربرد تفکرات علم مدیریت بر نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور

در این قسمت به بررسی اندیشه های مدیریتی مؤثر بر نظام اجرایی و سپس نوع و شیوه مدیریتی حاکم بر نظام اجرایی می پردازیم.

مدیریت خطر بزه و کنترل بزه کاری در نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور

در کیفرشناسی جدید که سنجش و مدیریت خطر از آن نشأت گرفته است، هدف، اصلاح و درمان و بازپروری مجرم نیست، بلکه کنترل و مدیریت مجرم برای مصون داشتن جامعه از آسیب آنان از طریق سنجش میزان خطری است که برای جامعه دارند. نام این اندیشه مدیریتی را که با نگاه مدیریت به خطر، نگاه می کند می توان «کیفرشناسی مدیریت خطر» نام نهاد و اشاره بر توان گیری و بازداری مجرم دارد و بر مدیریت مؤثر گروه های زیادی از مجرمین تمرکز دارد تا به درمان افراد.^۱

در مدیریت خطر جرم، سوژه اصلی مجرم است و از منظر حقوق ایران، مفهوم حالت خطرناک ذیل مجرم خطرناک پذیرفته شده است، لذا سعی می کنیم مجرمین خطرناک را بر اساس نظریه مدیریت ریسک جرم تعریف کنیم بر این اساس، مجرم خطرناک کسی است که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و کیفیت و شدت جرم ارتكابی، وی را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار می دهد

برای رسیدن به مقصود، ابتدا باید هدف گذاری صحیح داشت که می توان از آن به مدیریت مبتنی برهدف نام برد و این نوع مدیریت فرآیندی است که از طریق آن اهداف، برنامه ها و سیستم های کنترل یک سازمان از طریق همکاری بین مدیران و افراد تحت امرشان تعیین می شود^۱ و با عنایت به این که هدف مدیریت نظام اجرایی کیفر های جامعه محور، اصلاح اطفال و نوجوانان بزه کار است، لذا با الهام از سیستم مدیریت بر مبنای هدف در این نوع تصمیم گیری ها شخص بزه کار یا اولیا یا سرپرستان قانونی آنها در تعیین هدف مشارکت می کنند و در یک زمان بندی تعیین شده، اقدام به انجام امور اصلاحی خواهند کرد در طول مسیر می بایست نظارت کافی بر عملکرد داشت تا هدف که اصلاح و درمان بزه کار است به انحراف کشیده نشود و چنانچه انحرافی رخ داد در جهت اصلاح اقدام شود ویژگی این دیدگاه این است که در نوع تصمیم گیری مشارکت همه افراد دخیل در سرنوشت بزه کار وجود دارد.

طفل یا نوجوانان بزه کار، بعد از طی شدن مراحل دادرسی و صدور حکم و در مرحله اجرای احکام کیفری باید بدانند که جامعه قانون گذاری و مقام قضایی چه انتظاری از وی دارند تا همگی به اهداف مطلوب خود که نهایتاً اصلاح شخص بزه کار است برسند. لذا برای نیل به اهداف مطلوب در مدیریت مؤثر نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور اهداف باید بدون ابهام بوده، صراحت در تعیین اهداف اعمال شود. هدف نباید آن قدر سخت باشد که موجب ناامیدی شود و نه آن قدر ساده که بدون انگیزه انجام پذیرد. هدف باید متناسب با استعداد، تجربه، انگیزه و اعتماد به نفس فرد باشد. از نوآوری های رایج شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مباحث مربوط به اعمال کیفرهای جامعه محور پیرامون اطفال و نوجوانان به عنوان سیستم یاد می شود که این سیستم، روی های متعددی دارد و وابسته به هم هستند که با اجرای مطلوب این روش ها می شود به اهداف قانون گذار در بازپروری و اصلاح اطفال و نوجوانان بزه کار دست پیدا نمود. مثلاً سپردن اطفال و نوجوانان به والدین یا سرپرست قانونی آن ها، معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان شناس، فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی، انجام خدمات عمومی رایگان و حبس در منزل، هر کدام به تنهایی شیوه و روشی هستند که یاری گر رسیدن به اهداف قانون گذار است.

در علم مدیریت در تعریف سیستم آمده است تعدادی روش وابسته به هم که با اجرای این روش ها قسمتی از هدف یک سازمان تأمین می شود.^۲

روش: عبارت است از یک سری عملیات و مراحل که برای اجرای تمام یا قسمتی از یک سیستم انجام می شود برای اجرای هر سیستم نیاز به تهیه دستور

هر طفل و نوجوان بزه کار که وارد فرآیند آیین دادرسی کیفری می شود باید پرونده شخصیت وی در اختیار قاضی دادگاه قرار گیرد تا مقام قضایی پرونده با احاطه بر این پرونده شخصیت (که نشان از رفتار شناسی فرد و وضعیت اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی وی و روانشناسی بالینی او دارد.) رأی صادر نماید.^۱

پرونده شخصیت بیان می نماید که شرایط وقوع جرم به چه صورت بوده است و همچنین پرونده شخصیت طفل یا نوجوان با یک نگاه کارشناسانه ای شکل می گیرد و باعث می شود که در روز دادگاه با در نظر گرفتن شرایط وقوع جرم در اطفال و نوجوانان، شرایط سنی آنها و استفاده از ظرفیت کیفر های جامعه محور، درباره آنها قضاوت شود. در نظر گرفتن این شرایط باعث می شود که حمایت های لازم از کودکان برای این که بتوانند دوباره به اجتماع بازگردند صورت پذیرد و از سوی دیگر باعث میشود که بازگشت کودکان به اجتماع بدون این که برچسبی به آنها خورده باشد صورت گیرد و مقام قضایی در نهایت با بررسی رفتار طفل یا نوجوان از طریق مطالعه پرونده شخصیت وی می تواند تصمیم متناسبی در راستای مدیریت مؤثر نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور این قشر از جامعه بردارد.^۲

از آنجا که تعیین مجازات در فرایند کیفری تنها به وسیله ی قضاوت صورت می گیرد، لذا تقویت علاقه مندی قضاوت و اطلاع رسانی یه آنها برای اجرای این مجازات ها ضرورتی اجتناب ناپذیر است. قضاوت نیز به عنوان افرادی که مجازات مناسب را برای مجرم تعیین می کنند باید شناخت کافی از انواع مجازات ها، اثرات، فواید، و نحوه اجرای آنها داشته باشند از آنجا که کیفرهای اجتماع محور یک پدیده نوظهور در اغلب جوامع است و از شدت کمتری نسبت به مجازات های سنتی برخوردار اند، قضاوت به آنها به دیده شک می نگرند لذا اطلاع رسانی و توجیه قضاوت به عنوان مدیران عدالت کیفری برای اعمال این مجازات ها ضروری است.^۳

۱ ژان فرانسوا رونچی- کریستین کورتن، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، ترجمه بهزاد رضوی فرد و خدیجه بهشتی، چاپ اول انتشارات میزان، تهران، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۲۶

۲ بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادرسی و دادگاه موظف است اقدام به تشکیل پرونده شخصیت برای کودکان و نوجوانان کند این الزام علاوه بر مواردی که برای همه متهمان ضروری است یعنی موارد مصرح در ماده ۳۰۲ (شامل جرایمی که مجازات آنها سلب حیات، قطع عضو، نصف ديه و بالاتر، حبس ابد و جرایم تعزیری درجه سه و بالاتر) در مورد جرایم تعزیری درجه پنج و شش هم موظف به تشکیل پرونده شخصیت هستند برخی نویسندگان با اشاره به متن ماده ۲۰۰ لایحه قانون آیین دادرسی کیفری که عیناً در ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تکرار شده است، این ایراد را به قانونگذار وارد کرده اند که در مورد پیش بینی پرونده شخصیت کیفری چه برای اطفال چه برای بزرگسالان، پیش بینی سازوکارهای اجرایی برای تشکیل این پرونده ها نشده است. سازوکارهایی که باید «نحوه آموزش کارشناسانی را که برای تشکیل این پرونده ها اقدام می کنند، مشخص کند.» (شاملو، باقر؛ گوزلی، مهدی، پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه، آموزه های حقوق کیفری، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲، صفحه ۹۵)

۳ یکرنگی، محمد؛ ایرانمنش، مهدی، کیفرهای اجتماع محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش نیازهای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷، صفحه ۱۳

۱ استیفن پی رابینز، میانی رفتار سازمانی، صفحه ۹۶

۲ رضائیان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، صفحه ۱۵۰

۳ منصور کیا، منصور، تجزیه و تحلیل سیستم ها و روی ها، نشر مروارید، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵، صفحه ۴۲

۴ شیکرد، بوید، مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه حسن آقایی جنت مکان، انتشارات دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۸۹



در تقسیم بندی حالت های خطرناک مجرم، به دو نوع ساده و شدید تقسیم می گردد

نوجوانان بزه کار و با توجه به سنجش نوع حالت خطرناک بزه کار و شرایط سنی آن ها، اقدام به مدیریت قضایی کیفرهای اطفال و نوجوانان می نماید

۱ عبدلاهی، افشین، بهرامی، همین، توجه به حالت خطرناک برای مدیریت و کنترل بزه کاری، مجله عالی حقوق شماره های ۱۳ و ۱۴، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۱۶ و ۱۱۷
۲ نوربهار، رحیم، «مقررات کیفری، جرایم و مجازات ها در تورات» فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۸۷
۳ عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا، سنجش و مدیریت خطر مجرمان در نظام عدالت کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، تیر ۱۳۸۸

فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد، «همچنین در فصل دهم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، قانون گذار با توجه به شرایط سنی اطفال و نوع جرم صورت گرفته قائل به تفکیک شده و اطفال و نوجوانان را به گروه های سنی ۹ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال تقسیم بندی نموده است. بر این اساس، قاضی دادگاه با استفاده از رویکرد مدیریتی (مدیریت خطر مجرمین) و نظریات علم کیفرشناسی با توجه به وجود حالت خطرناک در اطفال و

بر این اساس، دادگاه برای مدیریت ریسک جرم و تکرار آن، کنترل بزه کاری و کاهش خطرهای آنها، تدابیری را بر اساس میزان خطر مجرمانه اتخاذ می کند که در درجه های مختلفی میان حذف بزه کار از جامعه تا طرد و خنثی سازی و جلوگیری پیوسته یا موقتی از اضطراب او به جامعه در نوسان است.^۱
در تقسیم بندی حالت های خطرناک مجرم، به دو نوع ساده و شدید تقسیم می گردد. در حالت خطرناک ساده، این حالت به طور اتفاقی در شماری از مجرمان مشاهده می شود، زیرا حالت های هیجانی و عصبی بزه کاران سبب می شود افراد تحت تأثیر هیجان های آنی و عاطفی به ارتکاب جرم روی آورند.^۲ در یک نگاه کلی، مهم ترین معیار های نشان دهنده خطر - با بررسی قوانین و اصول راهنمای تعیین کیفر

برخی کشورها - عبارت از: پیشینه کیفری، نوع جرم، سن، تحصیلات، اشتغال، شدت خسارت وارده و ... است.^۳
راه کارهای قانون گذار ایران نسبت به میزان خطر مجرمان، تشدید مجازات است اما با توجه به مفاهیم کیفر شناسی جدید، باید بین شدت واکنش جرم و کنترل خطر، تفاوت قائل شد. چرا که بررسی موارد کنترل خطر از طریق راه کارهای دیگری به جز شدت مجازات امکان پذیر است. در بسیاری از نظام های کیفری از تدابیری مانند حبس خانگی، نظارت الکترونیکی، تعلیق مراقبتی فشرده و برای کنترل خطر استفاده شده است.
قانون گذار در ماده ۲۵۰ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مرقوم نموده: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال

نوع و شیوه مدیریتی در نظام اجرایی

در این قسمت با رویکرد مدیریتی به نهادهای دخیل در نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور اطفال و نوجوانان پرداخته می شود

سپردن اطفال و نوجوانان به والدین

باید رفتار مجرمین شناسایی و سپس هدایت و کنترل و یا تغییر داده شود این موضوع نیازمند آموزش و تمرین است. که در این مسیر قضای دادگاه با تجزیه و تحلیل رفتار سازمانی در نهاد خانواده (به عنوان عضوی مؤثر در بازپروری اطفال و نوجوانان) و بررسی خصایص طفل یا نوجوان با استفاده از نظریات کار شناسانه مددکاران اجتماعی و روان شناسان بالینی و به کار گیری تفکر مدیریت خطر، به سپردن اطفال یا نوجوانان به این نهاد قانونی اقدام می نماید

۱ عباچی، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، ص ۱۳۲
۲ رضائیان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، صفحه ۱۵

با عنایت به اینکه در مدیریت نظام اجرایی کیفرهای جامعه محور اطفال و نوجوانان نیاز است که ابتدا رفتار شخص، مدیریت شود. برای این که به طور صحیح و سازمان دهی شده رفتار اشخاص ارزیابی گردد و موجب پیشرفت توان مندی ها شود نیاز به مطالعه نظام یافته رفتار است. این موضوع بیان کننده رفتاری است که بر اساس هدفی مشخص به وسیله ی فرد انجام می شود و لذا دارای تعاریف و ویژگی های مخصوص به خود است. افراد با هم متفاوت هستند و اهداف آن ها با یکدیگر تفاوت دارد. به این ترتیب رفتارهای گوناگونی از افراد مشاهده می شود بنابراین نظریات متعددی ارائه شده است که می تواند به تکامل رفتار هر فرد کمک نماید.^۲

در این روی قضای دادگاه با در نظر گرفتن وضعیت فردی و محیطی اطفال و نوجوانان بزه کار و توجه به خصیصه های این قشر از بزه کاران و اطلاعاتی که از وضعیت آنان به واسطه مطالعه پرونده شخصیت آنها به دست می آورد و با در نظر گرفتن شرایط خانواده اطفال و نوجوانان، می تواند به منظور ایجاد بسترهای مناسب جهت دوباره تربیت شدن اطفال و نوجوانان بزه کار و هم چنین کاهش پیامدهای زیان بار جداسازی آنها از محیط خانواده، بازسازی نظام رفتاری، اطفال و نوجوانان را به پدر - مادر و یا دیگر سرپرستان قانونی بسپارد که در همین چهارچوب، دادگاه می تواند به تسلیم طفل یا نوجوان بزه کار به والدین یا سایر سرپرستان جنبه واقعی ببخشد و نسبت به مکلف ساختن والدین یا سرپرستان قانونی برای انجام اقدام های مناسب تربیتی اقدام نماید.^۱

سپردن اطفال و نوجوانان به اشخاص داوطلب

نداشته باشند با وجود شرایط یاد شده، نسبت به سپردن اطفال و نوجوانان بزه کار به اشخاص داوطلب جهت نگهداری و در واقع دوباره اجتماعی شدن اقدام می نماید و تسلیم آنان به اشخاص داوطلب صرفاً جنبه مراقبتی داشته و قاضی دادگاه با در نظر گرفتن شرایط طفل یا نوجوان و بهره گیری از نظریه خطر اشخاص داوطلب را ملزم به انجام اقدام های مندرج در تبصره بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می نماید.

دلبستگی/وابستگی/پابندی/اعتقاد در گرایش پیدا نکردن افراد به بزه کاری نقش آفرین اند. از این رو هرگاه در هر یک از این شاخص ها اختلال پیش آید، احتمال تمایل افراد به سوی ارتکاب جرم افزایش می یابد؛ در این جاست که دور ساختن اطفال و نوجوانان بزه کار از والدین ناشایست می تواند تا اندازه ای معضلات فرآیند جامعه پذیری این دسته را برطرف نماید. لذا در این راه قاضی دادگاه با نتایج بررسی بعمل آمده از پرونده شخصیت اطفال در صورتی که والدین مؤلفه های لازم جهت نگاهداری طفل یا نوجوان را

تسلیم اطفال و نوجوانان به اشخاص داوطلب منوط به وجود چهار شرط است: الف - اطفال و نوجوانان در دوره سنی ۹ تا ۱۵ سال مرتکب بزه کاری شده باشند. ب - جرم ارتکاب یافته تعزیری باشد. ج - والدین یا سرپرستان قانونی صلاحیت نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان را نداشته باشند. د - اشخاص، نگهداری اطفال و نوجوانان را بپذیرند.
بنابراین با عنایت به این که طبق نظریه «**علقه های اجتهادی**» **تراویس هیرشلی** «یا **قوانین تقلید**» «**گابریل تاردنوع**» وجهت رفتاری والدین بر نظام شخصیتی و رفتاری اطفال و نوجوانان تأثیرمی گذارد، و به موجب نظریه علقه های اجتماعی مؤلفه های

گفته های ناگفته

۲۷۵. خردمند به کار خویش تکیه می کند و نادان به آرزوی خویش.
۲۷۶. خوشبختی این است که انسان دنیا را همان طور که آرزو می کند ببیند.

۲۷۷. دنیا به امید برپاست و انسان به امید زندگی کردن زنده است.
۲۷۸. زیاد زیستن تقریباً آرزوی همه می باشد، ولی خوب زیستن آرمان یک عده ی معدود.
۲۷۹. کسی که امیدواری را وسیله معاش خود قرار بدهد احتمال دارد از گرسنگی بمیرد.

۲۸۰. گذشته مکان یادگارها، آینده مقام امیدها و حال جایگاه تکلیف هاست.

۲۸۱. ما نباید امیدوار باشیم که دنیا قوانین و نظامات و مناظره و آثار خود را برای خوشنودی ما تغییر بدهد زیرا او هرگز تغییر نمی کند بلکه این ما هستیم که تغییر می کنیم و اگر روزی از محیط کنونی خارج شویم احتمالاً آن را طوری دیگر خواهیم دید.

۲۸۲. مانند سایه ها، هر چه خورشید زندگی و عمر بیشتر به غروب می نهد، آرزوهای ما دورتر و درازتر می گردند.

۲۸۳. مردم بی نوا و تیره بخت درمانی جز امید ندارند.

۲۸۴. پروانه ای می گفت کیست من را به عسل برساند و دو درهم مزد بگیرد، چون به عسل می رسد در آن فرو می رود و آنگاه می گوید کیست که مرا از این مهلکه نجات دهد و من چهار درهم مزد بدهم.

۲۸۵. وقتی اسکندر کبیر به تخت سلطنت مقدونیه نشست هر چه املاک و اراضی از پدرش به ارث برده بود بین دوستانش تقسیم کرد، پیر دانایی از او پرسید برای خودت چه نگاه خواهی داشت؟ در جواب گفت امید که بزرگترین دارایی و تملک انسان است.

۲۸۶. هرکس در جهان آرزویی دارد، یکی مال می خواهد... یکی افتخار... لیکن به عقیده من یک دوست حقیقی بهتر از همه اینهاست.

و بهره‌گیری از مشارکت مردمی در اجرای کیفرهای جامعه محور. ۲- ترتیب دوره های آموزشی ضمن خدمت و کارگاه های آموزشی به صورت مستمر برای قضات ویژه دادگاه اطفال، در رابطه با مبانی جرم شناسی، جامعه شناسی و روان شناسی اطفال و نوجوانان ۳- تعیین عنوان درسی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان در دوره کار آموزشی قضائی ۴- جذب و به کارگیری مشاوران دانش آموخته در رشته های تحصیلی مرتبط با اطفال و نوجوانان از جمله روان شناسان بالینی و مددکاران اجتماعی در سیستم قضایی و استفاده از نظرات و تجربیات آن ها در اتخاذ تصمیمات قضایی ۵- ایجاد تعهد برای تمام نهاد ها و مؤسسات دولتی در جهت اجرای احکامی که درخصوص کیفرهای جامعه محور صادر می شود و فراهم کردن زمینه های مناسب برای مشارکت نهاد های مردمی و غیر دولتی در اجرای احکام. ۶- تأسیس واحد های مخصوص آموزش فرهنگی- حرفه ای معین برای اطفال و نوجوانان بزه کار در سیستم قضایی با همکاری ادارات آموزش و پرورش و مراکز فنی و حرفه ای. ۷- برگزاری همایش های آگاهی سازی مراجع دولتی در نحوه هم کاری با قضات محترم اجرای احکام کیفری در راستای اجرای کامل کیفرهای جامعه محور. ۸- بهره گیری از خانواده اطفال و نوجوانان بزه کار به عنوان مؤثرترین نهاد تأثیر گذار در اصلاح و بازپروری اطفال و نوجوانان. ۹- برگزاری دوره های ضمن خدمت بهبود مدیریت برای قضات در راستای برقراری ارتباطات مؤثر با نهادهای های دولتی و غیر دولتی و فرد بزه کار.

اقامت در منزل

این شیوه، ضمانت اجرای « بینابین » است که نظارت و مراقبتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کمتر از زندان و با هدف ناتوان کردن شخص برای ارتکا جرم جدید و بازپروری با اجازه دادن به مجرمان برای زیستن در جامعه به جای زندان را دنبال می کند. در این شیوه که به آن « حبس در منزل » هم گفته می شود، فرد محکوم مکلف به اقامت در خانه است و از رفت و آمد به خارج از منزل (جز در مواردی که دادگاه اجازه داده است) منع می شود. این شیوه به صراحت در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده که بیان می نماید: « دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بند های (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می کند یا به

حس هفتگی

حس پایان هفتگی شیوه ای از مجازات است که به محکوم اجازه می دهد روز های کاری خود را در اختیار حرفه و خانواده اش باشد و تعطیلات آخر هفته را در زندان یا کانون اصلاح و تربیت سپری کند لذا این شیوه از حبس منجر به بیکاری و جدایی فرد از زندگی اجتماعی نمی گردد. اتخاذ حبس پایان هفتگی به ویژه برای مجرمین کودک حائز اهمیت است، به دلیل اینکه علاوه بر پاسخ دادن به خطای ارتكابی اش از ایجاد وقفه در تحصیل او ممانعت به عمل می آورد. در قانون مجازات اسلامی در تبصره ماده ۸۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان نموده: « دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم

جمع بندی و پیشنهادات

در نظام قضایی ایران خوشبختانه در سال های اخیر با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کیفر های جامعه محور در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار به شکل پررنگ در حقوق کیفری اطفال نمایان شد. تا قبل از تصویب قانون فوق الذکر، در قوانین جزایی سابق رگه هایی از کیفرهای جامعه محور درخصوص اطفال و نوجوانان بزهکار وجود داشت، لیکن قانونگذار در آخرین اراده خود با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل دهم از این قانون تحت عنوان مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی از مواد ۸۹ الی ۹۵ به تقنین این نوع از پاسخ های جامعه محور نسبت به اطفال و نوجوانان دست زد. با عنایت به اینکه کیفرهای جامعه محور در خصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان پدیده ای نوظهور بوده لذا در بدو امر دارای یکسری چالش ها و نقائص در مرحله اجرا میباشد لذا برای برطرف نمودن موانع و مشکلات پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه میگردد:

منابع و مأخذ

- ۱- استیفن پی. رایبیز، میانی رفتار سازمانی، ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی چاپ ۳۹، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران ۱۳۹۳
- ۲- آشوری، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ اول، نشر گرایش، تهران، ۱۳۸۲
- ۳- بولک، برنار، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۸۵
- ۴- حاجی تبار، فیروز جایی، حسن، جایگاه جایگزین های حبس در نظام عدالت کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴، ۱۳۸۷، ۶۴
- ۵- حجتی، سید مهدی؛ باری، مجتبی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ اول، نشر دادستان، تهران، ۱۳۹۳
- ۶- خواجه نوری، یاسمن، نقش کیفرهای جامعه مدار در پیش گیری از تکرار جرم کودکان، مجموعه مقالات کارگروه پیش گیری از تکرار جرم و بزه دیدگی (با تأکید بر نقش پلیس)، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ نخست، ۱۳۸۸
- ۷- رضائیان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۱
- ۸- ژان فرانسوا نوچی- کریستین کورتن، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، ترجمه بهزاد رضوی فرد و خدیجه بهشتی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، پاییز ۱۳۹۵
- ۹- شیکر، دیوید، مفهوم و ماهیت مجازات، ترجمه حسن آقایی جنت مکان، انتشارات دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۸۹
- ۱۰- عابدی نژاد مهر آبادی، زهرا، سنجش و مدیریت خطر مجرمان در نظام عدالت کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، تیر ۱۳۸۸
- ۱۱- عباچی، مریم؛ حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد؛ انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸
- ۱۲- عبدالاهی، افشین، بهرامی، همین، توجه به حالت خطرناک برای مدیریت و کنترل بزه کاری، مجله تعالی حقوق شماره های ۱۳ و ۱۴، تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۰
- ۱۳- قاسمی مقدم، حسن؛ « ارزیابی میزان اثر بخشی مجازاتهای اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده امریکا » پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (ع) تابستان ۱۳۸۵
- ۱۴- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۲
- ۱۵- منصور آبادی، عباس؛ کونانی، سلمان، بستر مجازات های جامعه مدار؛ با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران، چاپ پنجم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، تهران، شماره ۱۵، تابستان ۸۹
- ۱۶- ملویل، گینور و دیگران، نظریه های جرم، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، نشر میزان، تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۹
- ۱۷- منصور کیا، منصور، تجزیه و تحلیل سیستم ها و روش ها، نشر مروارید، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵
- ۱۸- نجفی ابرند بادی، علی حسین؛ « تقریرات درس حقوق جزای عمومی (۲) »، دوره کارشناسی، ارشد حقوق جزا و جرم شناسی تهیه و تنظیم مهرداد رایجیان اصلی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال تحصیلی ۷۹ - ۷۸
- ۱۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۸) « تقریرات درس حقوق جزای عمومی (۲) »، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی،
- ۲۰- نجفی، توانا، علی، ناهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین المللی، چاپ اول، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲
- ۲۱- نوربهار، رحیم « مقررات کیفری، جرایم و مجازات ها در تورات » فصلنامه نامه مفید، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۸۷
- ۲۲- نیاز پور، امیر حسن، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرآیند پاسخ دهی به بزه کاری کودکان و نوجوانان) ، نشر میزان، تهران؛ چاپ اول، ۱۳۹۳

امنیت فناوری اطلاعات

نویسندگان:

محسن سوری دانشجوی کارشناسی فناوری اطلاعات - امنیت اطلاعات

عباس محبیان عضو هیئت علمی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی جهاد دانشگاهی همدان



گفته های ناگفته

۲۸۷. هر وقت امید در کسی بمیرد، کینه و انتقام در او زنده می شود. هر قدر امید کمتر باشد عشق بزرگتر است.

۲۸۸. هر روز بلندی را پایانی است.

۲۸۹. یگانه تسکین دهنده آرزوهای طلائی دو چیز است: صبر و امید.

۲۹۰. آنکه امید دارد می داند که ناتوانی آفت است و شکیبایی شجاعت و زهد ثروت بی انتها و آنکه راضی بود به مشیت پروردگار پیروز است.

انتظار

۲۹۱. انتظار را باید تحمل کرد گرچه تمام عمر را در برگیرد.

۲۹۲. بالاترین انتظار همان است که چشم به راه شاه سامرا بمانیم.

۲۹۳. حضرت مهدی (عج) ظهور می کند و آن روز است که پایان انتظار را نظاره خواهیم کرد.

۲۹۴. انتظار فرج بالاترین درجه از ایمان است که هرگز پایانی نخواهد داشت.

انسان

۲۹۵. آدم تنها مخلوقی است که نمی خواهد همان باشد که هست.

۲۹۶. انسان ها به صورت کلی چیزی جز کودکان بزرگ نیستند.

۲۹۷. خون همه ی انسان یک رنگ است ولی لیاقت آنها فرق دارد.

۲۹۸. دو چیز تفاوت فاحشی بین انسان و حیوان به وجود می آورد؛ قدرت بیان و دروغگویی.

۲۹۹. وای که چه دشوار است انسان در تنهایی خود پیر شده و در بی کسی میرد.

۳۰۰. هر انسانی یک جلد کتاب است به شرط آنکه بدانی چگونه آن را بخوانی.

۳۰۱. یقین است که اگر همه عالم برای انسان ساخته شده باشد انسان برای چیزی از عالم ساخته شده است.

چکیده

واژه امنیت اطلاعات حجم وسیعی از فعالیت های یک سازمان را تحت پوشش قرار می دهد. امنیت اطلاعات به معنای واقعی یعنی با استفاده از یک سری فرآیند ها از دسترسی غیر مجاز به اطلاعات و محصولات و اعمال تغییرات یا حذف کردن آنها جلوگیری کنیم. این عمل را می توان به نحوی حفاظت از منابع موجود، در موقعیت های مختلف (مانند یک حمله هکری که معمولا خیلی انجام می شود) توسط افرادی که مسئول امنیت اطلاعات هستند در نظر گرفت.

مقدمه

شما به عنوان یک فرد حرفه ای در زمینه کامپیوتر، همیشه با مسائلی جدی تر از بحث جلوگیری از ورود و حمله و ویروس ها به کامپیوترها مواجه هستید. البته این موضوع بستگی به طرز تفکر مسئولین امنیتی آن شرکت یا سازمان دارد، شاید برای شما خنده دار باشد اما چه بسا مشاهده شده است که بسیاری از شرکت ها و یا حتی سازمان های دولتی با نصب یک نرم افزار آنتی و ویروس و یک فایروال ساده نرم افزاری شبکه خود را به گمان خود ۸۰ ایمن می کنند!!!!

زمانی که شما به عنوان مسئول و کارشناس امنیت اطلاعات یک شرکت یا سازمان محسوب می شوید، در واقع شما مسئول حفاظت از دارایی های اطلاعاتی یک سازمان در مقابل کسانی یا چیزهایی هستید که می خواهند از آن دارایی ها سوء استفاده کنند. ممکن است برخی از این افراد هم اکنون در سازمان و در کنار خود شما باشند، ولی اکثر این افراد در خارج از سازمان قرار دارند و همیشه قصد نفوذ به شبکه و سازمان را دارند. این جمله طلائی را همیشه به خطر بسپارید:

هیچ چیز برای یک مسئول یا کارشناس امنیت اطلاعات خطرناکتر و هولناکتر از کاربران خود آن شبکه نمی باشد.

در بسیاری از موارد شما نرم افزاری را خریداری می کنید که خود آن نرم افزار بصورت ذاتی دارای نقاط ضعف امنیتی است و این نقاط ضعف امنیتی به خود باعث به زیر سؤال رفتن امنیت سازمان شما خواهد شد، مثلا نرم افزار مجموعه آفیس را خریداری می کنید و در آن نقاط ضعف امنیتی وجود دارد که هکرها می توانند از طریق آن به سیستم عامل حمله و به آن دسترسی یابند.

متأسفانه این عمل چندان هم آسان نیست، در حال حاضر نقاط ضعف و آسیب پذیری های سیستم های تجاری در حال رشد است و این نقاط روز به روز بیشتر و بیشتر می شود، حال کفایت شما تنها یک روز از این اطلاعات بی خبر باشید و

اجزای اصلی امنیت اطلاعات

امنیت اطلاعات شامل ۳ قسمت از یک کانون مرکزی است

۱. امنیت فیزیکی

۲. امنیت عملیاتی

۳. مدیریت و تدابیر امنیتی

هر یک از این سه مورد برای برقراری امنیت در یک سازمان بسیار حیاتی است. فرض کنید که امنیت اطلاعات مانند یک سه پایه است که اگر یکی از این پایه ها شکسته شود شما به پایین خواهید افتاد و خودتان را زخمی می کنید. شما باید به تمامی جنبه های مربوط به امنیت اطلاعات در سازمان خود نگاه عمیق داشته باشید. بخشی از کار شما پیدا نمودن نیازهای امنیتی یک سازمان و ارائه پیشنهادات مدیریتی برای رفع آن است. شما باید کاری کنید

برقراری امنیت فیزیکی (Physical Security)

منظور از امنیت فیزیکی، حفاظت از داراییها و اطلاعات در مقابل دسترسی فیزیکی افراد یا پرسنل غیر مجاز است. به عبارت دیگر شما مسئول حفاظت از بخش هایی هستید که قابل لمس کردن، دیده شدن و دزدیده شدن هستند. این تهدیدات اغلب توسط سرورس کارها، دربان ها یا سرابدارها، مشتری ها، فروشنده ها و حتی کارمندان بوجود می آیند. اینگونه افراد می توانند ابزارها را ببینند و یا آنها را خراب کنند، یا از دفتر کار مدارک و اسنادی را به سرقت ببرند و یا در داخل آنها اطلاعات ناخواسته قرار

بازیابی اطلاعات به شدت به این سه مورد بستگی دارد:

۱. طراحی و نقشه

۲. تفکر

۳. آزمایش

گفته های ناگفته

انسانیت

۳۰۲. انسان اگر فقیر و گرسنه باشد بهتر از آن است که پست و بی عاطفه باشد.

۳۰۳. اگر به سخنی که گفته اید با تمام وجود پایبند هستید دیگر نیازی نیست بر آن پوزش بخواهید.

۳۰۴. خدای من؛ تنهایی چه سخت بود اگر حضور شیرین نبود و بی کسی چه دشوار اگر تو جای همه را پر نمی کردی.

۳۰۵. سیاست مهارت مخفیانه می خواهد.

۳۰۶. شعور را همه دارند ولی نسبت آن در افراد متفاوت است. ۳۰۷. هیچ انسانی نیست که کامل باشد و هر کس نقایص شخصیتی خود را خواهد داشت.

۳۰۸. برای ساختن یک دوستی چندین سال وقت نیاز است اما برای ویرانیش لحظه ای کافی است.

۳۰۹. افراد مفت خور و متقلب مانند خوک ها نجاست خوری هستند که هیچ گاه سیری ندارند.

۳۱۰. کسانی که سعی دارند با تزویر و حيله از مال و اعتماد دیگری سوء استفاده کنند به سان گربه های بی حیایی هستند که منتظر فرصتی می مانند تا خیانت خود را کامل کند غافل از آنکه شکارچی قوی تری منتظر خود آنهاست.

۳۱۱. انسان هایی که طالب جامعه ای پاک و ایده هایی خلاق هستند باید بدانند که برای دیگران آنها بدعتی ناگوار هستند.

۳۱۲. هیچگاه نباید محبت ها به وظیفه تعبیر شود.

۳۱۳. انسان های زیاده خواه و نادان که خواسته های خود را در مال دیگری می بینند، به سان سنگ هایی می مانند که تکه ای نان جلوی آنها می اندازند تا فقط ساکت شوند.

برقراری امنیت عملیاتی Operational security

در این بخش به جای اینکه تمرکز خود را روی تجهیزات فیزیکی قرار دهیم، بیشتر به توپولوژی ها و اتصالات توجه می کنیم. عملیاتی که شما باید در بخش فیزیکی انجام دهید در ابتدا بسیار طاقت فرسا به نظر می رسد.

در بسیاری اوقات شما از نقاط آسیب پذیر شبکه بدون اینکه بدانید در حال استفاده هستید و یا بدون اطلاع خط مشی را پیاده سازی کرده اید که دارای ضعف امنیتی است یا ناقص است. برای مثال شما خط مشی را پیاده سازی کرده اید که در آن کاربران مجبور هستند که رمزهای عبور خود را هر ۳۰ یا ۶۰ روز تعویض کنند، حال اگر در سیستم شما قابلیت استفاده از سیستم چرخش رمز عبور طراحی نشده باشد (این سیستم به شما اجازه استفاده از رمزهای عبور تکراری مورد استفاده در زمان های گذشته را نمی دهد) شما یک نقطه آسیب پذیر جدی در شبکه خود دارید که شاید نتوانید آنرا از بین ببرید، در این حالت از نظر دیدگاه عملیاتی سیستم قابلیت رمز عبور ضعیفی دارد.

امنیت عملیاتی یا اجرایی نحوه انجام شدن کارها توسط سازمان را بیان می کند. در معنای عام می توان به عنوان مدیریت اطلاعات از آن نام برد. امنیت عملیاتی پهنه وسیعی را در بر میگیرد که شما به نوبه خود بخشی از آن هستید. اصول امنیت عملیاتی شامل: کنترل دسترسی، شناسایی و توپولوژی های امنیتی است. موارد ذکر شده شامل فعالیت های روزانه شبکه، اتصال به شبکه های دیگر، طراحی نحوه تهیه کردن نسخه پشتیبان و طراحی نحوه بازگردانی آن می شود که البته همه این موارد در حالتی امکان پذیرند که نصب شبکه کامل شده باشد.

اگر بخواهیم امنیت عملیاتی را در یک جمله خلاصه کنیم به این صورت بیان می شود: شامل هر چیزی در شبکه شما می شود که به طراحی و امنیت فیزیکی شما بستگی ندارد.

فرض را بر این بگیرید که فایل های اساسی و حیاتی شرکت شما که شامل حسابهای بانکی، سفارشات خرید و اطلاعات محرمانه راجع به مشتریان شرکت است در اثر یک آتش سوزی می سوزد و تبدیل به خاکستر می شود. نکته مهم در اینجا است که شما نسخه های حساس و حیاتی در مورد ثبیتات شرکت و موجودی های آن را حتما باید در جایی خارج از محل کار خود (سازمان) در جایی امن نگه داری کنید. این در حالی است که در اکثر سازمان ها و شرکت ها نسخه های پشتیبان در همان محل نگه داری می شوند که بسیار نگران کننده است. حتی در این مورد سفارش شده است که در صورت اهمیت بسیار زیاد اطلاعات آنها را در ناحیه های جغرافیایی دور از هم، در چندین نسخه نگهداری کنید.

مدیریت و خط مشی ها (Management and Policies)

مدیریت و خط مشی ها در واقع برنامه هایی هستند که با توجه به آنها می توانیم امنیت یک محیط را پیاده سازی کنیم. خط مشی ها برای اینکه موثر باشند نیاز به پشتیبانی همه جانبه از جانب تیم مدیریتی سازمان دارند. راهنما های درست نه تنها می توانند باعث بوجود آمدن ابتکارهای امنیتی در محیط شوند بلکه باعث بوجود آمدن یک امنیت موثر نیز هستند. متخصصین امنیت اطلاعات می توانند خط مشی های امنیتی خود را ادامه دهند، اما برای اینکه بتوانند آنها را پیاده سازی کنند نیاز به حمایت و پشتیبانی مدیران دارند، این نکته را همیشه به یاد داشته باشید که شما هیچوقت نمی توانید ادعا کنید که شبکه من ایمن است و این در حالی باشد که از حمایت مدیران برخوردار نیستید. تصمیماتی که باید در سطح مدیریت و خط مشی ها اتخاذ شود به طور کامل سازمان را تحت پوشش قرار می دهد و می تواند بهره وری، روحیه کاری و فرهنگ سازمان را تحت تاثیر خود قرار بدهد. اینگونه تصمیمات و خط مشی ها می تواند تاثیر بسزایی بر روی مسائل مرتبط با امنیت نیز داشته باشد. اینگونه خط مشی ها باید طوری طراحی شوند که هدایت سازمان، راحتی در مواقعی که سازمان در تعطیلات بسر می برد یا کارمندان به مرخصی می روند و یا کار آنها به اتمام می رسد را کاملا تحت پوشش قرار دهند.

اکثر افرادی که در یک سازمان فعالیت می کنند می توانند به راحتی به شما بگویند که چه مدت زمانی را در طی سال در مرخصی بسر می برند و همچنین بسیاری دیگر به شما می توانند اطلاعات دقیقی از چگونگی استفاده اطلاعات در سازمان و اینکه خط مشی ها چگونه پیاده سازی شده اند را در اختیاران قرار دهند، پس همیشه کاربران و کارمندان را می توانید در نقش یک منبع اطلاعاتی بسیار موثر در پیاده سازی فعالیت های امنیت خود در نظر بگیرید. برای برقراری امنیت در یک شبکه چندین خط مشی کلیدی وجود دارد، لیست زیر نشان دهنده تعدادی از این خط مشی های گسترده می باشد که هر کدام نیاز به طراحی و تفکر دارند:

۱. خط مشی های مدیریتی
۲. نیازهای طراحی نرم افزار
۳. طرح و برنامه بازیابی از حادثه
۴. خط مشی های اطلاعاتی
۵. خط مشی های امنیتی
۶. خط مشی های مدیریتی کاربران

خط مشی ها

(Disaster Recovery Plan)

۴. خط مشی های اطلاعاتی (Information Policies)
۵. خط مشی های امنیتی (Security Policies)
۶. خط مشی های مدیریتی کاربران (User Management Policies)

برای برقراری امنیت در یک شبکه چندین خط مشی کلیدی وجود دارد لیست زیر نشان دهنده تعدادی از این خط مشی های گسترده می باشد که هر کدام نیاز به طراحی و تفکر دارند:

۱. خط مشی های مدیریتی (Management Policies)
۲. نیازهای طراحی نرم افزار (Software Design Needs)
۳. طرح و برنامه بازیابی از حادثه



گفته های نگاشته

مؤلف: اسماعیل جانجانی

جلد دوم

ایمان در درستی

۱. در این زمانه آنهایی که رفتارهای ناشایسته و به نفع خودشان انجام می دهند و کارهای از قبیل مال مردم خوری، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری انجام می دهند را زرننگ و باهوش می دانند ولی کسانی که از حق مردم دفاع می کنند و صراط المستقیم کار آنها می باشد را مورد انتقاد قرار می دهند. جاهایی بوده است که به انسانهای پاک سرشت گفته اند شما هم از موقعیتی که داشته ای استفاده می کردی و جیبت را پر می کردی. این مردمان که این صحبت ها را می کنند در واقع کسانی هستند که توقع دارند حششان هم در جایی دیگر اعاده شود آیا با این تفکرات افراد اصلاح می شوند؟ آیا حقی اعاده می شود؟ آیا پیشرفتی حاصل می شود؟

۲. با تمام اختلاف عقاید و افکارها اگر همه طالب حق بودند مطمئناً دنیایی درست می شد که همه به خواسته هایشان می رسیدند بدون کوچکترین کاستی و نقصی.

۳. اگر انسان سه ایمان داشته باشد پیروز هر میدانی خواهد بود الف) ایمان به خدا ب) ایمان به خودش ج) ایمان به کاری که انجام می دهد.

۴. دنیا با تمام عظمتی که دارد در برابر جهان دیگر هیچ است، ولی قابل تأمل است که این دنیای کوچک و فانی اگر نباشد و نبود جهان دیگر هیچ بود.

خط مشی های مدیریتی (Management Policies)

خط مشی های مدیریتی در واقع راهنمایی برای بروز رسانی، نظارت کردن، تهیه نسخ پشتیبان و بازرسی کردن در یک سازمان هستند

مدیران سیستم و کارکنانی که در بخش نگهداری و تعمیر فعالیت می کنند از این خط مشی ها برای هدایت تجارت استفاده می کنند. این خط مشی طوری باید باشد که به وضوح نشان بدهد که بروز رسانی ها هر چند وقت باید انجام شود و در چه زمانی باید این عمل انجام شود، این خط مشی ها چگونه انجام شدن پایش یا مانیتورینگ و برداشتن و نگهداری LOG ها را نیز مشخص می کند. آنها حتی باید با استفاده از عنوان کاری افراد مشخص کنند که چه کسانی مسئول

خط مشی های استفاده (Usage Policies)

خط مشی های استفاده در برگیرنده نحوه و چگونگی استفاده از اطلاعات و منابع سازمان را بیان می کند. شما نیاز دارید تا به کاربر خود توضیح دهید که چگونه و به چه منظور حق استفاده از منابع را دارد. این خط مشی ها در حقیقت قانون استفاده از کامپیوترها می باشد. اینگونه خط مشی ها مسائلی شامل استقلال کاربران (Privacy) یا حریم خصوصی، و مالکیت (Ownership) و نتیجه اعمال نادرست کاربران را به صراحت بیان می کند. خط مشی های استفاده شما باید به وضوح نحوه استفاده کاربران از اینترنت و سرویس ایمیل را شرح دهد. آنها همچنین باید مشخص کنند که کاربران چگونه باید رویدادها را گزارش دهند، اگر به موضوعی شک و حدس و گمان بردند باید مشخص شود که در آن حال باید با چه کسی تماس گرفته و آنها را مطلع سازند. اینگونه خط مشی ها باید طوری باشند که قدم به قدم مراحل نظارت بر کاربران و سازمان را در بر گرفته و کاربران را با این موضوع تطبیق دهند، در اینجاست که نتایج سوء از یک حساب کاربری یا حتی چیزهای خیلی جزئی تر باید گنجانده شود.

نیازهای طراحی نرم افزار (Software Design Needs)

طراحی نیازمندی ها در واقع نشان دهنده قابلیت های یک سیستم و اینکه این قابلیت ها شامل چه چیزهایی می شوند است. برای مثال این نیازها ممکن است طراحی ابتدایی باشند که شما را واقعا در پیدا کردن راه حل های جامع کمک می کند. بسیاری از فروشنده های نرم افزار، نرم افزار خود را پیشنهاد می کنند و به شما اطمینان می دهند که نرم افزار آنها کاملا ایمن است، در این حالت شما می توانید با استفاده از تعریف نیازهایی که قبلا تعریف شده اند از فروشنده در مورد آن نرم

طراحی و برنامه بازیابی از حادثه (Disaster Recovery Plan)

طرح و نقشه بازیابی از حادثه یکی از دغدغه های است که حرفه ای های فناوری اطلاعات با آن مواجه هستند. DRP ها هزینه های زیادی برای پیاده سازی می خواهند و برای آزمایش کردن گران هستند و باید همیشه به روز باشند. بسیاری از شرکت های بزرگ وجود دارند که در زمینه DRP سرمایه گذاری های کلانی انجام می دهند که شامل مواردی از قبیل نسخه های پشتیبانی و Hot Site می شود. Hot Site ها تسهیلاتی هستند که این قابلیت و امکان را به شبکه می دهند که بلافاصله پس از بروز مشکل، خط مشی یا شبکه شما را به حالت فعال باز گردانند. اینگونه خط مشی های پشتیبانی هزینه های بسیاری دارند و بعضی اوقات هم تزار کردن آنها با سایت اصلی کار دشواری است. معمولا اکثر شرکت های کوچک با موضوعی به نام Hot Site بیگانه هستند و این کار را انجام نمی دهند. یک

خط مشی های امنیتی (Security Policies)

خط مشی های امنیتی در بر گیرنده تنظیمات سیستم ها و شبکه ها هستند که شامل نصب نرم افزارها و سخت افزارها و اتصالات شبکه ای می شوند. خط مشی ها امنیتی نحوه شناسایی افراد، سطوح دسترسی کاربران، و نحوه انجام گرفتن عملیات بازرسی را تشریح و تعریف می کنند. اینگونه خط مشی ها همچنین در برگیرنده رمزنگاری و نرم افزارهای آنتی ویروس، روش های انتخاب رمز عبور، نحوه از بین رفتن اعتبار حساب ها کاربری، تعداد ورودهای ناموفق و چیزهایی مشابه آن می باشد. نکته: هر خط مشی امنیتی به منظور خاصی بکار می رود، پس سعی کنید هر کدام را در سر جای خود بکار ببرید، برای مثال اگر خط مشی امنیتی برای شرکتی طراحی کرده اید که امنیت برای آنها بسیار مهم است، همان خط مشی را

خط مشی های اطلاعاتی (Information Policies)

خط مشی های اطلاعاتی مربوط به موارد مختلفی از امنیت اطلاعات شامل دسترسی ها، دسته بندی ها، نشانه گذاری ها و ذخیره سازی ها می شود. همچنین شامل مواردی از قبیل انتقال یا خرابی اطلاعات حساس و حیاتی و پیاده سازی خط مشی های اطلاعاتی برای امنیت

خط مشی های مدیریتی کاربران (User Management Policies)

اینگونه خط مشی ها در واقع بیانگر اعمال مختلفی است که یک کاربر در حالت عادی فعالیت خود انجام می دهد. این خط مشی علاوه بر آموزش، موقعیت سنجی و نصب و تنظیم ابزارها و وسایل، باید طوری طراحی شود تا در آن نحوه اضافه شدن کارمندان به سیستم را نیز مشخص کند. انتقال کارمندان در یک شرکت یک امر کاملا عادی و معمول است. اگر کارمندی به پست جدیدی انتقال یابد اجازه های دسترسی و محدودیت های سابق ممکن است با پست جدید نا متناسب باشد، در این حالت ایجاد یک دسترسی جدید این امکان را به کاربر می دهد تا بلافاصله به کار خود ادامه دهد. اگر شما فراموش کنید که اجازه دسترسی های سابق را باطل (لغو) کنید، کاربر جدید ممکن است بصورت کاملا اتفاقی اجازه دسترسی بیشتر از آنچه شما در اختیار او قرار می دهید را پیدا کند، بعد از مدتی نتیجه این نوع موقعیت ها حالت Privilege Creep بوجود می آید، یعنی کاربر بطئه باشد. جالب است بدانید که بسیاری از مدیران شبکه از تغییرات کارمندان اطلاعی ندارند. خط مشی مدیریتی کاربران باید به قدری واضح و روشن باشد که در آن تمامی این مراحل به صورت کاملا دقیق و شفاف شرح داده شده باشد.

منابع

1. SANS institute (<http://www.sans.org>)
2. IEEE computer society Technical committee on security and privacy (<http://www.ieee-security.org>)
3. International federation for information processing (<http://www.ifip.tu-graz.ac.at/TC11>)
4. Internet sosiety (<http://www.isoc.org>)
5. سید احسان اعتباریان ، امنیت شبکه، انتشارات دانش پرور ، سال انتشار: ۱۳۸۳

گفته های ناگفته

۵. یک سؤال قابل تأمل آیا وزن کنونی زمین تغییری کرده است با این همه سازه های آسمان خراشی؟!
۶. انسان همه نعمت های پروردگار را می بیند که به او عطا شده است ولی آیا هیچ گاه به میزان های خداوند دقت کرده است! بادیکه می آموزد اگر اعتدال باشد سبب باروری محصولات و تولید انرژی خواهد بود ولی اگر به طوفان تبدیل شود ویران خواهد نمود، کوه با عظمتش تعادل بادها را به عهده دارد و همچنین فشارهای زمین را کم می کند به طور کلی همه نعمات خداوندی دلیلی بر حقانیت ذاتش دارد.

۷. هر چیزی را میزانی است که اگر از آن فراتر رود سبب نابودی خواهد شد. خنکی اگر زیاد شود باعث سردی و یخ زدگی و مرگ خواهد شد.

گرما اگر زیاد شود آتش بپا خواهد شد و سوختن است و نابودی، محبت اگر کم شود باعث جدایی و فراق خواهد شد، محبت اگر از حد بگذرد باعث جنون و نادانی طرفین خواهد شد، دشمن اگر از حد بگذرد باعث نزاع و درگیری خواهد شد، دوستی اگر از حریمش فراتر رود و با اعتماد و اطمینان کاذب خواهد شد، سرعت اگر از حد فراتر رود باعث واژگونی خواهد شد، صبر اگر از حد بگذرد سبب از دست رفتن فرصت خواهد شد، آب هم اگر زیاد شود سبب سیلاب خواهد شد.

۸. خانه ای که در آن آسایش مالی از حد بگذرد آرامشش از بین خواهد رفت.

۹. زن به مانند گوهر مرواریدی می ماند که شوهر او نیز باید صدفی محکم و استوار باشد هر چه صرف محکم تر باشد گوهر مصون تر و پاک تر خواهد ماند.

۱۰. یک زندگی پاک خواهد بود که زن و شوهر در آن یکدل و هم نفس باشند هر کدام می توانند مکمل یکدیگر باشند اگر مردی به نقطه اوج برسد مسلماً زن او همراه خوبی برایش بوده است و یا اگر زنی را دیدی که بعد از چندین سال زندگی هنوز آرامش و جوانی را در سیمای خود دارد بی شک شوهرش به افکار او و خواسته های معقول زنش عمل کرده است.

بحث وحدت و کثرت از مهمترین مسائلی است که همیشه در جهان مطرح است

وحدت و کثرت در میان عرفا و فلاسفه

نویسنده: سید حسین نجات

مختلفی در فلسفه مثنی و اشراق و در کلام داشت و قهراً بابتی از عرفان به روی آن باز شده بود، در فلسفه ملاصدرا به یک شکل خاص درآمد. بنابراین آنچه که به مسئله وحدت وجود مربوط می شود، بی شک ریشه ای عرفانی دارد؛ یعنی به طور مسلم وحدت وجودی که در فلسفه ملاصدرا مطرح است همان است که از عرفان آمده است و ابتکار ملاصدرا نیست. منتهی هنر ملاصدرا این است که توانسته است برای وحدت و کثرت وجود پایه های فلسفی محکم بریزد که از نظر فکر یک فیلسوف هم کاملاً قابل قبول باشد. و الا اصل مسئله عرفانی است. بنابراین هر چه که او قبلاً گفته همه به منزله شرح فلسفی مطلبی بوده است که عرفا گفته اند. این سیر تاریخی این مسئله در میان عرفا است.

در میان عرفا

اما در میان فلاسفه نه به نام وحدت وجود و نه در سیمای وحدت وجود بحثی در میان نبوده است. مسئله وحدت؛ یعنی وحدت جهان در میان فلاسفه و حتی در میان یونانی ها به نحوی مطرح بوده است، اما مسئله وحدت وجود مطرح نبوده است و اگر امروز شرقی ها از سخنان آنان تعبیر به وحدت وجود کنیم غلط است. وحدت هست ولی وحدت وجود به این معنا نیست. به هر حال چه در فلسفه هند و چه در فلسفه غیرهند این مطلب بوده است، عده ای به نوعی وحدت در باب هستی معتقد بوده اند. بنابراین مادو مسئله داریم:

مسئله وحدت حقیقت

مسئله وحدت وجود

مسئله وحدت حقیقت به این معنا است که حقیقت یک چیز است، اما اینکه این مسئله را بشکافیم که آن حقیقت چیست، آیا آن حقیقت از سنخ وجود است - به آن معنا که ما وجود را از ماهیت تفکیک می کنیم - یا از سنخ ماهیت است؟ این موارد دیگر هیچ کدام مطرح نیست. مسئله این است که حقیقت یک چیز است و غیر از آن یک چیز هر چه انسان می بیند به منزله جلوه ها و تجلی های آن حقیقت اند، هر چه هست به منزله شئون و جلوه های همان حقیقت واحد است، که حتی می بیند بعضی به این معنا به یک نوع وحدت مادی قائم شده اند گفته اند

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نیست...

تاریخ وحدت و کثرت وجود



در میان عرفا

اینکه عارف به مقامی می رسد که غیر از خدا چیزی نمی بیند غیر از این مسئله است که جز او وجود ندارد. انسان عارف به دلیل همان عشق عارفانه - که قهراً خاصیت عشق، تک بینی است - جز معشوق چیز دیگری را نمی تواند ببیند و در هر چه دیگر هم نگاه می کند باز معشوق را می بیند. آیا مسئله این است و یا واقعاً به وحدت وجود معتقد بودند؟ عده ای معتقدند که عرفای قدیم مثل عرفای قرن سوم و چهارم اگر از وحدت وجود دم زده اند چیزی بالاتر از وحدت شهود نگفته اند و واقعاً جهان بینی عرفانی براساس وحدت وجود نداشته است. ولی دیگران معتقدند که چنین نیست، در جهان بینی عرفانی همان واقعیت وحدت وجود بوده است منتها آنها تعبیر فلسفی درباره این مطلب نداشته اند و کاری که محیی الدین کرده است این است که برای این مطلب تعبیر فلسفی آورده و بعد توانسته است این مطالب را در یک قالب های مانوس با ذهن و فکر بریزد؛ یعنی آنچه را که از طریق مکاشفه دریافته اند توانسته است در قالب های مانوس با فکر و ذهن بیان نماید. بعد از دوره محیی الدین کم کم مسائل وجود که شعبه های

مسئله وحدت و کثرت وجود به این نام و عنوان و شکلی که الان در اینجا می بینیم، در کتب فلاسفه قبل از ملاصدرا (ره)؛ یعنی در کتب فارابی یا بوعلی (ابن سینا) یا بعد از بوعلی مطرح نبوده است و آنها بحثی را تحت عنوان وحدت یا کثرت وجود طرح نکرده اند. همان ریشه هایی که این مسئله اصالت وجود را در فلسفه وارد کرد، مسئله وحدت و کثرت وجود را نیز مطرح نمود، که یکی از این ریشه ها عرفان است. در عرفان هم آن کسی که این مسئله را تحت این نام «وحدت وجود» عنوان کرد، محیی الدین در قرن هفتم هجری بود. قبل از محیی الدین مسئله وحدت در عرفان مطرح بوده است ولی هنوز صاحب نظران نمی توانند به طور جزم ادعا کنند که در آن دوره وحدت عارف آیا وحدت شهود است یا واقعاً وحدت وجود است؟ یعنی آن وحدتی که عرفا از آن بحث می کنند صرفاً یک جنبه انسانی دارد به این معنا که عارف به مقامی می رسد که غیر از خدا چیزی نمی بیند و به قول سعدی: «رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند»

یا واقعاً جز خدا چیزی وجود ندارد؟

تحکیم وحدت اسلامی



گفته های ناگفته

بزرگی

۱۱. مردان بلند نام و با افتخار هرگز نمی میرند، زیرا که گورشان قلوب نسل های آینده است.
۱۲. مردان بزرگ هرگز تا ضرورتی نبینند خشم نمی گیرند.
۱۳. مرد بزرگ از خود ترس و تشویش نشان نمی دهد، عاقل است و تردیدی در کارهای خود ندارد، شجاع است در همه کارهای خویش.

بندگی

۱۴. کسی که تسلیم تجربه نباشد، تجربه او را تسلیم خواهد کرد.
۱۵. خواسته هایتان را غیر از خدا از کسی نخواهید.
۱۶. خواسته هایتان را از معبود، جزئی نخواهید.
۱۷. خزائن پروردگار پر است، هیچگاه قلبتان نلرزد.
۱۸. دلسوزی بیش از حد قربانی می خواهد.
۱۹. مهربانی با انسان های بی شرف همانند آن است که در دهان سگی هار نان گذاری بی خبر از آنکه آن سگ قلاده بریده.
۲۰. خوبی کردن به انسان هایی که قلب ناپاک دارند، مثل این است که در ظلمات تاریکی شمعی را روشن کنی ولی بعد از تمام شدن شمع مجدداً تاریکی بر می گردد.

پاداش

۲۱. آن کس که زورمند و قوی است می تواند با مشیت توانای خود دهان ضعیفی را در هم شکند، باید بدانند که مشیت درشت تری هم در آستین قوی تری پنهان است.
۲۲. بسیاری از مسئولین در هر کجایی از دنیا که باشند هنگامی که زیر دستشان کاری را انجام می دهد که مستحق پاداش است به او می گویند حتماً برای شما فکری خواهم کرد ولی به این توجه ای ندارند که این کارمند برای رئیسش عمل کرده است نه فکر! آیا به نظر شما فکر کردن و برنامه دادن کافی نیست؟ آیا وقت عمل کردن نرسیده است؟

ملاصدرا (ره) در باب «فصل و وصل» از مباحث جوهر و عرض، این مسئله را به صورت یک احتمال مطرح می کند که آیا می توانیم بگوییم که تمام اجسام عالم یک جسم بیشتر نیست؟ یعنی ما اجسام نداریم که در کنار یکدیگر باشند، تمام اجسام عالم یک جسم است و یک وحدت اتصالی واقعی دارند، انفصال ها خیال است؟ برای تقریب به ذهن مثالی می زنیم: می گویند در عمق دریاها گاهی رودخانه در جریان است. اگر این مطلب طبق نظر قدما در نظر بگیریم نه از نظر امروزی ها که دریا را مجموعه ای از مولکولهای جدا از یکدیگر می دانند. بنا بر نظر قدما تمام دریا یک واحد است، ولی قسمتی از این دریا که تحت فشار قرار گیرد در درون خودش حرکت دارد؛ یعنی یک شیء در درون خود حرکت می کند. از کجا معلوم است که تمام اجسام عالم یک واحد نباشند که در درون یکدیگر حرکت می کنند؟

بنابراین، این نظریه شکل خاصی از نظریه وحدت درباره عالم است که ما تا از اصالت وجود و اعتباریت ماهیت نگذشته باشیم به این نوع وحدت نمی رسیم به انواع دیگر وحدت ها می رسیم، ولی به این نوع وحدت نمی رسیم. پس اینکه هر جا به یک نظریه وحدتی در باب عالم رسیدیم بگوییم این نوع یک وحدت وجود است، درست نیست. حاجی سبزواری (ره) در منظومه کاری کرده که هرگز به این تعبیر و صراحت ملاصدرا (ره) چنین کاری نکرده است. این دیگر از مختصات حاجی سبزواری (ره) است. حاجی سبزواری (ره) برای این وحدت وجود تاریخچه ای درست کرده است که سخن خود را از اینجا شروع کرده است که فلهوتون (حکمای ایران باستان) قائل به وحدت وجود بوده اند. مدرک این سخن شیخ اشراق (ره) است. شیخ اشراق (ره) نظریه ای در باب نور آورده است مانند نظریه ای که این فلاسفه در باب وجود می آورند که نور یک حقیقت واحد دارای مراتب است. ملاصدرا (ره) و امثال او نظریه او را رد کردند و در عین حال به نوعی هم

یکدیگر بدانیم. ولی مانعی ندارد که یک شیء واحد متصل مراتب مختلف داشته باشد، در یک مرتبه تراکمش بیشتر باشد و در یک مرتبه تراکمش کمتر باشد. **غرض این است که این خودش وحدت است.** اگر کسی ماوراء ماده را منکر شد و در ماده قائل شد که تمام این ماده هایی که ما به صورت اشیاء منفصل، در عناصر به صورت عناصر، و در مرکبات به صورت مرکبات، در هر عنصری به صورت اتمها، و در درون اتم خلأها و ملأها فرض می کنیم تمام این موارد اشتباهات ذهن ما است، در واقع یک جسم واحد پهن شده گسترده بیشتر نیست که مراتب مختلف دارد، چنین کسی به وحدت حقیقت مادی قائل است.

خلاصه اینکه مسئله وحدت حقیقت غیر از مسئله وحدت وجودی است که فلاسفه اسلام می گویند. درست است که از یک نظر همه اینها قول به وحدت حقیقت است ولی همه اینها عیناً یک قول و یک مطلب نیست. فلاسفه ما بعد از این بحث که در اشیاء به دو حیثیت می رسند: **حیثیت وجود و حیثیت ماهیت، و این دو از یکدیگر تفکیک می کنند که این دو یکی را با حقیقت بدانیم و دیگری را انتزاع ذهن بشماریم.** وجود را یعنی همان چیزی که خودش در ذهن نمی آید و قابل آمدن در ذهن نیست باید حقیقت بدانیم و ماهیت را باید مجاز بدانیم، آنگاه بحث در مورد آن حقیقت می آید که آن حقیقت خودش چگونه است؟ آیا یک حقیقتی است که از آن، ماهیت های مختلف انتزاع می شود؟ یا نه، با هر ماهیتی حقیقتی است که با حقیقت های دیگر هیچ ارتباط و سنخیتی ندارد؟

حقیقت ماده است و ماده هم در ذات خودش حقیقت واحد است و این کثرتی که شما در ماده می بینید کثرت حقیقی نیست؛ که البته این خودش یک مسئله است که آیا ماده می تواند چنین چیزی باشد و کثرتش حقیقی نباشد یا نه؟ این مسئله به جای خود، ولی آن کس که به وحدت وجود مادی قائل است می گوید:

این کثرتی که در ماده می بینید، کثرت حقیقی نیست، بلکه یک کثرت مجازی است و این کثرت ها به منزله شئون و تجلیات آن یک حقیقت است

او قائل است به اینکه سراسر عالم هستی و یک حقیقت پر کرده است که آن را جسم می نامیم و این کثرتها که در جسم است کثرت حقیقی نیست. مثلاً ما این کتاب را چیز می گوئیم و هوای مجاور من را چیز دیگر؛ یعنی این را یک ماده دیگر، و یا در درون هوا به اتم های متعدد قائل می شویم و به خلأ قائل می شویم ولی ممکن است کسی بگوید که چنین نیست، این موارد از اشتباهات ذهن است، واقعیت این کتاب و واقعیت این هوا هر دو یکی است، اختلاف اینها در این است که این ماده واحد در یک جا تراکم بیشتر پیدا کرده است و در یک جای دیگر انبساط بیشتر، همین کاغذ اگر ما انبساط آن را بیشتر کنیم، هوا می شود و همین هوا را اگر متراکم کنیم، کاغذ می شود. کاغذ و هوا دو چیز نیستند که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند بلکه دو موج مختلف از یک چیزند. ما اکنون می گوئیم هوا در جوار این کاغذ قرار گرفته است. ولی هوا و کاغذ هر دو واقعاً یک جسم اند، یک جسم واحد متصل به یکدیگر هستند. اشتباه است اگر این موارد را منفصل از

گفته های ناگفته

۲۳. از حق شناسی دیگران نرنجید چون ناسپاسی برای بشر یک امر طبیعی است از این رو اگر ما در انتظار حق شناسی باشیم عمر خود را بی جهت تلف کرده ایم.

۲۴. اگر شما دشمن دارید، بدی او را با خوبی پاسخ ندهید زیرا این امر موجب شرمساری او می گردد ولی به او وانمود کنید که او با این عمل برای شما خدمتی انجام داده است و با این کار او را بسوزانید.

۲۵. پاداش کاری که خوب انجام گرفته است همان انجام آن کار است.

۲۶. خشم را با مهربانی، بدی را با خوبی، آزار را با بخشش و دروغ را با راستی فروبشانیم.

۲۷. باید لایق ستایش باشد ولی از آن بگریزد.

۲۸. هرگز نمی شود همه را راضی کرد.

پدر و مادر

۲۹. ای مادر تو مانند ستاره ی مقدس در آسمان ابدیت ثابت و درخشان خواهی ماند.

۳۰. پسران لنگرهای زندگی مادرانند.
۳۱. جوانان سرگشته و آشفته، خانواده را می گذارند و از این و آن و از معشوق و عاشق تمنای مهر و محبت می کنند، غافل از اینکه آنچه می جویند در دل پدر و مادر و در خانواده است و بس. ۳۲. چشمان اشکبار مادر تنها چیزی است که سنگین ترین دل را به رقت می آورد.

۳۳. در این جهان سرد و تو خالی هیچ سرچشمه محبتی عمیق تر و نیرومند تر و ابدی تر از آنچه در داخل قلب مادر است وجود ندارد.

۳۴. در لبها و قلوب کودکان، نام مادر به منزله ی نام خداست.

۳۵. مادر بهترین و بی منت ترین محبت ها را نثار می کند.

۳۶. مادر آهنربای قلب و ستاره ی قطبی چشم کودک است.

۳۷. مادر، دریایی است که سیل درد های ما را تا قطره ی آخر می پذیرد و طغیان نمی کند.

۳۸. مادر قاضی عادل است که حيله سازی و کینه ورزی طبیعت را همه جا می بیند و همیشه به بی گناهی فتوا می دهد.



تاریخچه «وجود ذهنی»

نویسنده: سید حسین نجات

مسئله اصالت وجود است که اصلاً آن مدعا را نمی توان به گردن آنها گذاشت. این مدعا در کلمات بوعلی هست ولی بوعلی آن را به صورت یک مسئله ای که لازم است طرح کند و برهان بر آن اقامه نماید و با مخالفینی درگیر شود مطرح نکرده است، چون مخالفینی نبوده اند و احتیاج به اقامه برهان نبوده است؛ یا فکر نمی کرده اند که مسئله نیازمند به اقامه برهان است و یا اصلاً به طور مفصل مطرح نبوده است. به هر حال مسئله وجود ذهنی از نظر تاریخچه برای اولین بار در دنیای اسلامی طرح شده است و از مسائلی است که خیلی روی آن بحث و جدل شده است. بعد از خواجه روی این مسئله خیلی بحث و جدل شده است؛ و اتفاقاً یکی از مسائل قابل توجه

ذهنی وجود ندارد. اما در کتاب «تجريد» خواجه نصير الدين طوسي (قدس سره القدوسي) این بحث مطرح شده است. آن کسی که به نظر می رسد برای اولین بار بحث وجود ذهنی را با این عنوان مطرح کرده فخر رازی و سپس خواجه نصير الدين طوسي (ره) است. البته قهراً این مباحث تدریجاً پیدا می شود و بعد مسئله به جایی می رسد که ناچار یک باب مستقل برای آن باز می شود؛ یعنی مواد این مباحث در کلمات فلاسفه پیشین وجود دارد و بعد به شکل جدید و تحت عنوان یک باب مستقل طرح می شود. مثلاً مدعایی که که اینها در باب وجود ذهنی دارند در ضمن کلمات بوعلی (سینا) وجود دارد؛ یعنی این مسئله برخلاف

بحث وجود ذهنی تاریخچه ای در میان مسلمین دارد همان گونه که تاریخچه ای هم در دنیای اروپا دارد که به عنوان بحث شناخت و بحث معرفت است.

مسئله وجود ذهنی یک مسئله جدید در دنیای اسلام است؛ یعنی در ابتدا که فلسفه یونان ترجمه شده است بحثی به نام «وجود ذهنی» وجود نداشته است. مثلاً در کتب فارابی حتی لفظ «وجود ذهنی» هم نیست تاچه رسد به اینکه بابی تحت این عنوان باشد. در تمام کتب بوعلی همین گونه است. در کتب بوعلی بحث علم مطرح شده است ولی بحثی به نام ولی بحثی به نام وجود ذهنی مطرح نشده است. در کلمات شیخ اشراق هم بحثی از وجود

بعد از پیدایش نظریه اشباح، تردید پیدا شده است که اصلاً قدم ما هم که می گفتند علم عبارت است از تمثیل حقیقت معلوم در نزد

عالم، آیا واقعاً منظورشان این بوده که ماهیت معلوم در نزد عالم پیدا می شود و یا شاید منظور آنها همین شبخ بوده است؟

قدم در ضمن کلمات خود به آن رسیده اند همین مقدار است، بیش از این پیش نرفته اند و پیش از این در سخنان آنها چیزی نیست. اگر قدم سهمی داشته باشند همین مقدار است. متکلمان در این بحث - مثل همه جای دیگر در فلسفه - یک سهم تخریبی دارند و این سهم تخریبی سهم خیلی مفیدی است و آن سهم ناخن زدن، ایراد کردن، اشکال کردن و حکما و فلاسفه را به تلاش وادار کردن است که در بین همان تلاشها و زد و خوردها قهراً مسائل بسیاری پیدا شده است.

اشکالات شده باشد - تاچه رسد به اینکه جواب اشکالات داده شده باشد - در کلمات بوعلی و فارابی که قدیم ترین فلاسفه ما هستند وجود دارد. بنابراین احتمالاً در سخنان پیشینیان آنها؛ یعنی در دوره اسکندرانی و در دوره یونان هم این مقدار وجود داشته است. مثلاً فارابی تصریح می کند که علم عبارت است از: تجرید صورت شیء در نزد عقل. بوعلی در اشارات در بعضی از کلماتش و در شفا هم در بعضی از جاها تصریح می کند که علم و ادراک عبارت است از: تمثیل حقیقت شیء در نزد عقل. آنچه

البته خواجه نصیرالدین طوسی (ره) اول کسی نیست که باب وجود ذهنی را تحت این عنوان مطرح کرده باشد بلکه قبل از او فخر رازی این بحث را عنوان کرده است. او قبل از خواجه بحثی تحت عنوان «وجود ذهنی» مطرح کرده است که در کتب متقدمین از فیلیل بوعلی تا چه رسد به فارابی اصلاً لفظ «وجود ذهنی» حتی یک بار هم دیده نشده است تا چه رسد به اینکه بابی برای این مطلب باز کرده باشند. به هر حال ما مسئله ای به نام وجود ذهنی در میان قدم نداریم ولی اصل مدعا بدون آنکه اقامه برهان برای آن شده باشد و بدون آنکه طرح

دارد و در آن حواشی همین را ذکر می کند که آیا نظریه قدم درباره وجود ذهنی حضور ماهیت اشیاء است و یا نظریه شبخ است و او تردید می کند ولی خودش ترجیح می دهد که نظر آنها همان حضور ماهیت اشیاء است و این متأخرین نظریه اشباح را به قدم نسبت داده اند.

به هر حال جز یک تصویر نیست که این تصویر شباهتی با شیء خارجی دارد. بعد از پیدایش نظریه اشباح، تردید پیدا شده است که اصلاً قدم ما هم که می گفتند علم عبارت است از تمثیل حقیقت معلوم در نزد عالم، آیا واقعاً منظورشان این بوده که ماهیت معلوم در نزد عالم پیدا می شود و یا شاید منظور آنها همین شبخ بوده است؟

آن شیء در ذهن حاصل می شود؛ پس اگر من آتش را ادراک می کنم و ماهیت آتش در ذهنم می آید، باید آثار آتش هم در ذهنم بیاید، پس باید ذهنم هم داغ شود و بسوزد. بنابراین باید با تصور حرارت ذهن گرم شود و با تصور برودت، سرد و در وقتی که انسان در آن واحد حرارت و برودت را تصور می کند لازم است جمع میان دو شیء متضاد است؛ پس این نظریه درست نیست. وقتی که این ایرادها مطرح شده است، گروه دیگری نظریه سومی به نام «اشباح» ابراز کرده اند که فرنگیها هم بر همین نظریه اشباح منطبق می شود. گفته اند معنای اینکه این شیء در ذهن حاصل می شود این است که تصویری از او در ذهن حاصل می شود، و اینکه محل آن تصویر کجاست گفته اند مغز یا اعصاب است یا ماوراء مغز و اعصاب، هرچه می خواهد باشد، ولی

متکلمان مدعای فلاسفه را رد کرده اند و گفته اند خیر، این سخن درستی نیست؛ یعنی از خودشان نظریه ای داده اند. همین نظریه معروف «اضافه» - که هم مانند حاجی سبزواری آن را به فخر رازی نسبت می دهند - از ابوالحسن اشعری است، منتهی او نامش را «تعلق» گذاشته و گفته است حقیقت علم عبارت است از نوعی تعلق میان عالم و معلوم. این است که متکلمان هم که پیروان او بوده اند خیلی دنبال این سخن را گرفته اند و فخر رازی هم در واقع دنبال نظریه او را گرفته است. به هر حال بعدها از طرف متکلمان و از طرف گروهی از متفلسفین؛ یعنی فلاسفه طبقات بعد ایرادهایی بر نظر فلاسفه وارد شده است که این سخن درست نیست که وقتی انسان شیئی را درک می کند ماهیت

حاجی سبزواری (ره) در حاشیه اسفار می گوید: «قد ینسب القول بالشبح الی القدماء» که این نسبت همان نسبتی است که شاح مقاصد و امثال او داده اند. تا اینجا نظریه وجود ذهنی را ذکر کردیم تا روشن شود که نظریه چیست؛ بحث بعد ادله ای است که بر مدعای خودشان اقامه کرده اند که این بحث هم اتفاقاً تاریخچه خیلی مفصل و مشوش دارد.

گفته های ناگفته

۳۹. یک مادر به صد استاد و آموزگار برتری دارد.
۴۰. پدر همه آرزوهای خود را در آینده فرزندش جستجو می کند.
۴۱. پدر، معلم سختگیری است که هیچ گاه نمی تواند شکست شاگردانش را ببیند.
۴۲. دعای پدر شمشیری است، بزآن که قوی ترین قفل ها را در هم می شکند.
۴۳. دعای مادر سلاحی است نامرئی در حق فرزندان.
۴۴. مادر، با فرزندانش با صداقت صحبت می کند و پدر از فرزندانش حرف های صادقانه می خواهد.
۴۵. مادر، تنها فرشته ای است که قبل از خواستنش نزد تو حاضر می شود.
۴۶. مادر، پیروزی فرزندانش را در دعا می خواهد.
۴۷. پدر، همیشه زندگی اش را برای پیروزی فرزند می بازد.
۴۸. آبروی پدر در اقتدار فرزندانش می باشد.
۴۹. یک پدر میراثی گران بها تر از نام نیک نمی تواند برای فرزندان خود بر جای گذارد.
۵۰. پدر با نگاهش به زندگی فرزندانش را آموزش می دهد.
۵۱. محبت پدر فرزندان را مقتدر و محبت مادر فرزندان را مهربان می کند.
۵۲. پدر همانند لنگر کشتی می ماند که آنقدر سنگینی و تعادل دارد که نمی گذارد که کشتی زندگی با تمام تلاطم ها و موج های بحرانی از جای خود تکان بخورد و فرقی ندارد که این کشتی زندگی چه اندازه باشد تنها برای او حفظ این کشتی زندگی مهم است و برایش فرقی ندارد که جایگاهش در زندگی کجا باشد.
۵۳. پدر همانند شمعی می ماند که روز به روز آب می شود ولی خوشحال است که چشمان فرزندانش به روشنایی منور می شود.
۵۴. نگاهی محبت آمیز به پدر و مادر سجده ای است بر پروردگار.
۵۵. کسی که آرامش مادر را خواستار است چشمان مادر را بوسه باران کند.

قدیم ها از دواج شیرین تر بود!



باشد و کلی شرط و شروط! من هی ناز کنم تو جسورتر تلاش کنی تا رضایت ما را به دست بیاوری.
تو دلم قنچ برود که دارد به خاطر من خودش را به آب و آتش می زند.
توی خلوت خیالم مدام تصدق قد و بالایت بروم. و تویی دلم کلی دعا کنم و ذکر بگویم که خدا کند آقا جان مخالفتی نکند، خدا کند زودتر کارها رو به راه شود.
به نظرم این جوروی بیشتر کیف دارد. نه مثل حالا که اگر هزار روز هم با کسی حرف بزنی و برایش دلبری کنی، باز هم بگویند هنوز آمادگی ازدواج ندارد و باید شرایطش جور شود. هرچه بیشتر صبر کنی باز هم دلش را نداشته باشد که پا پیش بگذارد! و در جواب تمام روزهایی که منتظر بودی و کسی جز او را ندیدی بگویند: خب تقصیر تو و آقا جان است! هی دندان روی جگر بگذاری و در جواب آقا جان که چرا همه را ندیده رد می کنی تو رویش بایستی که من کسی دیگر را می خواهم! و اگر گفت: خودتان که بریده و دوخته اید حداقل بگو بیاید ببینم حرف حسابش چیست؟ باید بگوئی؛ فعلا آمادگی حرف زدن با شما را ندارد!
مدام بین ترس ها و تنبلی های مرد

زندگیت و نگرانی های آقا جانانت گیر کنی و آنقدر این شرایط کش بیاید که احساس کنی بین این کش مکش های بی فرجام ممکن است دو تکه شوی و هیچ کدامشان عین خیالش نیست! فقط حرص بخوری و به بخت بدت لعنت بفرستی اما مجبور باشی صبوری کنی که " خود کرده را تدبیر نیست! " سال های بعد که به خاطراتت فکر می کنی از تمام زیبایی های رسوم مربوط به خواستگاری و ازدواج، فقط بهانه جویی های شریک زندگیت را به خاطر بیاوری و هیچ وقت معنای ناز کردن یک زن و خواستن یک مرد را متوجه نشوی، اما مجبور شوی خودت را به این دلخوش کنی که این طوری بهتر و مدرن تر بود! اگر ناز می کنی و جسورتر تلاش می کنی، اگر حاضر است با آقا جانانتان حرف بزندی و شرایطش را بپذیری، اگر برای رسیدن به شما به هر دری می زنی، و اگر شیش دنگ حواسش جمع خوشبختی شماست؛ به جای مته به خشخاش گذاشتن و چشم و هم چشمی های مرسوم، که تنها چوب لای چرخ زندگیتان می گذارد، شاید بهتر باشد کمی دل به دلش بدهید و بله را بگویید.



نویسنده: زهرا ترکاشوند

عامل جدایی ما جاده

تو را می برد به آن سوی دلتنگی ها و مرا سوق می دهد به این سوی پرچین دلواپسی ها
بیا دعا کنیم...
بیا دعا کنیم، شاید سر عقل بیایند این راه ها، و کمتر فاصله بیندازند میان دو دل بسته ی دل نگران!
اصلا خدا را چه دیدی شاید همین روزها فرشته ها از آسمان دو جفت بال برایمان سوغات آوردند...
یا شاید بلاخره خطوط هوایی به سوی شهر من و تو آمد و ما توانستیم برویم...
برویم جایی که نه جاده ای هست برای فاصله و نه خاکی که دامن گیر باشد جایی که تا چشم کار می کند آسمان بی نهایت است...
آبی لاجوردی محض...
و من و تو!



گفته های ناگفته

۵۶. کسی که اقتدار پدر را می خواهد دستان پدر را بوسه باران کند.

پرهیز از خیانت

۵۷. اعتراف به گناه بجز برای پروردگار نزد دیگران خود یک گناه کبیره است.

۵۸. یادمان باشد هیچ گاه دوستان برای ما عضو خانواده نمی شوند، گاهی اوقات تا پول هست رفیق هم در کنارت جان فشانی می کند.

۵۹. برای یک شاگرد چیزی سخت تر از این نیست که روزی به این نتیجه برسد استادی را که او روزی مقتدای خود قرار داده بود یک خائن بوده و به هیچ یک از اصول اخلاقی پایبند نبوده و نیست. ۶۰. انسان های پاک نیازی به ظاهر سازی خود در مقابل دیگران ندارند.

۶۱. کسی که با قلب صاف خود کاری را برای کسی انجام می دهد اگر مورد سوء استفاده قرار بگیرد سخت انتقام خواهد گرفت.

۶۲. چند خیانت هر گز قابل بخشش نخواهد بود:

۱. خیانت زن به شوهر
۲. خیانت شوهر به زن
۳. خیانت دوست به دوست
۴. خیانت همسایه به همسایه
۵. خیانت استاد به شاگرد
۶۳. یکی از بالاترین نشانه های انسانیت مهربانی با حیوانات است.
۶۴. در دوستی و دشمنی همیشه جایی برای بازگشت قرار بده، چه بسا دشمنانی که با یک محبت خارشان را به گل تبدیل می کنند.
۶۵. درندگان ترسو فقط در تاریکی شب حمله ور می شوند مانند انسان های بزدل.

۶۶. دوستان را چهار دسته اند:

۱. جانی ۲. زبانی ۳. نانی
۴. خائنین (بی حیا)
۶۷. به جانی جان بده، به نانی نان بده، دوستان زبانی را نگه دار، خائنین بی حیا را واگذار. خائنین بی حیا مانند مثالی است که می گویند: این دغل دوستان که می بینی مگسند دور شیرینی.

مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستان

نویسندگان :

حجت الله مرادی پردنجانی - صغری رئیس - زهرا قاسمی - سمانه قائد امینی - نرگس مولایی - فاطمه یزدانی

گروه علوم تربیتی، مرکز تربیت معلم شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، شهر کرد، ایران

Email: h.moradi@iaushk.ac.ir

چکیده

تحقیق حاضر به روش کاربردی انجام شده است، طرح آن توصیفی بوده که به روش کتابخانه ای انجام شده است و در آن به تبیین اهمیت مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستان پرداخته است، مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستانی در کمک به معلمان برای شکوفاسازی نیروهای سازنده نهفته در آنان مؤثر می باشد. برخی از کارهای مدیران در مراکز پیش دبستانی و دبستانی عبارت است از تعیین وظایف کار مربیان و کارکنان و ارزشیابی از آنان و ...

کلید واژه: مدیریت، پیش دبستانی، دبستان

مقدمه

مدرسه یک سازمان است. هر سازمانی از افرادی تشکیل شده که گرد هم می آیند و گروه تشکیل می دهند، زیرا آنها منافع خود را در این می بینند که همکاری کنند و در جهت تأمین یک هدف مشترک به پیش روند. بنابراین هدف یکی از ارکان اصلی و رسمی هر سازمانی است. اهداف در سازمان ها برنامه نام دارند؛ این سازمان برای تحقق اهدافش به مدیریت نیاز دارند. مدیریت عبارتست از عملی که به صورت آگاهانه و مستمر انجام می شود و به سازمان شکل می دهد. هر سازمان دارای افرادی است که جهت کمک در راه تأمین این هدف ها مسئولیت هایی را می پذیرند، این افراد مدیر نام دارند و بدون یک

مدیریت اثربخش احتمالاً سازمان با شکست مواجه می شود (جیمز استونر^۱، ۱۳۷۹). تعلیم و تربیت تلاش جامعی برای آماده کردن دانش آموزان برای زندگی آینده است و آنها را قادر می سازد خود را بیشتر شناخته و در برخورد با ناملایمات و چالش های زندگی به طور موثری عمل کنند. به این ترتیب بنیاد زندگی اجتماعی در مدرسه شکل می گیرد (لویت، ساکا، رومانی و هاگوود^۲، ۲۰۰۷). هنگامی که کودکان مدرسه را شروع می کنند، مشتاقند چیزهای جدیدی بیاموزند و اگر آمادگی های لازم برای ورود به این حرکت در کودک ایجاد شود حتما ضمانت کافی برای کسب موفقیت های آینده او نیز فراهم خواهد شد (برخورداری و جمشیدیان، ۱۳۸۷). دوره پیش از دبستان، اولین مرحله آموزش و پرورش رسمی است (کول^۳، ۱۳۸۷). هدف از دوره های پیش دبستانی پرورش قابلیت های جسمانی و ذهنی است، هماهنگ سازی و رشد مهارت های حرکتی کودکان و کمک به بروز رفتار های مطلوب فردی و اجتماعی در این گروه است (آن^۴، ۱۹۹۲)

۱. James A.F. Stoner

۲. Levitt, JM, Saka, N, Roama, H&H
oagwood, K

۳. Cool

۴. Ann

مدرسه اگر با مدیریت مناسب همراه باشد باعث فراهم شدن بستری پرنشاط، پویا و فعال برای فعالیت های آموزشی و در کنار هم مشارکت هر چه بیشتر دانش آموزان در امور فرهنگی، ورزشی، هنری مدارس و جلب مشارکت آنان در فعالیت های مدرسه مورد توجه قرار گیرد (تریکانگاس و هارک، ۲۰۰۲). «از آن جا که مدیران نقش بسیار مهمی در برنامه ریزی، رهبری، هماهنگی، نظارت

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر

و کارآمد منابع انسانی در برنامه ریزی سازماندهی بسیج منابع و امکانات هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد.

مدیریت در آموزش و پرورش در حقیقت، کوششی آگاهانه است برای بالا بردن کیفیت تعلیم و تربیت انسان هایی که بار تحول پیشرفت فردی و جمعی را بر دوش دارد و با به کارگیری اصول و موازین علمی در اداره ی امور آموزشگاهها و سازمان

های آموزشی نه تنها کیفیت آموزش و پرورش بهبود می یابد، بلکه در بهره گیری از منابع مالی و انسانی صرفه جویی هایی به عمل خواهد آمد اگر مدیران آموزشی یک جامعه دارای دانش و مهارت های کافی باشند بدون تردید نظام آموزشی از اثر بخشی و کارایی و اعتبار والایی برخوردار خواهد بود (میر کمالی، ۱۳۸۵: ۱۵).



فضای مدرسه اگر با مدیریت مناسب همراه باشد باعث فراهم شدن بستری پرنشاط، پویا و فعال برای فعالیت های آموزشی و در کنار هم مشارکت هر چه بیشتر دانش آموزان در امور فرهنگی، ورزشی، هنری

در خصوص آموزش پیش دبستانی دیدگاه های مختلف و گاه متعارضی ارائه شده است، از یک سو افرادی (نظیر الکايند، ۱۹۸۷؛ سیگل، ۱۹۸۷؛ کاینتگ و لیون، ۱۹۹۱؛ به نقل از لفرانسویس، ۱۹۹۶)

معتقدند که نباید کودکان را بی محابا به سمت آموزش های پیش دبستانی بکشانیم؛ و جو حاکم بر بسیاری از برنامه های پیش دبستانی ممکن است کودکان را آن طور که باید و شاید به سوی پیشرفت رهنمون نسازد. دلیلی که برای تدارک برنامه پیش دبستانی وجود دارد، این است که در حین آموزش های پیش از دبستان، کودکان تجربه هایی را می آموزند که ممکن است در خانه نتوانند از اثرات مثبت چنین نتیجه هایی برخوردار باشند.

دبستان از دوره های مهم تحصیلی است که در رشد و تربیت و تکوین شخصیت دانش آموزان که آینده سازان جامعه هستند تأثیر بسزایی دارند. با توجه به اهمیت این دوره از نظر تأثیر نهایی و چشمگیر آن در رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، سرمایه گذاری در این دوره از اهمیت به سزایی برخوردار است (صافی، ۱۳۸۳).

و... می گردد (چن و جوس ولد، ۲۰۰۴) و موفقیت کمتر مدیران در محیط های چند فرهنگی ناشی از بی اطلاعی آنان از تفاوت های فرهنگی کارکنان است و رشد مهارت های چند فرهنگ گرایی انسان بدون فهم تفاوت های فرهنگی امکان پذیر نیست. مدیران مدارس به منظور همراستا کردن اهداف فردی دانش آموزان و اهداف

و ارزشیابی و برقراری روابط انسانی مؤثر با دانش آموزان و کارکنان مدرسه دارند باید در انتخاب و انتصاب آنها دقت کافی به عمل آید و این نقش را باید به افراد برخوردار از هنر و علم مدیریت و تعلیم و تربیت سپرد. (صافی، ۱۳۸۳). این مدیران هستند که از طریق ایجاد هماهنگی و کاربرد صحیح منابع انسانی و مادی، فعالیت های سازمان و افراد

پندار نیک

۶۸. انسان های سیاه قلب وقتی نمی توانند مستقیماً به یک فرد پاک آسیب وارد کنند شروع به شایعه پراکنی و نفاق می کنند.
۶۹. گاهی زهر عقرب نجات بخش و گاهی کشنده یک آدم است.
۷۰. مثال بچه گرگی پروراندن دندان در آورد و دریدم، برای انسان هایی است که حرمت نمک را نمی دانند.

۷۱. کسی که تاریکی شب را تحمل نکند هیچ گاه لذت روشنی صبح را نمی چشد.

۷۲. زندگی بسیار عجیب است، چیزهایی که ما داریم شاید آرزوی دیگری باشد و چه بسا چیزی که دیگری دارد آرزوی ما باشد.

۷۳. با کمی دقت می بینیم بسیار کسانی که در سن جوانی مرده اند ثروتمند بوده اند.

۷۴. برای مغرور نشدن یک انسان در موقعیتی خوب همین بس که می گویند: روزگار آینده را محتاج خاکستر کند.

۷۵. برای دگرگونی موقعیت های زندگی همین بس که پروردگار عالمیان جهان را در یک فصل خلاصه نکرد بلکه چهار فصل را در هم آمیخت.

۷۶. انسان ها عظمت خدا را می دانند ولی باز خواسته های خود را می پرسند، اینجاست که می گویند چو دانی و پرسی سواست خطاست.

۷۷. فکر انسان نسبت به دیگری خود یک دلگرمی برای قلب اوست. پیروزی

۷۸. شکست، یتیم است ولی پیروزی، هزار پدر دارد.

۷۹. پیروزی را برای افراد تعریف گوناگونی است، برخی به نقطه پایان رسیدن را پیروزی می دانند، برخی نیز به آرزو رسیدن را پیروزی تلقی می کنند ولی نمی دانند که هر دوی آنها در اشتباه محض به سر می برند، زیرا نقطه پایانی که هدف و نتیجه یکی نباشد خود ابتدای راه شکست است نه پیروزی.

مروری بر ادبیات و پیشینه موضوع

به طور کلی در مدارس وظیفه اصلی هر مدیر آموزشی عبارت است از تسهیل امر یادگیری و تقویت وضع آموزشی کودکان و بهتر ساختن تربیت آنها، همه ی امکانات در مدرسه اعم از وسایل و تجهیزات، معلم، مدیر و سایر ابزارها و کارکنان در خدمت آموزش و پرورش کودکان هر مدرسه می باشند از این رو می توان گفت:

مدیریت آموزشی قبل از دبستان و دبستان کوشش تربیتی است که برای بهتر انجام دادن کار آموزش و پرورش صورت می گیرد در این کوشش معمولاً در خدمت معلمان، دانش آموزان، کودکان و سایر کارکنان و اولیای کودکان قرار می گیرد. از طرفی این استعدادها را همه ی انسانها دارند کوشش مدیر بر این است که محیطی

به وجود آورد تا از استعدادهای طبیعی معلمان در امر آموزش و پرورش حداکثر استفاده شود:

یا وظیفه اصلی مدیر آموزشی در موسسات آموزشی قبل از دبستان و دبستان کمک به معلمان برای شکوفا ساختن نیروهای سازنده نهفته در آنان می باشد، هر یک از مدیران موسسات آموزشی قبل از دبستان

و دبستان دارای خصوصیات هستند که می شود گفت ممکن است منحصر به فرد باشد ولی در نهایت مواردی را می توان خاطر نشان ساخت که خیلی از مدیران دارای آن ویژگی ها هستند. (نوروزی، ۱۳۸۷)



وظایف مدیران مراکز پیش دبستانی و دبستانی

کار های مدیر در مراکز دبستانی و پیش دبستانی به قرار زیر است:

تعیین وظایف کلیه مربیان و کارکنان

ترتیب دادن جلسات بحث و انتقاد دوستانه بین همکاران در مدرسه.

ترتیب دادن جلسات خصوصی بین مدیر و مربی و با مدیر و معلم.

ارزش یابی از کار مربیان و معلمان.

ایجاد کتابخانه برای مربیان و معلمان و ترتیب استفاده مفید از کتابخانه برای همکاران.

نظارت در اجرای هر چه بهتر برنامه های تنظیم شده.

گزینش مربی و سایر کارکنان با توجه به نیاز موسسه آموزشی قبل از دبستان و دبستان.

تنظیم برنامه سالانه هفتگی روزانه برای کار کلاس ها.

استفاده از خلاقیت های کودکان، مربیان و معلمان در مرکز آموزش.



هر ماه یک بار تشکیل شود خیلی

زود تشکیل شده و پایان می پذیرد

و اغلب مدیران مدارس مطالبی را که

می خواهند به کار کنان ابلاغ کنند.

در این قبیل جلسات یاد آوری میکنند.

معاونان مدرسه ساعاتی کار فعال دارند

که معلمان و دانش آموزان ساعت

استراحت را سپری می کنند. البته صبح

ها یک ربع زود تر و عصر ها در هنگام

مرخصی کودکان تا پانزده دقیقه بیشتر

از سایرین در مدرسه می مانند و در

ساعاتی که کلاس ها دایر است وظایف

چندانی برای آنان پیش بینی نشده است

اداره امور مراکز پیش دبستانی

و دبستانی در ایران زیر نظر دو موسسه

(وزارت آموزش و پرورش و

سازمان بهزیستی کشور) است.

سازمان هر مدرسه ابتدایی معمولاً متشکل

از مدیر، معاون، دفتر دار، معلم، خدمت

گزار، مسئول بهداشت، مربی پرورشی و...

است. برای هر یک از آنان شرح وظایفی

نیز تدوین شده است، البته هر یک از

وظایف تعیین شده مشخص کننده پست

سازمانی خاصی است که برای انجام

کارهای مورد نظر به وجود آمده است

ولی اگر سری به مدارس ابتدایی بزنیم و

از نزدیک شاهد انجام وظایف آنان باشیم

گاهی مشکلاتی را در عمل مشاهده می

کنیم. به طوری که اغلب این مشکلات

یا دشواری ها چنان است که مدرسه را

از کار عادی و جاری خود باز می دارد.

مسئول بهداشت مدرسه، اگر تغذیه در

مدرسه صورت گیرد می تواند روزانه

چند ساعت کار بسیار فعال داشته

تنها در برخی از محل ها در

کنار دبستان تنها یک کلاس

برای کود کان ۵ سال و بالاتر به

عنوان کلاس آمادگی تشکیل می

شود و مهد کودک ها عموماً زیر

نظر سازمان بهزیستی هستند و

مقررات آموزشی و اداری سازمان

مذکور را رعایت می کنند.

سال های پیش در ایران موسسات

آموزشی قبل از دبستان و دبستان

در جوار یکدیگر فعالیت می کردند و

همچنین در اغلب کشور های جهان

مانند انگلیس هم اکنون نیز مراکز

پیش دبستانی و دبستانی در

یک محل و با مدیریت واحد

تشکیل و اداره می شوند .

گفته های ناگفته

۸۰. مهم نیست پدر بزرگ که باشد، اما مهم این است که بدانند نواده او چه کسی است.

پیشرفت

۸۱. جایی که رقابت نباشد رشد و پیشرفتی هم نخواهد بود، آیا تاکنون دقت کرده اید درختانی که در جایی تنها هستند رشدی ندارند و میوه ای نمی دهند، ولی درختانی که در کنار هم قرار گرفته اند چه رقابتی برای گرفتن نور آفتاب دارند و چطور خود را به بالاتر از درخت کنار دستی خود می رسانند.
۸۲. هیچ گاه کسی یک ورقه سفید را قاب نمی کند و به دیوار بزند، بلکه باید چیزی برای عرضه کردن داشته باشد.

تأمل

۸۳. در لحظه ی حل مشکلات، هیچ راهی بدتر از تأخیر نیست.
۸۴. هر جا به جستجوی خداوند برخیزی، او را در همان جا خواهی یافت.
۸۵. هر کس فکر می کند دقیقاً می داند ما باید چگونه زندگی کنیم، اما هرگز نمی داند چگونه باید زندگی خودشان را بگذرانند.
۸۶. انسان درستکار به خود سخت گیری می کند ولی انسان ضعیف به دیگران خرده می گیرد.
۸۷. کسی که شجاعت دارد همیشه با حقیقت روبرو می شود.
۸۸. ثروت در جامه کنونی همانند حس ششم است که بدون آن پنج حس دیگر کارایی ندارند.
۸۹. همیشه یادمان باشد اگر داشته باشیم و نخوریم و بدانیم عمل نکنیم زندگی را باخته ایم.
۹۰. هرگز با انسانهای کوتاه نظر نمی توان قامت سرو را تجربه کرد.
۹۱. برخی از دوستی برای خیانت استفاده می کنند.
۹۲. تنها چیزی که در عالم جاویدان خواهد ماند مرگ است.



نقش مدیر به عنوان همکار و راهنمای مربیان

به منظور ایجاد کار جمعی در مدرسه ابتدایی، مدیر مدرسه به ۲ موضوع زیر باید توجه نماید



(۱) باید ماهیت و ویژگی های مدیریت را در سازمان مدرسه ای که می خواهیم کار گروهی بین همکاران متخصص خود در تدریس ایجاد کنیم، شناسایی کرده و مشخص نماییم.
(۲) مسائل و موفقیت هایی که برای افراد مسئول در زمینه راهنمایی های آموزشی در مدرسه وجود دارند مورد بررسی و دقت نظر قرار دهیم.

اداره امور دانش آموزان و ارزشیابی کارهای آنان نیست. بلکه مدیریت مدرسه ابتدایی بر اساس مشاوره با همکاران صورت می گیرد به طوری که معلمان نیز در مدرسه ابتدایی با استفاده از تجارب خود در کار مدیریت مدرسه همکاری میکنند.
این که مدیر در یک سازمان آموزشی در راس هرم قرار می گیرد و هدفمند عمل می کند ولی این راس در پایین هرم جای می گیرد یعنی مدیر در سازمان های آموزش به معاونین خود خدمت می کنند تا معاونین به معلمان خدمت کنند و معلمان به دانش آموزان به این ترتیب مدیر آموزشی همگام می توان این مسئله را مطرح کرد که مدیریت در سازمان های آموزشی دارای هر می واژگونه است یعنی در عین حال ریزی و انجام امور می پردازد (نوروزی، ۱۳۸۷).

مدرسه ابتدایی با کار و وظیفه یک مدیر در صنعت و یا سایر بخش ها تفاوت فاحش دارد. در مدیریت های غیر آموزشی بر مشارکت در تصمیم گیری ها، ارتباط میان گروهی، اظهار نظر کلیه اعضا در باره ی هدف های سازمان و نظایر این ها چندان تاکید نمی شود. او یاد آوری می کند منظور از مدیریت در مدرسه ابتدایی تنها انجام دادن کارهایی را برای دیگران و یا در هر مدرسه ابتدایی دو موضوع مذکور با همدیگر ارتباط هماهنگی دارند، از طرفی می دانیم وظایف مدیر مدرسه ابتدایی در زمینه های دست یابی به هدف های آموزشی، اداره امور همکاران و معلمان متخصص در تدریس و آموزش و همچنین در ارتباط با گروه های معلمان مشخص و تعریف شده است.
به نظر الکساندر کار و وظیفه یک مدیر

اداره امور مراکز پیش دبستانی و دبستانی در ایران زیر نظر دو موسسه (وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی کشور) است

روشن شناسی	نتیجه گیری
------------	------------

علمی مدیریت را ۹۰۰ تا ۹۰۰ با توجه به شرایط وامکانات و ارزشهای فردی واجتماعی انتخاب و به طور صحیح اعمال نمایند .

منابع

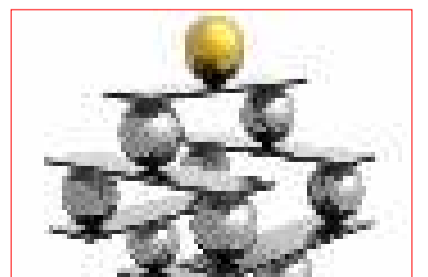
جیمز ای. اف . استونر، آر. ادوارد فری من، دانیل آر. گیلبرت: مدیریت، ترجمه دکتر علی پارساییان و دکتر سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۹.
صافی، احمد: سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش، تهران، ارسباران، ۱۳۸۳.
علاقه بند، علی: مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، نشر روان، ۱۳۷۷.
کول، وینتانا: برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، ترجمه فرخنده مفیدی، تهران، انتشارات مدرسه ۱۳۸۷.
نوروزی، داریوش: مدیریت مراکز پیش دبستانی و دبستان، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۷.

Ann , P . (۱۹۹۲) . An investigation of teacher . Focus of control . principal leadership and job satisfaction . Dissertation Abstracts Intrnational , vol , ۵۳ . No . ۶ .
Cheny , Tjosvoldd . (۲۰۰۴) – Cross – cultural Leadership Journal of inter national Management , ۵۴ , pp ۵۴ - ۴۹
Levitt ., JM , Saka , N , Roama nelli , L , H & Hoagwood , K , (۲۰۰۷) . Early identification mental health . Problem h in schools , Journal of school psychology ۱۹۱-۱۶۳ , ۴۵ .

موسسه آموزش قبل از دبستان و دبستان در واقع یک مرکز فرهنگی و آموزش است و در مراکز پیش دبستانی علاوه بر آموزش و پرورش امر مراقبت از کودکان نیز انجام می شود بنابراین مدیریت در چنین مراکزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است که مستلزم اطلاعات درباره ی تعلیم و تربیت کودکان ودانش مدیریت است که شامل آگاهی در مورد کار و مهارت های مدیریت ، توانایی استفاده از نیروهای همه ی افراد سازمان و برنامه ریزی و مواد آموزشی است .

و طبق نظریات مجهز کردن مدیران به شیوه های نوین مدیریت در این سطح در حکم نوعی سرمایه گذاری برای ارتباط صحیح با نیروی انسانی ، کودکان و خانواده ها است و بهره گیری از اندیشه های علمی و کاربردی به کارایی مثبت (مدیر) در این سطح مراکز پیش دبستانی و دبستان (می انجامد. البته این زمانی میسر می شود که علاوه بر ایجاد آمادگی، مدیران شیوه های

با توجه به این که تحقیق حاضر به کاربرد بررسی مدیریت در مراکز پیش دبستانی ودبستان پرداخته لذا به لحاظ هدف از نوع کاربردی می باشد و با توجه به این که به توصیف ویژگی های مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستان پرداخته یه لحاظ طرح تحقیقی از نوع توصیفی می باشد واز آن جایی که به تجزیه و تحلیل مفاهیم و مباحث اصلی مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستان نظام آموزشی با مطالعه منابع با کتب علمی پرداخته است لذا از نوع کتابخانه ای می باشد . روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع کتابخانه ای می باشد ابزار اندازه گیری و گردآوری اطلاعات نیز شامل کلیه منابع علمی اسناد و مدارک سازمانی پیرامون مدیریت در مراکز پیش دبستانی و دبستان می باشد.



نقش رسانه ها در تربیت دینی کودکان

نویسندگان:

نرگس مولایی دزگی
سمانه قائد امینی اسد آبادی
مهر داد صادقی

کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، شهرکرد، ایران
کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان، شهرکرد، ایران
دکترای علوم تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، شهرکرد، ایران

چکیده

امروزه رسانه ها رسانه ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزش های فرهنگی و اجتماعی، در رفتار کودکان و نوجوانان و تغییر رفتار اجتماعی آنان، دارای نقش مهمی هستند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر رسانه ها بر تربیت و رشد دینی کودکان بوده، که به روش کتابخانه و از نوع هدف کاربردی بوده است. یافته های این پژوهش نشان داد که رسانه ها از جمله (تلویزیون، رادیو، و...) در تربیت دینی کودکان نقش بسزایی دارند. از دیگر نتایج این تحقیق به اهمیت وظایف و نقش معلمان مترسه در سازماندهی تمرکز کودکان در استفاده بهینه از رسانه های جمعی اشاره دارد.

کلمات کلیدی: رسانه، تربیت دینی، کودکان

مقدمه

رسانه های جمعی به عنوان یکی از عوامل جامعه پذیری، در کنار خانواده، محیط آموزشی و دوستان، نقش مهمی در رشد و تربیت جنبه های گوناگون زندگی کودک ایفا می کنند. رسانه ها از نخستین سال های کودکی با انسان همراه می شوند؛ چنان که بر اساس پژوهش های صورت گرفته، نوزادان نیز در حدود نیم ساعت در شبانه روز تلویزیون تماشا و آموزه ها و اطلاعات متنوعی از طریق رسانه ها؛ به ویژه تلویزیون، به کودکان و نوجوانان ارائه می کنند در این تحقیق، تأثیرات رسانه های ارتباطی از قبیل تلویزیون، سینما، ویدئو، ماهواره و مطبوعات، در رشد و تربیت کودکان مورد بررسی قرار می گیرد (میرفخرایی، ۱۳۸۵). رسانه ها به ابزارهای انتقال پیام ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می شود؛ که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، تکنولوژی های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. این وسایل دارای ویژگی هایی مانند پیام گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند (دادگران، ۱۳۸۴). در دنیای پُرشتاب فن آوری امروز، رسانه های



تعریف رسانه و انواع آن

رسانه ها شامل افراد، ابزار - یا موقعیتهایی هستند که بوسیله آنها پیام ارائه می شود. بنابر این تعریف: معلم، کتاب درسی، اسلاید، ناطق، تخته سیاه، فیلم، کامپیوتر و ماهواره همه رسانه خوانده می شوند.

تربیت دینی یک معنا و اصطلاح خاص دارد که در این اصطلاح در بین همه ابعاد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه می شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی ابعادی همچون بعد اخلاقی از بحث خارج می شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی را تربیت ایمانی یا معنوی نامیده اند (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۵-۶)

جمعی، افراد را به صورت انفرادی به خود مشغول کرده و آنها را از تعامل با دیگران باز می دارند. البته این موضوع نافی منافع ابزارهای تکنولوژیکی نیست؛ اما نوع بهره برداری غیرفرهنگی از ابزارهای فنی موجب شده است که کارکرد آنها عمدتاً در جهت تقویت فردگرایی سوق پیدا کند. به عبارتی، اگر جریان فرهنگی شدن ابزارهای رسانه ای تحقق یابد، مضرات آنها به شدت کاهش یافته و کارکرد اصلی خود را پیدا می کنند. برخی نظریه ها بیانگر این مطلب هستند که ذات ابزارهای الکترونیکی به دلیل استفاده از عنصر تغییر، نمی تواند موجد آرامش باشند؛ بلکه مخل آن هستند. برخی دیگر، این نظریه را افراطی و یک سوئی می دانند. کارکردهای رسانه های جمعی، به ویژه رسانه های شنیداری و غیرمتمتعامل به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج جای ارتباط بین فردی، از نوع چهره به چهره را گرفته و موجب شده اند فضای انفرادی، به جای فضای جمعی و عاطفی در خانواده حاکم شود؛ به طوری که گسترش تکنیکی رسانه های شنیداری و رایانه ای، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان می دهد. به عبارت دیگر، این ابزارها، به تدریج فضای روانی و محیطی گفت و گو را در یک ارتباط بین فردی، خدشه دار می کنند و اعضای گروه را به جای هم گرای، به واگرایی سوق می دهند؛ تا جایی که هر عضو خانواده، صرفاً در یک فضای فیزیکی مشترک زندگی کرده، اما هیچ تعاملی با هم نخواهند داشت. و متأسفانه، اهداف آنها نیز به تدریج نسبت به هم، واگرا و منفک می شود. در این مسیر، تعامل واقعی فرد به جای آنکه با افراد دیگری در محیط انسانی سامان یابد، با رسانه های الکترونیکی، شکل می گیرد و به دلیل برتری تکنولوژیکی و تجهیزات خیره کننده رسانه ای، نوعی رُعب فرهنگی و انفعال شخصیتی در فرد ایجاد می شود. در نتیجه، افراد خانواده به جای گفت و گو صمیمی با یکدیگر که می تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر شود، با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می کنند؛ ارتباطی که فاقد بار عاطفی، احساسی و هیجانی است. آسیب

ارتباطی ناشی از حضور رسانه ها، بیشتر در دو نوع ارتباط، بروز می کند. یکی، ارتباط بین فرزندان و والدین و دیگری، ارتباط بین زن و شوهر است. تجربیات نشان می دهند که هراندازه ارتباط میان فرزندان و والدین و همچنین ارتباط میان همسران به دلیل تغییر مخاطب کاهش یابد، پیوند عاطفی و هیجان و همچنین همگونی شناختی میان اعضاء خانواده نیز کاهش می یابد که این موضوع، انسجام گروه را به مخاطره می اندازد (کازنو، ۱۳۸۴). به اعتقاد بیلینگ (۱۹۹۵) رسانه های گروهی اغلب به شیوه ای غیرمستقیم اما فراگیر، اطلاعات و آگاهی های بسیاری را به مخاطبان منتقل می کنند که زندگی روزمره آنان را زیر نفوذ خود قرار می دهد و بدیهی است که کودکان و نوجوانان نیز از این تأثیر پذیری، مستثنا نیستند. همچنین شواهد پژوهشی متعدد وجود دارد که نشان می دهد رسانه های گروهی به ویژه تلویزیون، فیلم های سینمایی و مطبوعات می توانند بر دانش و اعتقادات ملی مخاطبان گروه های سنی مختلف تأثیر بگذارند (آمادیو و همکاران، به نقل از حسینی انجدانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۵۲). در عصر فوران اطلاعات، دغدغه بسیاری از والدین، آگاهی یافتن از آموخته های فرزندان شان و به نوعی نظارت بر نحوه یادگیری آنها است. در واقع می توان دو جنبه رشد در ذهن کودک تشخیص داد، در یک طرف چیزی است که می توان آن را جنبه روان شناسی اجتماعی رشد نامید و آن عبارت است از آنچه کودک از خارج و به وسیله خانواده، مدرسه و انتقال تربیتی کسب می کند و در طرف دیگر رشد دیگری وجود دارد که می تواند خود به خود نامیده شود که آن را، رشد خودهوش می نامند که عبارت است از آنچه کودک به وسیله خودش یاد می گیرد. استفاده از رسانه های گروهی مثل تلویزیون و کامپیوتر و حتی بازی های کامپیوتری، یکی از روش های مهم اجتماعی شدن بچه ها به شمار می رود تا آنجا که در دوران کودکی، یکی از چند منبع جامعه پذیر کردن بچه ها، همین رسانه های گروهی هستند و در دنیای امروز از آنها گریزی نیست (ملوین و اورت، ۲۰۰۳، ۱۳۸۳).

۹۳. آنچه برای تو سودمند است در به دست آوردن آن اراده کن و پایداری و استقامت نما و از پروردگارت کمک بخواه.

۹۴. آنچه به مقصد می رساند، عزم و اراده است، نه تمنا و آرزو. ۹۵. انسان نمی تواند اراده کند آنچه را که می خواهد، ولی می تواند اراده کند که چه خواهد کرد. ۹۶. اگر تصمیمی داشته باشی به زودی موفق خواهی شد، زیرا آدمی ساخته افکار خویش است، و فردا همان خواهد شد که امروز می اندیشید.

۹۷. برای روح انسان هیچ عذاب و شکنجه ای مؤلم تر از شک نیست حتی یأس و ناکامی با همه تاریکی و دردی که دارد، از زندگانی در شک و تردید بهتر است. ۹۸. اگر قلب بخواهد هزار راه پیدا می کند و اگر نخواهد هزار عذر و بهانه می تراشد.

۹۹. "من می خواهم" جمله ایست که از اراده قوی سرچشمه گرفته می شود.

۱۰۰. در طول حیات چه بسا دقایق حساسی پیش می آید و تصمیمی در این دقایق گرفته می شود که مسیر زندگی انسان را به کلی تغییر می دهد.

۱۰۱. ساعتی برای انسان فرا می رسد که باید بین بقاء و بردگی، سروری و نام نیک و ننگ و جلال و نکبت، یکی را انتخاب کند.

۱۰۲. مرد دو دل در تمام رفتار خود نا پایدار است.

۱۰۳. هیچ چیز در دنیا محال نیست، هر کاری راهی دارد، اگر به اندازه شایسته اراده داشته باشیم به قدر کافی موفق خواهیم شد.

۱۰۴. آنچه در اندیشه پنهان دارید خواه ناخواه از خط های پیشانی و رنگ چهره و آهنگ سخن آشکار خواهد شد.

۱۰۵. از اصطکاک، دو سیم مثبت و منفی برق تولید می شود، تقابل در اندیشه نیز فروغ می بخشد.

تاریخچه رسانه ها

نخستین عصر ارتباطات جمعی در حدود ۱۴۵۰ میلادی با اختراع چاپ آغاز شد.

در این دوره به عقیده « مارشال مک لوهان » دانشمند معاصر کانادایی ، روابط اجتماعی و اندیشه ها و رفتار های انسانی همه تحت تاثیر شدید نوشته های چاپی هستند. به همین سبب وی همه مظاهر زندگی جوامع غربی را در این عصر به عنوان «کهنکشان گوتنبرگ» معرفی می کند. البته نباید فراموش کرد که از زمان اختراع گوتنبرگ تا استفاده از صنعت چاپ برای انتشار وسیع و مداوم اخبار و اندیشه ها و ایجاد ارتباطات جمعی واقعی چند قرن فاصله است. زیرا بطوریکه ضمن مطالعه درباره ی تحول و توسعه وسایل ارتباط جمعی مشاهده خواهیم کرد ، نخستین

روزنامه های چاپی اروپایی به تعداد نسبتاً زیاد و با نظم دوره ای هفتگی از دهه سوم قرن هفدهم یعنی در حدود دو قرن پس از ایجاد صنعت چاپ بوجود می آیند . از اواخر قرن هجدهم به دنبال انقلاب کبیر فرانسه وگسترش اندیشه های آزادی خواهی ، زمینه مساعدی برای پیشرفت مطبوعات فراهم شد و بتدریج همراه با تحولات اقتصادی و اجتماعی جدید ، نظیر صنعتی شدن جوامع ، توسعه شهرنشینی ، بالا رفتن سطح زندگی ، پیشرفت آموزش و اشاعه فرهنگ ، همه شرایط لازم برای انتشار روزنامه پر تیراژ آماده گردیدند. بدین ترتیب خواندن مطبوعات که پیش از آن به

امروزه رسانه و یا وسایل ارتباط جمعی (mass media) مصادیق وسیع و گسترده ای پیدا کرده اند و مانند گذشته فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب منحصر نمی گردد؛ بلکه ماهواره، انترنت، سینما، تئاتر، فیلم، نوارهای صوتی و تصویری، دیسک ها، سی دی ها، پوستر، عکس، اسلاید، تابلوها، گوشی های موبایل... را نیز می توان از جمله ابزارهای رسانه ای به شمار آورد

انواع رسانه های آموزشی

۱- مواد دیداری غیر شفاف - این مواد عبارتند از : انواع تصاویر ، کتابها، (خود آموزها و غیره) ، مجله ها ، راهنماهای مطالعه چارتهای ، نمودارها، نقشه ها ، پوسترها و کاریکاتورها (مقدمات تکنولوژی آموزشی ، ص ۱۲۶ محمد احدیان)
۲- مواد شنیداری (فقط صدا) - که عبارتند از : نوار شنیداری (حلقه ای ، کاست ، کارتریج صفحه ، رادیو ، تلفن و کارت شنیداری)
۳- مواد شنیداری - دیداری غیر شفاف (ترکیبی از ۱ و ۲) که عبارتند از : کتاب همراه

با نوار یا صفحه و سایر مواد چاپی همراه با مواد شنیداری.
۴- مواد دیداری شفاف (ثابت) که عبارتند از : اسلایدها ، فیلم ها ، استریپها و طلقهای شفاف .
۵- مواد شنیداری - دیداری شفاف - ثابت - که عبارتند از فیلم ، استریپ ناطق ، انواع اسلایدها با نوار یا صفحه)
۶- مواد شنیداری - دیداری متحرک - که عبارتند از : فیلم متحرک ناطق و فیلم ویدئو.
۷- مواد دیداری متحرک که عبارتند از : فیلم

تعاریف

تربیت دینی یک معنا و اصطلاح خاص دارد که در این اصطلاح در بین همه ابعاد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه می شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی ابعادی همچون بعد اخلاقی از بحث خارج می شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی را تربیت ایمانی یا معنوی نامیده

نمی شود، بلکه رفتار واندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر می گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می دهد. به نظر می رسد، بسیاری از نوشته های اسلامی موجود در باب تعلیم و تربیت که تحت



گفته های ناگفته

۱۰۶. اندیشه انسان را از ارتکاب کارهای پست و زشت دور می کند و عمل را به او می آموزد.
۱۰۷. انسان دانا اول یاد می گیرد و بعد مستقیماً به تفکر می پردازد.
۱۰۸. با تأمل و اندیشه و خویشتن داری، خردمند برای خود جزیره ای می سازد که از دستبرد امواج در امان است.
۱۰۹. هرگز در روی زمین دو نفر یافت نمی شود که آنچه می بینند و می شنوند برداشتشان عیناً یکسان باشد.
۱۱۰. خردمند دور اندیش است و ابله نادان.
۱۱۱. فکر کردن صحبت با خودمان است.
۱۱۲. ناباوری و دیر باوری گاهی نشانه فرست و هوشیاری است.
۱۱۳. هیچ چیز مانند اندیشه آدم را پند نمی دهد و هیچ کس مانند خود آدم دشمن او نیست.
۱۱۴. کسی که پشت الاغ باد به دماغ بیندازد، چون اسب سوار شود پاک دیوانه خواهد شد.
۱۱۵. به غیر از قوت نفس و عدالت خواهی چیز دیگری نمی تواند جلوی چابلوسی و تملق را بگیرد.
۱۱۶. گاهی انسان تصمیم هایی می گیرد که موجب پشیمانی می شود و جبرانی نخواهد داشت.
۱۱۷. انسان باید از شک هایی که دیگری را آزار می دهد پرهیز کند، بسیاری از شک ها گناه هستند.
۱۱۸. در مواقع اضطرار و ضروری گاهی افراد باید قدم هایی بردارند که ممکن است مورد پسند دیگران نباشد.
۱۱۹. شک ها را هرگز به کار نبرید، که این خود از ناحیه شیطان است.
۱۲۰. آنکه تصمیم آخر را می گیرد همیشه شک و تردید دیگران را برای خود به جانمی پذیرد.
۱۲۱. هرگز برای پذیرش حرفت از طرف دیگری قسم نخور.

گفته های ناگفته

تکامل

۱۲۲. زمین هر چه هم حاصل خیز باشد به یک کشاورز خوب نیاز دارد.
۱۲۳. انسان ها به پشتیبانی، مال، دانش و تلاش نیاز دارند ولی خواستن فعل آخر خواهد بود.
۱۲۴. ادب را نگه دار حتی برای بی ادب.

۱۲۵. حد فاصل دوستی و دشمنی یک سکوت است.

۱۲۶. تا زمانی که رقابت نباشد دوستی پابرجاست.

۱۲۷. تقاضا اگر از حد بگذرد گدایی است.

۱۲۸. همیشه برای خواسته ات بجنگ ولی آن را از کسی گدایی نکن.

۱۲۹. گاهی اوقات اعاده حیثیت برابر است با نشان دادن خشم.

۱۳۰. لقمه حلال یک سفره، عاقبت به خیری دارد.

۱۳۱. آنکه در سختی تحمل می کند در آسایش هم تأمل می کند.

تمنای وجود

۱۳۲. یادمان باشد انسان یک بار به دنیا می آید و تکراری وجود ندارد ولی می تواند از همان لحظه که می خواهد مسیرش را تغییر دهد و روزهای اول خوبی داشته باشد.

۱۳۳. همه دیده ایم اما آیا کسی دقت کرده است که احترام گرفتن آدم ها از یکدیگر چگونه است؟ آیا تا کنون دیده اید برای تشییع یک مرده چقدر جمعیت وجود دارد؟ آیا تاکنون به این دقت کرده اید که در اغلب مراسمات به جای معرفی شخص سِمَت او و ماشین او پرسیده می شود؟ اینجا بهتر نیست بگوییم وای از این مردم زنده کش مرده پرست!! آیا بهتر نیست اینجا بگوییم وای از این مردم آهن پرست!!

۱۳۴. هر کاری که انسان انجام می دهد اختیار او و قدرت خداوند است.
۱۳۵. می گویند یکرنگی بهتر است ولی آیا تاکنون دقت کرده اید همان قالبی که هزار رنگ است و زیر پا افتاده است مشتریان بسیاری دارد و هر کسی رنگی از آن هزار رنگش را خریدار است، پس در این زمان وانفسا یک رنگی چه معنایی دارد!؟

اهمیت تربیتی رسانه ها



نقش و گستره رادیو و تلویزیون در تربیت دینی

امروزه رادیو و تلویزیون همانند مدرسه ای بزرگ بر تمامی ابعاد زندگی انسان حتی در اوقات فراغت و هنگامی که به عنوان سرگرمی مورد استفاده قرار می گیرد، تأثیر می گذارد و از آنجا که نسبت به سایر مراکز آموزشی از قبیل مدرسه و دانشگاه، از گستردگی زمانی و مکانی بیشتری برخوردار است، اهمیت زیادی در ابعاد تربیتی کودکان و جوانان و حتی بزرگسالان پیدا می کند.

تلویزیون، این جعبه جادویی قرن بیستم، از جهت جذابیت های ظاهری و سرگرم کردن تماشاچی، گوی سبقت را از دیگر رسانه ها ربوده است، به حدی که کم تر بیننده ای از میان برنامه های تلویزیون یکی را انتخاب می کند، بلکه این تلویزیون است که برنامه های جذاب خود را بر بینندگان تحمیل می کند.

(ژان کازنو) جامعه شناس و صاحب نظر در علوم ارتباطی، در بیان تفاوت های میان مدرسه و رسانه های گروهی می گوید: مدرسه فقط سال هایی اندک از حیات طفل یا جوان را به خود مشغول می دارد، ولی وسایل ارتباط جمعی بی هیچ محدودیتی در تمامی مراحل زندگی با انسان هایند و از آغاز تا پایان عمر آن ها را پوشش می دهند، مدرسه فقط ساعاتی چند از حیات طفل یا جوان را در اختیار دارد، حال آن که رسانه های گروهی در تمامی ساعات شب و روز به خانه می آیند و لذا هیچ محدودیت زمانی ندارند؛ مدرسه قشری خاصی از انسان ها، آن هم به تعداد اندک را زیر پوشش می گیرد، ولی وسایل ارتباط جمعی همه را پوشش می دهد (کازنو، ژان، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، مترجم: دکتر باقر ساروخانی و دکتر منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۷۱-۷۰).

رسانه ها، به جهت ویژگی های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیر گذار در فرایند تربیت انسان دارند، دارای اهمیت به سزایی هستند. قدرت رسانه ها نسبت به سایر عوامل تأثیر گذار در فرایند تربیت انسان، آن قدر مهم است که برخی معتقدند رسانه ها قادرند نسل جدیدی در تاریخ انسان پدید آورند، نسلی که از لحاظ رفتار و افکار و نحوه تعامل با هم نوعان خود، با نسل های پیشین تفاوت داشته باشند. دکتر هیملوایت معتقد است «به هر صورت، گذران متوسط سالانه ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ ساعت در برابر تصویر تلویزیون، برای کودکان و نوجوانان ۶ الی ۱۶ سال، تأثیر به سزایی در رفتارهای آنان می نهد که ممکن است آینده ساز زندگی آنان شود و حتی خواسته ها، علائق و آرزوهای آنها را دگرگون می سازد» (آذری، غلامرضا، پژوهش در ارتباطات جمعی، نشریه هنر هشتم، شماره ۱۰) از سوی دیگر مطالعات انجام شده پیرامون استفاده از تلویزیون، توسط افراد سنین مختلف نشان می دهد که حتی نوزادان، روزانه حدود نیم ساعت تلویزیون تماشا می کنند. نیومن، فلیپ، نیومن، باربارا، اثرات تلویزیون بر رشد کودکان، ترجمه اسماعیل بیابانگرد، نشریه تربیت، سال چهاردهم، شماره دهم.

مارشال مک لوهان، یکی از مشهور ترین جامعه شناسان کانادایی و از بزرگ ترین متخصصان مسئله ارتباطات جمعی، چنان اهمیتی برای وسایل ارتباط جمعی قایل است که آن را حتی مهمتر از اندیشه دینی یعنی محتوای این ارتباط می داند (قائم مقامی، فرهنگ، آموزش یا

می آیند، غربزده بار می آیند. اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد، جوانهای ما صحیح بار می آیند) کبری اسدی مقدم، دیدگاه های فرهنگی امام خمینی (ره) مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چ سوم، ۱۳۷۵، ص ۳۵۱) انسان های خود باخته، که دچار «فقر فرهنگی» است همواره چشم به راه ره آورد بیگانگان هستند و از نظر آنان آنچه خودی است، بسی ارزش و آنچه از بیگانه است، گرانبها است. مراد از فقر فرهنگی، تهیدستی مردم به مسائل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل نسبت به مسائل دین

استعمار فرهنگی، بی جا، نشر جاویدان، ۱۳۵۶، ص ۲۸-۲۹).
تردید رسانه ها نقش مهمی در تربیت کودکان و بزرگسالان ایفا می کنند، چرا که بخش زیادی از زندگی افراد جامعه، در کنار این وسایل سرشار از اطلاعات و داده ها سپری می شود. وسایل ارتباط جمعی، تمام جهات و ابعاد زندگی انسان ها، اعم از بی سواد و با سواد را پوشش می دهد. همه جا و به همه صورت، پیام وسایل ارتباط جمعی شنیده می شود و امواج این وسایل به همه روزه ها و آنچه در تمامی تاریخ انسان حریم امن او تلقی می شد، رسوخ کرده است. این وسایل، اعم از مکتوب (مثل روزنامه ها و مجلات) و غیرمکتوب (مثل رادیو و تلویزیون) بزرگترین سهم را در راه انتقال میراث فرهنگی و فکری و تربیت افراد جامعه به عهده دارند که تعالی فرهنگ و تربیت انسانی را موجب می شوند (امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۳). باید خاطر نشان کرد که اگر چه انسان ها می توانند از این ابزارهای فرهنگی مدرن و جدید در راه رسیدن به تعالی و تربیت صحیح استفاده کنند، اما نباید از این نکته غفلت ورزند که این وسایل می تواند انسان ها را به انحراف، فساد و انحطاط سوق دهد. امام خمینی (ره) می فرماید: «این دستگاه ها که مریبان فرهنگی جامعه امروزند، باید وسیله تربیت ملت باشند، یعنی نه تنها نباید با اشاعه ابتذال مانع رشد فرهنگی و ضد تربیتی شوند، بلکه باید مربی بوده و جامعه را تربیت کنند (همان).

وابستگی

به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسائل فرهنگ دینی است. امام علی (ع) فقر فرهنگی را سخت ترین و بدترین نوع فقر می داند، از امام علی (ع) سؤال شد کدام نوع فقر شدیدتر و بدتر است؟ فرمود: الکفر بعد الایمان؛ کفر ورزیدن بعد از ایمان) سید اصغر ناظم زاده، «جلوه های حکمت، گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین (ع)»، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۳)

یک کشور را از لحاظ تربیتی و اعتقادات دینی به تباهی و سقوط بکشاند وابستگی آنها به فرهنگ ناصالح بیگانه می داند و در این زمینه می فرماید: فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های یک ملت است، اگر فرهنگ ناصالح باشد این جوانهایی که تربیت می شوند به این تربیت های فرهنگ ناصالح، این ها در آتیه فساد ایجاد می کنند. فرهنگ استعماری تحویل مملکت می دهند. وقتی فرهنگ فاسد شد جوانهای ما که زیر بنای تأسیس همه چیز هستند، از دست ما می روند و انگل بار

متأسفانه امروز اکثر شبکه های تلویزیونی که در کشور فعال شده است وابسته به کشورهای غربی بوده و هزینه ها و امکانات شان از طرف آنها تأمین می شود و از این رو تا اندازه ای مروج فرهنگ و ارزشهای مبتذل آنها به شمار می آید. وابستگی از مهم ترین آسیب های رسانه و سازمانهای فرهنگی یک کشور است که در مرور زمان می تواند آنها را از فرهنگ و اعتقادات خود شان دور و تحت تأثیر فرهنگ های مبتذل بیگانگان قرار دهند. امام خمینی (ره) یکی از عوامل آسیب زا که می تواند جوانان

مصرفگرایی

یکی از خلأها و آسیب های بزرگ در شبکه های رادیو و تلویزیون - چه شبکه دولتی و چه شبکه های خصوصی - در کشور ما این است که این رسانه ها بیش از آنکه تولید کننده باشند، مصرف کننده است. اکثر برنامه ها و فیلم های آنها، محصول کشورهای خارجی و مخالف فرهنگ و اعتقادات مردم مسلمان و غیرت مند افغانستان می باشند و این خود، نشان خود باختگی فرهنگی و ترویج فرهنگ پوچ و مبتذل کشورهای بیگانه از سوی رسانه ها و شبکه های تلویزیونی است، از پخش



ضعف در محتوا و مجریان رسانه ها

یکی از آسیب های دیگر که شدیداً رسانه های ما به خصوص شبکه های تلویزیونی کشور را تهدید می کند ضعف محتوای آنها است که می توان گفت ناشی از ضعف و بی سوادی مجریان و دست اندرکاران این دستگاه ها است .

بیشتر ساعات و اوقات برنامه های رادیو و تلویزیون را رقص و آهنگ های هندی و غربی پر می کند، برنامه های علمی، آموزشی، تربیتی و مفید، خیلی کم از این شبکه ها پخش می شود.

آیا پخش فیلم ها و رقص های هندی و غربی از لحاظ تربیتی چه ارمغانی برای خانواده ها و جوانان و کودکان ما به همراه خواهند داشت؟ فرهنگ اسلامی و تربیت دینی مردم ما در مقابل این برنامه ها چه سرنوشتی را در انتظار خواهند داشت؟

البته می توان توجیه نمود که ضعف محتوا و بی سوادی دست اندرکاران رسانه ها بخصوص شبکه های تلویزیونی در کشور بخاطر نوپا بودن این شبکه ها و دستگاه ها است اما باید گفت که: خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج. پس راه حل و راهکار چیست؟ (دین، رسانه و کودک، ناصر باهنر).

رقص های گوناگون هندی گرفته تا فلیم های مبتذل امریکایی و اروپای با صحنه های غیر اخلاقی از این شبکه ها پخش می شود. و بدیهی است که هدف کشورهای استعمار گر از تولید و پخش این فیلم ها به انحراف کشاندن جوانان مسلمان در سراسر دنیا است، تا جوانان مسلمان از این طریق به این فیلم های انحرافی مشغول شده و استقلال فکری و فرهنگی از آنها گرفته شود (صحیفه نور، ج ۱۶) و اکثر بدبختی ها و انحراف ها در خانواده ها و جوانان ما معلول تماشای فیلم های مستهجن و غیر اخلاقی است که از کشورهای غربی وارد کشورهای اسلامی می شوند. مع الاسف در مقابل فیلم ها و فرهنگ های مبتذل هندی و غربی که اعتقادات و باورهای مذهبی مردم را متزلزل می سازد هیچکس اعتراض و انتقاد نمی کند اما اگر یک شبکه ای سریال های مذهبی و اسلامی، محصول یک کشور مسلمان را پخش کنند مورد اعتراض و انتقاد قرار می گیرند که این شبکه فرهنگ و ادبیات بیگانه را ترویج و تبلیغ می کند (نقش رسانه در تربیت دینی، عطیه سبزواری).

آزادی بی حد و حصر رسانه ها و عدم نظارت بر آنها

تمدن جدید که شکوفایی آن را پیوسته ناشی از حذف دین از صحنه زندگی فرد و اجتماع می شمارند و عامل عقب افتادگی جوامع و امانده یا عقب نگه داشته شده را پای بندی به دین و ضوابط مذهبی قلمداد می کنند. کشورهای غربی در رأس آنها آمریکا و انگلیس با این شعار تلاش می کنند ملت های مسلمان و جوانان آن ها را از دین و مذهب دور نمایند و این شعار، حربه خطرناکی است که بر روح حساس و پرشور جوان اثر نامطلوبی بر جای می گذارد. یکی از روش های دیرین دشمن برای گسترش سلطه خویش، استفاده از باورهای انحرافی در برابر عقاید و ارزشهای اسلام اصیل است. آنان می کوشند مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ستم ستیزی، عدالت گستری و فراهم آورنده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیر، انزواطلبی، واپس گرایی، رهبانیت و امری شخصی تبدیل کنند و با این شگرد، بیشترین سعی شان در جهت دهی عقاید نسل جوان بر طبق خواسته ها و اهداف خودشان است. به تعبیر امام خمینی (ره) آنان «می خواهند اسلام ناب محمدی (ص) را به اسلام آمریکایی مبدل سازند» دشمنان اسلام و قرآن امروزه از طریق ماهواره و اینترنت تلاش می کنند با این شعار ها جوانان مسلمان را از دین و مذهب جدا نموده و مذهب و اعتقادات مذهبی را عامل عقب ماندگی آنها معرفی کنند. و از این رو، تأکید بر اختلافات مذهبی، تکیه کردن افراطی بر تفاوت های شیعه و سنی، ترویج خرافه گرایی، ترویج مذهب های دروغین، تحریف مفاهیم والای همچون: انتظار، توکل، دعا، قضا و قدر و تعبد و نیز ارائه نظریه های گوناگون و ویرانگر، علیه دین و مذهب، همه برای رسیدن به این هدف شوم سازماندهی و اجرا می شود. در واقع این شبکه های ماهواره ای و اینترنتی با روش های به ظاهر علمی، دینی، و حتی طنز، درست کردن عقاید مردم می کوشند و این برنامه ها نسل جوان ما را به ابتذال می کشاند (صحیفه نور، جلد ۱۶).

را متزلزل می کنند. ادامه این روند از طریق رسانه ها، کشور و مردم ما را در آینده نه چندان دور به یک کشور و جامعه غرب زده و خود باخته تبدیل خواهند کرد. از طرف دیگر، دولت که وظیفه آن، نظارت بر تمام ارگان ها و سازمان های دولتی و خصوصی، اجرای قانون، جلوگیری از هرج و مرج و بی نظمی در کشور است، در مقابل ماهواره و پخش فیلم های مبتذل از طریق شبکه های تلویزیونی کاملاً بی تفاوت بوده و هیچگونه عکس العملی نشان نمی دهد. بنابراین می توان گفت: مهمترین عاملی که رسانه ها، بخصوص شبکه های تلویزیونی در کشور از انتشار و پخش فیلم ها و مطالب مبتذل هیچگونه ابا و هراسی ندارند، عدم نظارت و بی توجهی دولت، و یا بهتر است بگوییم بی کفایتی آن است «الناس علی دین ملوکهم»؛ مردم در دین و اعتقادات شان تابع دولتمردان شان هست، اگر دولت و دست اندرکاران آن در مقابل فساد و بی بندوباری، و حفظ اعتقادات و ارزشهای مردم احساس مسئولیت نکند، مردم نیز به سوی فساد و انحطاط اخلاقی سوق داده خواهند شد. نموده و عقاید و باورهای دینی مردم

گفته های ناگفته

۱۳۶. تا زمانی که کودکی هست پدر و مادرش برایش آرزوهای دراز دارند، وقتی این کودک مردی شد خودش برای زندگی آرزوهای درازتری دارد ولی وقتی می بیند نمی تواند به آرزوهایش برسد همان چرخه آرزوهای پدر و مادرش را برای برای بچه های آینده اش آرزو می کند؛ وای بر زندگی بدون رسیدن. ۱۳۷. یادمان باشد آخرین فوران سوزان آتش نقطه فروکش شدن قدرت اوست.

۱۳۸. روزگاری بود مردمانش نان می دادند تا آبروی کسب کنند ولی زمانی آمده است که مردمانی آبرو می دهند تا نان ببرند.

۱۳۹. تاکنون دقت کرده اید که بدن انسان خود به تنهایی یک دنیا می باشد؛ اگر زمین پوشش دارد انسان هم مو دارد، اگر زمین پوسته دارد انسان هم پوست دارد، اگر زمین صخره ها و کوه ها را دارد تا پایدار بماند انسان هم اسکلت و استخوان دارد، اگر زمین چشمه سار دارد انسان هم در رگ هایش خون دارد، اگر زمین فشار داخلی و گرمایش را با فوران آتشفشان بیرون می زند انسان هم فشارش را با سگته های قلبی و مغزی بیرون می زند، اگر زمین بهار و زمستان دارد انسان هم جوانی و پیری دارد، اگر زمین سبزی و خشکی و ویرانی دارد انسان هم طراوت و کسالت و بیماری دارد، اگر انسان میوه و محصولات دارد انسان هم مال و فرزند دارد، اگر زمین خدا دارد انسان هم خدا دارد.

۱۴۰. زمانی است که افراد نادان ثروتمند بر افراد دانشمند جامعه سروری می کنند.

۱۴۱. سعی کن در زندگی ات برای مردمان آفتاب نباشی چون کسی قدردان و دنبالت نمی آید، سعی کن ماه یا ستاره باشی که مردمان در تاریکی شان عاجزانه به دنبالت باشند.

۱۴۲. سازش کار همانند کسی است به تمساح غذا می دهد تا خود آخرین کسی باشد که غذای تمساح شود.

۱۴۳. قدرت، هیچ چیز را خواهش نمی کند بلکه به دست می آورد.

استفاده نادرست از ماهواره و اینترنت

نقش رسانه در تربیت دینی کودک، عطیه سبزواری).
اسلام با نفس ماهواره و اینترنت، مخالف نیست بلکه با استفاده نادرست و غیر اخلاقی از آن ها مخالف است. ماهواره و اینترنت همچون دیگر رسانه های جمعی هم می شود از آن ها استفاده درست و در راستای تربیت دینی و اسلامی بهره جست و هم می شود از آنها بهره های غیر اخلاقی و ضد دینی کرد (دین، رسانه و کودک، دکتر ناصر باهنر).

برنامه های مبتذل و مستهجن، از ماهواره استفاده می کنند که زمینه انحراف و سقوط اخلاقی در این برنامه ها برای قشر جوان بسیار زیاد است. اما واقعیت این است که ماهواره و اینترنت و سایر رسانه ها همچون دیگر ابزار بشری می تواند به آرمان های تعالی بخش انسان ها و جوامع خدمت یا خیانت کند؛ زیرا قابلیت برنامه های ماهواره ای به گونه ای است که به یک اندازه می توان از آنها بهره برداری مطلوب یا نامطلوب کرد

-دین، رسانه و کودک، ناصر باهنر-
با وجود اینکه برنامه های ماهواره ای و اینترنت محتوای علمی و آموزنده نیز دارند، و می شود.
در راستای تربیت صحیح و تربیت اسلامی ودینی از آن بهره گرفت، اما مع الاسف امروزه بیشتر جوانان ماهواره و اینترنت را برای استفاده از برنامه های علمی آن انتخاب نمی کنند و بیشتر تمایل به دیدن برنامه هایی دارند که آنها را در برنامه های داخل کشور نمی یابند و در واقع به خاطر

امروزه در بسیاری از کشورهای مسلمان از جمله کشور افغانستان، جوانان زمان زیادی از شبانه روز را به تماشای برنامه های ماهواره و همچنین به جستجوی سایت های اینترنتی اختصاص می دهند و همین امر سبب سستی نظام بیشتر خانواده ها شده است. و تماشای برنامه های ماهواره ای و جستجوهای اینترنتی زمینه ساز مفاسد اخلاقی و اجتماعی شده است و بیشتر از آنکه برای نسل امروز و به طور کلی برای مردم مفید باشد، خطرناک و مضر است

گفته های ناگفته

۱۴۴. خداوند در همه جا وجود دارد، تنها کسانی می توانند بفهمند که خدا آنها را دوست دارند، که خود خدا را دوست بدارند.
۱۴۵. بالاترین عبادت تفکر است؛ تفکری که در جهت بالا رفتن بینش مردم نسبت به خدا و خلق خداست.
۱۴۶. بالاترین انتظار، انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) است؛ چون فرج همه در فرج حضرت مهدی (عج) است.
۱۴۷. در اوج قدرت بخشیدن خود یک همت بلند خدادادی می خواهد که نصیب هر کسی نخواهد شد.
۱۴۸. تمام جهان یکپارچه خواهند شد در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) جامعه مهدویت خواهد آمد.
۱۴۹. بدانید که دشمنان هیچ قدرتی ندارند تا عشق و محبت را از خاندان فاطمه (س) بفهمند تا در قلب مردان جوانمرد محبت امام زمانی (عج) باشد مطمئناً دشمنان همچنان رجز خوانی پوشالی خواهند کرد.
۱۵۰. هرگاه تعداد مظلومان از ظالمان بیشتر شود دیگر با دعا شر ظالمان حل نخواهد شد، چون دیگر جای دعا نیست باید جهاد کرد تا ظالمان ریشه کن شوند.



منابع و مأخذ:

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ص ۸۳.
ج ۸، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، کازنو، ژان، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، مترجم: دکتر باقر ساروخانی و دکتر منوچهر محسنی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۷۱-۷۰.
ص ۱۳۷۷، حسن انوری، فرهنگ صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۳، بیانات امام بزرگ مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵-۶
قائم مقامی، فرهنگ، آموزش یا استعمار فرهنگی، بی جا، نشر جاویدان، ۱۳۵۶، ص ۲۸-۲۹.
امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۷.
شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۰، ج ۸۸۷.
کبری اسدی مقدم، «دیدگاه های فرهنگی امام خمینی (ره)» مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چ سوم، ۱۳۷۵، ص ۳۵۱.
سید اصغر ناظم زاده، «جلوه های حکمت، گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین (ع)»، قم، نشر الهادی، ۱۳۷.
امام خمینی، روح الله، حکومت اسلامی، ولایت فقیه صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

نتیجه گیری

رسانه ها به خصوص رادیو و تلویزیون، در هر جامعه ای از مهمترین و مؤثرترین ابزار تربیت محسوب می شوند که به خاطر وسعت دامنه فعالیت آنها در طول شبانه روز، بیشترین اوقات کودکان و جوانان را به خود اختصاص می دهند. این عوامل اگر در اختیار افراد متعهد و مؤمن قرار بگیرد می توانند جامعه را به سوی تربیت درست و اصلاح سوق دهند و در غیر این صورت عامل انحراف و تباهی هر جامعه ی خواهند شد. مصرف گرایی، وابستگی، آزادی مطلق و عدم نظارت دولت بر رسانه ها و ضعف محتوا را می توان از مهمترین آسیب های رسانه ها در خانواده و مدرسه به حساب آورد که باعث تضعیف فرهنگ و اعتقادات دینی مردم خواهند شد (نقش رسانه در تربیت دیدنی کودک، عطیه سبزواری).

توقع

۱۵۱. گاهی آدمی از دوستان و خانواده توقعی دیگر دارد و ای کاش خانواده و دوستان به مانند غریبه ها رفتار نمی کردند، گاهی ندانسته از روی دوستی زخم زبان هایی می زند که التیامی برای آن نیست مانند داستان حسنگ وزیر که داشتند طناب دار به گردنش می انداختند همه به او سنگ می زدند و دوستی که چندین سال بود حسنگ را ندیده بود برایش گل گرفته بود و آن گل را برایش پرتاب کرد، حسنگ به دوستش گفت: تو دیگر چرا؟
این ها ندانسته سنگ می زنند ولی این شاخه گل تو از همه سنگ ها درآورد تر بود.

گفته های ناگفته

۱۵۲. برخی از انسان ها طوری زندگی می کنند که آدم را به وجد می آورند، گویی آمده اند به این دنیا که دیگران از بودن آنها لذت ببرند و این است توقع اصلی انسان از زندگی.

۱۵۳. هرکس توقعی از زندگی دارد، برخی می خواهند فقط بخورند و نمیرند، عده ای آمده اند زندگی کنند و لذت ببرند.

برخی دیگر آمده اند تا به دیگران زندگی دهند، برخی دیگر آمده اند تا فنا نپذیر باشند و به اوج قدرت برسند.

۱۵۴. انسان چه موجود عجیبی است، بدون توقع از خالق خود در حضور او دست به هر گناهی میزند تا به هدفش برسد و هیچ گاه به بزرگی گناهی توجه ندارد ولی همین آدم توقع دارد خداوند گناهیانش را ببخشد.

۱۵۵. بهتر است توقع برای طرفین مساوی باشد، وگرنه اگر یک طرفه باشد موجب درد سر و دلخوری خواهد شد.

۱۵۶. بهتر است آدمی توقع را بسیار کم کند تا هیچ گاه اسیر تور نارقیان نشود.

ثروت

۱۵۷. آزمند و حریص نیازمند است، اگرچه همه جهان از او باشد.

۱۵۸. ارزش هر چیز آن مقدار از عمر ماست که در مقابل آن اکنون یا بعدها تقدیم می کنیم.

۱۵۹. بخیل برای ثروت خود ننگهبان است و برای وراثت انبار دار. ۱۶۰. زر را دوست بسیار است و زردار را دشمن بسیار.

۱۶۱. برخی از مردم هنگامی که خود کاری را برای دیگری انجام می دهند یا چیزی را به آنها می دهند آنقدر آن موضوع را تکرار می کنند و می گویند، که ای کاش هیچ گاه این عمل را برای هم نوع خود انجام نمی دانند و آن مشکل را در آن لحظه حل نمی کردند.

مقایسه کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال یادگیری با کودکان عادی شهرستان شهر کرد

Comparison of executive function in learning disabilities children with normal children in Shahr-e-kord city

نویسندگان: زینب غفاری (کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی (نویسنده مسئول)) - نرگس مولایی - سمانه قائدامینی (لیسانس علوم تربیتی (معلم دبستان))

Zeynab Ghaffari (Master degree in clinical psychology), Narges Molayi, Samane GhaedAmin (Bachelor Educational Science)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال یادگیری با کودکان عادی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش کلیه کودکان دارای اختلال یادگیری و کودکان شهرستان شهر کرد و بودند که از آن بین تعداد ۱۲۰ نفر - ۶۰ نفر کودک دارای اختلال یادگیری و ۶۰ نفر کودک عادی) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

روش پژوهش علی-مقایسه ای و ابزار پژوهش شامل پرسشنامه کارکردهای اجرایی داونسون-کوئیر (۲۰۰۹) بود.

داده ها با استفاده از روش تحلیل واریانس یک راهه تحلیل شدند.

تعریف سرقلی

ناتوانی یادگیری به گروهی از اختلالات ناهمگن اطلاق می شود که به صورت اشکالات جدی در فراگیری و کاربرد گوش دادن، حرف زدن، خواندن، نوشتن و محاسبه تظاهر می کند. این اختلالات احتمالاً منشأ عصب شناختی و روندی تحولی دارند که پیش از دبستان شروع و تا بزرگسالی ادامه پیدا می کند

کمیته مشترک ملی ناتوانی یادگیری، ۲۰۰۵

پنجمین راهنمای تشخیصی و اماری اختلال روانی خصیصه این اختلال را ایجاد مشکلاتی در پیشرفت تحصیلی یا کارکرد روزمره می داند. اختلالات یادگیری شامل اختلال خواندن، اختلال ریاضی، اختلال در بیان نوشتاری است (بیشاب و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس آمار جهانی، شیوع اختلال یادگیری بین ۳ تا ۱۰ درصد است. میزان شیوع این اختلال در ایران ۴ تا ۱۲ درصد گزارش شده است که با توجه به جوان بودن ایران حتی شیوع کم تر از این نیز می تواند جمعیت وسیعی را گرفتار کند (شیرازی و نیلی پور، ۲۰۰۴). دانش آموزان مبتلا به اختلالات خواندن،

نتایج پژوهش نشان داد بین کودکان دارای اختلال یادگیری با کودکان عادی در ابعاد پایداری توجه، آغازگری تکلیف، توانایی برنامه ریزی، سازمان دهی و انعطاف پذیری تفاوت معنی دار وجود دارد اما در خودکنترلی عاطفی بین دو گروه تفاوت معنی دار یافت نشد. بر این اساس، در برنامه ریزی درمانی برای کودکان دارای اختلال یادگیری باید بهبود کارکردهای اجرایی در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: اختلال یادگیری، کارکردهای اجرایی، کودکان عادی

were analyzed using one way analysis of variance. The results of the study showed that there is a significant difference in terms of attention sustainability, homework initiation, planning ability, organization and flexibility in learning disabilities children with normal children, but there was no significant difference in emotional self-control between the two groups. Accordingly, improvement in executive function should be considered in the planning of treatment for children with learning disabilities.

Key words: learning disruption, executive functions, Normal children

Abstract

The purpose of this study was to compare the executive functions of children with learning disabilities with normal children. The statistical population of the study was all children with learning disabilities and children in Shahr-e-Kord, in which 120 persons (60 children with learning disabilities and 60 normal children) were selected through available sampling method. The research method was causal-comparative and the research instrument was executive function questionnaire Dawson-Quire (2009). Data

در کودکان دارای اختلال یادگیری می شود. کلارک و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که کارکردهای اجرایی نقش موثری در اختلال یادگیری ریاضی دارند. سسما و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی کارکردهای اجرایی (حافظه فعال و برنامه ریزی) به این نتیجه رسیدند که کارکردهای اجرایی مانند تصمیم گیری - برنامه ریزی و سازمان دهی کمک مهمی به درک خواندن می کند. نتایج پژوهش محمودعلیلو و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بین کودکان عادی و کودکان با ناتوانی یادگیری ریاضیات در کارکردهای اجرایی بازداری پاسخ و توجه پایدار اختلاف معناداری وجود دارد. جان و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود دریافتند که استدلال، برنامه ریزی-سازماندهی و حافظه کاری دانش آموزان دارای اختلال ریاضی با کودکان عادی تفاوت دارد. با وجود اهمیت بسیار زیاد کارکردهای اجرایی در برنامه ریزی درمانی جهت کاهش ناتوانی این کودکان تحقیقات در این زمینه به خوبی رشد نکرده است؛ لذا پژوهش حاضر به دنبال مقایسه کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال یادگیری با کودکان عادی است.

را به این کارکردها اضافه کرد: سازمان دهی، برنامه ریزی - تصمیم گیری، حافظه کاری، حفظ و تبدیل کنترل حرکتی، ادراک زمان و پیش بینی آینده، بازسازی، زبان درونی و حل مساله (کلکمن و همکاران، ۲۰۱۳). از آنجا که تعریف یکسان و مورد توافق همگانی در بین صاحب نظران وجود ندارد، از این رو برخی از پژوهشگران و مولفان تعریف هایی را پیشنهاد کرده اند. یکی از این تعریف ها توسط پنینگتون و اوزونوف (۱۹۹۶) ارائه شده است که کارکردهای اجرایی را حوزه ی خاصی از توانایی ها می دانند که شامل سازمان دهی در فضا و زمان، بازداری انتخابی، آماده سازی پاسخ، هدف مداری، برنامه ریزی و انعطاف می شود. برون (۲۰۰۶). کارکردهای اجرایی را به طور خلاصه اعمالی دانست که برای خود و برای هدایت خود انجام می دهد تا خود کنترلی، رفتار هدف مدار و پیشینه سازی پیامدهای آینده را به اجرا در آورد. در زمینه اختلال در کارکردهای اجرایی کودکان دارای اختلال یادگیری، واتسون و همکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که نقص در کارکردهای اجرایی منجر به ایجاد دشواری و مشکلاتی در زمینه مسائل تحصیلی

بدون کمک های ویژه، معمولاً ضعیف عمل می کنند، دوستان و اعضای خانواده آنها را ناتوان می دانند و در نتیجه عزت نفس و انگیزه آنها بسیار پایین است (ویتر و تاردیف، ۲۰۱۴). همچنین ترک تحصیل در این افراد بالاتر است و آنان در عملکرد شغلی و اجتماعی خود نیز دچار مشکل می شوند (سادوک و سادوک، ۱۳۹۲). در همین راستا، پژوهش ها نشان داده اند که کودکان دارای اختلال یادگیری سطح بالایی از مشکلات اجتماعی و خلقی را در مقایسه با کودکان عادی دارند (مامارلا و همکاران، ۲۰۱۶؛ گارتلند و استروسنیدر، ۲۰۰۶). بر اساس آنچه مطرح شد شناسایی هرچه بهتر عوامل موثر بر این ناتوانی اهمیت زیادی دارد. یکی از عواملی را که می توان در این زمینه مهم دانست کارکردهای اجرایی است کارکردهای اجرایی، کارکردهای عالی دستگاه شناختی هستند که به مجموعه ای از توانایی های شناختی شامل خودگردانی، خودآغازگری و بازداری، برنامه ریزی راهبردی، انعطاف شناختی و کنترل تکانش گفته می شود (کارپنتر و همکاران، ۲۰۰۰). در واقع می توان فهرست بسیار جامع تری

ابزار پژوهش



بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه کارکردهای اجرایی در کودکان دارای اختلال یادگیری و کودکان عادی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد بین کارکردهایی اجرایی و ابعاد پایداری توجه، آغازگیری تکلیف، برنامه ریزی، سازماندهی، انعطاف پذیری و نمره کل کارکرد اجرایی بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد؛ اما در بعد کنترل عاطفی بین دو گروه تفاوت معنی دار وجود ندارد. نتایج پژوهش واتسون و همکاران (۲۰۱۶) در زمینه نقص در کارکردهای اجرایی در کودکان دارای اختلال یادگیری، کلارک و همکاران (۲۰۱۰) در زمینه اختلال در کارکردهای اجرایی در اختلال ریاضی، سمسا و همکاران (۲۰۰۹) در زمینه کارکردهای اجرایی تأثیر کارکردهای اجرایی مانند تصمیم گیری - برنامه ریزی و سازمان دهی در درک خواندن همسو با نتیجه پژوهش حاضر است. در تبیین نتایج به دست آمده باید گفت کارکردهای اجرایی یک کارکرد عصب روانشناختی است که به فرایندهای شناختی بالا برای برنامه ریزی و فعالیت هدفمند اشاره دارد که شامل شروع تکلیف و پیگیری، حافظه، تقویت توجه، برنامه ریزی، سازماندهی، بازداری رفتار، کنترل هیجانات، مدیریت زمان و حل مساله می باشد (داوسون و کوئیر، ۱۳۹۵). جایگاه کارکردهای اجرایی را در لوب پیشانی و پیش پیشانی دانستند؛ مناطقی از مغز که انتظار می رود در کودکان دارای اختلال یادگیری دارای مشکل باشد (دیویس، ۲۰۱۰؛ اندرسون، ۲۰۰۸). بر این اساس می توان نقص در کارکردهای اجرایی را در تبیین و توجیه تمامی اختلالات یادگیری مورد بررسی قرار داد. یکی از ابعاد کارکردهای اجرایی پایداری توجه است. پایداری توجه بیان کننده توانایی فرد برای حفظ توجه بر روی محرکی خاص، پیشگیری از حواس پرتی، پایداری در برابر موانع و پرسیدن سوال بعد از پایان تکلیف است (داوسون و کوئیر، ۱۳۹۶). به نظر می رسد پایداری در حفظ توجه یک مهارت پایه است که سایر انواع توجه نیازمند آن هستند و نقص احتمالی در آن می تواند توجیه کننده نقص در انواع دیگر توجه باشد (سلبرگ و متیر، ۲۰۰۱). همچنین توجه پایدار نقش مهمی در سایر کارکردهای اجرایی دارد؛ چرا که منجر به برنامه ریزی و سازماندهی دقیق تر شده و مهارت آغازگری تکلیف را بهبود می بخشد. سازماندهی و برنامه ریزی دو عملکرد اجرایی نزدیک به هم هستند که بیانگر اتخاذ راهبردی موثر برای کامل کردن تکلیف و سازماندهی فعالیت های مختلف برای رسیدن به یک هدف می باشد (داوسون و کوئیر، ۱۳۹۶). بر این اساس کودکان دارای اختلال یادگیری به دلیل مشکلات توجه قادر به استفاده از این راهبردها به ویژه در محیط های آموزشی نیستند. انعطاف پذیری اشاره به توانایی ارائه راه حل های مختلف برای انجام یک تکلیف و توانایی انطباق پایین در برخورد با تغییر دستورالعمل اجرای تکلیف است. بدیهی است که کودکان دارای اختلال یادگیری دارای چنین قابلیتی نیستند و نمی توانند خود را با الزامات انجام یک تکلیف هماهنگ کرده و در برابر تغییر دستورالعمل انجام تکلیف، فرضیات ذهنی خود را تغییر داده و با آن همسو نمایند. این حال نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که بین دو گروه از لحاظ کنترل عاطفی تفاوت معنی داری وجود ندارد. از آنجایی که کنترل عاطفی اشاره به مقاومت در برابر چالش های انجام یک تکلیف دارد می توان گفت در کودکان سنین پایین تر صرف نظر از اختلالی که دارند در این زمینه توانایی کمی دارند و به راحتی از انجام یک تکلیف مایوس می شوند. با افزایش سن کودکان عادی در این بعد توانایی بیشتری کسب می کنند و کاستی رشد در این بعد از کارکردهایی اجرایی همانند سایر ابعاد در کودکان دارای اختلال یادگیری محتمل به نظر می رسد.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کودکان دارای اختلال یادگیری و نیز کودکان عادی شهرستان شهر کرد در سال ۱۳۹۶ تشکیل دادند. نمونه پژوهش شامل ۱۲۰ نفر (۶۰ کودک مراجعه کننده به مرکز اختلالات یادگیری شهر کرد و نیز ۶۰ کودکان دبستانی فاقد اختلال یادگیری) بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

پرسشنامه کارکردهای اجرایی

پرسشنامه کارکردهای اجرایی توسط داوسون و کوئیر (۲۰۰۹) ساخته شده است و دارای سه نسخه دانش آموز، والدین و معلمان است که در این پژوهش از نسخه والدین استفاده شده است. این پرسشنامه ۱۸ سوال دارد که ۶ کارکردهای اجرایی را می سنجد. نمره گذاری این پرسشنامه به صورت لیکرت (۱=بدون مشکل تا ۵=مشکل زیاد) پاسخ داده می شود. ابعاد این پرسشنامه شامل پایداری توجه، آغازگری تکلیف، توانایی برنامه ریزی، سازمان دهی، انعطاف پذیری، خودکنترلی عاطفی است.

نتایج

جدول ۱ یافته های توصیفی پژوهش
همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود میانگین همه ابعاد به جز بعد کنترل عاطفی در گروه دارای اختلال یادگیری پایین تر است که نشانگر وجود اختلال بیشتر در کارکردهای اجرایی است به منظور بررسی معناداری تفاوت از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شده است. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه کارکرد اجرایی و ابعاد آن در دو گروه

همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می دهد، بین ابعاد پایداری توجه، آغازگیری تکلیف، برنامه ریزی، سازماندهی، انعطاف پذیری و نمره کل کارکرد اجرایی بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد؛ اما در بعد کنترل عاطفی بین دو گروه تفاوت معنی دار وجود ندارد.



گفته های ناگفته

۱۶۲. گرسنه خوابیدن بهتر است تا در قرض فرورفتن. حرص و طمع و حسادت
۱۶۳. حریص همانند گرگی درنده است که فقط می دزد.
۱۶۴. حرص و طمع یکی از ناعلاج ترین بیماری هاست، که فقط مرگ تنها چاره آن است.
۱۶۵. بدترین طمع، چشم داشتن به ناموس دیگران است.
۱۶۶. قناعت، تنها چاره ی مقابله با حرص و طمع می باشد.
۱۶۷. هیچ گاه حسود را به دوستی نگیر.
۱۶۸. انسان های حسود، همانند پرنده های کوچکی هستند که می دانند عقاب چیست و قدرتش چقدر است، پس نمی توانند با او مقابله کنند و فقط شکارهایش را فراری می دهند.
۱۶۹. انسان حسود هیچ گاه طعم خوش زندگی خودش را نمی چشد.
۱۷۰. حسود، همیشه نقشه اش را روی حباب آب می کشد و هیچ تاثیری بر دیگری ندارد.
۱۷۱. انسان حسود و حریص در خانه خودش هم غریب است.
۱۷۲. روشنایی در دل حسودان جایی ندارد.
۱۷۳. در قیاس سخاوت و حسادت همین بس که سخاوت همانند دانه ای است که به خاک بدهی ۷۰ دانه به تو پس می دهد.
۱۷۴. انسان های طمعکار و حریص هیچگاه سیر نمی شوند و هر آنچه به آنها ببخشی باز از تو طلبکار هستند.
۱۷۵. طمع کاران انسان های نادانی هستند که پس از مدتی گدایی را هم یک زرنگی مخصوص خود می دانند.
۱۷۶. انسان های حریص، همیشه خود را گرسنه نگه می دارند از ترس آنکه شاید برای فردا نانی نداشته باشند.
۱۷۷. پادشاه آن است که خدا رزاق اوست.
۱۷۸. همیشه دروغ گویان، طمع کاران را به بازی می گیرند.
۱۷۹. انسان های عاقل از فهم خود و آنچه می بینند تبعیت می کنند و طمع کاران از گوش خود و آنچه دیگری می گوید پیروی می کنند.

جداول

جدول (۱)

میانگین و انحراف استاندارد ابعاد کارکردهای اجرایی در دو گروه

گروه	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	رتبه	رتبه
کنترل تحصیلی	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۹۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۵	۲	۲
گروه	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۰	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۱	۲	۲
اجتناب از تکلیف	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
بررسی و ارزیابی	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
مراقبت	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
انتقادگری	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
توجه بصری-فضایی	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲

جدول (۲)

نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه کارکرد اجرایی و ابعاد آن در دو گروه

گروه	نوع	میانگین	انحراف استاندارد	رتبه	رتبه
کنترل تحصیلی	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۹۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۵	۲	۲
گروه	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۰	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۱	۲	۲
اجتناب از تکلیف	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
بررسی و ارزیابی	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
مراقبت	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
انتقادگری	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲
توجه بصری-فضایی	نویسنده در نوشتن	۶۰	۶۶۱	۱	۱
	نویسنده در خواندن	۶۰	۶۶۲	۲	۲

منابع و مأخذ:

- داوسون پ، کوئیر ر. (۱۳۹۶). کارکردهای اجرایی در کودکان و نوجوانان. ترجمه علی اکبر ابراهیمی، احمد عابدی، سالار فرامرزی، بیتا آگاهی و منیر بهروز. اصفهان: نشر نوشته، ۳۲۴ ص.
- جان، م، ابراهیمی قوام، ص، علیزاده، ح. (۱۳۹۱). بررسی کارکردهای اجرایی استدلال، برنامه ریزی - سازماندهی و حافظه کاری در دانش آموزان با و بدون اختلال ریاضی در مقطع ابتدایی استان تهران. فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی، شماره ۵، سال دوم، ۲۲-۴۲.
- خاکی زانی، سارا. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی روش بارکلی با روش داوسون-کوئیر بر کارکردهای اجرایی، مشکلات رفتاری و علایم بیش فعالی در کودکان پیش دبستانی دارای و علایم نقص توجه/بیش فعالی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد خوراسگان.
- سادوک ب و سادوک. و. (۲۰۰۸). خلاصه روانپزشکی. ترجمه خسرو سبحانیان و حسن رفیعی. تهران: شهر آب.
- شیرازی، ط، نیلیپور، ر. (۱۳۸۳). طراحی و معیاربای آزمون تشخیصی خواندن. فصلنامه علمی پژوهشی توانبخشی، ۷(۱)، ۷-۱۱.
- محمود علیلو، م، هاشمی نصرت آباد، ت، فلاحی، ا. (۱۳۹۴). مقایسه کارکردهای اجرایی بازداری پاسخ و توجه پایدار در کودکان با ناتوانی یادگیری ریاضیات و کودکان عادی. اندیشه و رفتار، دوره نهم (۳۵) ف ۲۷-۲۹. J. (۲۰۱۴)

- Andersson, Ulf. (2008). Mathematical competencies in children with different types of learning difficulties. *J Educational Psychology*, 100, 48-66.
- Bishop, S., Lau, M., Shapiro, S., Carlson, L., Anderson, N.D., Carmody, J. (2014). Mind fullness: A proposed operational definition. *Clinical Psychology: Science and practice*. 11(2), 230-241.
- Brown, T. E. (2006). Executive Functions and Attention: Deficit Hyperactivity Disorder. Yale University, USA. *International Journal of Disability. Development and Education* ,53(1), 35-46.
- Carpenter, P. A., Just, M. A., Reichle, E. D. (2000). Working memory and executive function: Evidence from neuroimaging. *Current Opinion in Neurobiology*, 10(2), 195-199.
- Clark, C.A, Pritchard, V.E., Woodward, L.J. (2010). The development of children's executive function predicts early mathematics achievement. *Developmental Psychology*, 46, 1176-1191.
- Davis, A. S. (2010). *Handbook of Pediatric Neuropsychology*. New York. Springer Press Company.
- Gartland, D., & strosnider, R. (2007). Learning Disabilities and young children: Identification and Interevention. *Learning Disability Quarterly*, 30(1)72. 20-33
- Kolkman, M., Hoijsink, H.J.A., Kroesbergen, E.H., Leseman, P.P.M. (2013) The role of executive functions in numerical magnitude skills. *Learning and Individual Differences*, 24, 145-151.
- Mammarella, I.C., Ghisi, M., Bmbo, M., et al. (2016). Anxiety and depression in children with nonverbal learning disability, reading disabilities or typical development. Article first published online, 49(2), 130-139.
- Sesma, H.W., Mahone, E.M., Levine, T., Eason, S.H., Cutting, L.E. (2009). The contribution of executive skill to reading comprehension child *Neuropsychol*, 15:232-46.
- Sohlberg, M. M., Mateer, C. A. (2001). *Cognitive Rehabilitation: An Integrative Neuropsychological Approach*. (2nd ed). New York. Guilford Press.
- Watson, S.Gable, R.A., Morin, L. (2016). The Role of Executive Functions in Classroom Instruction of Students with Learning Disabilities. *International Journal of School and Cognitive Psychology*, 3(1), 1-5.
- Wiener, J., & Tardif, C. (2014). Social and emotional functioning of children with learning disabilities: Does special education placement make a difference? *Learning Disabilities Research and Practice*, 19, 20-33

گفته های ناگفته

۱۸۰. باید مواظب بود که در زندگی آنچه موجب تضرر دیگری است انجام ندهیم، و آنچه را هم که ندیده ایم به زبان نیاوریم.

حقیقت

۱۸۱. برای جوانان دردی بالاتر از این نیست که چیزی را که می خواهند فقط آرزو کنند.

۱۸۲. اضطراب و ترس عقل را زایل می کند.

۱۸۳. انسان های نیک اندیش هم روزی خسته رفتار سوء استفاده گران می شوند.

۱۸۴. احترام تا جایی هست که حیا هم وجود دارد.

۱۸۵. روزی که تنها امیدت خدا شود، تو تنها امید دیگران خواهی شد.

۱۸۶. انسان دانا همیشه از دشمن خود یک روز جلوتر است.

۱۸۷. انسان های نادان تنها آرزو کردن را انجام می دهند.

۱۸۸. جوانان منتقد را برای خود حفظ کن، آنان پیران دانایی برایت خواهند شد.

۱۸۹. از گفتن حقیقت نترس، شاید شیرانی خفته را بیدار کند.

۱۹۰. حقیقت را بگو، شاید راه گشای برخی مظلومان شود.

۱۹۱. حقیقت را بگو مسلماً روزی جوانه خواهد زد و محصولش را عده ای درو خواهند کرد.

۱۹۲. حقیقت را بگو، شاید برای عده ای سراب باشد ولی تو مسیر آب را نشان داده ای.

۱۹۳. همه می دانند حقیقت چیست! ولی شجاعت ندارند بگویند حقیقت چیست!

۱۹۴. حقیقت عطری دارد که تنها مشتریان مخصوص خود را می طلبد.

۱۹۵. حقیقت را تنها می تواند با الماس قیاس کرد، شاید کم باشند ولی بسیار ارزشمند هستند.

۱۹۶. سکوت قدرتی دارد که گاهی هیچ فریادی به پایش هم نمی رسد.

۱۹۷. کسی که حیا دارد را به دوستی بگیر، چون آدمهای بی حیا همچون گربه ای می مانند که اگر عمری به آنها نان دهی موقع رفتن چنگی به صورتت روانه می کنند. ۱۹۸. هر چیزی را می توان تحمل کرد حتی بی مهری را، ولی انسانهای آزاده بی حیایی را هرگز تحمل نمی کنند.

۱۹۹. ای انسان ها تا کی می خواهید طغیانگری را ادامه دهید. آیا دیگر کافی نیست که بدانید انسان هستید. خدای متعال آنقدر مهربان است که برای آفریده ی خود ۱۲۴ هزار پیغمبر را فرستاد تا مگر اینکه خلق شده اش برگردد و توبه کند تا از نعمت هایش استفاده کند.

۲۰۰. اعتقاد قلبی سنگ را می شکند. ۲۰۱. اعتماد بیش از حد موجب طغیان طرف مقابل خواهد شد. ۲۰۲. خوشبینی بی جا موجب پشیمانی خواهد شد. ۲۰۳. مرد دانا، خودش را برای هرگونه ویرانی آماده خواهد کرد. ۲۰۴. هر چیزی جای خودش معنا ندارد؛ محبت جایی که خریداری ندارد مانند کاشتن تخم گندم در نمک زار است. ۲۰۵. بیشتر مشکلات از اشتباهات بسیار کوچک سرچشمه می گیرد. ۲۰۶. خیلی از مردم فرق آسایش و آرامش را نمی دانند. ۲۰۷. بهترین مثال برای محبت (آسایش و آرامش) رابطه کودک با مادرش است هنگام شیر خوردن. ۲۰۸. گریه کودکان به هر دلیلی باشد با آغوش گرفتن ساکت می شود، این است دلیل آرامش.

تأثیر اجتماعی انفاق در قرآن

نویسنده: سیده حمیده مومنی
طلبه سطح ۳ غیر حضوری حوزه علمیه قم

چکیده

انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از بخشش کردن مال های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است می باشد. قرآن با تعبیر متعدد مؤمنان را به انفاق کردن در راه خدا فرمان داده است؛ در فرهنگ دینی جامعه اسلامی پرداختن به روش هایی همچون انفاق و گسترش آن در فرهنگ عمومی به ویژه در غالب سیره مؤمنین حائز اهمیت است موضوع انفاق عمری به درازای تاریخ دارد یعنی از همان آغاز رسالت انبیاء (علیهم السلام) همواره انفاق و صدقه دادن برای خدا یکی از اعمال صالح و نیک محسوب می گردید. باید دانست که انفاق یکی از مهمترین اصول تربیتی در سیاست اجتماعی و مکتب اقتصادی اسلام است. اصلی ریشه ای و مهم و فراگیرنده همه جوانب زندگی آدمی، و ویران کننده تکاثر و اسراف، و سازنده حیاتی آکنده از ارزش ها، و پر بار از انسانیت و فضیلت و مایه رشد و قوام توده ها می باشد. انفاق، موجب ادای حقوق دیگران و گامی در راه «مواصات اسلامی» و نابودی تکاثر و فرو نخواهی و مایه نابودی فقر و تهیدستی و اصلاح جامعه و مانع هلاکت اجتماع است. کلید واژه ها: انفاق، تاثیر اجتماعی، قرآن، روایات

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (علیه السلام) مورد توجه قرار گرفته است موضوع انفاق است. حضرت فاطمه الزهرا (علیه السلام) فرمودند: «از دنیای شما سه چیز را پسندیدم و آن ها را دوست دارم: قرائت قرآن، نگاه به سیمای پیامبر خدا (صلی الله و علیه و اله و سلم) و انفاق در راه خدا». انفاق به تعبیر قرآن قرض دادن به خدا و مایه ی تزکیه مال و جان می باشد.

انفاق از ماده نَفَقَ به معنای کم شدن و نابود شدن است و یعنی اینکه مالی را انسان از دست بدهد به این گونه که از ملکش خارج شود و به ملکیت شخص دیگر داخل شود. و انفاق مایه ی فزونی و رشد



هرگز به نیکوکاری نمی رسید
تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید.
[این سلام را در دل نثار ما نکنیم]

مشکلات کمک نماید.

حل تمام مشکلات فردی و اجتماعی توسط دولت امکان پذیر نیست. اسلام حل معضلات را هم بر عهده فرد می داند و هم بر عهده اجتماع. ما به دنبال آن هستیم که چگونه می توان به کمک انفاق به رشد و تعالی جامعه کمک کرد و تقویت انفاق چه تأثیری در حل معضلات اجتماعی دارد و دنبال این هدف خواهیم بود که دریابیم اسلام برای انفاق تا چه حد تأثیر در روحیه افراد و کمک به نظام اسلامی و حل مشکلات اجتماعی قائل است. بازخوانی انفاق از این جهت که می تواند منشأ بسیاری از خدمات مردم نهاد گردد نیز ضرورت پیدا می کند. در زمانه ای که دشمنان اسلام در صدد کم رنگ جلوه دادن احکام نورانی اسلام هستند و حس فرد گرایی افراد را تقویت می کنند، احیاء نمودن و تبلیغ احکام اجتماعی اسلام ضرورت مضاعفی پیدا می نماید. در این راستا ضرورت تحقیق از انفاق و توجه به دیگران نیز به خوبی نمایان می گردد.

این نوشتار به روش توصیفی و پس از بیان معنای انفاق و انواع آن، به بیان تاثیر انفاق در زندگی اجتماعی می پردازد.

مفهوم شناسی «انفاق»

انفاق از «نَفَقَ» مشتق شده و به و تمامی طُرق انحرافی را به وسیله معنی شکاف است. مفهوم آن نیز آن زدود و نابود کرد. انفاق در پر کردن شکاف است. انفاق یعنی یک کلام پُر کردن دره های نفاق و از بین بردن حفره هایی که جامعه فریب است برای رهایی انسان از را دچار اضمحلال عمیقی می کند، سقوط در آنها و نجات او از نابودی. زیرا با توجه به روح کلی آن باید انسان منفق که دائماً انفاق گفت که مفهومش را بدون شناخت می کند دادگستر است، ولی انسان مضمون نفاق نمی توان درک کرد منافق دام گستر است و این دو و انسان منفق را بدون ارزیابی گروه هستند که تمامی التهابات و انسان منافق نمی توان شناخت. زد و خوردهای تاریخ را می سازند انفاق هموار کردن راههای نفاق و جامعه شیطانی و جامعه خدایی است، یعنی گودالهایی که در را تشکیل می دهند زیرا یک فضای جامعه توسط منافقین به طرف دام است و طرف دیگر داد. وجود می آید را باید با انفاق پر کرد (پرورش، ب، تا، ص ۸).

انواع انفاق

خداوند به انسان نعمت های فراوانی بخشیده است. قرآن نعمت ها امانتی تلقی می گردد که دستور داده است که: «ای مؤمنان، از آنچه روزی شما کرده گرفته است تا از طریق استفاده ایم به دیگران انفاق کنید». بر این اساس انفاق شامل تمام مواهب نیازهای مادی، به کمالات معنوی مادی و معنوی می شود و افراد پرهیزگار و باتقوا نه تنها دیگران را در مال خود، بلکه در دانش و سایر تخصص هایی که دارند، شریک می کنند؛ حتی از بذل آبرو و موقعیت اجتماعی برای برآوردن نیازهای هم نوعان و برادران دینی شان مضایقه نمی کنند؛ چون در

الف) انفاق مالی

ب) انفاق غیر مالی

گفته های ناگفته

۲۰۹. مردی که نیاز زنش را بخرد زن هرگز نازش را به دیگری نخواهد فروخت. ۲۱۰. یک نگاه محبت آمیز مرد برای همسرش برابر است با تمام دنیا.

۲۱۱. جمله دوستت دارم برای یک زن از طرف شوهرش یک آرمان حقیقی است.

۲۱۲. حسودان همیشه به دنبال رخنه در زندگی مشترک دیگران هستند.

۲۱۳. آرامش و اقتدار یک مرد در اعتماد به همسرش می باشد.

۲۱۴. مردانی که همسرانی پاک دامن و مهربان دارند هرگز پیر نخواهند شد.

۲۱۵. برخی زنان طوری رفتار می کنند که دوستی و دشمنی شان برای شوهر هرگز مشخص نخواهد شد.

۲۱۶. محکم ترین تکیه گاه برای زن در زندگی اش شوهر اوست.

۲۱۷. زن همانند غنچه گلی است که اگر خوب مواظبت شود شکفته خواهد شد و عطرش فضای خانه را معطر خواهد نمود، مرد نیز ساقه آن گل است که اگر مورد لطف و مهربانی قرار نگیرد آن غنچه هیچ گاه شکفته نخواهد شد.

۲۱۸. گاهی یک بی مهری موجب یک دلخوری طولانی و بعد به یک کینه قدیمی تبدیل خواهد شد.

۲۱۹. رفتار بزرگان خانواده در روابط سایر افراد باهم نقش موثری دارد.

۲۲۰. مردان باغیرت وفادار ترین مردها هستند.

۲۲۱. چه خوب بود اگر همه مردها رازهای نگفته زنان را از سکوتشان می فهمیدند.

۲۲۲. مادران شجاع، بچه های دلاور به دنیا می آورند.

۲۲۳. هیچ زن عاقلی غیرت و تعصب مردش را امتحان نمی کند.

۲۲۴. در انتخاب های مهم اول باید چشم ها را کاملاً باز کرد و دائماً به حالت آماده باش و محتاط بود و بعد از انجام عمل دیگر باید چشم ها را بست و با خیال آسوده به زندگی رسید.

را مانند دانه ای می خواند که با کشته شدن، به هفت خوشه و هر خوشه به صد دانه تبدیل می شود: **مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ** سپس این هفتصد را دو برابر می کند که: **وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ بَا بِيَانِ وَسَعَتِ فِضْلُ وَ گستره ی علم خدا، راه را برای هزاران برابر دیگر نیز، باز می گذارد: وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.** (سوره بقره (۲) آیه ۲۱۵)

دینی و علمی چگونه خواهد بود؟
آنسان که بذر محبت خدا را در زمینه دل های آماده می افشاند و با زلال حکمت بر آمده از اخلاصشان آبیاری می کنند و گم گشتگان را به مقصد و مقصود، آشنا تر می سازند، آیا از هر کلمه طیبه ای که توسط آنان در دل ها کشته می شود، چندین برابر برکت نمی روید؟
مسئلاً این انفاق کنندگان فراتر از انفاق مالی بهره می برند و پاداش های ملکوتی آنان وصف ناپذیر است. در حالات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است (ص ۱۲۶)

الف) انفاق مالی

در میان انفاق ها و بخشش های در راه خدا، کم ارزش ترین آنها انفاق مالی است. با این حال خداوند انفاق یک درهم در راه خویش

الف) انفاق غیر مالی

مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ. سپس این هفتصد را دو برابر می کند که: **وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ بَا بِيَانِ وَسَعَتِ فِضْلُ وَ گستره ی علم خدا، راه را برای هزاران برابر دیگر نیز، باز می گذارد: وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.** (سوره بقره (۲)، آیه ۲۶۱)

اگر پایین ترین مرتبه انفاق از چنین پاداشی برخوردار است، پاداش خدمات

آداب و شرایط انفاق کردن در قرآن کریم و سنت

انفاق به عنوان یکی از اسباب ورود به بهشت در قرآن معرفی شده (شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ۱۳۸۶، ص ۲۱۹) و بدون شک آن نیز مانند بسیاری از امور مراتب و در جاتی دارد و هر نوع انفاقی را نمی توان انفاق ارزشمند تلقی کرد. لذا باید دید که در قرآن و سنت پیشوایان دین آداب و شرایط انفاق چیست؟ با غور در آیات و روایات می توان آداب و شرایط ذیل را برای انفاق مطرح کرد

پرهیز از منت گذاری و آزار رسانی

شرط دیگر بهره مند شدن انفاق گران از پاداش الهی این است که انفاق با منت گذاشتن بر نیازمندان یا آزار آنان همراه نباشد. خداوند متعال می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا (سوره بقره (۲) آیه ۲۶۴)

(ای کسانی که ایمان آورده اید! بخشش های خود را با منت و آزار، باطل نسازید؛ همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند.... کار (و) همچون قلعه سنگی است که بر آن (قشر نازکی در) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشاندن شود) و رگبار باران به آن برسد (و همه ی خاک ها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند آنها از کاری که انجام داده اند چیزی به دست نمی آورند.

انفاق از مال حلال

قرآن کریم به مؤمنان فرمان داده که از اموال پاکیزه ای که به دست آورده اند انفاق کنند.

خداوند متعال در سوره بقره آیه ۲۶۷، می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمت های پاکیزه ای اموال خود که (از طریق تجارت) به دست آورده اید انفاق کنید.

بنابر حدیثی، امام صادق (علیه السلام) به شخصی که با مال دزدیده شده را انفاق می کرد فرمودند: خداوند تنها از پرهیزکاران (اعمال خیر را) می پذیرد:

(أَنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ).. (مجلسی، ج ۴۷، ۴۰۳، ص ۲۳۸)

اسلام و ایمان

خداوند متعال در سوره ی حدید، آیه ۷ می فرماید:

«أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ»؛ (به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده ی (خود) در آن قرار داده انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند اجر بزرگی دارند.) (طبری، ج ۱۰، ۱۴۱۵، ص ۱۹۵ - ۱۹۶)

قصد قربت و پرهیز از ریا

خداوند متعال در سوره ی بقره آیه ۲۶۶: **(أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضَعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ**. (آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندی (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام)، گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید ببندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید) علامه طباطبایی در خصوص این آیه می فرماید انفاقی که فقط برای خدا باشد، هرگز بی اثر نمی ماند و بی شک روزی تاثیر آن نمودار می گردد. چنین انفاقی مورد عنایت خداست و چون جنبه ی خدایی دارد و به خدا متصل است، مانند خداوند باقی و محفوظ خواهد بود. البته لطف خدا به نسبت درجات اخلاص متفاوت است؛ مانند باغی در زمین مرغوب و حاصل خیز که با هر نوع باران محصول می دهد؛ اما کیفیت و کمیت محصول آن به مقدار و نوع باران بستگی دارد. (طباطبائی، ج ۲، ۱۳۴۸، ص ۳۹۵)

انفاق مفهوم وسیعی دارد که منحصر به مال نیست بلکه علم و هدایت و آبروی اجتماعی و سرمایه های مادی و معنوی را نیز شامل می شود.

(الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ). (سوره بقره (۲) آیه ۳)

در آیه فوق به صفات متقین اشاره شده است که آنها علاوه بر ارتباط نزدیک که با خداوند دارند از طریق انفاق ارتباط خود را با انسان های دیگر نیز تحکم می بخشند. با توجه به این نکته که قرآن نمی گوید «من اموالهم ینفقونم»، «از اموالشان انفاق می کنند» بلکه می گوید «مما رزقناهم»، «از آنچه به آنها روزی دادیم» انفاق می کنند می توان به این نتیجه رسید که انفاق تمام مواهب مادی و معنوی را شامل می شود.

بنابراین از صفات مردم پرهیزگار این است که از هر آنچه دارند از جمله علم، عقل، دانش، نیروهای جسمانی و مقام و موقعیت اجتماعی خویش بدون انتظار پاداشی انفاق می کنند. چنین انسانی مالک اصلی را خدا می داند و انفاق را یک قانون عمومی در جهان آفرینش تلقی می کند که در آن همه اجزاء آفرینش در حال ایثار به یکدیگر هستند در نتیجه با رضایت کامل مواهب و نعمت های خداوند را در اختیار بندگانی قرار می دهد و از این طریق رضایت و خشنودی خداوند را برای خویش مهیا می سازد. امام صادق (ع) در حدیثی در تفسیر جمله **مما رزقناهم ینفقون** فرمود: «ان معناه و مما علمناهم یتبتون»، (مفهوم آن این است که از علوم و دانش هایی که به آنها تعلیم داده ایم نشر می دهند و به نیازمندان می آموزند. مفهوم این سخن آن نیست که انفاق مخصوص علم است بلکه چون غالباً نظرها در مسأله انفاق متوجه انفاق مالی است امام با ذکر این موضوع می خواهد گستردگی مفهوم انفاق را روشن سازد.) (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳۶۵، ۲، ص ۷۴)

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»

از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟

بگو: هر مالی که (می خواهی) انفاق کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان باشد. و (بدانید) هر کار خیری که انجام دهید، همانا خداوند به آن آگاه است.

آثار اجتماعی انفاق



گفته های ناگفته

۲۲۵. زنان، مهربانی همسران خودشان را در گفتن جمله "یادت نره دوستت دارم" پیدا می کنند.
۲۲۶. مردها باید بدانند که همسرانشان همیشه منتظر یک کلمه از آنها هستند؛ جمله "دوستت دارم"
۲۲۷. زن ها بدانند که ابراز نکردن محبت از سمت شوهر دلیل بر بی توجهی نیست بلکه اشتباهی است بخشودنی.
۲۲۸. توجه هر روزه به زن همانند نیاز گل است به آفتاب.
۲۲۹. زن ها بدانند مردها بسیاری از اوقات اعتماد را با محبت کردن اشتباه می گیرند.
۲۳۰. توجه به زن آرامش، توجه به مرد آسایش خواهد داشت.
۲۳۱. چه سخت است مردی که جان می دهد، ولی زنش طالب زبان است.
۲۳۲. چه بحرانی است هنگامی که مردی، زنی را بیشتر از جانش دوست دارد ولی نمی تواند این جان را به زن نشان دهد.
۲۳۳. خداوند به زن جان و شوهرش به او زندگی می دهد.

انفاق از چیزهای محبوب و مرغوب

از شرایط دیگر بهره مندی از پاداش الهی در انفاق این است که انفاق از سرمایه های مورد علاقه انفاق کننده صورت گیرد.

خداوند متعال در سوره ی آل عمران آیه ۹۲ می فرماید: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ)؛ هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر این که از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.

البته این تفسیر مبتنی بر این نظر است که ضمیر (حبه) به طعام باز گردد. لذا این آیه یکی از ارکان و پایه های رسیدن به بر و تمام خوبی ها را این میدانند که انسان مؤمن از آن چه که دوست می دارد انفاق کند و دلیل تأکید بر این نکته نیز این است که دل کندن از مال بسیار دشوار است و کسی که حاضر باشد از مال و دارایی خود دل بکند، گامی بلند در حرکت به سمت قلّه خوبی ها برداشته است. (طباطبائی، همان، ج ۳، ص ۳۹۴)

میان روی در انفاق

شرط مهم دیگر برای انفاق، رعایت اعتدال، و پرهیز از افراط و تفریط در این کار خیر است. خداوند متعال در سوره ی فرقان آیه ۶۷ می فرماید:

(وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا)؛ و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو حدّ اعتدالی دارند.

در تفسیر این آیه از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده که آن حضرت مشتی سنگ ریزه برداشت و آن را محکم در دست گرفت و فرمود: این (اقتار) است و مشتی دیگر برگرفت و چنان دست را گشود که همه ی ریگ ها ریخت و فرمود: که این «اسراف» است و بار سوم که سنگریزه ها را برداشت، دست را تا آن حد گشود که برخی از ریگ ها ریخت و برخی دیگر ماند و فرمود: این «قوام» است.

پنهان و مخفی بودن انفاق

هر چند انفاق در راه خدا، چه آشکار باشد و چه نهان، دارای اجر و پاداش است. البته انفاق پنهانی پاداش بیشتری دارد:

(إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ)،

(سوره بقره (۲) آیه ۲۷۱) اگر انفاق ها را آشکار کنید خوب است؛ و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است؛ و قسمتی از گناهان شما را می پوشاند (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد). برخی مفسران معتقدند که در چنین انفاقی ریا قطعاً ممکن نیست و آبروی نیازمندان نیز محفوظ می ماند. (مکارم شیرازی، همان، ج ۲، ص ۳۴۹)

صاحب المیزان بیان کرده اند که خداوند در این آیه، هر دو گونه صدقه پنهان و آشکار را ستوده است؛ زیرا هر کدام آثار مثبتی به دنبال دارند. صدقه ی آشکار باعث تشویق مردم و دعوت عملی به کار نیک می شود و هم چنین مایه ی دلگرمی فقرا و بیچارگان است؛ زیرا فقراء احساس می کنند در جامعه انسان های دل رحم وجود دارند که به فکر آنها هستند و این موجب می شود که آن ها امید خود را از دست ندهند. فائده ی صدقه ی پنهانی نیز این است که از ریاکاری و متّ گذاشتن و اذیت کردن دورتر است و آبروی فقیر محفوظ می ماند و اخلاص نیز در این نوع انفاق بیشتر از صدقه ی آشکار است. در مجموع، نتایج مثبت صدقه ی آشکار، بیشتر از صدقه ی پنهان است.

(طباطبائی، ج ۲، همان، ص ۴۰۱)

جامعه انسانی به منزله تن واحد و دارای اعضای مختلف است، و اعضای آن هر چند اسامی و اشکال مختلف دارند، اما در مجموع، یک تن را تشکیل می دهند، و در غرض و هدف زندگی متحد هستند، از حیث اثر نیز همه مربوط به هم هستند، وقتی یکی از اعضا، نعمتی را از دست می دهد مثلاً فاقد صحت و سلامتی شده و در عمل خود کند می گردد، همین عارضه هر چند که در نظر بدوی، متوجه یک عضو است، ولی در حقیقت تمام بدن در عملکرد خود کند و سست می گردد، و به خاطر نرسیدن به اغراض زندگی خسران و ضرر می بیند.

پس یک فرد از جامعه که عضوی از یک مجموعه است، اگر دچار فقر و احتیاج شد، و ما با انفاق خود وضع او را اصلاح کردیم، هم دل او را از رذائلی که فقر در او ایجاد می کند پاک کرده ایم، و هم چراغ محبت را در دلش ایجاد نموده ایم، و هم زبانش را به گفتن خوبیها به راه انداخته ایم، و هم او را در عملکردش نشاط بخشیده ایم، و این فوائد عاید همه ی جامعه می شود، چون همه افراد جامعه به هم مربوط هستند، پس انفاق یک نفر، اصلاح حال هزاران نفر از افراد جامعه است. (سیدمحمد حسین، طباطبائی، جلد ۲، همان، ص ۵۹۵)

خیر و برکت

از جمله آثار انفاق، خیر و برکت در رزق و روزی و بازگشت سود آن به انفاق کننده است. خدای سبحان می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره بقره (۲) آیه ۱۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند بذری است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد آن را [چند برابر می کند، و خداوند گشایشگر داناست]. امام صادق (علیه السلام) به مردی که با اشاره به آیه «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ...» ادعا کرد که او انفاق می کند، اما عوض و جایگزینی نمی بیند. فرمود: آیا خیال می کنی خداوند خلف

وعده می کند؟ [آن مرد] گوید: عرض کردم: نه. فرمود: پس علت چیست؟ گفتم: نمی دانم. حضرت فرمود: اگر فردی از شما مال حلال به دست آورد و به حق انفاق کند، درهمی انفاق نکند، مگر این که خداوند عوض آن را بدهد. امام صادق (علیه السلام) در جمله کوتاهی می فرماید: «انفق و ایقن بالخلف؛ انفاق کن و به عوض یقین داشته باش.» در جمله دیگری می فرماید: «ان الصدقه تقضى الدين وتخلف بالبرکة؛ صدقه دادن، دین را ادا می کند و برکت برجای می نهد.» با توجه به آیات و روایات، انفاق و کمک های مالی به نیازمندان اگر برای رضای خدا باشد، باعث خیر و برکت و گشایش رزق و روزی خواهد شد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۵۵۲)

خدا شناسی

۲۳۴. ذات برخی را هر چه هم که خوبی کنی همچنان پلید است و نمی توان مفهوم واقعی دوستی را برای آنها بیان کرد، همانند داستان مرد چوپانی که روزی در بیابان ماری سمی را از هلاک نجات داد و بعد همان مار چوپان را نیش زد و کشت یا داستان عقرب و قورباغه ای که عقرب می خواست از برکه ای رد شود ولی نمی توانست، قورباغه او را سوار بر خود کرد و به آن سوی برکه رساند در همان لحظه عقرب نیش خود را در پشت قورباغه فرو برد و هنگامی که گفتند چرا این کار را کرده ی گفت نیش عقرب نه از بهر کینه است بلکه اقتضای طبیعتش این است.

مانه برای گرد آوردن مال، بلکه برای انفاق آن صعوبت شده ایم

خیر و سعادت ابدی

عمده ترین اثر انفاق و رسیدگی به امور نیازمندان واقعی، خیر و سعادت ابدی و عاقبت و فرجام نیک و شایسته ای است که نصیب انسان های خیر و نیکوکار خواهد شد. زندگی در این دنیا، زودگذر و موقتی است خوبی ها و بدی ها، تلخی ها و شیرینی های آن نیز پایدار و همیشگی نخواهد بود، آنچه که مهم است حیات پس از مرگ است که لذت های آن علاوه بر این که جاوید و همیشگی است از لحاظ حظ و بهره نیز با لذت های دنیا قابل مقایسه نخواهد بود. رنج، عذاب و گرفتاری هایش نیز نه از حیث مدت و زمان و نه از لحاظ شدت و طاقت فرسایی؛ با تلخی ها و گرفتاری دنیا قابل مقایسه نیست. فضل و رحمت یاد شده و خیر و سعادت ابدی، نصیب انسان هایی می شود که احکام اسلامی را در زندگی خود رعایت کرده و از مال و دارایی خود، برای رضای خدا و کمک به نیازمندان، انفاق می نمایند: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آَنَفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ ؛ (سوره رعد(۱۳) آیه ۵۲ تا ۵۴) و آن ها که به خاطر ذات پروردگارشان شکیبایی می کنند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آن ها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند؛ و با حسنات، سینات را از میان می برند؛ برای آن ها پایان نیک سرای دیگریست».

بر قراری عدالت اقتصادی در اجتماع

عدالت اقتصادی و بر طرف شدن خلا های اقتصادی در جامعه از اهداف عالی تعالیم اسلام در نظام اقتصادی، اصل عدم تمرکز ثروت و رفع اختلافهای فاحش و غیر عادلانه در نظام اقتصادی می باشد که در قرآن هم مورد تاکید قرار گرفته است. به طوری که طبق آیه شریفه ((...كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ)) سوره حشر(۵۹)، آیه ۷) توزیع ثروت های عمومی به منظور جلوگیری از تمرکز ثروت و در نتیجه ایجاد توازن اقتصادی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی است. یکی از آثار انفاق این است که می تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سوی طبقات کم در آمد سوق داده و در جهت رفع فقر نقش فعال داشته باشد. این در حالی است که از سوی دیگر همواره بر کار و کوشش برای استقلال اقتصادی توصیه و تاکید و از اظهار احتیاج و فقر نهی شده است. و استغناء و بی نیازی از مردم مورد تحسین اسلام می باشد لذا با این جامع نگرى دستورات اسلام در زمینه اقتصادی، هم کمبود ها و خلا ها جبران گشته و هم از سستی و تنبلی و بار خویش را گردن دیگران افکندن، جلوگیری به عمل آمده است. (روح الله، بیگی، همان، ص ۲۹۸ و ۲۹۷)

آثار اقتصادی انفاق

انفاق در راه خدا فواید فراوانی دارد و مایه ریشه کن شدن فقر اقتصادی است - چون فقر طبیعی مانند پیری، بیماری و از کار افتادگی در حوادث درمان پذیر نیست - لیکن سود انفاق در راه خدا به خودانسان باز می گردد. خداوند سبحان این حقیقت را به تعبیر های گوناگون بیان کرده؛ گاهی فرموده است هیچ انفاق کوچک یا بزرگی نیست، مگر خداوند به صاحبانش نوشته و جزای آن را می دهد: (وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) و زمانی با تعبیر لطیف تقدیم(پیش فرستادن و تمهید(آماده ساختن) فرموده است که آنچه از کار های خیر برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا می یابید: (وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ) بر همین اساس امام سجاد (علیه السلام) هنگام انفاق بر مستمندان می فرمود که آفرین بر کسی که توشه من را به سوی آخرت حمل می کند: «مرحباً بمن يحمل لى زادى الى الآخرة» (جوادی آملی، جلد دهم، ۱۴۱۲، ص ۵۲۹ و ۵۲۷)

نقش انفاق در توسعه اقتصادی

توسعه در لغت به معنای وسعت دادن و فراخ کردن است و در اصطلاح از مفاهیمی است که اندیشمندان درباره آن اتفاق نظر ندارند و هر کس آن را مناسب با دیدگاه ها، باورها و اعتقادات خود تعریف می کند: «توسعه به معنای اقتصاد: فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه؛ اسلام جامع ترین و کامل ترین دین الهی است که تمام برنامه ها و اصول مورد نیاز زندگی بشر را در برمی گیرد. اسلام مکتبی است که تمام نیازهای مختلف انسانی را در جهت تکامل همه جانبه اومد نظر قرار داده و برنامه ها و دستورات خاصی را برای زندگی وی ارائه کرده است. دین مقدس اسلام با ارائه اصول کلی، به مسائل اقتصادی توجه کرده و آن را عاملی مهم در آسایش و رفاه انسان ها داشته است توسعه اقتصادی از جمله مسائلی است که اسلام به آن نگرشی خاص دارد.

تعدیل اقتصادی

از اهداف عالی تعالیم اسلام در نظام اقتصادی، اصل عدم تمرکز ثروت و رفع اختلاف های فاحش و غیر عادلانه در نظام اقتصادی می باشد که در قرآن هم مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که طبق آیه شریفه «...كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» سوره حشر(۵۱) آیه ۷) توزیع ثروت های عمومی به منظور جلوگیری از تمرکز ثروت و در نتیجه ایجاد توازن اقتصادی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی می باشد. (موسویان، ۱۳۷۹، ص ۸۸ و ۸۹) یکی از آثار انفاق این است که می تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سوی طبقات کم درآمد سوق داد، و در جهت رفع فقر نقش فعال داشته باشد. این در حالی است که از سوی دیگر همواره بر کار و کوشش برای استقلال اقتصادی توصیه و تاکید و از اظهار احتیاج و فقر نهی شده است (و استغناء و بی نیازی از مردم مورد تحسین اسلام می باشد. لذا با این جامع نگرى دستورات اسلام در زمینه اقتصادی، هم کمبودها و خلاها جبران گشته و هم از سستی و تنبلی و بار خویش را گردن دیگران افکندن، جلوگیری به عمل آمده است. از جمله معضلات بزرگ اجتماعی در هر عصر و نسلی، فقر، محرومیت و نظام های طبقاتی است که در سایه شوم تبعیض و بی عدالتی رشد و نمو می نماید و بر روابط انسان ها سایه افکننده مشکلات فراوانی را در سطح جامعه به وجود می آورد. انفاق به معنی عام آن، از جمله ابزاری است که می تواند تا حدود زیادی بر روابط اقتصادی انسان ها و اقشار مختلف جامعه، تاثیر داشته

در راه خدا انفاق کنید

یکی از اهداف اساسی دین مبین اسلام، تأمین رفاه مادی و معنوی انسان یا به عبارت دیگر، تحقق توسعه مطلوب در همه ابعاد آن است. اسلام برای جلوگیری از فقر، تعدیل ثروت و کاستن از فاصله بهره برداری های مادی در جامعه را هدف اقتصادی خود معرفی کرده است. از دیدگاه اسلام فقر به معنای عدم رفاه است و تمام آیاتی که فقرا را به عنوان مصادیق شایسته انفاق، معرفی می کند، بیانگر این نکته اند که رفاه عمومی، هدف اقتصادی اسلام است.



گفته های ناگفته

خوشبختی

۲۳۵. آتشی که جسم و جان را می سوزاند غالباً به دست خودمان روشن شده است.
۲۳۶. اگر چشم تو فاسد شد تمام جسمت تاریک می شود.
۲۳۷. بخاطر داشته باشید امروز همان فردایی است که دیروز درباره ی آن نگران بودید، از خود بپرسید اقلأً این چیزی که در باره اش نگرانم به وقوع خواهد پیوست یا خیر؟ ۲۳۸. تنها آزاد شدن از جنگ حکومتی که به قهر و غلبه تسلط یافته کافی نیست باید روحاً و فکراً هم آزاد بود و گرنه مادامی که مردم از آزادی معنوی بهره مند نباشند هزار گونه گرفتاری و اسارت و قید و شکنجه برای خود خواهند ساخت که بدتر از فشار یک حکومت مستبد است.
۲۳۹. بد گمانی و بدبینی پرده ای است که میان ما و دیگران مایل می شود و هیچ وقت نمی گذارد ریشه دوستی خود را با آنها محکم ساخته و از نعمت وفا و محبت بهره مند شویم.
۲۴۰. بدگمانی میان افکار انسان مانند خفاش در میان پرندگان است که همیشه در سپیده دم یا هنگام غروب که نور ظلمت به هم آمیخته است بال فشانی می کند.
۲۴۱. بزرگترین حوادث دنیا را که تجزیه و تحلیل کنیم به این نتیجه می رسیم که آنچه باعث بروز آن شده حتی ارزشی نداشته است.
۲۴۲. به جای اینکه به تاریکی لعنت بفرستید، کافی است یک شمع روشن کنید.
۲۴۳. پیر کامل آن است که تازگی های زمان خود را هر چند عجیب و ناروا باشد، با روی خوش بپذیرد و عاقل جوان آن است که عبادات و افکار قدیم هر چند کهنه و بی مصرف باشد به دیده ی احترام بنگرد.
۲۴۴. چه بسا آنکه به ظاهر آراسته و مایه حسرت شماست، درمانده و محتاج دلداری و یاری شما باشد.
۲۴۵. خوشبختی فقط یک تعریف دارد، باور کردن خوشبختی.

انفاق یعنی بخشیدن مال یا چیز دیگری در راه خدا. خداوند متعال به مؤمنان دستور داده است تا پیش از رسیدن قیامت در دنیا انفاق کنند

انفاق فلسفه اش تنها پر شدن خلاءها نمی باشد بلکه رابطه ای با «ساخته شدن» دارد

اصلاح اجتماع

از آن جایی که یکی از عوامل انحراف و سقوط اخلاقی در هر اجتماع «فقر» می باشد و بسیاری از جرائم و بزهکاری ریشه در نیاز شدید مالی دارد، لذا تعالیم اسلام درصدد است که قبل از وقوع جرم، واقعه را علاج نماید. تعالیم اسلام می خواهد انسانی بسازد که به هم نوع خود توجه داشته باشد و خود را در برابر برادران دینی در جامعه مسؤول بداند و در رفع حوائج و نیازمندی های آن ها تلاش نماید تا علل انحراف های اخلاقی در ریشه خشکانده شود و جامعه از ورطه هلاکت و تباهی مصون و محفوظ بماند چرا که جامعه انسانی به منزله تن واحدی است که دارای اعضای مختلفی می باشد که در غرض و مقصد زندگانی متحد می باشند، وقتی یکی از اعضا نعمتی را از دست می دهد مثلاً فاقد صحت و سلامتی می شود و در عمل خود کند می گردد، تمام اعضای بدن در عملکرد خود سست می شوند همینطور اگر یک فرد در جامعه دچار فقر و احتیاج شد تبعات فقر او دامنگیر همه جامعه شده و سبب هلاکت همه اجتماع می شود، بنابر یک تفسیر، آیه ۱۹۵ بقره نیز ناظر به همین مسأله می باشد: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» در راه خدا انفاق کنید (و با ترک انفاق) خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد». بنابراین در جامعه ای که روح کمک و تعاون بر آن حاکم باشد، و طبق تعالیم اسلام، مردم فقرا را در اموال خود شریک دانسته و حقی برای آن ها قائل باشند. (سوره ذاریات(۵۱) آیه ۱۹) علاوه بر کاهش چشمگیری انحرافات مثل سرقت، قتل، جنایت و... بسیاری دیگر از درگیری های اجتماعی و مشکلات خانوادگی که در مسائل مالی ریشه دارد، برطرف می شود و با اجرای این دستور اسلامی که در قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته، فرد نقش به سزایی در اصلاح جامعه و حرکت جامعه به سوی سازندگی، رشد، پیدا می کند و در نهایت آرامش و امنیتی که در جامعه ایجاد می شود شامل حال خود او نیز می گردد.

انفاق مانع هلاکت جامعه

آیه ۱۹۵ سوره بقره که در بالا اشاره شد، گرچه در مورد آیات جهاد آمده است ولی بیانگر یک حقیقت کلی و اجتماعی است و آن که انفاق به طور کلی سبب نجات جوامع از مفساد کننده است؛ زیرا هنگامی که مسئله انفاق به فراموشی سپرده شود و ثروت ها در دست گروهی محدود جمع گردد و در برابر آنان اکثریتی محروم وجود داشته باشد چیزی نخواهد گذشت که انفجار عظیمی در جامعه به وجود می آید که جان ها و اموال ثروتمندان هم در آتش آن خواهد سوخت. از اینجا رابطه مسئله انفاق و پیشگیری از هلاکت روشن می شود. بنابراین انفاق، قبل از آنکه به حال محرومان مفید باشد به نفع ثروتمندان است. (مکارم شیرازی، جلد ۲، ۱۳۶۵، ص ۵۰)



موجب ترویج روح اخوت، تفاهم و وحدت

ابوحنیفه شاگرد بارز حماد بن ابی سلیمان که خود نیز از موالی بود، در طیف مرجیان قرار گرفت. او در «رساله العالم و المتعلم» به این بحث پرداخت و با استدلال خود به این مسئله صحنه گذاشت که عمل از ایمان خارج است. در همان اوان، طیف وسیعی تعریف ایمان مرجئه را پذیرفته، خودشان به سه گروه تقسیم شدند: **مرجئه ناب، مرجئه جریه، مرجئه** قدریه. عده ای در بحث تعریف ایمان دیدگاه مرجئه را داشتند، ولی در بحث جبر و اختیار، گاه طرفدار جبر شدند و گاه طرفدار اختیار انسان و مرجئه قدریه نام گرفتند. ابوحنیفه که اهل خراسان بود، طرفداران بسیاری در شرق جهان اسلام پیدا کرد و هنوز به قوت خود باقی اند و اکثر مسلمانان شبه قاره هند، آسیای میانه و ماوراءالنهر پیرو ابوحنیفه اند، و در بحث ایمان، هنوز همان عقیده را دارند. بنابر آنچه در کتب ملل و نحل آمده است- صرف نظر از شمارش فرقه های مرجئه- چند نگرش در تعریف ایمان، میان مرجئه وجود داشت که عبارتند از: نگرش اول: در نگاه عده ای از مرجئه، ایمان

یعنی معرفت خدا و کفر یعنی جهل به خدا. این افراد ایمان را از مقوله ای علم دانسته و قائلند که اگر فردی به زبان منکر شود، ولی در قلب معرفت خدا را «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران(۳) آیه ۱۰۴) باید از شما مسلمانان، برخی، خلق را به خیر و صلاح دعوت کند و آن ها را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال رستگاری خواهند بود»

در آیه ۱۰۳ همین سوره، با یادآوری دشمنی و خصومت اعضاء جامعه اسلامی در زمان جاهلیت، اهمیت اتحاد، یگانگی و وحدت امت اسلامی در سایه توحید را متذکر می شود و در آیه فوق (۱۰۴) چگونگی تحکیم این وحدت و یک پارچگی را معرفی می فرماید، که آن چیزی جز ترویج و گسترش نیکی و نیکوکاری نیست که از خود انسان شروع و با امر به معروف، به دیگران گسترش می یابد و با اجتناب از معصیت های مختلف، فضیلت و پاکیزگی جامعه را عینیت می بخشد و بلافاصله در آیه ۱۰۵ هشدار می دهد که مبادا با این که به صورت تشریحی و تکوینی هدایت شده اند باز، راه تفرقه را پیشه کنید

فواید انفاق از نگاه قرآن

- انفاق مانع هلاکت اجتماع است. (بقره/۱۹۵)
- سبب زیاده های من شود (بقره/۲۶۱)
- سبب جایگزینی مال من شود (احزاب/۳۹)
- روح لذت آوری در طمان ایجاد می کند. (بقره/۱۲۲)
- بازگش آرزوی گناهان و طرزین مال است. (بقره/۲۶۸)
- خداوند به انفاق انسان ها آگاه است. آل عمران/۱۹۲
- آنچه در راه خداوند انفاق شده، پس داده می شود. (طلاق/۱۹)
- باعث قرب به خداوند است. (توبه/۹۱)
- انفاق زیاد پروردگار خیرت من شود. (توبه/۱۱۲)
- نفس را تزکیه می کند. (توبه/۱۰۳)

گفته های ناگفته

۲۴۶. اغلب اوقات ما به علت آنکه خوشبختی را نمی شناسیم، وسیله بدبختی خود را فراهم می آوریم.

۲۴۷. کوه های عظیم پر از چشمه اند و قلب های بزرگ پر از اشک است.

۲۴۸. ما از حقیقت دور افتاده ایم، خوشبخت غیر از اینهاست. خوشبختی احساسی است شیرین و فرح بخش که از روح ما بر می خیزد، از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی.

۲۴۹. آیا تعریفی برای خوشبختی وجود دارد؟ خوشبختی کجاست؟ خوشبختی چیست؟ نمی دانم فقط باید بگویم خوشبختی از دو کلمه تشکیل شده: خوش بودن و بخت خوب داشتن.

۲۵۰. وقتی از کسی پرهیز می کنید و نسبت به او بدبین می شوید او را در ردیف دشمنان خود می شمارید، عجیب نیست اگر دشمن حقیقی شما می شود زیرا همین رفتار کافی است تا بذر کینه را در قلب او برویاند.

۲۵۱. هرگز درباره چیزی نگو او را از دست داده ام بلکه فقط بگو آن را پس داده ام.

۲۵۲. هیچ چیز خوب یا بد نیست، قوه اندیشه ما بدی و خوبی سعادت و شقاوت را می آفریند.

۲۵۳. اگر می خواهی خوشبخت باشی جز آنکه برای مهیاست آرزو مکن.

۲۵۴. فاصله بین خوشبخت بودن و بدبختی یک لبخند حقیقی است.

دانایی

۲۵۵. انسان دانا هیچ گاه به داشته های خود اعتماد نمی کند و می داند روزی آنها را از دست خواهد داد مثل تندرستی و توانگری، زیرا تندرست با یک بیماری و توانگر با یک اتفاق همه چیز را از دست می دهد.

۲۵۶. انسان دانا حوائج خود را باید نزد مؤمن برد که اگر هم نیازش برطرف نشد سرشکسته نشود و انسان نادان نیازهای خود را به هر رهگذری عرضه می نماید.



گفته های ناگفته

۲۵۷. انسان باید بداند که تنها با تلاش کردن و کار نمی تواند به همه خواسته های دنیای خود برسد و تقدیر هم نقش بسیاری در سرنوشت او دارد.

۲۵۸. انسان ها دو دسته اند، آنهایی که فقط طالب دنیا هستند و هر چه سعی کنند به خواسته هایشان نمی رسند و گروه بعدی آنهایی که کلاً دست از دنیا شسته اند و دنیا آنها را می طلبد.

۲۵۹. انسان دانا می داند که لذت ها هم پایانی دارند و تلخی ها هم جزئی از آن لذت ها هستند.

۲۶۰. هرکس که می خواهد دوست و دشمن خود را بشناسد آنها را به طریق های مختلف آزمایش کند.

۲۶۱. انسان دانا و با کمال می داند که باید در مسائل بردباری کند و عاقل باشد زیرا بردباری یک پوشش است و عقل یک شمشیر بَران برای کشتن هواهای نفسانی.

۲۶۲. آنهایی که کار نیک و خیر انجام می دهند می دانند که اگر عملشان کم هم بوده برای آنها پاداش بسیار نوشته خواهد شد.

۲۶۳. بیچاره آدمی با تمام ادعاهای خودش نه می داند کی خواهد مُرد نه از بیماری های درونش خبر دارد، ممکن است جرعه ای آب گلوگیرش کند و او را از پای درآورد.

۲۶۴. انسان عاقل باید بداند که در مقابل معصیت ها یا باید شکبیا و صبور باشد یا خود را به فراموشی زند تا بقائش به خطر نیفتد.

۲۶۵. توانگر عاقل در برابر مستمندان فروتنی می کند و مستمند عاقل هم در برابر مستندان خویشتن داری می کند و همواره بر خدای خود توکل می کند.

۲۶۶. آنکه می خواهد از دشمن و کینه توزی مردم در امان باشد به اخلاق و آداب رسوم آنها احترام می گذارد و هیچ گاه به کسی توهین نمی کند.

۲۶۷. گاهی اوقات طرز صحبت کردن یک فرمانده می تواند از حمله مسلحانه کارسازتر باشد و لشکری را زمین گیر کند.

حیاتبخش، و تاثیر اقتصادی تکامل آفرین آن تبلور پیدا می کند و آشکار می شود که انفاق از بزرگترین تکالیف اسلامی و اصول عملی است، و از جهانی دارای اثری ژرف است و دامنه ای گسترده تر دارد. انفاق، حفظ جایگاه تکوینی مال، انفاق، پاسداری ارزش حیاتی مال. انفاق، راه رسیدن به تکامل فردی. انفاق، راه دست یافتن به تکامل اجتماعی. انفاق، پاسخ گفتن به جانیشینی خدایی درباره اموال. انفاق، موجب ادای حقوق دیگران. انفاق، گامی در راه «مواسات اسلامی». انفاق، نابودی تکاثر و فرو نخواهی. انفاق، مایه نابودی فقر و تهیدستی.

آثار اجتماعی انفاق	
۱- خیر و برکت	۲- خیر و سعادت ابدی
۳- آثار اقتصادی انفاق	۴- تعدیل اقتصادی
۵- برقراری عدالت اقتصادی در اجتماع:	۶- نقش انفاق در توسعه اقتصادی
۷- اصلاح اجتماع	۸- انفاق مانع هلاکت جامعه
۹- موجب ترویج روح اخوت، تفاهم و وحدت	

همه جوانب زندگی آدمی، و ویران کننده تکاثر و اسراف، و سازنده حیاتی آکنده از ارزش ها، و پر بار از انسانیت و فضیلت، و مایه رشد و قوام توده ها، و مقصود از انفاق بخشیدن مال و نگاه داشتن آن، و آن را در میان مردم به گردش انداختن، و پرداختن آن به کسانی است که به آن نیازمندند تا در مقاصد گوناگون شایسته خویش مصرف کنند. یا دادن آن به سازمانهای مفید اجتماعی تا برای رسیدن به هدفهای عالی و مطلوب به کار برند. از تدبیر در آیات قرآنی و احادیث اسلامی، اهمیت این اصل ریشه ای و ژرفای ژرف، و نقش قاطع، و خصوصیت

شرایط انفاق کردن در قرآن کریم و سنت	
۱- اسلام و ایمان	۲- قصد قربت و پرهیز از ریا
۳- پرهیز از منت گذاری و آزار رسانی	۴- انفاق از مال حلال
۵- انفاق از چیزهای محبوب و مرغوب	۶- میانه روی در انفاق
۷- پنهان و مخفی بودن انفاق	

اسلام آیین صلح و دوستی، رأفت و رحمت

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ۱- آرام، احمد، ترجمه الحیاء، جلد ۶، قم، پنجم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۳.
 - ۲- بیگی، روح الله، ارزش های اجتماعی در قرآن، چاپ چهارم، قم، اسوه، ۱۳۸۹.
 - ۳- پرورش، سیدعلی اکبر، قرآن و خطوط انفاق، چاپ اول، اصفهان، انتشارات حدیث راه عشق، بی تا
 - ۴- پایگاه فرهنگ و معارف قرآن، دائره القرآن کریم، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
 - ۵- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (صورت و سیرت انسان در قرآن)، ج ۱۴، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
 - ۶- حویزی، عبد علی عروسی، نور الثقلین، ترجمه‌ی جمعی از فضلالی حوزه تفسیر، ج ۴، چاپ سوم، قم، انتشارات، نوید اسلام، ۱۳۸۹ ش.
 - ۷- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی، ج ۲، چاپ دهم، تهران، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۴۸.
 - ۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم (علی کرمی)، ج ۲ و ۳ و ۶، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
 - ۹- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، انتشارات اسماعیلیان، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، ۱۴۱۵ ق.
 - ۱۰- معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه های علمی خاوران، چکیده مقالات، چاپ دوم، قم، هاجر، ۱۳۸۹.
 - ۱۱- مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ج ۴، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
 - ۱۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۷ و ۶۷ و ۶۸، مترجم سید ابوالحسن موسوی همدانی دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
 - ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، اسلام و کمک های مردمی، چاپ اول، قم، نسل جوان، بی تا
 - ۱۴- تفسیر نمونه، ج ۲ و ۶ و ۷ و ۱۸ و ۲۴، چاپ بیست و هفتم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
 - ۱۵- موسویان، عباس کلیات نظام اقتصادی اسلام، چاپ اول، قم، انتشارات دار الثقلین، ۱۳۷۹
 - ۱۶- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، ج ۲، قم، چاپ سوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹
 - ۱۷- سیدنژاد، میرصادق، پیام های اقتصادی امام علی علیه السلام (انفاق)، مجلات عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی گلبرگ، مهر ۱۳۸۱، شماره ۳۴
 - ۱۸- مجلات، عقیدتی فرهنگی اجتماعی، گلبرگ، شماره ۳۴، مهر ۱۳۸۱.
- <http://rasekhoon.net/article/89154/show>

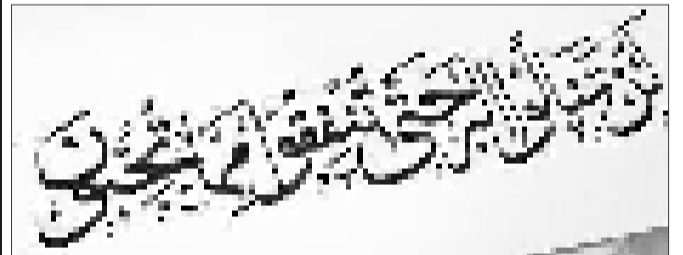
چنانچه در آیه ۴۶ سوره انفال بیان شده است، افتادن در مسیر تفرقه و پراکندگی، حاصلی جز نابودی انسجام و یگانگی جامعه اسلامی و تضعیف قدرت حکومت اسلامی و عظمت مسلمین نخواهد داشت.

رسول اکرم می فرماید: «پیروان اسلام مانند یک پیگرد، اگر ذره ای از این بدن، بدرد آمد اثر این درد در تمام اجزاء بدن آشکار می گردد، روح بندگان خدا از یک روح سرچشمه می گیرند.»

یکی از اموری که همیشه دشمنان اسلام را به وحشت می اندازد وحدت امت اسلامی است و لذا از طریق مختلف و یا سیاست های استعماری و استحمار، همواره در جهت ایجاد اختلاف بین ملل مسلمان جهان هستند و در طول تاریخ مستکبرین و گردنکشان از همین اتحاد و اتفاق مسلمین سیلی خورده اند و ملل اسلامی نیز بیشترین ضربه را از عدم تعاون و تفاهم بین خود دیده اند و به دلیل همین تفرقه، دائماً در مقابل تهاجم نظامی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، روانی و اجتماعی دشمنان آسیب پذیر بوده اند.

اگر امت جهان اسلام با پنگ زدن به ریسمان الهی، وحدت را تجربه کنند، نه تنها غاصبین بیت المقدس بلکه دیگر سرسپردگان استکبار جهانی نیز تاب مقاومت در مقابل این نیروی عظیم با پشتوانه الهی را نخواهند آورد و سایه شوم خود را از سر ملل مستضعف جهان کم خواهند کرد.

دو بعد عینی و معنوی خدمات اجتماعی بهترین زمینه ساز در رسیدن به چنین اتحاد می باشد.



نتیجه گیری

انفاق یعنی بخشیدن مال یا چیز دیگری در راه خدا. خداوند متعال به مؤمنان دستور داده است تا پیش از رسیدن قیامت در دنیا انفاق کنند. باید دانست که انفاق نیز مانند دیگر اموری که شارع مقدس به آن امر کرده است، آداب و شرائط مخصوص به خود را دارد و اگر انفاق کردن با این شرایط همراه نباشد نه مورد قبول درگاه ذات اقدس الهی قرار می گیرد و نه موجب هیچ گونه پاداش اخروی خواهد بود. از جمله شرائط انفاق داشتن ایمان قلبی و حقیقی به خداوند متعال و پیامبرش، داشتن قصد قربت و تهی بودن از ریا است. همچنین انفاق نباید با آزار و منت بر کسی که مورد انفاق قرار می گیرد همراه باشد و نیز باید از چیزهای خوب، مرغوب و مورد علاقه‌ی انسان صورت گیرد. انفاق فلسفه اش تنها پرشدن خلاءها نمی باشد بلکه رابطه ای با «ساخته شدن» دارد.

اینکه انسان چیزی داشته باشد و از خود جدا کند، و مظهر رحمانیت پروردگار بشود، نقش بزرگی در ساختن انسان دارد. عطوفت که از ماده عطف است یعنی تمایل و توجه به دیگران، با دیگران یکی شدن و دل بجای دل آنها نهادن خود هدف است و هدفی اساسی و قابل اهمیت اگر چنین مفهومی در جامعه نباشد عینا مثل آن است که در محیط خانواده محبت و عطوفت مفقود گردد و بجایش مؤسسات تربیتی تشکیل شود.

با توجه به تحقیق مذکور در انفاق و اثرات آن می توان گفت که انفاق یکی از مهمترین اصول تربیتی در سیاست اجتماعی و مکتب اقتصادی اسلام است. اصلی ریشه ای و مهم و فراگیرنده **آداب و**

اخلاق اجتماعی از منظر تفسیر المیزان

نویسنده: منصوره صرفی کارشناسی ارشد مدرسی معارف. اخلاق اسلامی
استاد راهنما: دکتر جعفر گل محمدی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



مقدمه

اجتماعی و راهکارهای آن را کشف و استخراج کرد، قرآن کریم و نیز سنت و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام است، قرآن جامع‌ترین کتاب دینی است که بر پایه‌ی منطقی ایده آل برای تمام ابعاد زندگی بشر دارای برنامه هست. از آنجا که آیات قرآن بسیار کلی است، برای درک و فهم بهتر آن نیازمند رجوع به تفاسیر قرآن هستیم و در بین تفاسیر موجود، یکی از بهترین و کامل‌ترین آن‌ها، تفسیر المیزان می‌باشد. چرا که در عصر کنونی یکی از شخصیت‌های برجسته و نامدار که در این باره تلاش‌های موثر و پربراری را ارائه داده است، مرحوم علامه طباطبایی بوده‌اند و یکی از آثار گرانبمای ایشان در زمینه تفسیر قرآن کریم، تفسیر المیزان است. المیزان منبع ارزشمندی است در توضیح و تبیین بسیاری از مفاهیم اجتماعی اسلام و در عصری که

انسان برای رسیدن به سعادت و کمال آفریده شده است و بدون داشتن صفات اخلاقی سالم، به سعادت دنیوی و اخروی خود نخواهد رسید. همچنین از آنجا که جامعه بر افراد تأثیر زیادی دارد، بدون داشتن جامعه‌ی سالم، اغلب افراد جامعه از سعادت خود باز خواهند ماند. برای داشتن جامعه‌ی سالم، لازم است روابط اجتماعی بین افراد، روابطی سالم و مبتنی بر اصول اخلاقی سالم باشد؛ بنابراین ضروری است معیارها و اصول اخلاق اجتماعی سالم به درستی شناسایی و تعریف شود تا افراد جامعه بتوانند با عمل به این اصول، به سعادت فردی و اجتماعی خود دست یابند. بهترین منبعی که می‌توان اصول فضائل اخلاقی و از جمله اصول اخلاق

چکیده

اخلاق اجتماعی و توجه به اصول آن از جمله مهم‌ترین مسائلی است که در حوزه جامعه اسلامی قابل طرح می‌باشد و همواره لازم است تا پژوهشگران و مفسران اسلامی به مسئله اخلاق اجتماعی، حدود و شاخصه‌ها، فضائل و رذائل اخلاق اجتماعی و ... توجه نمایند. در این میان علامه طباطبایی در تفسیر المیزان که از جمله تفاسیر دارای گرایش‌های اجتماعی محسوب می‌گردد، بیش از سایرین به مسئله اخلاق اجتماعی توجه داشته است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی «اخلاق اجتماعی از منظر تفسیر المیزان»

با رویکرد و روش تحلیلی - توصیفی بوده است و برای دستیابی به این مقصود، اخلاق اجتماعی را در دو حیطة فضائل اخلاق اجتماعی و رذائل اخلاق اجتماعی مورد بررسی قرار داده ایم. به طور کلی در تفسیر المیزان به فضائل و رذائل فراوان در حوزه اخلاق اجتماعی اشاره شده است که از جمله این فضائل می‌توان به احسان، امانت، انفاق، عفو و ... اشاره کرد و از جمله رذائل اخلاق اجتماعی مطروحه در المیزان می‌توان به استهزاء، عیب جویی، اسراف، ظلم و ... اشاره کرد. در بحث از هر کدام از فضائل و رذائل موجود، به بیان آیات قرآن درباره آن، دیدگاه علامه و در نهایت دیدگاه محقق پرداخته شده است. واژگان کلیدی: اخلاق، اجتماع، تفسیر المیزان، علامه طباطبایی.

تعریف اخلاق در دیدگاه علامه

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و سایر کتب و نگاشته‌های خویش به ارائه تعریف از اخلاق و علم اخلاق به منزله ملکات نفسانی پرداخته است: «اخلاق ملکه نفسانی است که موجب می‌شود رفتارهای متناسب با آن ملکه به آسانی و بدون تأمل و درنگ از انسان سرزند» (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۲۳)

علامه ی طباطبایی در مورد مفهوم خلق و جمع آن، که اخلاق است، از جهت واژه شناختی و مفهومی، ایده‌ی مفردات راغب را در مورد واژه ی خلق، پسندیده است و می‌نویسد: خلق و خلق به یک معناست، ولی از واژه ی خلق در مقام استعمال، قیافه ی ظاهری قابل رؤیت با چشم استفاده میشود و از واژه ی خلق در مقام استعمال، فضائل و سجایای اخلاقی کسب شده که درک آن نیاز به بصیرت دارد، استفاده می‌شود. اخلاق جمع خلق و به معنا خوی طبع سجیه و همچنین سرشت باطنی است که تنها با دیده بصیرت قابل درک است و ملکه ای است که باید در نفس آدمی رسوخ کند و در ظل مداومت بر اعمال صالح و تکرار

آن در مسیر صحیح هدایت و تقویت شود (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۳۶/۲).

برای دستیابی به تعریف ایشان از اخلاق، نخست باید تعریف ایشان از علم اخلاق را بیان نمود. علامه طباطبایی معتقد است که علم اخلاق، فنی است که پیرامون ملکات نفسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست تا فضائل آن‌ها را از رذایلشان جدا سازد و معلوم نماید که کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقض اوست تا از این طریق انسان بعد از شناخت آن‌ها خود را با آن فضائل بیاراید و از رذائل دور نماید و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم جامعه را به خود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۰/۱).

توضیح اینکه افعال و اعمال انسان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) گاهی انسان با توجه به شرایط زندگی اجتماعی و محیط و زمانی که در آن زیست می‌کند به انجام

اعمالی پایبند و ملتزم می‌شود که هیچ اعتقادی به آن‌ها ندارد و از روی میل و انگیزه درونی آن‌ها را انجام نمی‌دهد. ب) گاهی انسان از روی میل و انگیزه درونی به انجام اعمالی مبادرت می‌ورزد و در حقیقت آنچه سبب انجام اعمال و افعال انسان می‌گردد، عامل باطنی و ملکات نفسانی است. ج) گاهی انسانی به انجام اعمالی می‌پردازد که عامل آن باور و انگیزه درونی است اما این باور و میل درونی به سهولت و آسانی منجر به صدور فعل نمی‌گردد، چون هنوز به ملکه نفسانی تبدیل نشده است (اکوان، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

علامه طباطبایی در تعریفی دیگر، افعالی که به سهولت از ملکه نفسانی نشأت می‌گیرد را به فضیلت و رذیلت تقسیم می‌کند. اخلاق به ملکات ثابت، پایدار و ماندگار علمی و عملی اطلاق می‌گردد و در عین حال همه اعمال واقعی، عینی و خارجی انسان از ملکات راسخه نفسانی سرچشمه می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۳/۱۹).

گفته های ناگفته

۲۶۸. انسان باید بدانند اگر استقامت و تلاش کند تا حدودی به خواسته های خود خواهد رسید. ۲۶۹. همه می دانند حق، سنگین اما گوارا است ولی باطل سبک است و کُشنده. ۲۷۰. شتاب پیش از توانایی بر کار و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی خردی است. ۲۷۱. قدر دانی کردن از زحمات دیگران باید متعادل و درخور باشد چون اگر بیش از حد باشد چابلوسی و اگر کمتر از حد باشد حسادت و درماندگی است.

درستی و رستگاری

۲۷۲. آیا می دانید انسان های خائن هم در موقع سپردن مالشان به دیگری به دنبال انسان های پاک می گردند ۲۷۳. هرگز چرخه محبت را فراموش نکنید، آنکه امروز محبت می کند خود روزی طعم محبت را چشیده است. ۲۷۴. محبت را بفهمید، هر چند آن را ندیده اید. ۲۷۵. آسایش دیگران را بپذیر تا آرامش نصیب شود. ۲۷۶. آنکه راستی و درستی را طریق خود نمود رستگار خواهد شد. ۲۷۷. صداقت داشته باش هر چند دیگران آن را نپذیرند. ۲۷۸. آنکه پدر و مادر خود را محترم شمرد رستگار خواهد شد. ۲۷۹. اطاعت بی چون و چرا از پدر و مادر خود بعد از خداوند متعال یک رستگاری اعلی خواهد بود. ۲۸۰. تا رستگاران نفس می کشند، راستی و درستی هرگز نخواهد مرد.

۲۸۱. هرگز در زندگی حق کسی را ضایع نکرده ام و تا سر حد امکان از حق مظلوم دفاع کرده ام. ۲۸۲. دفاع از حق سخت است و کسی که بخواهد حقیقت را بگوید باید سختی را به جان بخرد.



گفته های ناگفته

۲۸۳. انسان هایی که دائماً می گویند دنیا برای ما تمام شده و ما دیگر نمی توانیم و عمر ما گذشته، بدانند که از هر موقع بخواهند می توانند همان شوند که می خواهند و یادشان باشد که کسی نمی داند که خدا چه در سرنوشتشان قرار داده است.

۲۸۴. زمانی می رسد که انسان دارد ولی نمی داند چه کند، و گاهی می داند که دیگر نمی تواند کاری بکند.

۲۸۵. عده ای هستند که وقتی از آنها می پرسیم چرا کاری که می خواستید انجام ندادید می گویند ما آن موقع حوصله نداشتیم، ولی نمی دانند که الان هم می توانند انجام دهند با این ویژگی که دانایی و تجربه کافی دارند.

۲۸۶. انسان ها باید سعی کنند همیشه در کنار هم قرار گیرند نه در مقابل هم تا پیشرفتی صورت بگیرد. ۲۸۷. چه دردناک است زمانی که انسان می داند اگر تلاش بیشتری کند حتماً به مقصودش می رسد ولی باز آن کاری را که باید انجام نمی دهد.

۲۸۸. هرکس خودش می داند چگونه می تواند موفق باشد ولی باز برای موفقیت به دیگران متوسل می شود.

۲۸۹. شیرین ترین حس انسان زمانی است که با انجام کاری می تواند باعث پیشرفت دیگری شود. ۲۹۰. افسوس که گاهی انسان های نادان، محبت انسان های پاک سرشت را پای جهالت آنها می گذارند.

۲۹۱. محبت همانند صاعقه ای می ماند که تاریک ترین شبها را برای لحظاتی نورانی می کند.

۲۹۲. خوبی هرچند به نظر کوچک بیاید، ولی همچون ستاره ای کوچک می ماند که در مسیر کهکشان راه شیری قرار دارد.

۲۹۳. آنکس که می خواهد معنی واقعی محبت را بداند به کودکی سه ساله محبت کند تا اثرش را بداند.

۲۹۴. خوبی را انجام بده، حتی برای دشمنان.

راه های کسب فضائل و دوری از رذائل اخلاق اجتماعی در المیزان

دنیا عزت می دهد، او را در چشم همگان عظیم جلوه می دهد و نزد عموم مردم محترم و موجه می نماید. طمع ذلت نفس را به دنبال دارد و علم سبب توجه مردم و بزرگواری انسان در محافل و مجالس خواص می گردد. شجاعت باعث می گردد که مردم شخص شجاع را در هر حال چه شکست بخورد و چه پیروز شود ستایش نمایند، بر عکس آدم ترسو چنانچه از دشمن شکست بخورد، ملاکت می شود و اگر پیروز شود چندان مورد توجه و ستایش دیگران قرار نمی گیرد (اکوان، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

به اعتقاد علامه طباطبایی این شیوه برای تحصیل فضائل اخلاقی همان شیوه معهودی است که علم اخلاق قدیم و اخلاق یونان بر آن اساس بنا شده است و قرآن کریم اخلاق را از این طریق استعمال نکرده و زیر بنای آن را مدح و ذم مردم و پسند جامعه قرار نداده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۴/۱).

بنابراین یکی از راهکارها و انگیزه های دستیابی به فضائل و دوری از رذائل، ستایش یا نکوهش مردم خواهد بود.

فواید اخروی فضائل

شیوه دوم برای تهذیب اخلاق و نیل به ارزش های اخلاقی این است که انسان فواید آخرتی را مد نظر قرار دهد و این شیوه تحصیل فضائل و اخلاق فاضله مورد تأیید و تأکید قرآن کریم است. از این رو، قرآن کریم «برای وادار کردن مردم به انجام کار خوب، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس، آنان را اینگونه بشارت داده و تشویق شان می کند که در اثر تزکیه و تهذیب به فلاح و رستگاری می رسید» (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۱۹).

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به این شیوه تحصیل فضائل و دوری از رذائل تأکید می ورزد و استنباط علامه طباطبایی درباره این آیات که دعوت به فضائل اخلاقی می کنند

(مانند صبر، جهاد و ...)، این است که این آیات اخلاق را از راه غایت اخروی، اصلاح و تهذیب می کند که همه آن ها کمالات حقیقی و قطعی هستند نه کمالات ظنی. علامه معتقد است گروه دیگری از آیات هستند که ملحق به آیات فوق الذکر می باشند و این آیات از راه مبادی این کمالات به اصلاح و تهذیب اخلاق دعوت می کنند و این مبادی نیز اموری حقیقی و واقعی هستند، مانند اعتقاد به قضاء و قدر و تخلق به اخلاق خدا و تذکر به اسماء حسنا و صفات علیایش، چرا که انسان خلیفه خداست و باید با اخلاق خود، صفات او را نمایان و آشکار سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۳/۱).

علامه طباطبایی در ایده ای که برای کسب فضائل و دوری از رذائل ارائه می دهد، نظریه تکرار عمل را به عنوان بهترین و کامل ترین راه برای این مقصود معرفی می نماید و می نویسد: «اصلاح اخلاق و تحصیل ملکات فاضله در دو طرف علم و عمل و پاک کردن دل از رذائل و خلق و خوی ناپسند تنها یک راه دارد و آن عبارت است از تکرار عمل صالح و مداومت بر آن. انسان بایستی آنقدر عمل پسندیده را تکرار نماید و بر آن مداومت ورزد تا اثرش در نفسش نقش ببندد و زوال ناپذیر گردد. مثلاً اگر انسان بخواهد خوی ناپسند «ترس» را از دل بیرون کند و به جای آن فضیلت «شجاعت» را در دل جای دهد، بایستی اعمال خطرناکی را که غالباً دل ها را تکان می دهد مکرر انجام دهد تا ترس از دل او بیرون شود به گونه ای که وقتی به چنین عملی اقدام می کند، احساس نماید که نه تنها باکی از انجام آن ندارد، بلکه از اقدام خود برای انجام چنین اعمالی لذت هم می برد و از پرهیز آن ننگ دارد.

در این هنگام است که در هر اقدامی شجاعت در دلش نقشی ایجاد می کند و این نقش ها در نهایت به صورت ملکه شجاعت ظاهر می گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۴/۱).

بنابراین از دیدگاه علامه طباطبایی هرچند ملکه علمی در اختیار انسان نیست، اما مقدمات تحصیل آن در اختیار انسان است و می تواند با انجام مقدمات آن، ملکه مورد نظر را تحصیل نماید. از این رو تنها راه منحصر برای تهذیب اخلاق و کسب فضائل اخلاقی و مصونیت از رذائل اخلاقی، تکرار در عمل است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۵/۱).

علامه طباطبایی سه شیوه اساسی را برای کسب فضائل و مصونیت از رذائل معرفی می نماید و به تحلیل و نقد هر کدام از آن ها می پردازد و در نهایت نیز شیوه سوم را که مبتنی بر آموزه های قرآن است بر میگزیند و آن را برترین معیار و شیوه دستیابی به فضائل می داند:

ستایش و نکوهش مردم

در شیوه نخست انسان بوسیله فواید دنیایی فضایل و فواید علوم و آرایه که مردم آن را ستایش می کنند برانگیخته می شود و به عمل پسندیده و نیکو ترغیب می گردد و به انجام آن تمایل پیدا می کند و یا از رذیلتی خاص دوری می نماید.

مثلاً عفت، یعنی کنترل خواسته های شهوانی و قناعت، یعنی اکتفاء به آنچه خود دارد و قطع طمع از آنچه مردم دارند، دو صفت پسندیده و نیکو است، چرا که فواید و آثار خوبی دارد، به انسان در

به عقیده صاحب المیزان، اخلاق مفهوم عامی دارد و فضائل و رذائل را شامل می شود، اما اگر به صورت مطلق استعمال شود، معمولاً فضیلت و اخلاق نیک از آن فهمیده می شود. در آیه شریفه **وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ** (سوره قلم / آیه ۴)؛ «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری» به قرینه سیاق آیه، مقصود اخلاق نیک اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۶۹/۱۹).

می توان اینگونه نتیجه گرفت که تعریفی که علامه طباطبایی در منابع خویش به ویژه المیزان از اخلاق و علم اخلاق ارائه داده است، همان تعریفی است که فلاسفه و اندیشمندان علم اخلاق از این واژه ارائه داده اند.

در جایی دیگر، علامه اخلاق را منطبق بر معارف دینی و ظواهر دینی می داند و می نویسد: «اخلاق از طرفی مبتنی بر ظواهر دینی و عبارت است از بخشی از معارف اسلام و دستورات خدا و رسول اوست و بر پایه نوعی تکلیف گرای الهی استوار بوده و منطبق بر عشق و محبت معنوی حق است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۷/۱).

مطالعه ی آثار مرحوم علامه طباطبایی نشان می دهد که اخلاق مطرح شده از جانب ایشان هم مبتنی بر ظواهر دینی، هم مبتنی بر عقل و استدلال و هم مبتنی بر کشف و شهود باطنی است. به نظر علامه طباطبایی (ره) علم اخلاق عبارت است از: فنی که درباره ملکات انسانی بحث می کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست؛ و هدف این بحث این است که فضائل را از رذایل جدا سازد؛ یعنی این علم می خواهد معلوم کند که کدام یک از ملکات نفسانی انسان، خوب و نیک و مایه کمال و فضیلت اوست و چه ملکاتی، بد و رذیله و مایه ی نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آن ها، خود را با فضائل آراسته سازد و از رذایل فاصله گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۶۸/۱).

علامه بنا بر سنت فیلسوفان مسلمان، به پیروی از ارسطو، فضیلت و رذیلت یا خوب و بد را ناشی از سه قوه اصلی آدمی یعنی: قوه ی شهوی، قوه ی غضبیه و قوه ی عاقله می داند. قوه ی شهوی به دنبال جذب منفعت و خیر است و منافعی را که هماهنگ و ملایم با تمایلات انسان است کسب می کند، مثل خوردن و نوشیدن. قوه ی غضبیه دافع شر و امور مضر نفس آدمی است، مثل دفاع از جان و مال و آبرو و قوه ی عاقله یا عقل انسان را به خیر و سعادت هدایت می کند و از شر و شقاوت باز می دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۱/۱).

علامه معتقد است همه ی فضائل اخلاقی شاخه های فرعی چهار فضیلت اصلی، یعنی «حکمت»، «عفت»، «عدالت» و «شجاعت» است. همه ی فضائل اخلاقی دیگر، شاخه های فرعی این چهار فضیلت است. بر همین مبنا ایشان در کتاب المیزان درختی را ترسیم کرده است که چهار شاخه ی اصلی دارد و از هر یک از این شاخه ها فروعی منشعب شده است. از شاخه ی حکمت شش فضیلت، از شاخه ی عفت هجده فضیلت، از شاخه ی عدالت هفده فضیلت و از شاخه ی شجاعت نه فضیلت منشعب شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۲/۱).

هر یک از قوای یاد شده، یک حالت اعتدال و حدّ وسط دارند و دو شق مخالف که یا حالت افراط و یا حالت تفریط این قواست. فضیلت ممدوح فقط حدّ وسط هر یک از آن هاست و طرفین آن که افراط و تفریط باشد رذیلت و مذموم است (همان).

گفته های ناگفته

۲۹۵. انسان هایی هستند که خوبیشان همانند ستاره ای قطبی مسیر را نشان می دهد.

دوستی

۲۹۶. آنکه دوستی را با دوست از حد بگذراند بی حرمتی نصیبش می شود.

۲۹۷. همیشه می گویند قدم های آخر را محکم بردارید اما آنکس که قدم آخر را با احتیاط بردارد پیروز میدان خواهد شد.

۲۹۸. هرگز در دوستی در بی حرمتی را باز نکن.

۲۹۹. دوستی با شعار ثابت نخواهد شد.

۳۰۰. آنکس که دوستی قبل از امتحان را بپذیرد اعتماد را خواهد باخت.

۳۰۱. همیشه در زندگی احترام بگیر ولی اعتماد نکن.

۳۰۲. باید مواظب پله ای باشی که از آن بالا می روی، شاید بالای پله پرتگاهی باشد که از آن بی خبری، و زندگی و بقاء همان پایین پله باشد.

۳۰۳. انسان های دانا، هر دوستی را به آسانی نمی پذیرد و هر دوستی را آسان نمی دهد.

۳۰۴. چه آسان است دوست گرفتن و چه سخت است حفظ آن دوست.

۳۰۵. همیشه جانت را نثار کن اما رازت را بازگو نکن.

۳۰۶. همیشه جایی برای اشتباهات دوستانه باز است.

۳۰۷. کاش دوستان هم در موقع نیاز همانند دشمنان یکرنگ بودند..

۳۰۸. حرمت را نگه دار حتی با رفتن.

رهبری

۳۰۹. رهبری، همانند شمعی است که همه را مایل به سمت خود نموده است.

رفع زمینه های رذائل اخلاقی

علامه طباطبایی شیوه سوم کسب فضائل اخلاقی را مختص قرآن کریم می داند و آن عبارت از این است که خدای تعالی انسان ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر به گونه ای تربیت می کند که محلی برای رذائل اخلاقی باقی نماند. به بیان دیگر، اوصاف رذیله و اخلاق ناستوده را از طریق رفع از بین می برد نه از طریق دفع، به این معنا که اجازه نمی دهد که رذائل در دل ها راه پیدا کند تا در صدد بر طرف کردن آن ها برآیند، بلکه دل ها را آنچنان با علوم و معارف خود لبریز می کند که جایی برای رذائل باقی نماند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۳۳۹).

بنابراین دیدگاه، کسی که با این معارف پرورش پیدا کند و به این معارف ایمان داشته باشد، در دل او جایی برای ریا یا ترس از غیر خدا و امید به غیر خدا و تمایل و اعتماد به غیر خدا باقی نمی ماند و اگر این مسئله برای انسان مشخص و معلوم شود و علم یقینی داشته باشد همه صفات ناستوده و ناپسند از دل او شسته می شود و دل او به زیور صفاتی از فضائل در برابر رذائل آراسته می گردد. چنین انسانی به گونه ای تربیت شده است که رذائل و اخلاق ناپسند نمی توانند در دل او و در وجود او رسوخ نمایند تا برای دفع و برطرف کردن آن ها تلاش نماید. تربیت برخاسته از اسلام بگونه ای است که انسان را به سوی حق محض و کمال که بالاتر از آن قابل تصور نیست دعوت می کند. یعنی اسلام اساس تربیت خود را بر این نهاده است که خدا یکی است و شریکی ندارد و همین تربیت است که انسان خالص و محض پرورش می دهد. بنابراین این گونه تربیت مخصوص قرآن کریم است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۳۴۲).

فضایل و رذائل اخلاق اجتماعی در تفسیر المیزان

احسان

فضائل و رذائل اخلاق اجتماعی و توجه کافی فضائل اخلاقی پرداخته است.

به حدود و شرایط هر کدام از آن ها، یکی از مهم ترین دستاویزهایی است که فرد فرد جامعه بشری می توانند با بهره جویی از فضائل و دوری از رذائل اخلاق اجتماعی، زندگی فردی و اجتماعی خویش را سامان دهند. به همین دلیل نیز همواره در بحث های اخلاقی، بحث بشر دارد.

از فضائل و رذائل اخلاقی از جمله اصلی ترین موارد مورد بررسی بوده است. به جهت بررسی اصول اخلاق اجتماعی در تفسیر المیزان، این (اخلاق اجتماعی را در دو بخش اصلی فضائل و رذائل اجتماعی و رذائل اخلاق اجتماعی، مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) فضایل اخلاق اجتماعی در تفسیر المیزان علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان به بسیاری از فضائل اخلاق اجتماعی اشاره کرده است و در ذیل آیاتی که به فضائل اخلاق اجتماعی اشاره کرده اند، به تفسیر و تبیین علامه در ادامه آیه های ۱۲ و ۱۳ سوره مبارکه احقاف، فضیلت اجتماعی احسان و نیکی را زمانی مورد قبول خدا می داند که این کمک و نیکی رساندن به مردم به قصد و هدف رضای خداوند باشد و می نویسد: «بلکه احسان در آیات



احقاف، اصل و ریشه است برای احسان به مردم، بدانند که خدا با نیکوکاران است» (همان).
چرا که اگر احسان به خلق، برای خدا نباشد نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، آری از آیات سابق از قبیل آیه «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» و امثال آن برمی آید که احسان به مردم زمانی در نزد خدا دارای منزلت است که برای رضای او انجام شده باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸/۴).

ایشان در ادامه می نویسند: دلیل بر این گفته ما آیه شریفه زیر است که می فرماید: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (عنکبوت/ آیه ۶۹)؛ «و کسانی که در راه ما جهاد می کنند ما به طور مسلم ایشان را به سوی راه های خود هدایت می کنیم و باید

امانت

علامه در ذیل آیه ۷۲ سوره مبارکه احزاب دربارۀ امانت می نویسد: امانت -هر چه باشد- به معنای چیزی است که نزد غیر ودیعه بسپارند تا او آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس به وی برگرداند و در آیه مورد بحث امانت عبارت است از چیزی که خدای تعالی آن را به انسان به ودیعه سپرده تا انسان آن را برای خدا حفظ کند و سالم و مستقیم نگه بدارد، و سپس به صاحبش یعنی خدای سبحان برگرداند. و اما اینکه این امانت چیست؟

از جمله «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ...» بر می آید که امانت مذکور چیزی است که نفاق و شرک و ایمان هر سه بر حمل آن امانت مترتب می شود، در نتیجه حاملین آن امانت به سه طائفه تقسیم می شوند، چون کیفیت حمل آنان مختلف است.

از این جا می فهمیم که ناگزیر امانت مذکور امری است مربوط به دین حق، که دارنده آن متصف به ایمان و فاقد آن متصف به شرک و آن کس که ادعای آن را می کند، ولی در واقع فاقد آن است، متصف به نفاق می شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۵۲۴).

ایشان همچنین ذیل آیه ۳۲ سوره مبارکه معارج می نویسند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» آنچه از کلمه امانات زودتر از هر معنایی به ذهن می رسد، انواع امانت هایی است که مردم به یکدیگر اعتماد نموده و هر یک به دیگری می سپارد، از قبیل مال و جان و عرض و شخص امین رعایت آن را نموده در حفظش می کوشد و به آن خیانت نمی کند و به قول بعضی از مفسرین به صیغه جمع آمدنش به اعتبار انواع آن است، به خلاف عهد که چون انواع مختلفی ندارد مفرد آمده است. ولی بعضی گفته اند: منظور تنها مال و جان و عرض نیست، بلکه مطلق وظایف اعتقادی و عملی است، که خدا به عهده آنان گذاشته، در نتیجه آیه شریفه شامل همه حقوق چه حق الله و چه حق الناس می شود و اگر یکی از آن حقوق را تضییع کنند، به خدای تعالی خیانت کرده اند و ظاهراً مراد از کلمه عهد در آیه مورد بحث قراردادهای زبانی و عملی است که انسان با غیر می بندد، که فلان عمل را انجام و یا فلان امر را رعایت و حفظ کند و بدون مجوز آن قرارداد را نقض ننماید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱۴۵).

گفته های ناگفته

۳۱۰. جهان اسلام متحول خواهد شد اگر گوش به فرمان رهبر باشیم.

۳۱۱. چه سعادت است که حکومت عدل الهی با نام علی (ع) شروع شود و با نام سیدعلی دیگر به اوج قدرت الهی خود برسد.

۳۱۲. رهبری همانند مداری است که تمام دایره هستی را در بر می گیرد.

۳۱۳. رهبری همچون کوه استوار است که هیچ طوفانی قدرت روپارویی با آن را ندارد.

۳۱۴. رهبر معظم انقلاب اسلامی همانند گلی خوشبو می ماند که هر کس یک بار استشمامش کند، هرگز عطرش را از خاطر نخواهد برد.

۳۱۵. حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که سیدعلی را در سرزمین دلاوران و نامداران خلق نموده است.

۳۱۶. در صلابت و برتری ایشان بر همه عالم همین بس که همه مراجع سر تعظیم و ادب را در مقابل ایشان خم می نمایند.

روزگار

۳۱۷. آنهایی که انتظارشان از تو زیاد است ولی حاضر نیستند به خاطر تو از یک گودال عبور کنند تو هم از یک اقیانوس برای آنها عبور نکن.

۳۱۸. نامردان روزگار خوب مردان را می شناسند.

۳۱۹. انسان های پاک همانند الماسی هستند که هیچ سیاهی نمی تواند اصل آنها را تغییر دهد.

زجر و زحمت

۳۲۰. گاهی اوقات مردم فرق بین زجر کشیدن و زحمت را نمی دانند، زجر آن است که سختی بکشی و حسرت بخوری از چیزی که می توانی باشی ولی نیستی، زجر یعنی بدبختی را حس کردن تا عمق جان و وجود زجر یعنی تحمل اجباری برای ادامه زندگی؛ زحمت یعنی سعی و تلاشی که همه مردم هم انجام می دهند تا به مقصد و مقصود برسند که در یکی کم و در دیگری بیشتر است.



تواضع

تواضع از ریشه وضع است؛ وضع در لغت یعنی قرار دادن شیء در محل خود و تواضع به معنای قرار دادن نفس در مرتبه پایین تر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۹۶/۸) مرحوم نراقی در «معراج السعادة» در تعریف تواضع می گوید: تواضع عبارت است از شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می کند (نراقی، ۱۳۸۹: ۳۰۰).

علامه طباطبایی، تواضع را یکی از ملزومات زندگی اجتماعی بشر و یکی از اصولی دانسته است که انسانها باید در ارتباط با خدای خویش و با سایر هموعان بدان توجه داشته باشند. بدین ترتیب ایشان ذیل آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان می نویسد:

«مؤمنین، هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنینند، چون تواضع آنان مصنوعی نیست، واقعاً در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند و چون چنینند ناگزیر، نه نسبت به خدا استکبار می ورزند و نه در زندگی می خواهند که بر دیگران استعلاء کنند و بدون حق، دیگران را پائین تر از خود بدانند و هرگز برای به دست آوردن عزت موهومی که در دشمنان خدا می بینند در برابر آنان خضوع و اظهار ذلت نمی کنند»

(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۳۱/۱۵).

علامه همچنین در جایی دیگر در ذیل توضیح اخلاق و حسن و قبح، تواضع را به عنوان یک فضیلت فردی و اجتماعی، این چنین معنا کرده است:

«یعنی قدم از مقام و موقیعت اجتماعی بالاتر نگذاشتن و بر مردم بزرگی فروختن معنا شده است. پس تواضع در اصطلاح علم اخلاق به فروتنی و خوار شدن اطلاق می گردد. تواضع آن است که انسان، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین ترند، برتر نداند»
(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۷/۱).

اشکال مختلف دارند، اما در مجموع، یک تن را تشکیل می دهند و در غرض و هدف زندگی متحد هستند، از حیث اثر هم، همه مربوط به هم هستند، وقتی یکی از اعضا، نعمتی را از دست می دهد مثلاً فاقد صحت و سلامتی شده و در عمل خود کند می گردد، همین عارضه هر چند که در نظر بدوی، متوجه یک عضو است، ولی در حقیقت تمام بدن در عملکرد خود کند و سست می گردد و به خاطر نرسیدن به اغراض از جامعه که عضوی از یک مجموعه است، اگر دچار فقر و احتیاج شد و ما با انفاق خود وضع او را اصلاح کردیم، هم دل او را از رذائلی که فقر در او ایجاد می کند پاک کرده ایم و هم چراغ محبت را در دلش ایجاد نموده ایم و هم زبانش را به گفتن خوبیها به راه انداخته ایم و هم او را در عملکردش نشاط بخشیده ایم و این فوائد عاید همه جامعه می شود، چون همه افراد جامعه به هم مربوط هستند، پس انفاق یک نفر، اصلاح حال هزاران نفر از افراد جامعه است و مخصوصاً اگر این انفاق در رفع حوائج نوعی از قبیل تعلیم و تربیت و امثال آن باشد»

پس جامعه انسانی به منزله تن واحد و دارای اعضای مختلف است و اعضای آن هر چند اسامی و اشکال مختلف دارند، اما در مجموع، یک تن را تشکیل می دهند و در غرض و هدف زندگی متحد هستند، از حیث اثر نیز همه مربوط به هم هستند، وقتی یکی از اعضا، نعمتی را از دست می دهد مثلاً فاقد صحت و سلامتی شده و در عمل خود کند می گردد، همین عارضه هر چند که در نظر بدوی، متوجه یک عضو است، ولی در حقیقت تمام بدن در عملکرد خود کند و سست می گردد و به خاطر نرسیدن به اغراض زندگی خسران و ضرر می بیند.

شرح می دهد و ضمن اشاره به فواید این فضیلت در حوزه اجتماع، می نویسد: «غرض این بوده که بدین وسیله طبقات پائین را که نمی توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران حوائج زندگی خود را برآورند مورد حمایت قرار داده تا سطح زندگیشان را بالا ببرند تا افق زندگی طبقات مختلف را به هم نزدیک ساخته و اختلاف میان آن ها را از جهت ثروت و نعمات مادی کم کند و از سوی دیگر توانگران و طبقه مرفه جامعه را از تظاهر به ثروت یعنی از تجمل و آرایش مظاهر زندگی، از خانه و لباس و ماشین و غیره نهی فرموده و از مخارجی که در نظر عموم مردم غیر معمولی است و طبقه متوسط جامعه تحمل دیدن آنگونه خرج ها را ندارد (تحت عنوان) نهی از اسراف و تبذیر و امثال آن، جلوگیری نموده است و غرض از این ها ایجاد یک زندگی متوسطی است که فاصله طبقاتی در آن فاحش و بیش از اندازه نباشد تا در نتیجه، ناموس وحدت و همبستگی زنده گشته، خواسته های متضاد و کینه های دل و انگیزه های دشمنی بمیرند، چون هدف قرآن این است که زندگی بشر را در شوون مختلفش نظام ببخشد و طوری تربیتش دهد که سعادت انسان را در دنیا و آخرت تضمین نماید و بشر در سایه این نظام در معارفی حق و خالی از خرافه زندگی کند، زندگی همه در جامعه ای باشد که جو فضائل اخلاق حاکم بر آن باشد و در نتیجه در عیشی پاک از آنچه خدا ارزانش داشته استفاده کند و داده های خدا برایش نعمت باشد، نه عذاب و بلا و در چنین جوی، نواقص و مصائب مادی را برطرف کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳۶/۲-۵۳۵).

ایشان در ادامه نیز می فرماید: «و چنین چیزی حاصل نمی شود مگر در محیطی پاک که زندگی نوع، در پاکی و خوشی و صفا شبیه به هم باشد و چنین محیطی هم درست نمی شود مگر به اصلاح حال نوع، به اینکه حوائج زندگی تأمین گردد و این نیز بطور کامل حاصل نمی شود مگر به اصلاح جهات مالی و تعدیل ثروتها و به کار انداختن اندوخته ها و راه حصول این مقصود، انفاق افراد می باشد، چون مؤمنین همه برادر یکدیگرند و زمین و اموال زمین هم از آن یکی است و او خدای عزوجل است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳۷/۲).

علامه طباطبایی با ارائه تعریفی از انفاق و بحث درباره منزلت این فضیلت در جامعه انسانی به بررسی مسئله انفاق و جایگاه آن پرداخته است و می نویسد: «انفاق در راه خدا عبارت است از دادن یکی و گرفتن چند برابر آن، می گوئیم: مثل آنچه که در راه خدا انفاق می کنی، مثل کاشتن دانه ای است که وقتی سبز می شود هفت سنبله و در هر سنبله صد دانه به وجود می آید و این مثل یک مثل فرضی و خیالی است. جامعه انسانی به منزله تن واحد و دارای اعضای مختلف است و اعضای آن هر چند اسامی و

ایشان در جایی دیگر به دسته بندی و تقسیم بندی انواع امانت و مصادیق آن پرداخته است و می نویسد: پس واژه امانت گاه به معنای صفتی از صفات نفسانی انسان و در مقابل صفت خیانت است -به فرد متصف به این صفت، امین گفته می شود- و گاه به مالی اطلاق می گردد که نزد فردی به امانت گذاشته شده است به طور کلی در وهله اول، امانت را می توان به دو شاخه: معنوی و مادی تقسیم کرد هر کدام از این دو نیز دارای شاخه های متعدد و آثار متناسب با خود دارند. امانت های معنوی مانند: اسلام، ایمان، قرآن، نماز، ولایت، مقام و... امانت های مادی مانند: ودیعه مالی، قرض الحسنه، بیت المال، سپرده های گوناگون در نزد اشخاص حقیقی و حقوقی، بانکها و... (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۷/۲۰).

از خصلت های بسیار زیبا و پسندیده، امانتداری و بازگرداندن بموقع و همراه با حفظ سلامت امانت است. معمولاً انسان در زندگی به انسان های امین نیازمند می شود، تا مال، وسیله، راز یا مطلب مهمی را نزد آن ها به امانت بسپارد. امانتگذاری ناشی از اعتماد به امانت گیرنده است. حفظ امانت دیگران، مراعات اعتماد آن ها و احترام به احساسات پاک انسانی است. امانتداری اگر در جامعه گسترش یابد، سایه رحمت «دیگر دوستی را» بر سر مردم می گستراند و پیوند میان افراد اجتماع را محکم تر می کند.

انفاق

در اصطلاح انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از بخشش کردن مال های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است می باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۵/۲).

یکی از بزرگترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن حقوق الناس و حقوق الله مورد اهتمام قرار داده و به طرق و انحاء گوناگون، مردم را بدان وادار می سازد، انفاق است پاره ای از انفاقات از قبیل زکات، خمس، کفارات مالی و اقسام فدیة را واجب نموده و پاره ای از صدقات و اموری از قبیل وقف سکنی دادن مادام العمر کسی، وصیتها، بخششها و غیر آن را مستحب نموده است. علامه طباطبایی در تفسیر میزان درباره مقصود و هدف متشروع از وضع اصل انفاق را



رذائل اخلاق اجتماعی در تفسیر المیزان

نقطه مقابل فضائل اخلاق اجتماعی، رذائلی است که در حوزه اخلاق اجتماعی موجب ضعف و نقصان در روابط اجتماعی میان انسان ها، کاهش امنیت اجتماعی و ... می گردد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به بسیاری از رذائل اخلاق اجتماعی در ذیل آیات مرتبط با آن ها اشاره کرده است که مهم ترین آن ها در ادامه آمده است.



سنت خود، همچنین عاقبت اسرافگری شما هم هلاکت شما است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۶/۱۸). بدین ترتیب علامه طباطبایی، نابودی و هلاکت جوامع استهزاء کننده هدایت و دعوت الهی را از جمله آثار استهزاء و تمسخر می داند و اعتقاد دارد که جوامعی که در برابر هدایت الهی دست به تمسخر می زنند، در نهایت سرنگون خواهند شد. بنابراین استهزاء مایه ی دشمنی دنیا و عذاب و گرفتاری آخرت است.

عبارت است از اینکه چیزی بگویی که با آن، کسی را حقیر و خوار بشماری، حال چه اینکه چنین چیزی را به زبان بگویی و یا به این منظور اشاره ای کنی و یا عملاً تقلید طرف را در آوری، به طوری که بینندگان و شنوندگان بالطبع از آن سخن و یا اشاره و یا تقلید بخندند؛ و کلمه قوم به معنای جماعت است، که البته در اصل به معنای جماعتی از مردان است و شامل زنان نمی شود، چون مردانند که به امور مهمه قیام می کنند نه زنان؛ و مراد از قوم در آیه مورد بحث همین معنا است چون این لفظ در مقابل نساء قرار گرفته است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۷/۱۸). خداوند در قرآن کریم، استهزای پیامبران از سوی دشمنان را از جمله اولین و

اصلی ترین دستاویزهای دشمنان برای مقابله با دین حق دانسته و می فرماید: **لَوْ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ** (سوره زخرف/ آیه ۷)؛ «هیچ پیامبری سوی آنان نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند.» علامه طباطبایی ذیل آیه فوق می نویسد: «چه بسیار پیامبرانی در امت های گذشته فرستادیم، در حالی که هیچ پیامبری برایشان نیامد مگر آنکه او را استهزاء کردند، و کار بدین جا منجر شد که آنها را هلاک کردیم، با اینکه خیلی نیرومندتر از شما بودند. آری آنها را هلاک کردیم، نه اینکه از کار خود دست برداریم. پس همانطور که عاقبت اسراف و استهزاء آنان هلاکت خود آنان بود، نه دست برداری ما از

استهزاء

یکی از رفتارهای ناشایست که گروهی برای بی اعتبار کردن دیگران از آن بهره می گیرند استهزاء و سخریه است. استهزاء از جمله بیماری های بسیار زشت و قبیح زبان است که عواقبی چون آزدگی، دشمنی و انتقام جویی را در جامعه بشری به بار می آورد و روح وحدت و یکپارچگی را از میان می برد. علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۱ سوره مبارکه حجرات در ارائه تعریفی از استهزاء می نویسد: «کلمه سخریه که مبدأ اشتقاق کلمه یسخر است، به معنای استهزاء می باشد؛ و استهزاء

عیب جویی و تجسس

عیب جویی و تجسس از دیگر رذائل اخلاق در حوزه اجتماعی است که علامه طباطبایی در المیزان بدان اشاره کرده است. ایشان ذیل آیه ۱۱ سوره مبارکه حجرات، ضمن بررسی مفهوم عیب جویی، عیب جویی و تجسس در دیگران را یکی از رذائل اخلاق اجتماعی دانسته که در اسلام نسبت

بدان پرهیز شده است «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ» کلمه لمز که مصدر «تلمزوا» است (ألوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۵۳/۲۶). به معنای این است که شخصی را به عیبش آگاه سازی و اگر کلمه مزبور را مقید به قید «انفسکم» خود را» نموده، برای اشاره به این است که مسلمانان در یک مجتمع زندگی می کنند و در حقیقت همه از همدند و فاش کردن عیب یک نفر در حقیقت فاش کردن عیب خود است. پس باید از لمز دیگران به طور جدی احتراز جست (همان طور که از لمز خود احتراز داری و هرگز عیب خودت را نمی گویی) و همانطور که حاضر نیستی دیگران عیب تو را بگویند. پس کلمه «انفسکم» با همه کوتاهی اش حکمت نهی را بیان می کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۹/۱۸). پاسخ های جامعه محور دارای جلوه های متعددی

که در اطراف آن شخص تجسس کنند تا برای آبروریزی، بدنامی و رسوایی او عیب و نقصی را به دست آورند و آن را در میان مردم ترویج نمایند. حال آنکه آنچه از تعالیم اسلام به ما رسیده چیز دیگری است و این تعالیم مدام بر این امر تکیه دارند که نه تنها در کار دیگران تجسس نکنید و دنبال این نباشید که عیوب دیگران را فاش کنید، بلکه عیوب دیگران را ببوشانید و از بدنامی و رسوایی و هتک آبروی آن ها جلوگیری نمایید.

باطنی، از مسخره کننده بهتر باشند. گناه بزرگ عیبجویان، از یک سوی به این صورت است که با علم و آگاهی از عیب و گناه دیگران، آن را در میان مردم فاش می کنند و به این وسیله هم باعث آبروریزی ایشان می شوند، و هم ترویج کننده فساد و فحشاء در میان مردم می گردند؛ اما از سوی دیگر کار زشت عیب جویان، به این صورت است که از عیب و نقص و لغزش دیگران آگاهی ندارند، اما سعی و تلاش ایشان این است

هستند که دوره مراقبت، محرومیت از حقوق اجتماعی، جزای نقدی روزانه و خدمات عمومی رایگان از آن جمله اند. ۲ در این خدمات عمومی رایگان شاخص ترین پاسخ های جامعه مدار است که بر اساس آن نوجوانان بزه کار، به کار کردن رایگان برای یک دوره معین محکوم می شوند بدین سان، در پرتو این پاسخ نوجوان بزه کار ساعت های مشخص شده ای را به طور رایگان به انجام کارهای دارای منفعت عمومی مبادرت می ورزند.

پس مسخره کردن، عیب جویی و لقب زشت به یکدیگر دادن، از جمله کارهایی است که خداوند آشکارا و به شدت، اهل ایمان را از آن نهی کرده و به آن هشدار داده است. در آیه ابتدای بحث، خداوند هم مردان و هم زنان را از این کار برحذر داشته و یک دلیل ساده و قانع کننده نیز آورده و فرموده است؛ شاید کسی که مسخره می شود، بهتر از مسخره کننده باشد. آدمی هنگامی دیگران را مسخره می کند که خود را بهتر از دیگران می بیند و دیگران و کار آن ها در چشم او خوار و بی مقدار جلوه می کند. از این رو، خداوند در این آیه، این نکته را یادآور می شود که شاید همین افراد که در نگاه شما بی ارزشند، از خود شما بهتر باشند و از نظر اعتقادی یا تسلیم

اسراف گرایی

اسراف گرایی یکی از رذائل اخلاقی در حوزه اجتماعی است که دارای تاثیر فراوانی بر اجتماع بشری به ویژه در حوزه اقتصادی دارد. روحیه اسراف گرایی به حدی در قرآن کریم نکوهیده است که آیات الهی مسرفین را برادران شیطان خوانده اند (سوره اسراء / آیه ۲۷). علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۴۱ سوره مبارکه انعام تصریح دارد که مردم و صاحبان ثروت نسبت به جامعه خویش مسئولند و نمی توانند هرگونه اسراف را در جامعه روا دارند و ایشان با توجه به این آیه می نویسد: «و اینکه فرمود: (و لا تسرفوا) معنایش این است که در استفاده از این میوه ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز مکنید، درست است که شما صاحب آن هستید و لیکن نمی توانید در خوردن آن و بذل و بخشش از آن زیاده روی کنید، و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین نموده به کار بنزید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید. و همچنین فقیری که از شما می گیرد نمی تواند در آن اسراف نموده مثلاً آن را تزیین کند. پس آیه مطلق و خطاب آن شامل جمیع مردم است چه مالک و چه فقیر» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۱/۷).

است که در استفاده از این میوه ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز مکنید، درست است که شما صاحب آن هستید و لیکن نمی توانید در خوردن آن و بذل و بخشش از آن زیاده روی کنید، و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین نموده به کار بنزید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید. و همچنین فقیری که از شما می گیرد نمی تواند در آن اسراف نموده مثلاً آن را تزیین کند. پس آیه مطلق و خطاب آن شامل جمیع مردم است چه مالک و چه فقیر» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۱/۷).

گفته های ناگفته

۳۲۱. بعضی وقت ها زحمت آدمی که به ثمر می نشیند و می توانی از سود آن استفاده کنی بسیار گوارا خواهد بود ولی زجر حتی وقتی بعد از چند سال برایت یادآوری هم می شود مشقت بار و ناگوار است.
۳۲۲. زحمت آن است که انسان خود به دنبال آن می رود تا دنیای ایده آل خود را بسازد و هیچ فراری از آن ندارد ولی زجر چیزی است که انسان دائماً از آن فرار می کند و ترس گرفتاری از آن دارد.
۳۲۳. بیشتر اوقات آدمی زحمت را برای پیشرفت خود به جان می خرد ولی ممکن است زجر را به خاطر دیگران و عمل ناخوشایند آنها متحمل شود.

۳۲۴. زحمت همواره با امید و شادابی همراه است ولی زجر با ناامیدی و دل مردگی همراه می شود.
۳۲۵. زحمت به مانند شیر دادن مادر به کودک است، نگه داری و مواظبت از او به امید بزرگ شدن و دست گیری و یا تلاش یک معلم برای سواد شاگردانش، ولی زجر از دست دادن پدر در کودکی و تحمل بار سخت زندگی در جوانی.

زندگی

۳۲۶. همیشه باید در زندگی مواظب آدم های روباه صفت گرگ پیشه باشیم تا آسیبی به زندگی و حیثیت ما وارد نشود.
۳۲۷. هیچ گاه غریبه ای را به حریم خصوصی خود وارد نکن و الا روزی می رسد که دیگر حریم خصوصی برایت باقی نمی ماند.
۳۲۸. حریم مهرورزی آن است که که مرد نتواند حضور غیر را در حریم خصوصی خود تحمل کند و باید به هر روشی که ممکن است به دیگران بفهماند که هرگز حق ورود ندارد.
۳۲۹. مردی که غیرت ندارد همانند خانه ای است که در آن همیشه باز است و هر رهگذری می تواند بدون دق الباب به آن خانه ورود کند.

گفته های ناگفته

۳۳۰. مردی که قدرت و منش بالای فکری دارد می داند که برای حفاظت خانواده اش باید برای دیگران نقش یک سیم خاردار را داشته باشد که در صورت هرگونه دست درازی و یا چشم طمع از سوی یک غریبه آسیب جدی به طرف مقابل وارد کند.

۳۳۱. انسان ها بهتر است گدا باشند تا گدا صفت؛ زیرا آنان که صفتشان را گدایی کرده اند هیچ گاه چشمشان سیری نخواهد داشت و همیشه چشم به مال مردم دارند.

۳۳۲. گاهی بعضی از آدم های بی مقدار برای دیگری خط و نشان می کشند ولی خوشان هم می دانند که در حد و اندازه ای نیستند که بخواهند دشمنی کنند و یا به طرف مقابل آسیبی برسانند، زیرا اینان خفاش های نجاست خواری هستند که فقط به بوی بد عادت کرده اند و خو گرفته اند.

۳۳۳. تکیه گاه یک زن در زندگی مردی است که به عنوان همسر انتخاب کرده است، هرچه مرد پاک تر و با اخلاص تر باشد زن به زندگی اش اتکای بیشتری خواهد داشت و هرگز خیانتی در این زندگی صورت نمی گیرد.

۳۳۴. زندگی همانند خانه ای است که با چندین ستون پابرجا مانده و اگر این ستون ها متزلزل یا خراب شوند خانه نیز از هم پاشیده خواهد شد و بر سر صاحبش خراب می شود؛ پس آنکه طالب خانه ای آباد است همیشه باید از ستون ها مراقبت کند.

۳۳۵. آنچه موجب محبت بیشتر زن به شوهرش می شود، طرز صحبت کردن او در جمع و طریقه بیان کلماتش است.

۳۳۶. مردان همیشه در انتخاب همسر به دنبال زنانی هستند که در مرحله اول با حیا و خانواده دار و بعد با شعور و خوش گفتار باشند. ۳۳۷. زنی که به شوهر خودش محبت کند و او را از صمیم قلب دوست داشته باشد، شوهرش هرگز چشم چران نخواهد شد و تا آخر عمر وفادار باقی می ماند.

اسراف و تبذیر از جمله مشکلات و معضلات فردی و اجتماعی است که از دیر زمان خانواده ها و جامعه ها به آن مبتلا بوده و هستند بطوری که زیاده روی در مصرف و مصرف گرایی مشکلات اقتصادی متعددی را برای جامعه اسلامی بوجود آورده است. زندگی مسرفانه و تبذیر آمیز با ناپود کردن هویت اصیل انسانی و تهی ساختن انسان از ارزش های معنوی روحیه تلاش و سازندگی را از میان برده فساد را گسترش داده و زمینه انحطاط و انحراف را در جامعه فراهم می آورد. یکی از مصادیق اسراف زیاده روی در مصرف انواع خوراکی ها و آشامیدنی ها است. افراط در مصرف غذا خواه به صورت پرخوری نمایان شود یا به صورت استفاده ناقص از آن و دور ریختن بخشی دیگر هر دو از نظر اسلام پذیرفته نیست و مشمول عنوان کلی اسراف یا تبذیر خواهد بود. اسراف در پوشاک و همچنین اسراف در مسکن نیز از دیگر مصادیق عمده اسراف محسوب می گردند که در سال های اخیر بسیار نمودار گشته است.

اخلاق اجتماعی از مهمترین بخش های اخلاق اسلامی است. اسلام دینی اجتماعی است و حتی احکام فردی آن نیز در جهت اصلاح روابط اجتماعی و تقویت اهداف قرآنی استفاده می شود

غیبت

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن اشاره به دلایل نهی از غیبت، به بیان آثار مخرب این ردیلت اخلاقی بر جوامع بشری اشاره داشته و می نویسد: «شارع اسلام از این جهت از غیبت نهی فرموده که: غیبت اجزای مجتمع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می سازد، و از صلاحیت داشتن آن آثار صالحی که از هر کسی توقعش می رود ساقط می کند،

و آن آثار صالح عبارت است از اینکه هر فرد از افراد جامعه با فرد دیگر بیامیزد و در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری با او یکی شود، و ترسی از ناحیه او به دل راه ندهد،

و او را انسانی عادل و صحیح بداند، و در نتیجه با او مانوس شود. نه اینکه از دیدن او بیزار باشد و او را فردی پلید بشمارد.

در این هنگام است که از تک تک افراد جامعه آثاری صالح عاید جامعه می گردد، و جامعه عیناً مانند یک تن واحد متشکل می شود؛ و اما اگر در اثر غیبت و بدگویی از او بدش بیاید و او را مردی معیوب بیندارد، به همین مقدار با او قطع رابطه می کند،

و این قطع رابطه را هر چند اندک باشد، وقتی در بین همه افراد جامعه در نظر بگیریم،

آن وقت می فهمیم که چه خسارت بزرگی به ما وارد آمده، پس در حقیقت عمل غیبت و این بلای جامعه سوز به منزله خوره ای است که در بدن شخص راه یابد، و اعضای او را یکی پس از دیگری بخورد، تا جایی که به کلی رشته حیاتش را قطع سازد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۲/۱۸).



دروغ گوئی

علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۸ سوره مبارکه یوسف (وَ جَاؤْ عَلٰی قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ)، می نویسد: «معلوم می شود که چراغ دروغ را فروغی نیست و هیچ گفتار و پیشامدی دروغین نیست مگر آنکه در اجزای آن تنافی و در اطرافش تناقض هایی به چشم می خورد که شاهد دروغ بودن آن است (و به فرضی هم که طراح آن، خیلی ماهرانه طرحش کرده باشد) اوضاع و احوال خارجی که آن گفتار دروغین محفوف به آن است بر دروغ بودنش شهادت داده و از واقع و حقیقت زشت آن هر چه هم که ظاهرش فریبنده باشد پرده برمی دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۰/۱۱). دروغ گوئی موجب بروز بسیاری از رذائل اخلاق فردی و اجتماعی دیگر در بشر نیز خواهد شد؛ «دروغگوئی یکی از رفتارهای ناپسندی است که باعث انحراف نفس از صحت، سلامتی و راستی می گردد. انسان دروغگو برای همیشه در حال راست جلوه دادن گفته ها و کرده های خود است، که در پی این کار دست به گناه هایی چون نفاق، خیانت، ریا، خلف وعده و عهد شکنی و ... می زند، که هم خود را در منجلاب پلیدی غرق کرده و هم موجب فساد اعضای دیگر را نیز فراهم می کند» (انصاریان، ۱۳۷۳: ۳۳/۵). پس دروغ، سخن برخلاف حقیقت است و دروغ گو کسی است که برخلاف حقیقت، خبری می دهد. بزرگ ترین درد جامعه و شاید ریشه پیشینه مشکلات امروزی، رواج دروغ گوئی و ناراستی در زندگی روزمره است. دروغ و دروغ گوئی چنان کم اهمیت و ناچیز شمرده شده است که ما نه به خاطر منافع و سود خود، بلکه تنها به جهت سرگرم شدن نیز به آسانی دروغ می گوئیم.



عیب جوئی و تجسس

تکبر یک حالت نفسانی و درونی است که در انسان بوسیله بزرگتر و بهتر دیدن و بلند مرتبه شمردن خود نسبت به دیگری بوجود می آید به طوری که شخص بر این اعتقاد غلط تکیه می کند سپس خودش را مهم، عزیز و با منزلت و دیگران را پست و ناچیز می داند و به این عزت و بزرگواری پوشالی خود شاد می شود (دستغیب، ۱۳۶۳: ۱۵۵/۱).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن اشاره به ضرورت حفظ تواضع و اجتناب از تکبر به هنگام حضور در اجتماع، می نویسد: «خوشحالی بیرون از حد اعتدال مرح است، زیرا خوشحالی به حق آن است که از باب شکر خدا در برابر نعمتی از نعمت های او صورت گیرد و چنین خوشحالی هرگز از حد اعتدال تجاوز نمی کند و اما اگر بحدی شدت یافت که عقل را سبک نموده و آثار سبکی عقل در افعال و گفته ها و نشست و برخاستنش و مخصوصاً در راه رفتنش نمودار شد چنین فرحی، فرح به باطل است و جمله «لَا تَمَسِّ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً» نهی است از اینکه انسان به خاطر تکبر خود را بیش از آنچه هست بزرگ بداند، و اگر مسئله راه رفتن به مرح را مورد نهی قرار داد، برای این بود که اثر همه آن انحراف ها در راه رفتن نمودارتر می شود و جمله

«إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طَوْلاً»

کنایه است که این ژست و قیافه ای که به منظور اظهار قدرت و نیرو و عظمت به خود می گیری» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۲/۱۳).

زیانتهایی که تکبر برای انسان به بار می آورد و باعث می شود که انسان در دوره هولناک شقاوت و گمراهی سقوط کند اینکه باعث از بین رفتن الفت و دوستی می شود و صفا و صمیمیت را به کینه و دشمنی تبدیل می کند و باعث نفرت عمومی از فرد می شود.

همان طور که شخص از افراد دیگر انتظار دارد که به او محبت کنند و به او احترام بگذارند باید او هم به همان اندازه به دیگران محبت کند و بر ایشان احترام قائل باشد و از هر چه مخالف با دوستی و ارتباط صمیمانه است و موجب قطع شدن محبت و علاقه بین انسان ها می شود خودداری کند بی اعتنائی به احساسات مردم باعث می شود که آنها هم عکس العمل نشان داده و در نتیجه به خود شخص توهین می شود.

گفته های ناگفته

۳۳۸. ستون های زندگی عبارت اند از :

۱. صداقت در عمل و گفتار
۲. پاکی در چشم و قلب
۳. نداشتن شک به یکدیگر
۴. احترام متقابل به یکدیگر
۵. ایمان و توکل به خدا
۶. عدم حضور غیر در حریم زندگی طرفین
۷. فکر خوب نسبت به یکدیگر
۸. احترام به سایر اعضای خانواده
۹. درک کردن یکدیگر
۱۰. گذشت در مورد اشتباهات سهوی نه عمدی
۱۱. برخورد قاطع مرد در مورد مسائلی که به زندگی اش مربوط است
۱۲. داشتن هوشیاری کامل در مورد مسائل پیرامونی
۱۳. انگیزه دادن طرفین به هم
۱۴. داشتن محبت زن و شوهر به هم
۱۵. صبر داشتن نه بیخیالی
۱۶. داشتن عزت نفس مرد در زمان سختی ها
۱۷. حفظ حیا و حجاب زن در تمام زندگی
۱۸. نشان دادن غیرت و تعصب مردانه در تمام طول زندگی
۱۹. داشتن شعور و منطق اجتماعی.

۳۳۹. زن و شوهری که طالب یک زندگی آرام و طولانی با یکدیگر هستند تنها کافی است در موقع دلخوری و مشاجره دقایقی را سکوت و تحمل کنند.
۳۴۰. مردی که طالب زندگی شیرین و آرامش همسرش می باشد باید در طول روز دقایقی را فقط صرف گوش دادن به صحبت های همسرش کند.
۳۴۱. زنی هم که طالب مهر شوهرش خود می باشد باید همیشه به خاطر داشته باشد که محبت را از او دریغ نکند و در طی روز دقایقی را فقط به آسایش همسرش بگذارد.

Social ethics from the perspective of interpreting al-Mizan

M. Sarafi

Abstract

The Holy Quran is a guidebook. The Book of God, the Holy Qur'an is the best source for exploring and extracting the principles of moral virtues, including the principles of social ethics and its solutions. The social ethics section is one of the most important parts of Islamic ethics. Human beings necessarily need to live in society and depend on the help of others and helping others. Familiarity with the issues of this life is very necessary. Considering the verses and narrations and the short reflection in the surrounding life, we see that many of the attributes of evil and the sins of this community and the relationship arise and many of the attributes of goodness and rewards and virtues of this section. Professor Tabatabai is one of the best contemporary scholars in the Islamic arts and mathematics department. The manner in which the interpretation of al-Mizan is different from other interpretations is because Professor Tabatabai has interpreted various aspects of morality, syntax, lexical, philosophical, and social. Among the interpretations of the Qur'an, the interpretation of al-Mizan, considering that for each of the vices and virtues of social ethics, according to other Qur'anic verses and with its rational and proper rationalization, has provided the correct narrative and rational explanation as one of the best interpretations of The subject of social ethics.

This research is in the first chapter of the general research (expressing the issue of necessity and goals ...) and in the second chapter the research literature (definition of morality, community from the perspective of other ethical thinkers), and in the third chapter of virtues and vices (lies, absenteeism, oppression, Justice, affection, slander ...) and in the fourth chapter, the conclusion is drawn.

Keywords: Ethics, Society, Interpretation of Al-Mizan, Professor Tabatabai

تن در دهد، این غرض حاصل بشود، و افراد بشر دور هم جمع شوند، با یکدیگر تعاون و معاهدت داشته باشند، وگرنه اگر این پرده پوشی خدای تعالی نبود، با در نظر گرفتن اینکه هیچ انسانی منزله از تمامی عیوب نیست، هرگز اجتماعی تشکیل نمی شد» (همان: ۵۱۳/۱۸).

ایشان همچنین گناه و رذیلت غیبت کردن را متلازم با بسیاری از رذائل اخلاق اجتماعی همچون عیب جویی و تجسس کردن دانسته و می فرماید: «همین تعلیلی که در جمله «أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ...» برای حرمت غیبت آمده، تعلیل برای حرمت تجسس نیز هست، چون فرق غیبت با تجسس تنها در این است که غیبت اظهار عیب مسلمانی است.

برای دیگران چه اینکه عیبش را خود ما دیده باشیم و چه اینکه از کسی شنیده باشیم - و تجسس عبارت است از اینکه به وسیله ای علم و آگاهی به عیب او پیدا کنیم. ولی در اینکه هر دو عیب جویی است مشترک اند، در هر دو می خواهیم عیبی پوشیده بر ملا شود.

در تجسس برای خود ما بر ملا شود، و در غیبت برای دیگران؛ و به همین جهت بعید نیست که جمله «أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا...» تعلیل باشد

برای هر دو جمله، یعنی هم جمله «وَلَا تَجَسَّسُوا» و هم جمله «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا» این را هم باید دانست که در این کلام اشعار و یا دلالتی هست بر اینکه حرمت غیبت تنها درباره مسلمان است، به قرینه اینکه در تعلیل آن عبارت «لَحْمَ أَخِيهِ» را آورده، و ما می دانیم که اخوت تنها در بین مؤمنین است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۵/۱۸).

نتیجه گیری

می نماید و از میان این سه عامل « ستایش و نکوهش مردم»، « فواید اخروی فضائل» و « رفع زمینه های رذائل اخلاقی»، عامل سوم یعنی رفع زمینه های رذائل اخلاقی را که مبتنی بر آموزه های قرآن است را بر می گزیند. ایشان در ذیل آیات قرآن کریم که به آموزه های اخلاق اجتماعی (فضائل و رذائل) می پردازند، بحث های مفصلی را درباره هر کدام از رذائل و فضائل اخلاقی را ارائه داده اند. در این پژوهش سعی شد تا با روش تحلیلی توصیفی به بررسی مهم ترین فضائل و رذائل اخلاق اجتماعی در تفسیر شریف المیزان پرداخته شود. ایشان در بیان فضائل و رذیلت های حوزه اخلاق اجتماعی، علاوه بر تفسیر آیات مرتبط با آن ها، به بررسی و تبیین معنای آن ها نیز پرداخته و همچنین به عوامل و موانع برخی از آن ها نیز اشاره نموده اند.

ایشان در ادامه نیز درباره لزوم اجتناب از غیبت جهت حفظ شئونات جامعه بشری می فرمایند: «و انسان که از روز ازل به حکم ضرورت، اجتماع تشکیل داد، برای این تشکیل داد که یک زندگی اجتماعی داشته باشد، و در اجتماع دارای منزلتی شایسته و صالح باشد، منزلتی که به خاطر آن دیگران با او بیامیزند، و او با دیگران بیامیزد، و از خیر دیگران بهره مند، و دیگران از خیر او برخوردار شوند؛ و غیبت عامل مؤثری است برای اینکه او را از این منزلت ساقط کند و این هویت را از او بگیرد. در آغاز یک فرد را از عدد مجتمع صالح کم کند، و سپس فرد دوم و سوم را، تا آنجا که در اثر شیوع غیبت تمامی افراد جامعه از صلاحیت زندگی اجتماعی ساقط شوند، و صلاح جامعه به فساد مبدل گردد، و آن وقت دیگر افراد جامعه با هم انس نگیرند، و از یکدیگر ایمن نباشند، و به یکدیگر اعتماد نکنند، آن وقت است که دواء که همان تشکیل جامعه از روز نخست بود، به صورت دردی بی دواء درمی آید.

پس غیبت در حقیقت ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی است که خودشان از جریان اطلاعی ندارند و خبر ندارند که دنبال سرشان چه چیزهایی می گویند، و اگر خبر داشته باشند و از خطری که این کار برایشان دارد اطلاع داشته باشند از آن احتراز می جویند و نمی گذارند پرده ای را که خدا بر روی عیوبشان انداخته به دست دیگران پاره شود، چون خدای سبحان این پرده پوشی ها را بدین منظور کرده که حکم فطری بشر اجرا گردد، یعنی اینکه فطرت بشر او را و می داشت تا به زندگی اجتماعی

اخلاق اجتماعی از مهمترین بخش های اخلاق اسلامی است. اسلام دینی اجتماعی است و حتی احکام فردی آن نیز در جهت اصلاح روابط اجتماعی و تقویت اهداف قرآنی استفاده می شود اخلاق یکی از دغدغه های همیشگی جوامع بوده است. ضرورت پایبندی مردم به اصول اخلاق اجتماعی برای داشتن جامعه ای سالم، سبب شده است تا در قرآن که کتاب هدایت است، آیات بسیاری به این موضوع اشاره شود، زیرا خدایی که انسان را آفریده، از ابعاد شخصیتی او بهتر آگاه است و بهتر راه سعادت و کمال او را می شناسد و دستورات و قوانین خداوند برای سعادت فرد و جامعه، در قرآن کریم و سیره ی معصومین علیهم السلام تجلی یافته است. علامه طباطبایی سه شیوه اساسی را برای کسب فضائل و مصونیت از رذائل معرفی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه. اول: ۱۴۱۵ق.
۳. انصاریان، حسین. دیار عاشقان. بی جا: پیام آزادی. اول: ۱۳۷۳.
۴. دستغیب، عبدالحسین، آیین زندگی. قم، انتشارات ناس. اول: ۱۳۶۳.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ پنجم
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، نهایه الحکمه، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲، چاپ اول
۷. طباطبائی، سید محمدحسین؛ روابط اجتماعی در اسلام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ ش.
۸. طبرسی، فضل بن الحسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
۹. مصباح یزدی، محمد تقی. اخلاق در قرآن، تهران: امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۲
۱۰. نراقی، احمد. معراج السعاده، قم: پیام مقدس، چاپ اول، ۱۳۸۹ مقالات
۱۱. اکوان، محمد. « جایگاه اخلاق و رد نظریه نسبیّت از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر تفسیر المیزان». پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره هفتم: ۱۶۲-۱۳۵-۱۳۸۹.

گفته های ناگفته

۳۴۲. زن و شوهر باید توقعشان از یکدیگر معقول و قابل انجام باشد زیرا اگر توقع زنی از شوهرش فراتر از قدرت او باشد، عزت نفس شوهر را لگدمال خواهد نمود و اگر توقع شوهر بیش از حد از زن بالاتر باشد باعث افسردگی و دلزدگی او از زندگی می شود.

۳۴۳. گاهی اوقات می شود در زندگی با یک گذشت و صبر از یک مشکل و دلخوری طولانی مدت جلوگیری کرد و گاهی اوقات هم می شود با یک لجاجت بچه گانه زندگی آرام را به یک جهنم تبدیل کرد.

۳۴۴. زندگی برای هر کس تعریفی دارد؛ برای برخی همانند یک کشتی بی ناخدا می ماند که در یک دریای خروشان و طوفانی رها شده و هر لحظه ممکن است غرق شود و در زیر آب فرو رود، و برای برخی همانند یک کشتی می ماند که با حضور یک ناخدای ماهر می تواند از هر دریای طوفانی و موج به ساحل برسد.

سکوت منطقی

۳۴۵. گاهی باید آدمی سکوت کند یا عقب بکشد و به اندیشه ای فرو رود تا به نفع کسانی باشد که دغدغه آنها را در دل داریم و می خواهیم آنها متضرر نشوند، پس باید صبر پیشه آدمی شود تا پیران فرسوده، جوانان پیر و مردان با ایمان اندوهگین نباشند. ارزیابی باید باید در هر زمان مناسب با شرایط باشد و بردباری باید هماهنگ با صبر آدمی خرد باشد، گرچه این صبر آدمی مجالی چند به ناکسان از فهم و شعور می دهد، ولی مطمئناً آن چیزی را که انسان می داند درست است و به نفع بیشتر مردم باید همان را انجام داد.

Biological method for wastewater treatment

Mohammad Zeraat parvarian *

CEO of puyesh tahlilgaran tejarat Arvand company and member of young researchers and elite club ,omidiyeh branch,islamic azad university ,omidiyeh,iran

Email: puyeshnew@gmail.com

Cellphone number: +989168172635

Abstract

Phytoremediation is a cost-effective plant-based approach of remediation that takes advantage of the ability of plants to concentrate elements and compounds from the environment and to metabolize various molecules in their tissues. It refers to the natural ability of certain plants called hyperaccumulators to bioaccumulate, degrade, or render harmless contaminants in soils, water, or air. Toxic heavy metals and organic pollutants are the major targets for phytoremediation. Knowledge of the physiological and molecular mechanisms of phytoremediation began to emerge in recent years together with biological and engineering strategies designed to optimize and improve phytoremediation. In addition, several field trials confirmed the feasibility of using plants for environmental cleanup

Key words: Phytoremediation, hyperaccumulators, bioaccumulate, environmental cleanup

1. Introduction

Environmental remediation deals with the removal of pollution or contaminants from environmental media such as soil, groundwater, sediment, or surface water.

This would mean that once requested by the government or a land remediation authority, immediate action should be taken as this can impact negatively on human health and the environment.

Remedial action is generally subject to an array of regulatory requirements, and also can be based on assessments of human health and ecological risks where no legislated standards exist or where standards are advisory.

To help with environmental remediation, one can get environ-

mental remediation services. These services help eliminate radiation sources in order to help protect the environment.

Phytoremediation may be applied wherever the soil or static water environment has become polluted or is suffering ongoing chronic pollution. Examples where phytoremediation has been used successfully include the restoration of abandoned metal mine workings, and sites where polychlorinated biphenyls have been dumped during manufacture and mitigation of ongoing coal mine discharges reducing the impact of contaminants in soils, water, or air.

Contaminants such as metals, pesticides, solvents, explosives, and crude oil and its derivatives, have been mitigated

in phytoremediation projects worldwide. Many plants such as mustard plants, alpine pennycress, hemp, and pigweed have proven to be successful at hyperaccumulating contaminants at toxic waste sites.

Over the past 20 years, this technology has become increasingly popular and has been employed at sites with soils contaminated with lead, uranium, and arsenic. While it has the advantage that environmental concerns may be treated in situ, one major disadvantage of phytoremediation is that it requires a long-term commitment, as the process is dependent on a plant's ability to grow and thrive in an environment that is not ideal for normal plant growth

2. Advantages of phytoremediation

Phytoremediation has some advantages like:

The cost of the phytoremediation is lower than that of traditional processes both in situ and ex situ.

The plants can be easily monitored.

The possibility of the recovery and re-use of valuable metals (by companies specializing in "phyto mining")

It is potentially the least harmful method because it uses naturally occurring organisms and preserves the environment in a

more natural state.

It preserves the topsoil, maintaining the fertility of the soil.

Increase soil health, yield, and plant phytochemicals.

The use of plants also reduces erosion and metal leaching in the soil.



3. Limitations of phytoremediation

But phytoremediation has some limitations like:

Phytoremediation is limited to the surface area and depth occupied by the roots.

Slow growth and low biomass require a long-term commitment.

With plant-based systems of remediation, it is not possible to completely prevent the leaching of contaminants into the groundwater (without the complete removal of the contaminated ground, which in itself does not resolve the problem of contamination)

The survival of the plants is affected by the toxicity of the contaminated land and the general condition of the soil.

Bio-accumulation of contaminants, especially metals, into the plants which then pass into the food chain, from primary level consumers upwards or requires the safe disposal of the affected plant material.

When taking up heavy metals, sometimes the metal is bound to the soil organic matter, which makes it unavailable for the plant to extract

4. Case studies

In some research and patent, researchers found that phytoremediation is a good system for environment.

M. D. Smith I. Moelyowati(2001) in Duckweed based wastewater treatment (DWWT): design guidelines for hot climates found that wastewater treatment using duckweed therefore becomes more significant as an option capable of achieving effluent standards and generating revenue from selling the duckweed.

And J.M.Dalu, J.Ndamba(1988) in Duckweed based wastewater stabilization ponds for wastewater treatment found that Significant reductions to within permissible limits were obtained for most of the above-mentioned parameters except for phosphates, chemical and biological oxygen demand and turbidity. However, in these cases, more than 60% reductions were observed when the influent and effluent levels were compared. It is our belief that duckweed based waste stabilization ponds can now be used successfully for the treatment of domestic wastewater in small urban areas of Zimbabwe.

Sabine Körner *a, Jan E. Vermaatb and Siemen Veenstrac(2003) in The Capacity of Duckweed to Treat Wastewater research found that Duckweed species are promising macrophytes for use in sustainable wastewater treatment due to their rapid growth, ease of harvest, and feed potential as a protein source.

K.C.Bal Krishna(2003) in An integrated kinetic model for organic and nutrient removal by duckweed-based wastewater treatment (DUBWAT) system research found that This study was conducted to investigate the efficiency of duckweed (*Lemna gibba*) in treating a domestic wastewater and it had validated satisfactorily with data obtained from the literatures.

In our study with Duckweed in 2017 in Khuzestan province of Iran, we found that this plant can clean-up wastewater with its biological abilities.

5. Conclusion and result

With regard to environmental crises and the global water crisis, reducing environmental pollution and reducing water pollution are undeniable.

The special attention of the men's government in all countries should be taken into account for the large-scale and fundamental policies in view of the principle of the minimality of secondary environmental impacts. Men's government policy in utilizing the biological methods of wastewater treatment, with high proven efficiency and effectiveness, low costs as well as the minimality of environmental impacts, play a very important role in protecting the environment and natural resources and reducing water consumption.

References

- [1] Das, Pratyush Kumar (April 2018). "Phytoremediation and Nanoremediation : Emerging Techniques for Treatment of Acid Mine Drainage Water". *Defence Life Science Journal*. DESIDOC.
- [2] kin I (1998). "PHYTOREMEDIATION". *Annual Review of Plant Physiology and Plant Molecular Biology*.
- [3] Environmental Remediation, International Atomic Energy Agency.
- [4] Phytoremediation of soils using *Ralstonia eutropha*, *Pseudomas tolaasi*, *Burkholderia fungorum* reported by Sofie Thijs
- [5] Lone, Mohammad Iqbal; He, Zhen-li; Stoffella, Peter J.; Yang, Xiao-e (2008-03-01). "Phytoremediation of heavy metal polluted soils and water: Progresses and perspectives". *Journal of Zhejiang University SCIENCE B*.
- [6] Ali, Hazrat; Khan, Ezzat; Sajad, Muhammad Anwar. "Phytoremediation of heavy metals—Concepts and applications". *Chemosphere*.
- [7] Yahia A. Othman & Daniel Leskovar (2018): Organic soil amendments influence soil health, yield, and phytochemicals of globe artichoke heads, *Biological Agriculture & Horticulture*
- [8] Sarma, Hemen. "Metal Hyperaccumulation in Plants: A Review Focusing on Phytoremediation Technology". *Journal of Environmental Science and Technology*.
- [9] M. D. Smith I. Moelyowati(2001) in Duckweed based wastewater treatment (DWWT): design guidelines for hot climates
- [10] J.M.Dalu, J.Ndamba(1988) in Duckweed based wastewater stabilization ponds for wastewater treatment
- [11] Sabine Körner *a, Jan E. Vermaatb and Siemen Veenstrac(2003) in The Capacity of Duckweed to Treat Wastewater research
- [12] K.C.Bal Krishna(2003) in An integrated kinetic model for organic and nutrient removal by duckweed-based wastewater treatment (DUBWAT) system research

گفته های ناگفته

۳۴۶. گاهی اوقات یک سکوت عاقلانه و منطقی می تواند فتنه های خناسان را خنثی و اختلافات گسترده ای را فرو بنشاند، تا زمانی که رسوایی زمانی همه آنها را بدون انجام کاری فرا گیرد و این است منطق اصلی روزگار و قضا و قدری که همه به آن اعتقاد دارند.

۳۴۷. بهترین سکوت آن است که در آغاز جلسه و در پایان آن صورت بگیرد.

۳۴۸. گاهی اوقات انسان در شرایطی قرار می گیرد که اگر سخن بگوید می گویند حرص بر آن کار دارد و اگر خاموش باشد می گویند ترس او را فرا گرفته، کسی که حق را می شناسد ترس با او غریبه ای بیش نیست، پس آنکه سکوت می کند می داند علوم و فنون انسان شناسی را در نهان و آشکار.

۳۴۹. سکوت جایی معنا دارد که یا بر حقانیت رسیده باشی و یا از سر شجاعت و قدرت باشد ولی سکوت از سر ترس مساوی است با مرگ.

۳۵۰. گاهی اوقات انسان در شرایطی قرار می گیرد که اگر سخن بگوید می گویند حرص بر آن کار دارد و اگر خاموش باشد می گویند ترس او را فرا گرفته، کسی که حق را می شناسد ترس با او غریبه ای بیش نیست، پس آنکه سکوت می کند می داند علوم و فنون انسان شناسی را در نهان و آشکار.

۳۵۱. انسان های با سیرت پاک می دانند که هیچ گاه نباید در برابر شکم پرستی ناکسان و گرسنگی مظلومان سکوت کنند و همواره بر این اصول پایبند باشند که اگر حقی از مظلومی ضایع شد و آنها خود نمی توانند حق خواهی کنند این وظیفه کسانی است که حضور دارند و شاهد ضایع شدن حق آنها هستند.

۳۵۲. آنان که باید حق خواهی کنند و از سر مصلحت و منفعت زندگی خود عقب می کشند باید منتظر حيله گران ظالمی باشند که نه منفعتی برای آنها می گذارند و نه امیدی که بتوانند به راحتی زندگی کنند.

مطالب کلیدی مجله

- جوانان مثل خاک حاصل خیز می مانند که به یک کشاورز خوب و کارآمد نیاز دارند تا بذر را بکارند و از ظرفیت این زمین ها استفاده کند. ولی متاسفانه در حال حاضر جوان ها همانند زمین های بایر خشکیده شده اند و هیچ رمقی برای جوانه زدن ندارند. یا ایها المسئولین دریابید این زمین ها را.
- تاریخ هیچ وقت نمی گوید خدا حافظ، می گوید به امید دیدار.
- برای کسی که می فهمد هیچ توضیحی لازم نیست و برای کسی که نمیفهمد هر توضیحی اضافه است، آنان که می فهمند عذاب می کشند و آنان که نمی فهمند عذاب می دهند، مهم نیست که چه مدرکی دارید مهم این است که چه درکی دارید.
- به دختران خود محبت کنید و دائماً به آنها بگویید دوستت دارم، برایش بهترین ها را فراهم کنید، برایش هر چه لازم دارد بخرید، نگذارید هرگز غریبه ای به حریمش نزدیک شود و با یک اشاره او دلش بلرزد، هرگز او را در تنهایی خود رها نکنید و محیطی آرام برایش فراهم کنید.
- گاهی اوقات تنهایی بزرگتر می کند، آنقدر بزرگ که شاید دیگر هیچ وقت در زندگی هیچ کس جا نشوی.
- فقیرترین رئیس جمهور جهان خوزه موخیکا رئیس جمهور سابق کشور اوروگوئه در سال ۲۰۱۰ به ریاست جمهوری رسید و هرگز پایش را در کاخ ریاست جمهوری نگذاشت با اینکه همسرش هم عضو مجلس سنای کشور بود. او تنها دو محافظ داشت و ۹۰٪ حقوقش که ۱۲ هزار دلار بود را به خیریه می بخشید و درآمد ۷۷۵ دلاری دریافت می کرد، موخیکا خود در ثروت نبود ولی ثروت کشورش را از ۳۰ سال پیش از خود بیشتر کرد. میزان فقر را از ۴۰٪ به ۱۳٪ کاهش داد. او جزء ۱۰۰ چهره جهان است.
- ماهر محمد رهبر مالزی در زمان خود حقوق معلمان را ۱۰ برابر کرد وقتی به او اعتراض کردند گفت: معلمان سرمایه همیشگی هستند و چند سال بعد خواهید فهمید حمایت معلم یعنی چه. بعد از ۳۰ سال در حال حاضر مالزی جزء ۱۰ اقتصاد برتر جهان گردیده است.
- از نخست وزیر ژاپن راز پیشرفت کشورش را سوال کردند، او پاسخ داد ما به معلمان حقوق وزیر، مصونیت دیپلمات و احترام امپراطور را می دهیم، این است علت پیشرفت.



چاپ انواع کتاب، مقاله و مجله

مدیر مسئول: اسماعیل جانجانی

همراه: ۰۹۱۸-۸۶۳۱۵۹۳۰ / ۰۹۱۹-۸۹۰۹۸۴۰

Email: dadafarid@gmail.com

دلاو خوله

مدیر مسئول: اسماعیل جانجانی

شماره تماس: ۰۹۱۸-۶۳۱۵۹۳۰ / ۰۹۱۹-۸۹۰۹۸۴۰

ایمیل: dadkhahmag@gmail.com

سایت: www.dadkhahmag.ir